





وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
دانشگاه شهید اشرفی اصفهانی
دانشکده حقوق و الهیات
گروه حقوق

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته حقوق گرایش بین الملل
موضوع
تحلیل صیانت از حق حیات در اسناد حقوق بشری و اسلام

استاد راهنما:

دکتر مسعود راعی دهقی

استاد مشاور

دکتر امیر مقامی

پژوهشگر

زهرة حجازی فرد

مهر ماه ۱۳۹۸



وزارت علوم تحقیقات و فناوری
دانشگاه شهید اشرفی اصفهانی
دانشکده حقوق و الهیات
گروه حقوق

تأییدیه‌ی اعضای هیأت داوران حاضر در جلسه‌ی دفاع از پایان‌نامه کارشناسی ارشد
اعضای هیأت داوران نسخه‌ی نهایی پایان‌نامه‌ی خاتم زهره حجازی فرد را تحت عنوان تحلیل صیانت از
حق حیات در اسناد حقوق بشری و اسلام در رشته حقوق گرایش بین الملل نظر فرم و محتوا بررسی
نموده و پذیرش آن را با درجه عالی برای تکمیل درجه‌ی کارشناسی ارشد پیشنهاد می‌کنند.

اعضای هیأت داوران	نام و نام خانوادگی	رتبه علمی	امضاء
۱- استاد راهنما	دکتر مسعود راغی	دانشیار	
۲- استاد مشاور	دکتر امیر مقامی	استادیار	
۳- استاد داور	دکتر محمدهادی مهدوی	استادیار	
۴- استاد داور	دکتر علی رضا آرش پور	استادیار	
۵- مدیر گروه	دکتر محمد رضا شادمان قر	استادیار	

تقدیر و تشکر

سپاس خدای را که سخنوران، در ستودن او بمانند و شمارندگان،
شمردن نعمت های او ندانند

همچنین بر خود لازم می دارم مراتب سپاس را تقدیم حضور
جناب آقای دکتر استاد محترم راهنما جناب آقای دکتر،
استاد مشاور آقای دکتر که با راهنمایی های بی دریغ و به جا
مرا در این پژوهش یاری نمودند. در آخر از تمامی دوستان و
آشنایان که با دلگرمی شان مرا همراهی نمودند کمال تشکر و
قدردانی را دارم.

تقدیم به

پدر دلسوزم که با آهنگ کلامش دردم را به جان خسته اش می

خرید

تقدیم به مادرم، یگانه گوهر مهربانم که هر پیشرفت و موفقیت

را در زندگی مدیون فداکاری و زحمات اویم.

و تقدیم

به همسر فداکارم

و فرزندان دلبندم

چکیده

حقوق بشر واژه‌ای دو وجهی می‌باشد که یک سوی آن با اخلاق و سوی دیگر آن با حقوق ارتباط دارد وقتی صحبت از عدالت، برابری و همبستگی می‌کنیم سخن از اخلاقیات می‌گوییم و زمانی که از شناسایی حق و اعمال حق و ساز و کارهای لازم برای تضمین آن فراهم شود، در واقع جنبه حقوقی آن مورد بحث واقع شده است. حقوق بشر را که یک نوع اضافه‌ی تخصیصی در نظر بگیریم به دنبال آن واژه‌هایی مثل حق بر حیات، ممنوعیت شکنجه، حق دادخواهی، حق رأی دادن و حق آزادی بیان هم تالاول پیدا می‌کند. این دسته از حقوق را گاهی حقوق، اختیارات یا حقوق-آزادی‌ها هم نامیده‌اند. به حقوق-آزادی‌ها حقوق مدنی و سیاسی هم می‌گویند از سازوکارهای لازم برای اعمال حق و تضمین آن سخن به میان آوردیم که نهایتاً حقوق بشر را غوطه‌ور در پارادوکسی از ارزش‌های متعالی و ملاک‌های سیاسی می‌کند که برای رهایی از این پارادوکس باید به دنبال پیدا کردن مخرج مشترکی برای این دو بود. در نظام اسلام راهکارهایی را مشاهده می‌کنیم که ما را در رسیدن به این هدف راهنمایی می‌کند. چرا که نوع شناسایی که نظام اسلام در این رابطه به خصوص راجع به حق حیات دارد نگاهی منحصر به فرد، جامع و کامل به نظر می‌آید. در نظام اسلام شیوه شناسایی به طریقه صحیح و بر اساس فطرت انسان صورت پذیرفته است. بنابراین سوالات تحقیق از این قرار خواهد بود.

صیانت از حق حیات در اسناد بین المللی حقوق بشر و اسلام چگونه تبیین شده است؟

شیوه‌ها و روش‌های صیانت از حق حیات در اسلام کدامند؟

ساز و کارهای حمایت از حق حیات در اسناد بین الملل حقوق بشر چیست؟

اشتراکات و افتراقات صیانت از حق حیات در نظام بین الملل حقوق بشر و اسلام در چه مواردی

وجود دارد؟

کلیدواژه‌ها: صیانت حیات، حقوق بشر، نظام بین المللی حقوق بشر، نظام اسلامی

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
فصل اول: آموزه‌های فقه اسلامی و صیانت از حق حیات	۱
بخش اول: قرآن و دیدگاه ارزشی نسبت به حق حیات	۲
۱-۱) شرح آیه ۴۵ سوره مائده:	۳
۱-۲) شرح آیه ۱۹۴ سوره بقره	۴
۱-۳) شرح آیه ۱۷۹ سوره بقره	۵
۱-۴) شرح آیه ۳۳ سوره اسراء	۶
۱-۵) شرح آیه ۳۲ سوره مائده	۸
بخش دوم: قتل خطایی	۱۰
مبحث اول: آثار پرداخت دیه:	۱۰
مبحث دوم: پرداخت دیه از طریق عاقله قاتل	۱۲
۲) ارتکاب یکی از جرایم حدی که مستوجب اعدام می‌باشد.	۱۳
بخش دوم: راهکارهای غیر مستقیم در اسلام برای صیانت از حق حیات	۱۴
مبحث اول: رعایت دستورات بهداشتی در خوردن و آشامیدن	۱۴
مبحث دوم: آثار مخرب پر خوری در معنویت انسان	۱۵
مبحث سوم: معیار صحیح برای میزان خودنیها و آشامیدنی ها	۱۶
مبحث چهارم: آثار ظاهری پر خوری	۱۶
مبحث پنجم: آثار باطنی پر خوری	۱۷
مبحث ششم: آثار اجتماعی پر خوری	۱۷
مبحث هفتم: پر خوری از دیدگاه علم پزشکی و ارتباط آن با فرمایش امیر المومنین	۱۸
فصل دوم: نظام بین المللی حقوق بشر و صیانت از حق حیات	۱۹
بخش اول: رویکردی بر دیدگاه مکاتب در مورد مجازات اعدام	۲۰
بخش دوم: بررسی اسناد بین المللی و منطقه‌ای قبل و بعد از انقلاب کبیر فرانسه	۲۳
بخش سوم: کنوانسیون‌ها و اسناد بین المللی در جهت لغو و محدودیت مجازات اعدام	۲۷
مبحث اول: نگاهی به اقدامات انجام شده در تدوین اسناد لغو مجازات اعدام	۲۸
الف: اسناد الغا گر در سطح بین المللی	۲۸
الف-۱) اساسنامه دیوان کیفری بین المللی موسوم به اساسنامه روم مورخ ۱۷ ژوئیه ۱۹۹۸ .. ۲۸	

الف-۲) دومین پروتکل اختیار میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی مورخ ۱۵ دسامبر	
۱۹۸۹	۲۸
الف-۳) کنوانسیون حقوق کودک مورخ ۲۰ نوامبر ۱۹۸۹:	۲۹
ب) اسناد الغاگر منطقه‌ای	۲۹
۱) پروتکل کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی مورخ ۲۸ آوریل	
۱۹۸۳:	۲۹
۲) پروتکل شماره ۱۳ کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی مورخ ۲۱	
فوریه ۲۰۰۲:	۲۹
۳) پروتکل دوم کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر مورخ ۸ جون ۱۹۹۰:	۳۰
مبحث دوم - اسناد بین المللی محدود کننده اعدام:	۳۰
بخش چهارم: تاریخچه مجازات اعدام در ایران	۳۱
مبحث اول: مجازات اعدام در ایران باستان	۳۱
مبحث دوم: مجازات اعدام در دوران میانه ایران	۳۲
مبحث سوم: مجازات اعدام در دوران معاصر	۳۳
مبحث چهارم: مجازات اعدام در دوره جمهوری اسلامی ایران	۳۴
بخش پنجم: ماده ۶ میثاق بین المللی حقوق مدنی سیاسی در مورد حق حیات	۳۶
کمیته حقوق بشر	۳۶
مبحث اول: صدو بیست و چهارمین جلسه پذیرفته شده کمیته (۸ اکتبر تا ۲ نوامبر ۲۰۱۸) ..	۳۷
مبحث دوم: جلوگیری از محرومیت خودسرانه زندگی	۳۹
مبحث سوم: وظیفه برای پروتکل حیات	۴۴
مبحث چهارم: اعمال مجازات اعدام	۵۲
مبحث پنجم: ارتباط ماده ۶ میثاق با دیگر مواد و رژیم‌های حقوقی دیگر	۶۰
فصل سوم: بررسی تطبیق اشتراکات و افتراقات	۶۹
بخش اول: بررسی اشتراکات حق حیات در اسناد حقوق بشری اسلامی	۷۰
مبحث اول: شکنجه از منظر اسلام	۷۰
گفتار ۱. دلایل ممنوعیت و حرمت شکنجه	۷۰
گفتار ۲. ممنوعیت شکنجه در قوانین جمهوری اسلامی ایران به تبع دیدگاه اسلامی	۷۲
مبحث دوم: شکنجه و حقوق بین الملل:	۷۴

بند ۱:	۷۴
بند ۲: شکنجه در حقوق بشر دوستانه	۷۷
مبحث سوم: دفاع مشروع در اسلام	۷۹
گفتار اول: تفاوت میان جنگ و جهاد در دنیای اسلام	۷۹
گفتار دوم: انواع جنگ در اسلام	۷۹
الف) جنگ ابتدائی	۸۰
ب) جنگ تدافعی	۸۱
مبحث چهارم:	۸۲
گفتار اول: دفاع مشروع و حقوق بین الملل	۸۲
گفتار دوم: معیارهای حمله به کشور حامی تروریستها یا گروه شبه نظامی تحت دفاع مشروع	۸۳
مبحث پنجم: قواعد فقهی و حق بر محیط زیست سالم	۸۴
حرمت افساد در روی زمین	۸۴
مبحث ششم	۸۵
گفتار اول: مسئولیت بین المللی ناشی از خسارات زیست محیطی و پاره‌ای معاهدات بین المللی	۸۵
گفتار دوم: گسترش مبنای مسئولیت مدنی	۸۶
گفتار سوم: تلاش در جهت نهادینه کردن مسئولیت بین المللی ناشی از خسارات زیست محیطی	۸۷
گفتار چهارم: تلاش برای پذیرش مسئولیت کیفری بین المللی برای خسارت زیست محیطی	۸۷
گفتار پنجم: توسعه اقدامات پیشگیرانه به جای اقدامات جبرانی	۸۷
گفتار ششم: تلاش در جهت گسترش ضمانت اجراها و توسعه آن به سیستم‌های حقوقی ملی	۸۸
مبحث هفتم: خودکشی از منظر اسلام	۸۸
مبحث هشتم: خودکشی در حقوق بین الملل	۹۰
مبحث نهم: اسلام و حق بر درمان	۹۰
جنبه‌های مختلف حقوق بیماران از دیدگاه اسلام	۹۱
مبحث دهم: حق بر سلامت در اسناد بین الملل حقوق بشر	۹۴

گفتار اول: بررسی اسناد تصویب شده بین المللی.....	۹۴
الف) ماده ۵۵ منشور سازمان ملل متحد (۱۹۴۵ میلادی).....	۹۵
ب) ماده ۲۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر.....	۹۵
ج) ماده ۱۲ میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی.....	۹۵
د) کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی.....	۹۶
مبحث دوم: مجازات هم جنس گرایی در اسلام.....	۱۰۲
مبحث سوم: شرایط تحقق برای اجرای مجازات.....	۱۰۲
مبحث چهارم: هم جنس گرایی و ارتباط آن با کمیسیون ۲۰۱۸ ماده ۶ میثاق حقوق مدنی	
سیاسی.....	۱۰۲
مبحث چهارم: مجازات سنگسار در قوانین اسلامی.....	۱۰۳
گفتار اول: شرح و تفسیر سوره مائده (آیه ۴۲) در مورد مجازات سنگسار.....	۱۰۳
گفتار دوم: خطبه امام (علی) درباره سنگسار.....	۱۰۳
گفتار سوم: فقه شیعه و سنگسار.....	۱۰۴
گفتار چهارم: شرایط تحقق سنگسار در فقه اسلامی.....	۱۰۴
مبحث پنجم: افساد فی الارض.....	۱۰۶
گفتار اول: تحلیل افساد فی الارض از دیدگاه آیات و روایات اسلامی.....	۱۰۶
گفتار دوم: احکام مترتب بر محارب و مفسد.....	۱۰۶
گفتار سوم: تعریف چند تن از فقها راجع به محاربه.....	۱۰۷
گفتار چهارم: بکارگیری اسلحه و حکم در نظر گرفته شده برای آن.....	۱۰۸
مبحث پنجم) آدم ربایی و حکم در نظر گرفته شده برای آن.....	۱۰۸
گفتار پنجم: توبه لغو و حکم محارب در مورد آن.....	۱۰۸
مبحث ششم: ارتداد از منظر اسلام.....	۱۰۹
گفتار اول: انواع ارتداد.....	۱۰۹
گفتار دوم: عوامل تحقق ارتداد.....	۱۱۰
گفتار سوم: مجازات جرم ارتداد.....	۱۱۰
گفتار چهارم: نظر چند تن از فقهای اسلام راجع به حکم ارتداد.....	۱۱۱
گفتار پنجم: چند روایات از معصومین در زمینه حکم ارتداد.....	۱۱۱
مبحث هفتم.....	۱۱۲

گفتار اول: دلیل حرمت زنا در اسلام.....	۱۱۲
گفتار دوم: راههای اثبات زنا	۱۱۳
گفتار سوم: مجازات زنا	۱۱۳
مبحث هشتم سقط جنین و اسناد بین المللی	۱۱۵
حق جنین برای زندگی	۱۱۵
مبحث یازدهم سقط جنین و قوانین اسلامی	۱۱۷
منابع و مآخذ	۱۲۱

حق حیات به عنوان یک حق بنیادین حقوق بشر، از جمله حقوقی است که پیش از پیدایی دولت وجود داشته و دولتها موظف به محترم شمردن آن هستند. حقوق بشر از حق زیستن که طبیعی ترین خواستگاه حقوق بشر می باشد شروع می شود و به حقوق معنوی که موجد کمال و اعتلای بشر می باشد ختم می شود، آزادی بیان، آزادی قلم و اندیشه، بحث کرامت انسانی که در اسناد حقوق بشری از آن سخن به میان می آید فقط به ابعاد دنیوی انسان توجه داشته و به ابعاد معنوی که همان کرامت ذاتی است توجهی نداشته است.

در تحلیلی که نظام اسلام نسبت به حق حیات دارد آن را معنا دار معرفی می کند و دیدگاه متفاوتی را نسبت به اسناد حقوق بشری عرضه می دارد که فراتر از دیدگاه انسان بما هو انسان می باشد که متعلق به همه انسانهاست. حضرت علی (ع) در نهج البلاغه، ضمن شناسایی حق حیات بر اساس اسلام، حق حیات را بر اساس خلقت غیر ارادی شناسایی نموده اند. امام علی (ع) بیان ننموده اند که غیر مسلمانان بر اساس معنای ارادی حیات خویش دارای حق حیات می باشند، بلکه بیان داشته اند در دایره خلقت، حق حیات دارند. دایره خلقت همان بعد غیر ارادی و زیستی حیات است که بین انسانها مشترک می باشد. لازمه شناسایی حق حیات براساس خلقت (معنای غیر ارادی حیات) شناسایی حق حیات بر اساس بعد ارادی حیات (اسلام) می باشد. به عبارتی حق حیات در کنار معنای ارادی حیات امکان شناسایی دارد. بنابر این دین اسلام به خاطر نوع نگاهش به این معنا پارا از دیدگاه اگزیستانسیالیستی فراتر گذاشته و هدفی بالاتر از ایجاد یک استاندارد مشترک موفقیت ایجاد نموده است. تأثیر باورهای دینی در حقوق بشر و ارکان آن مثل حق حیات باعث بوجود آمدن تحولات بنیادین و شگرفی در نوع نگرش نسبت به رفتارهایی همچون به کشی، مجازات اعدام، سقط جنین و... در پی خواهد داشت و از ایجاد خسارات روحی و معنوی و مادی به میزان بسیار بالایی جلوگیری خواهد شد. یکی از مفاد حقوق بشر اسلامی حق حیات می باشد اینکه همه دولتها و جمعیتها و افراد از حق حیات دفاع کنند که این موضوع در حقوق بشر غربی هم آمده است. همین طور اهمیت حق حیات با ایجاد آن به صورت قانون در بخش دوم ماده ۴ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی منعکس شده است که در ماده ۶ همان میثاق هم به تفصیل آمده است. در این راستا سعی بر آن خواهد بود که نظریات اسلامی و دیدگاه های علمای برجسته اسلام در راستای اکمل بودن حق حیات در مقایسه با عقاید سکولار و کمونیستی در موقع نوشتن اسناد حقوق بشری در رابطه با حق حیات را مورد ارزیابی قرار دهم.

فصل اول:

آموزه‌های فقه اسلامی و صیانت از حق حیات

دین اسلام به عنوان یک دین جامع و کامل به ابعاد مختلف حیات نگاهی تامل برانگیز داشته، چرا که علاوه بر حیات فیزیکی مشترک در اسناد حقوق بشر و اسلام است. به جنبه دیگر آن که مرتبط با حیات اخروی انسانهاست توجه زیادی داشته است. که از آن به عنوان حیات معنوی هم یاد می شود. بنابراین اسلام مجازات اعدام را یک راه حل حمایتی برای افراد قرار داده است که عدم حمایت از آن به منزله عدم حمایت از جان دیگران است. در اسلام مجازات اعدام برای اشخاص مرتکب به جرائم حدی نیز در نظر گرفته شده است که در این فصل به آن خواهیم پرداخت.

بخش اول: قرآن و دیدگاه ارزشی نسبت به حق حیات

۱) آیاتی در قرآن کریم مبنی بر اقدام متقابل در مقابل شخص قاتل به خاطر از بین بردن حیات انسان دیگر وجود دارد. مثل آیه شریفه «ان النفس بالنفس»^۱ «جان در مقابل جان» و «فمن اعتدى عليك فاعتدوا عليه بمثل من اعتدى عليك»^۲ «و اگر کسی تجاوز بر شما روا داشت شما هم به همان اندازه وی را مورد تجاوز قرار دهید» و «ولکم فی القصاص حیاة یا اولی الابواب»^۳ «وای صاحبان خرد برای شما در قصاص حیات و زندگی هست».

«ولا تقتلوا النفس التي حرم الله الا بالحق»^۴ «نفسی را که خدا برای آن حرمت قرار داده است جز به حق، به قتل نرسانید». «یا ایها الذین آمنوا لا تاكلوا اموالکم بینکم بالباطل الا ان تكون تجارة عن تراض منکم و لا تقتلوا انفسکم ان الله کان بکم رحیم»^۵ «ای کسانی که ایمان آورده اید... و خودتان را نکشید، بی تردید خداوند بر شما مهربان است». و «من اجل ذلک کتبنا علی بنی اسرائیل انه من قتل نفساً بغیر نفس او فساداً فی الارض فکانما قتل الناس جمیعاً و من احیاهما فکانما احیا الناس جمیعاً»^۶

^۱ - مائده آیه ۴۵

^۲ - بقره آیه ۱۹۴

^۳ - بقره آیه ۱۷۹

^۴ - اسراء، آیه ۳۳

^۵ - نساء، آیه ۹۲

^۶ - مائده، آیه ۳۲

به این سبب بر بنی اسرائیل لازم و مقرر کردیم که هرکس انسانی را جز برای حق [قصاص] یا بدون آن که فساد در زمین کرده باشد، بکشد، چنان است که همه انسانها را کشته، و هرکسی انسانی را از مرگ برهاند و زنده بدارد، گویی همه انسانها را زنده نگه داشته است».

۱-۱) شرح آیه ۴۵ سوره مائده

وكتبنا عليهم فيها ان النفس بالنفس والعين بالعين والانف بالانف والاذن بالاذن والسن بالسن والجروح قصاص فمن تصدق به فهو كفارة له و من يحكم بما انزل الله فاولئك هم الظالمون
دین اسلام نسبت به دین یهودیت راه حل سومی در نظر گرفته است و آن راه حل، دیه می باشد.

پیامها

الف) همه انسانها از هر نژاد و قبیله، فقیر و غنی، در مقابل قانون یکسانند، و خون کسی رنگین تر از دیگری نیست. (النفس با النفس).

ب) قصاص، در ادیان پیشین هم بوده است. (كتبنا عليهم فيها) (اسلام و دیگر ادیان، قوانین مشابهی دارند).

ج) صدقه، تنها انفاق مالی نیست، عفو و گذشت از مجرم هم نوعی صدقه است. (فمن تصدق به).

د) عفو ما از مجرم، عفو الهی را به دنبال دارد. (فهو كفار له) (شاید هم مراد این باشد که عفو ما، کفاره گناه مجرم باشد و او در قیامت، به خاطر عفو ما گرفتار عذاب نشود).

ه) در اسلام همراه مسائل کیفری، مسائل اخلاقی هم مطرح است (و كتبنا عليهم فيها... فمن تصدق به).

و) جریمه مالی و حبس، به تنهایی نمی تواند عاملی برای بازداشتن مجرم از جرم باشد (النفس بالنفس).

ز) اگر حکم خدا جاری نشود، ظلم جامعه را فرا می گیرد. (و من لم عليكم بما انزل الله فاولئك هم الظالمون)

امام صادق (ع) درباره این آیه فرمود: خداوند به اندازه آنچه از قصاص عفو شود، از گناهان او می بخشد.^۱

البته میان زن و مرد در حکم قصاص، تفاوت های حکیمانه ای در کتب فقهی بیان شده است.

^۱ - سخنرانی حجت الاسلام قرائتی با موضوع تفسیر سوره مائده آیه ۴۵

۲-۱) شرح آیه ۱۹۴ سوره بقره

الشهر الحرام بالشهر الحرام و الحرمت قصاص فمن اعتدى عليكم فاعتدوا عليه بمثل ما اعتدى عليكم فاتقوا الله واعلموا ان الله مع المتقين

قبل از اسلام در میان عرب ها، هر سال چهار ماه احترام خاصی داشت که در آن ماه ها جنگ، حرام و ممنوع بود. سه ماه آنها پی در پی که عبارتند از ذی القعدة، ذی الحجة و محرم، و یکی هم ماه رجب که جداست. حتی گفته اند که یکی از علل تسمیه ماه ذی القعدة در این ماه این است که در این ماه قعود از جنگ لازم است.

اسلام این سنت را پذیرفت و در هر سال چهار ماه را آتش بس اعلام نمود، ولی دشمن همیشه در کمین است تا از فرصت ها سوءاستفاده کند و چه بسا با خود فکر کند که چون مسلمانان در این ماه ها موظف به رعایت آتش بس هستند، پس به آنها حمله کنیم. این آیه می فرماید: اگر مخالفان شما در این چهار ماه به شما هجوم آوردند، شما نیز در برابر شان بایستید و در همان ماه ها با آنان بجنگید و ماه حرام را در رد برابر ماه حرام قرار دهید. زیرا حرمت خون مسلمانان و حفظ نظام اسلامی از حرمت این ماه ها بیشتر است، و هرکس حرمتها را شکست باید مورد قصاص قرار گیرد. سپس به عنوان یک قانون کلی می فرماید: هرکس به شما تجاوز کرد، به همان مقدار به او تعدی کنید. و تقوا داشته باشید و پیش از مقدار لازم قصاص نکنید و بدانید که خداوند با متقین است.

صاحب مجمع البیان در ذیل آیه می گوید: در مورد غضب نیز می توان با استدلال به این آیه تقاص کرد. یعنی از مال غاصب تقاص نمود. این آیه با خود پیام هایی دارد.

الف) همه زمان ها یکسان نیستند، حرمت بعضی ماه ها باید حفظ شود. (الشهر الحرام)
ب) در اسلام بن بست وجود ندارد. حفظ اسلام و جان مسلمانها بر حفظ احترام مکان ها و زمان ها مقدم است.

ج) اسلام، دین تجاوز و تعدی نیست، ولی تعدی و تجاوز دیگران را نیز نمی پذیرد. «فمن اعتدى عليكم فاعتدوا عليه»

د) حتی در برخورد با دشمنان، عادل باشیم «فاعتدوا عليه بمثل ما اعتدى عليكم»
ه) سیستم قانونگذاری باید به نحوی باشد که موجب یاس مسلمین و جرأت کفار نگردد و اصل مقابله به مثل به همین خاطر است. «فاعتدوا... بمثل ما اعتدى»
و) رعایت تقوی حتی به هنگام جنگ، از اصول تربیتی اسلام است. «اتقوا الله»

ز) اگر در جنگ از مرز عدالت خارج نشوید، از امدادهای الهی نیز بر خوردار خواهید بود. و گمان نکنید عدالت و تقوی پیروزی شما را به تأخیر می‌اندازد « بمثل ما اعتدی... و اتقوا... واعلموا ان الله مع المتقين^۱ »

۳-۱) شرح آیه ۱۷۹ سوره بقره

و لکم فی القصاص حیاة یا اولی الالباب لعلکم تتقون

این آیه به خوبی برای ما مشخص می‌کند که دقیقاً در قصاص حیات وجود دارد. در حقیقت

برای جامعه انسانی حیاتی دوباره ایجاد می‌شود.

قرآن می‌فرماید: حکم قصاص برای جامعه انسانی تأمین کننده ی حیات و زندگی است. قصاص یک برخورد و انتقام شخصی نیست، بلکه تأمین کننده امنیت اجتماعی است. در جامعه‌ای که متجاوز قصاص نشود، عدالت و امنیت از بین میرود و آن جامعه گویا حیاتی ندارد و مرده است. چنان که در پزشکی و کشاورزی و دامداری، لازمه حیات و سلامت انسان، گیاه و حیوان، از بین بردن میکروب‌ها و آفات است.

اگر به بهانه این که قاتل هیجان روانی پیدا کرده، بگوئیم او رها شود، هیچ ضمانتی نیست که در دیگر جنایت‌ها این بهانه مطرح نشود. چون تمام جنایتکاران در حال سلامت و آرامش روحی و فکری دست به جنایت نمی‌زنند. با این حساب تمام خلافکاران باید آزاد باشند و جامعه سالم نیز تبدیل به جنگل شود که هرکس بر اثر هیجان و دگرگونیهای روحی و روانی، هر کاری را بتواند انجام دهد. گمان نشود که دنیای امروزه دنیای عاطفه و نوع دوستی است و قانون قصاص، قانونی خشن و ناسازگار با فرهنگ حقوق بشر دنیاست. اسلام در کنار حکم قصاص، اجازه عفو و اخذ خونبها داده تا به مصلحت اقدام شود.

توجیهاتی از این قبیل که از مجرمان و قاتلان در زندان با کار اجباری به نفع پیشرفت اقتصادی بهره گیر ی کنیم، قابل قبول نیست. چون این برنامه ها، تضمین کننده امنیت عمومی نیستند. اصل، مقام انسانیت و جامعه عدالت پرور است، نه دنیای پر خطر همراه با تولید بیشتر، آن هم به دست جنایتکاران و قاتلان!

از آنجا که قانون قصاص، ضامن عدالت و امنیت و رمز حیات جامعه است، در پایان آیه می

فرماید

« لعلکم تتقون » یعنی اجرای این قانون، موجب خودداری از بروز قتل‌های دیگر است:

^۱-سخنرانی حجت الاسلام محسن قرائتی با موضوع سوره بقره آیه ۱۹۴

حیات دارای انواعی است:

۱. حیات طبیعی مثل زنده شدن زمین در بهار و بعد از باران « یحیی الارض »
 ۲. حیات معنوی. مثل دعوت پیامبر که عامل زنده شدن مردم است « دعاکم لما یحییکم »
 ۳. حیات اخروی که برای همه است « یمیتکم ثم یحییکم »
 ۴. حیات برزخی که شهدا دارند. « لا تقولوا لمن یقتل فی سبیل الله اموات بل احياء »
 ۵. حیات اجتماعی در سایه امنیت و عدالت، نظیر همین آیه « لکم فی القصاص حیاة »
- پیام‌های آیه ۱۷۹ سوره بقره

الف) اجرای عدالت، تضمین کننده حیات جامعه است. « لکم فی القصاص حیاة »
ب) تعادل میان رأفت و خشونت لازم است. خدایی که رحمن و رحیم است، قصاص را رمز حیات می‌داند « لکم فی القصاص حیاة »
ج) حذف عنصر خطرناک، یک اصل عقلانی است. « یا اولی الالباب »
د) زود قضاوت نکنید ممکن است در برخورد سطحی، قصاص را خوب ندانید ولی با خرد و اندیشه در می‌یابید که قصاص رمز حیات است « یا اولی الالباب »
هـ) تقوا و دوری از گناه فلسفه احکام دین است. چه احکام عبادی و چه قضایی « لعلکم تتقون »

و) قصاص، سبب بازداري مردم از تکرار قتل است « لعلکم تتقون »
چرا که در بیان فلسفه روزه نیز می‌فرماید « لعلکم تتقون »، بقره^۱

۴-۱) شرح آیه ۳۳ سوره اسراء

ولا تقتلوا النفس التي حرم الله الا بالحق و من قتل مظلوماً فقد جعلنا لولیه سلطاناً فلا یسرف فی القتل انه کان منصوراً

این آیه به خوبی عدالت در قصاص و حرمت کشتن انسانها بدون اینکه مرتکب فساد یا قتل کسی در روی زمین شده باشند را به ما گوشزد می‌کند.

و کسی را که خداوند، (قتل او را) حرام کرده است نکشید، مگر به حق. و هر کس مظلوم کشته شود، قطعاً برای ولی او تسلط (و اختیار دیه یا قصاص) قرار داده ایم، پس نباید در کشتن (و قصاص) زیاده روی کند، چرا که آن (ستمدیده به طور عادلانه) یاری و حمایت شده است.

« فلا یسرف فی القتل » یعنی در قصاص بیش از قاتل را نکشید و یا او را مثله نکنید، چنانکه در جاهلیت چنین رسمی وجود داشته است.

^۱ - سخنرانی حجت الاسلام محسن قرائتی با موضوع سوره بقره آیه ۱۷۹

قتل نفس و آدم کشی از گناهان کبیره است. هرکس در غیر مورد قصاص یا فساد، کسی را بکشد، گویا همه مردم را کشته است، « من قتل نفساً بغير نفس او فساد فی الارض فکأنما قتل الناس جميعاً » و کیفر چنین قتلی دوزخ ابدی است. « من یقتل مؤمناً متعمداً فجزائه جهنم خالداً فیها » این کیفر، برای کسی که اسلحه بکشد و تهدید به قتل کند و به عنوان مفسد و محارب شناخته شود، نیز ثابت است.

در روایات یکی از مصادیق « ولی » حضرت مهدی « عج » شمرده شده که انتقام جد عزیزش امام حسین «ع» را خواهد گرفت « فقد جعلنا لولیه سلطاناً ». حمایت خداوند از مظلوم و سپردن حق قصاص به ولی دم، هم عامل بازدارنده از آدم کشی است و هم بازدارنده از اسراف در قصاص. « جعلنا لولیه سلطاناً ».

پیام‌های این آیه

(الف) هر انسان حق حیات دارد، حتی غیر مسلمانی که با مسلمانان سر جنگ نداشته باشد. مصونیت جانی و مالی دارد. « لا تقتلوا النفس... »

(ب) قانون الهی، محور ارزش‌ها و حرمت‌هاست « حرم الله »

(ج) خودکشی حرام است. « لا تقتلوا النفس التي حرم الله »

(د) از نظر اسلام، کشتن افراد در موارد حق (هم چون قصاص، دفاع، ارتداد، لواط، یا زنا) محصنه)

« إلا بالحق » جایز است:

(هـ) مظلوم، هر که باشد مورد حمایت قرار می‌گیرد. « من قتل مظلوماً.... منصوراً »

(و) قرار دادن حق قصاص، برای حمایت از مظلوم است.

« جعلنا لولیه سلطاناً »

(ز) اولیای مقتول دارای حق قصاص و کشتن قاتل هستند. « جعلنا لولیه سلطاناً »

(ح) در قصاص باید خشم و غضب مهار شود و عدالت مراعات شود « فلا یسرف فی القتل » اسلام حتی برای متجاوز به جان انسان‌ها، عدالت را شرط دانسته است. اولیای مقتول،

حق ندارند به عنوان قصاص، بیش از یک نفر را بکشند و از قانون قصاص سوء استفاده کنند

(ط) قاتل را مثله نکنید و در نوع و کیفیت قصاص، ناجوانمردی نکنید « فلا یسرف فی

القتل »

(ی) از سنت‌های الهی، حمایت از مظلوم است « انه کان منصوراً »^۱

^۱ - سخنرانی حجت الاسلام محسن قرائتی با موضوع تفسیر سوره اسرا - آیه ۳۳

۵-۱) شرح آیه ۳۲ سوره مائده

من اجل ذلک کتبنا علی بنی اسرائیل انه من قتل نفسا بغير نفس او فساد فی الارض فکانما قتل الناس جمیعا و من احیاهما فکانما احیا الناس جمیعا و لقد جاء تهم رسلنا بالبینات ثم ان کثیرا منهم بعد ذلک فی الارض لمسرفون

در این آیه از کشتن یک نفر به منزله کشتن همه مردم مطرح شده است. برای توضیح این حقیقت چند بیان و معنا می‌توان عرضه کرد:

- ۱) قتل یک نفر، کیفری هم چون قتل همه مردم را دارد.
- ۱) حرمت قتل یک نفر نزد خداوند، به منزله قتل همه مردم نزد شماست.
- ۲) قتل یک نفر، بی‌اعتنایی به مقام انسانیت است.
- ۳) قتل یک نفر، سلب امنیت از همه مردم است.
- ۴) چون انسان‌ها به منزله اعضای یک پیکرند، پس قتل یکی قتل همه است.
- ۵) جایگاه دوزخی قاتل یک نفر، جایگاه کسی است که قاتل همه باشد.
- ۶) قتل یک نفر زمینه ساز قتل همه است.
- ۹) یک انسان می‌تواند سرچشمه یک نسل باشد، پس قتل او به منزله قتل یک نسل است. در روایات می‌خوانیم: فانی شدن تمام دنیا نزد خداوند، از کشتن یک مؤمن آسان‌تر است. امام صادق (ع) فرمودند: کسی که در موضعی که آب یافت نمی‌شود، تشنه‌ای را سیراب کند، مانند کسی است که نفسی را زنده کرده باشد.
- طبق آیات و روایات هدایت و ارشاد مردم به راه حق، نوعی احیا می‌باشد و گمراه کردن مردم، نوعی قتل است. سوره انفال، آیه ۲۴، دعوت پیامبر را مایه حیات مردم می‌خواند: «دعا کم لما یحییکم»
- امام صادق (ع) نیز فرمودند: «من اخرجها من ضلال الی هدی فکانما احیاهما و من اخرجها من هدی الی الضلال فقد قتلها» هر کس نفس منحرفی را هدایت کند او را زنده کرده و هر کس دیگری را منحرف کند او را کشته است.
- امام صادق (ع) فرمودند: «نجاها من غرق او حرق او سبع او عدو» مراد از احیای نفس، نجات گرفتاران از غرق و آتش سوزی و درنده یا دشمن است. و در روایت دیگر آمده است: کسی که به گرسنه‌ای غذا ندهد، به منزله کشتن اوست و غذا دادن، به منزله زنده کردن اوست.
- امام باقر (ع) فرمود: مسرفان همان کسانی هستند که حرام‌ها را حلال می‌شمردند و خون‌ها را می‌ریزند.

پیام‌های این آیه:

الف) گاهی حوادث تاریخی، عامل صدور فرمان الهی است «من اجل ذلک»

ب) انسان‌ها و سرنوشتشان در طول تاریخ به هم پیوند دارند. « من اجل ذلک کتبنا علی بنی اسرائیل »

ج) احکام الهی حکمت دارد و گزاف نیست « من اجل ذلک »

د) برای جلوگیری از سنگدلی و پرهیز از تکرار حادثه کیفر و مجازات لازم است « من اجل ذلک کتابا »

ه) جان همه انسان‌ها از هر نژاد و منطقه ای که باشند محترم است. « نفساً »
و) اعدام مفسد، در قانون بنی اسرائیل نیز بوده است. « کتبنا علی بنی اسرائیل انه من قتل نفساً بغير نفس او فساد فی الارض »

ز) خود کشی و سقط جنین از نمونه‌های « قتل نفس » و حرام است. « من قتل نفساً... »
ح) جان کسی که در زمین فساد می‌کند و برای جان مردم ارزشی قائل نیست و آنان را به قتل می‌رساند، بی‌ارزش است و باید از بین برود. (بغير نفس اوفساد)
ط) کشتن انسان در دو مورد جایز است.

۱) به عنوان قصاص قاتل (بغير نفس)

۲) برای از بین بردن مفسد « اوفساد »

ی) ارزش عمل مربوط به انگیزه و هدف است. کشتن یک نفر به قصد تجاوز، به قتل رساندن یک جامعه است

ک) تجاوز به حقوق یک فرد، تهدید امنیت جامعه است « فکا نَمَا قتل الناس جميعاً » آنان که کارشان نجات جان انسان هاست. مانند پزشکان، پرستاران، ماموران آتشنشانی، امدادگران، داروسازان و... باید قدر خود و ارزش کار خویش را بدانند. « فکانما قتل الناس جميعاً »
ل) نشان جامعه زنده، امداد رسانی به گرفتاران و نجات جان هاست. « من احياها فکانما احیی الناس جميعاً »

م) عدم ایمان و عمل مردم به گفتار رسولان، در طول تاریخ بوده است « ولقد جائتهم رسلنا بالبینات ثم ان کثیرا منهم بعد ذلک فی الارض لمسرفون »

ن) انسان مختار است، با آمدن پیامبران هم می‌تواند راه خلاف رود. « ولقد جائتهم رسلنا بالبینات... بعد فی الارض لمسرفون »^۱

^۱. سخنرانی حجت الاسلام محسن قرائتی با موضوع تفسیر سوره مائده - آیه ۳۲

بخش دوم: قتل خطایی

« و ماكان لمومن أن يقتل مومناً الا خطأ و من قتل مومناً خطأً فثحرير رقبة و دية مسلمة إلى اهله الا ان يصدّ قوا فإن كان من قوم عدولکم و هو مؤمن فثحرير رقبة مومنه و ان كان من قوم بینکم و بینهم میثاق فدية مسلمه الى اهله و ثحرير رقبة مومنة فمن لم يجد فصيام شهرين متتابعين توبه من الله و كان الله علیماً حکیماً^۱ »

شان نزول این آیه در رابطه اتفاقی است که پس از هجرت مسلمانان از مکه به مدینه اتفاق افتاد مسلمانانی بنام « عیاشبن ابی ربیعہ » که سالها در مکه به دست « حارث » شکنجه شده بود، روزی پس از هجرت مسلمانان به مدینه، حارث را در مدینه دید و بی خبر از مسلمان شدنش، او را به عنوان کافر شکنجه گر کشت.

خبر به پیامبر دادند، و پس از آن این آیه نازل شد.

خداوند در قرآن کریم برای قتل خطا دیه قرار داده است.

مبحث اول: آثار پرداخت دیه:

الف: مرهمی برای بازماندگان مقتول است.

ب: جلوگیری از بی مبالاتی مردم است تا نگویند قتل خطایی، بها ندارد.

ج: احترام به جان افراد و امنیت اجتماعی است.

د: جبران خلاء اقتصادی است که در اثر قتل پیدا می شود.

نکته ای که در این آیه وجود دارد این است که در جاییکه بستگان مقتول، از دشمنان مسلمین باشند. خونبها به آنان داده نمی شود. تا بنیه مالی دشمنان اسلام تقویت نشود به علاوه اسلام، ارتباط مقتول مومن با خانواده کافرش را بریده است، پس جایی برای جبران نیست.

امام صادق(ع) فرمود: آزاد کردن برده، پرداخت حق دیه خدا و دیه دادن پرداخت حق اولیای مقتول است. یک دیه و خون بهای کامل، به اندازه متوسط درآمد یک فرد عادی است.

« هزار مثقال طلا یا صد شتر و یا دویست گاو».

در آیه مقدار دیه بیان نشده، تا نیاز به مفسران واقعی قرآن و سنت پیامبر و اهل بیت بیشتر احساس شود. دیه، پرداختی به خانواده مقتول مسلمان، اول آزادی برده، مطرح شده و سپس خون بها، ولی در بستگان کافر، اول سخن از خونبهاست سپس آزادی برده، شاید چون

^۱- نساء آیه ۱۲

خویشان غیر مسلمان، توجهشان بیشتر به مادیات است و یا آنکه پرداخت دیه در حفظ و بقای پیمان موثرتر است.

پیام‌های این آیه:

- ۱) قتل بی‌گناه، در اسلام حرام است. « و ما کان لمؤمن ان یقتل ».
- ۲) قتل، با ایمان ناسازگار است. « و ما کان لمومن ان یقتل ».
- ۳) مؤمن، جایز الخطاست، باید مواظب باشد. « و من قتل مؤمناً خطاً ».
- ۴) احترام جان مسلمان تا حدی است که از قتل خطایی هم نمی‌توان به آسانی گذشت. « و من قتل مؤمناً خطاً فتحریر ».
- ۵) خطای یکی از ملاک‌های رفع تکلیف یا تخفیف در کیفر است. « فتحریر رقبة ».
- ۶) جبران فقدان مؤمن، با آزاد کردن انسان با ایمان است. (تحریر رقبة مومنة).
- ۷) آزادی، نوعی حیات است. وقتی حیات یک نفر گرفته می‌شود، به جبرانش باید یک نفر را آزاد کرد.
- ۸) « تحریر رقبة ».
- ۹) آزادی بردگان، در لابلای برنامه‌های اسلام گنجانده شده است « تحریر رقبة ».
- ۱۰) تسلیم دیه، مشروط به درخواست مقتول نیست؛ بلکه وظیفه قاتل پرداخت آن است. « مُسَلِّمَةٌ اِلٰی اَهْلِهِ »
- ۱۱) به هرکس نباید دیه داد، باید به خانواده مقتول داد تا حق به حق دار برسد. « مُسَلِّمَةٌ اِلٰی اَهْلِهِ »
- ۱۲) خانواده مقتول، مالک خونبها می‌شود. « مُسَلِّمَةٌ اِلٰی اَهْلِهِ »
- ۱۳) تعیین دیه خطا کار، رمز وجود جرمه در نظام اسلامی است « دیه مُسَلِّمَةٌ ».
- ۱۴) در حالات هیجانی هم، عواطف و رحم نباید فراموش شود و عفو از خطا کار یک صدقه پسندیده است. (الّا ان یصدّقوا).
- ۱۵) ارزش پیمان تا آنجاست که گاهی کافر را در ردیف مؤمن قرار می‌دهد. خونبها را به کافری که هم پیمان است باید داد. « فدیة مسلمة.. و تحریر رقبة »
- ۱۶) نوع جرمه‌ها باید از یک سو به نفع افراد مؤمن باشد، « فتحریر رقبة مومنة » و از سوی دیگر سبب تقویت جامعه کفار نگردد لذا پرداخت دیه و خونبها به دشمن حربی، ممنوع است. « فان کان من قوم عدولکم و هو مؤمن فتحریر رقبة »

- ۱۷) شرط ایمان برای آزاد کردن برده، تشویقی است برای بردگان که به سراغ پذیرش اسلام بروند « رقبه مومنه »
- ۱۸) در اسلام و قوانینش، بن بست نیست. احکام اسلامی تعطیل نمی شود. ولی تخفیف دارد. « فمن لم یجد »
- ۱۹) در اسلام، جریمه به مقدار توان جسمی و مالی افراد است « فمن لم یجد »
- ۲۰) روزه های پیاپی، وسیله ای برای پاکسازی روح است. « صیام شهرین متابعین »
- ۲۱) اسلام به بعد ایمانی افراد تکیه دارد. آزاد کردن برده و پرداخت دیه، دیدنی است، ولی روزه گرفتن دیدنی نیست و به این وسیله، انسان وجدان دینی و اخلاقی خود را جریمه می کند فصیام « شهرین متتابعین »
- ۲۲) جان مؤمن بسیار مهم است، و کفّارات، نوعی تخفیف و ارفاق الهی است « توبه من الله »
- ۲۳) قتل غیر عمدی نیز انسان را از لطف خدا دور می کند و پرداخت دیه و آزاد کردن برده راهی است برای گرداندن لطف الهی به قاتل. « توبه من الله »
- ۲۴) قوانین الهی، بر اساس علم و حکمت و با ملاحظه همه جوانب مسئله است. « کان الله علیماً حکیماً »

مبحث دوم: پرداخت دیه از طریق عاقله قاتل

مراد از عصبه کسی است که از طرف پدر و مادر یا از طرف پدر با قاتل خویشی داشته باشد، مانند برادران و فرزندان آنان و عموها و فرزندان آنان و پدر و اجداد پدری و هم چنین فرزندان قاتل همه جزو عصبه محسوب می شوند و در صورت وجود طبقات مترتبه در ارث، باید، ترتیب طبقات ارث عمل شود و در بین یک طبقه، بین افراد با لسویه تقسیم شود.

این پرداخت توسط عاقله قاتل در مورد قتل خطایی صورت می پذیرد. دکتر گرجی در این مورد می نویسد: (به نظر اینجانب منشأ این حکم، حمایتی است طبیعی، که بین خویشان ذکور در میان عموم اقوام وجود داشته و دارد؛ چنان که ممکن است منشأ حکم به ثبوت دیه بر کسی حمایت اختیاری قراردادی باشد. و براین مبناست که شارع مقدس احکامی از قبیل ضمان عاقله، ضمان جریره و غیره را مقرر فرموده است که در حقیقت نوعی بیمه است: نهایت،

^۱ - سخنرانی حجت الاسلام محسن قرائتی با موضوع تفسیر سوره نساء آیه ۹۲.

بعضی بیمه‌ها قهری است، مانند همین ضمان عاقله، و بعضی اختیاری (عقدی) است، مانند ضمان جریره.

حکمت‌های پرداخت دیه توسط عاقله

آیت الله مکارم شیرازی چهار حکمت را برای پرداخت دیه قتل خطایی با عاقله بر می‌شمرد که خلاصه آن چنین است:

۱. همان طور که فلسفه بیمه تضامن متقابل و تقسیم فشار مشکلات و حوادث بر عهده گروه کثیری است. در مورد عاقله نیز همین فلسفه موجود است. ایشان تعلق دیه را نوعی بیمه خانوادگی می‌داند.

۲. حکمت دوم آن است که این ضمان در مقابل با ارث است، خصوصاً آنکه برخی از روایات به جای عاقله، تعبیر ورثه را به کار برده اند؛ مثل روایت (ان الدیه علی ورثته) (وسائل الشیعه، ج ۱۹، ص ۳۰۴). یعنی دیه بر عهده ورثه او (جانی) است که این روایت ضمان عاقله را از مصایق قاعده معروف (من له الغنم فعلیه الغرم) محسوب می‌کند؛ یعنی کسی که فایده ارث را می‌برد، باید خسارت (دیه) را نیز بپردازد.

۳. پرداخت دیه از سوی عاقله، اثر بازدارندگی نیز دارد؛ چرا که وقتی اقوام بدانند که در قتل خطایی مسئول پرداخت دیه هستند، همدیگر را به احتیاط دعوت می‌کنند.

۴. پرداخت دیه در قتل خطایی از سوی عاقله، موجب حفظ و احترام و ضایع نشدن خون مسلمان می‌شود، چرا که اگر پرداخت دیه به عهده عاقله نبود، ممکن بود در بسیاری از موارد جانی توانایی پرداخت دیه را نداشته باشد و یا این که فرار کند و دسترسی به او میسر نباشد و خون مسلمان ضایع شود.^۱

۲) ارتکاب یکی از جرایم حدی که مستوجب اعدام می‌باشد.

اما اعدام حدی در مواردی مطرح است که یکی از جرایم حدی شدید مستوجب اعدام واقع شود در اینصورت، مرتکب، مستحق اعدام خواهد بود و حکم صادره بر خلاف حکم قصاص، از احکام آمره بود و قابل عفو و گذشت و شفاعت نیست، ولی در عین حال با توجه به این که حدود، مبنی بر تخفیف بوده و با عارض شدن شبهه‌ای قابل دفع هستند و همچنین شرایطی که شارع مقدس برای اثبات این جرایم در نظر گرفته که در بعضی از این جرایم بسیار مشکل، بلکه عادتاً محال خواهد بود و هم چنین با توجه به این که شارع، توبه قبل از ثبوت جرم به وسیله بینه یا اقرار را مسقط حکم قتل قرار داد و همین طور انکار بعد از اقرار نیز موجب سقوط حد - در بعضی موارد - می‌باشد، لذا تحقق جرم مستوجب اعدام و اثباتشان بسیار نادر

^۱ - آیت الله مکارم شیرازی، مجله مکتب اسلام، شماره ۸، ص ۱۷، مقاله (احکام و فلسفه دیات در اسلام)، سال ۲۶.

بوده و در صورت اثبات نیز به سبب وجود بعضی از کیفیات مسقط حد اعدام نیز در بسیاری از موارد اعدام ساقط می‌شود.^۱

نکته دیگر در مورد مجازات اعدام وجود دارد آن است که قوانینی که در شرع اسلام برای حد ایجاد شده است و در جامعه اسلامی اجرا می‌شود رحمت الهی از جانب خداوند می‌باشد و باعث بخشش و پوشش گناهان می‌شود.

مصطفی العوجی از ابن تیمیه در این زمینه چنین نقل می‌کند.

« مجازات‌های شرعی به عنوان رحمتی از ناحیه خدای تعالی وضع شده‌اند. بنابراین این مجازات‌ها برای رحمت بر انسان‌ها و اراده بهترین چیز برای آن‌هاست و لذا مناسب است شخصی که مردم را به سبب گناهانشان مجازات می‌کند قصد و هدفش از این مجازات احسان و رحمت بر آن‌ها باشد، همانگونه که پدر در تأدیب فرزند و طیب در معالجه بیمار خود چنین هدفی را اعمال می‌کنند. از این جهت مجازات در حیات دنیوی موجب پوشش گناه و از بین بردن آن است» در ادامه به نقل از سمرقندی نیز می‌گوید: هرگاه بر مسلمانی در دنیا حد یا قصاص جاری شد در آخرت حد و قصاص نخواهد شد؛ زیرا پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: کسی که گناهی را مرتکب شده و به سبب آن گناه مجازات شده باشد در آخرت مشمول مجازات نخواهد شد.^۲

با کمی تأمل در خواهیم یافت که با توجه به اینکه در نظام اسلام انسان علاوه بر بعد مادی بعد معنوی او نیز لحاظ شده است و انسان را وصل به مبدأ و مقصد می‌کند با اجرای مجازات حد یا قصاص در مورد او و بخشش گناهانش حیات معنوی او که حیات جاودانی است به او بخشیده خواهد شد.

بخش دوم

راهکارهای غیر مستقیم در اسلام برای صیانت از حق حیات

دین اسلام به جوانب فرعی نیز برای صیانت از حق حیات نگرش در خور توجهی داشته است چرا که رعایت نکاتی در مورد آنها به نوعی صیانت از حق حیات قلمداد می‌شود و باعث افزایش طول عمر و کیفیت بالای سلامت می‌شود. یکی از آن موارد در مورد خوردن و آشامیدن است.

مبحث اول: رعایت دستورات بهداشتی در خوردن و آشامیدن

اسلام سفارشات در نحوه تغذیه انسانها دارد که در طول زندگی آنها را از امراض و

^۱ - محمد ابراهیم شمس ناتری، بررسی تطبیقی مجازات اعدام، چاپ اول، قم. مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۸، ص ۴۵.

^۲ - مصطفی العوجی، دروس فی العلم الجنائی، ج ۲ ص ۶۲۷.

دردهای مختلف مصون نگه می‌دارد که نهایتاً رعایت این نکات به طور غیرمستقیم باعث افزایش طول عمر انسان می‌شود. به دلیل احاطه نداشتن عقل و علم نسبت به همه رازهای آفرینش حکمت برخی از رهنمودهای اسلام برای انسانها مجهول مانده است که امروزه بر اثر تلاش‌های بسیار زیاد فقط قسمتی از حقایق آن برای انسان‌ها آشکار شده است.

در مورد خوردن و آشامیدن روایاتی از معصومین (ع) وجود دارد.

حضرت علی (ع) فرمودند: «و اگر پرخوری کند راه نفس بر او می‌بندد»^۱ و به سختی ودشواری کاری و عبادتی را انجام دهد. و چنین چیزی وقتی بر انسان عارض می‌شود که قبل از اینکه گرسنه شود، غذا خورده و وقتی شروع به خوردن و آشامیدن می‌نماید، تا آخرین مرحله این خوردن و آشامیدن را ادامه داده و شکم خود را پر نماید. در اصل، پرخوری را می‌توان از اثرات منفی و زیان‌هایش شناخت و تعریف کرد.

مبحث دوم: آثار مخرب پر خوری در معنویت انسان

۱. پرخوری دارای اثرات منفی معنوی و جسمی نیز می‌باشد.
۲. حضرت علی (ع) در حدیثی می‌فرماید: «پر خوری و زیاده روی در خواب وجود انسان را فاسد می‌کنند، و کشاننده ضرر و زیان به سوی آدمی هستند»^۲.
- حضرت امام صادق (ع) فرمودند: چیزی برای قلب مؤمن زیان بارتر از پر خوری نیست، پر خوری موجب دو چیز است سنگدلی و هیجان شهوت.^۳
- در روایتی از رسول خدا (ص) می‌خوانیم که حضرت عیسی (ع) به قوم بنی اسرائیل فرمود:

«پر خوری نکنید، همانا هرکس پر خوری کند، پر خواب می‌شود، و هرکس پر خواب شود، نمازش را کم می‌کند، و هر که نمازش را کم کند، از غافلین نوشته می‌شود»^۴

^۱ - مکارم شیرازی، ناصر، ترجمه گویا و شرح فشرده ای بر نهج البلاغه با ترجمه آشتیانی، محمد رضا و امامی، محمد جعفر، ج ۳، ص ۲۴۹، شماره ۱۰۸، انتشارات مطبوعاتی هدف، قم، چاپ اول.

^۲ - محدث نوری، حسین، مستدرک الوسائل، ج ۵، ص ۱۱۹، ج سوم، موسسه آل البیت، قم، ۱۴۰۸ ق.

^۳ - مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۶۳، ص ۳۳۷، ح ۳۳، موسسه الوفاء بیروت، لبنان، ۱۴۰۴ ق.

^۴ - ابن ابی فراس، ورام، مجموعه ورام، ج ۱، ص ۴۷، انتشارات مکتبه الفقیه، قم.

بنابراین، پرخوری از منظر احادیث، به شدت نکوهیده است. پرخوری از سلامت می‌کاهد، و زمینه را برای انواع بیماری‌های جسمی و روحی فراهم می‌سازد و پرخوری، جوهر نفس را تباه می‌کند، به نیروی تقوا (پرهیزگاری) و ورع (خویش‌تن‌داری) ضربه می‌زند، حجاب تیز هوشی است و دل را سخت و تاریک می‌سازد.^۱

مبحث سوم

معیار صحیح برای میزان خودنیها و آشامیدنی‌ها

بر اساس فرمایشات معصومین و افراد اهل فن باید قبل از غالب شدن اشتها و قبل از سیری دست از غذا کشید. بر اساس این مبنا کسانی که از محدوده تجاوز کنند؛ مرتکب پرخوری شده‌اند و محدوده آن چنین است که معده را سه قسمت کنید. قسمتی را برای غذا، ثلثی برای نوشیدن و ثلثی دیگر را برای نفس کشیدن قرار دهید. قال رسول الله (ص). «لیس لا بن آدم بد من اكله یقیم بها صلبه فاذا اكل احدکم طعاماً، فلیجعل ثلث بطنه للطعام و ثلث بطنه للشراب و ثلثه للنفس، و لا تسحنوا تسمن الخنازیر للذبح»^۲

مبحث چهارم

آثار ظاهری پرخوری

طبع انسان همیشه خواهان سیری کامل است.^۱ از این رو شرع مقدس در مدح گرسنگی و کم‌خوری مبالغه کرده است تا میل پرخوری طبع انسان و منع شرعی با هم تلاقی پیدا کرده و از برخورد آنها اعتدال حاصل شود.

امام صادق (ع) فرمودند: «هر دردی از تخمه و پرخوری پدید می‌آید مگر تب که ناگهان می‌رسد»^۳

امام علی (ع) فرمودند: «الشبع یكثر الادواء». سیری بیماریها را زیاد می‌کند.^۴
دکتر لندمر می‌گوید: یک سوم آنچه را می‌خورید به شما سود می‌رساند دو سوم دیگر معاش و خرجی طیب و پزشک را تأمین می‌کند.^۵

^۱ - مقاله پرخوری، ویکی فقه، دانشنامه حوزوی

^۲ - کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، تصحیح تحقیق علی اکبر غفاری، موسسه دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۷ ق، ج ۶، ص ۲۶۹، حدیث ۹.

^۳ - علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، موسسه الوفاء، بیروت، ج ۶۶ ص ۳۳۶، ص ۲۹.

^۴ - تمیمی آمدی، عبدالواحد، غرر الحکم و در الکلم، ص ۵۱

^۵ - خلیلی، محمد علی، طب الصادق، نصیر الدین امیر صادقی، انتشارات عطائی، ۱۳۷۰ ش، چاپ ۱۲، ص ۱۴۲.

مبحث پنجم

آثار باطنی پر خوری

روایاتی از ائمه اطهار وجود دارد که آثار باطنی پر خوری را برای ما نمایان و آشکار می‌کند از جمله آنها

۱. تباهی پاکدامنی
۲. طغیان و سرکشی در بارگاه الهی.
۳. مبعوض ترین حالات مومن^۱
۴. میراندن قلب
۵. کند و تنبل شدن بدن در فرمانبرداری از خدا
۶. بی‌اثر شدن نصیحت و خیر خواهی در انسان
۷. تباهی نفس و جلب ضرر و زیان
۸. سرپوش گذاشتن بر روی تیز هوشی که نادانی را به همراه دارد.
۹. آشفتگی در خواب
۱۰. ظلمت دل

به عنوان نمونه در مورد میراندن قلب حدیثی از رسول خدا (ص) وجود دارد که می‌فرماید: «لا تمیتوا القلوب بكثره الطعام و الشراب فان القلوب تموت کزرع اذا کثر علیها».^۲
«قلوب خود را با زیادی غذا و آشامیدنی نمیرانید چرا که قلب‌ها مانند کشتزار از زیاد شدن غذا و آب از بین می‌رود».

لقمان حکیم در ضمن وصایای خود به پسر خودش چنین وصیت می‌کند: «ای فرزند چون معده پر شود قوه فکر می‌خوابد، و حکمت و دانایی گنگ می‌شود و اعضاء و جوارح از عبادت باز می‌ایستند».^۳

مبحث ششم: آثار اجتماعی پر خوری

از لحاظ اجتماعی نیز پر خوری با خود تبعاتی به همراه دارد از جمله اینکه باعث زیاد شدن شهوت (شهوت شکم و شهوت جنسی) می‌شود که به دنبال آن میل و رغبت به جاه طلبی و مال جوئی را افزون می‌کند تا به خوراک و آمیزش بیشتر دست یابد و در پی آن انواع بیماری‌های روانی در اجتماع از حسد و هم چشمی و ریا و تفاخر و عجب و کبر پدید می‌آید

^۱ - علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، المکتبه الاسلامیه، ۱۳۸۹، ج ۶، ص ۳۳۳، ح ۱۴

^۲ - علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، المکتبه الاسلامیه، ۱۳۸۹، ج ۶، ص ۳۳۱، ح ۷

^۳ - فیض کاشانی، ملا حسن المحججه البیضاء، ج ۵، ص ۱۵۱، تصحیح و تعلیق علی اکبر غفاری، نشر دفتر تبلیغات اسلامی چاپ چهارم، ۱۴۱۷ ق.

که اینها نیز به نوبه خود آبتن کینه و دشمنی در جامعه و گروه‌های مختلف اجتماعی هستند و این همه، آدمی را به انجام گناهان و ستم، تجاوز و منکرات و فحشاء می‌کشاند که ادامه آن جامعه را به سرایشی سقوط و انحلال سوق داده و اجتماعی را پایه ریزی می‌کند که قانون جنگل در آن حکم فرما می‌باشد.^۱

مبحث هفتم

پر خوری از دیدگاه علم پزشکی و ارتباط آن با فرمایش امیر

المومنین

به علت محدود بودن شیره هاضمه از لحاظ کمیت و کیفیت و قدرت اثر، نه تنها پر خوری موجب اختلال در عمل هضم و یا ناقص ماندن آن می‌شود بلکه منجر به عدم هضم کامل و باقیمانده مقادیری از مواد غذایی اضافی در روده‌ها می‌گردد که این مواد غذایی نیمه هضم شده و یا هضم نشده مسیر تخمیرات میکروبی روده‌ای را تغییر داده و در اثر تخمیر غیرطبیعی تجزیه شده و به مواد سمی تبدیل می‌گردد. همچنین پر خوری یکی از علل عمده یبوست که می‌توان آن را مادر امراض دانست) معرفی شده است در اثر پر خوری همواره مقادیر زیادی از مواد غذایی در معده و روده انباشته می‌شود لذا برای هضم آنها کار معده و روده سنگین تر و طولانی تر می‌شود و طبعاً به مدت طولانی جریان خون متوجه ناحیه شکم شده، به همان نسبت در سایر اعضا نیز به علت کم خونی عارضی، فعالیت عضو رو به کاهش می‌رود که مغز و مراکز مغزی از مهمترین و حساس ترین اعضا بدن در مقابل این تغییرات بوده و طبعاً بیشتر و جلوتر از تمام اعضا از این کم خونی متأثر می‌شود و در نتیجه از فعالیت مغزی کاسته شده و تفکر و تعقل قهراً رو به نقصان رفته و حتی در آن وقفه ایجاد می‌شود.^۳

حضرت علی (ع) می‌فرماید: پر خوری پرده و حجاب تیز هوشی است.^۴

بنابراین انسان تا گرسنه نشده نباید شروع به غذا خوردن کند و باید قبل از سیری کامل دست از غذا بکشد.

^۱ - مجتبی، سید جلال الدین، علم اخلاق اسلامی (جامع السعادات)، ج ۳، ص ۱۳، انتشارات حکمت، چاپ چهارم، ۱۳۷۷ ش

^۲ - نراقی، ملاح احمد، معراج السعاده، ص ۳۱۳، انتشارات هجرت، چاپ پنجم، ۱۳۷۷ ش

^۳ - صبور اردوبادی، احمد، راه های مبارزه با سموم میکروبی روده ها (و غرب اسلام) ص ۲۱۴-۲۱۸، دانشگاه آذر آبادگان، چاپ اول، ۱۳۵۴ ش.

^۴ - تمیمی آمدی، عبد الواحد، غرر الحکم و دررال حکم، ص ۴۱.

فصل دوم:

نظام بین المللی حقوق بشر و صیانت از حق حیات

از اجرای مجازات اعدام در مکاتب مختلف سخن‌های زیادی به میان آمده است و همواره مورد عطف و توجه فیلسوفان مختلف قرار گرفته است به طوریکه دامنه بحث آن ابعاد بسیار گسترده‌ای پیدا کرده است و تا به این زمان به موازات مسائل کیفری حقوقی تحولات زیادی در آن ایجاد شده است در قوانین قدیم جرایم زیادی مشمول مجازات اعدام می‌شد. و کیفیت آن بستگی به نوع جرم و شرایط آن داشت و بعضی اوقات طبقه اجتماعی نیز از آن متأثر می‌شد. به تدریج قلمرو مجازات اعدام محدودتر شده بطوریکه در حال حاضر فقط شامل قتل‌های عمدی و یا اقدام علیه امنیت کشور و بعضی جرایم دیگر شده است. همین طور شکنجه طبق قوانین بین‌المللی حذف شده است و با حقوق طبیعی انسان در تناقض می‌باشد ناگفته نماند که با توجه به همه موارد گفته شده از افکار و عقاید متخصصان در سیاست‌های کلی کیفری مجازات اعدام نمی‌توان غافل شد.

بخش اول:

رویکردی بر دیدگاه مکاتب در مورد مجازات اعدام

در میان مکاتب مختلفی که از قرن هجدهم میلادی در زمینه حقوق جزا پا به عرصه وجود گذارده‌اند، مکتب کلاسیک در مواردی خاص مجازات اعدام را تأیید کرده است ولی در نهایت به دنبال تعدیل مجازات‌ها و جایگزین کردن زندان‌ها بوده و بر مجازات‌های خشن تاخته است، اما مکتب عدالت مطلق با این مجازات برخورد کرده است و آن را در صورت لزوم، اجتناب‌ناپذیر دانسته است. پس از عدم موفقیت طرح‌ها و پیشنهادهای ارائه شده از سوی مکتب کلاسیک و پذیرفته نشدن نظریه مکتب عدالت مطلق، مکتب اثباتی ایتالیا مطرح شد و به جای مجازات، اقدامات تأمینی را برای درمان مجرمین که بیماران اجتماعی بودند و بدون اراده بدین سوی کشیده شدند مطرح کرد. گرچه در مواردی خاص نیز بنیانگذاران این مکتب مجازات اعدام را پذیرفته‌اند. سرانجام با ظهور مکتب دفاع اجتماعی مجازات اعدام

مورد هجوم شدید این مکتب قرار گرفت و به طور مطلق چنین مجازاتی، وحشیانه و غیر منطقی محسوب گردید.^۱

به عنوان نمونه اندیشمندانی چون منتسکیو از طرفداران مکتب کلاسیک نویسنده کتاب «روح القوانين ۱۷۴۸» که مجازات‌های اعدام اعمال شده در آن روزگاران را شدیداً مورد حمله قرار داده و آن را نشانه استبداد حکام دانسته و رابطه متقابلی را بین شدت استبداد و کثرت اعدام قائل شده است. گرچه سخن او در باب اعدام همانند سخنانش در بسیاری از موارد دیگر، برای طرفداران روش‌های سستی تلخ و سخت به نظر می‌رسید ولی در نهایت موجی را درباره لغو مجازات اعدام، لااقل در بسیاری از موارد ایجاد نمود.^۲ اندیشمند دیگری بنام ژان ژاک روسو در یکی از فصول کتاب معروف خود به نام «قرارداد اجتماعی» با طرح و بیان افکار سیاسی و قضایی خود در باب توجیه مجازات اعدام تلاش کرده تا منبع و منشأ حقی را که جامعه در اعمال مجازات و تنبیه بزه کاران برای خود قائل است، تعیین نماید.^۳ وی در مورد اعدام معتقد است برای این که کسی طعمه خیانت نشود همه افراد راضی می‌شوند که خیانت کار به مرگ محکوم شود. (مهرنوش کیال، ص ۵۳)

با آنکه نظریه قرارداد اجتماعی ژان ژاک روسو، مورد قبول بسیاری از دانشمندان قرن هجدهم به ویژه بکاریا قرار گرفت و وی رساله جرایم و مجازات‌ها را در سال ۱۷۶۴ با الهام از نظریه روسو نگاشت، درعین حال نظریه بکاریا با دیدگاه ژان ژاک روسو که مجازات اعدام را برای بقای جامعه ضروری می‌دانست، یکسان نیست. (محمد صالح ولیدی، حقوق جزای عمومی، ص ۲۱۷)

بکاریا اولین کسی بوده است که در موضوع لغو مجازات اعدام نظراتی داشته است او که یک نویسنده معروف ایتالیایی بود و کتابی تحت عنوان «جنايات و مجازات‌ها» را نوشته است، استدلال می‌کند که حق کشتن وجود ندارد، زیرا هیچ عضوی از جامعه نمی‌تواند در قالب پیمان اجتماعی بپذیرد که جانش فدا شود. نظریه او در این مورد با دیدگاه ژان ژاک روسو که مجازات اعدام را برای بقای جامعه ضروری می‌داند یکسان نیست. بکاریا برای تبیین مخالفت خود با مجازات اعدام نظریه خود را با طرح این سوال مطرح می‌نماید که: «انسان‌ها

^۱ - محمد ابراهیم شمس، بررسی تطبیقی مجازات اعدام، چاپ اول، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی ۱۳۷۸، ص

^۲ - ترجمه علی اکبر مهتدی ص ۸۶، تهران انتشارات امیر کبیر ۱۳۳۴.

^۳ - محمد ابراهیم شمس ناتری، بررسی تطبیقی مجازات اعدام، چاپ اول، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۸، ص ۴۹.

بر اساس چه حقی سر هم‌نوع خود را از بدن جدا می‌کنند؟» و سپس با توجه به نظریه قرار داد اجتماعی پاسخ می‌دهد که یقیناً این حق، حقی نیست که حاکمیت و قوانین بر آن استوار باشد. به نظر بکاریا مجازات اعدام حق نیست، بلکه ستیز ملتی است علیه بزهکار به دلیل آنکه ملتی نابودی او را ضروری و سودمند تشخیص می‌دهند.^۱ با همه این موارد بکاریا در دو مورد کیفر مرگ را می‌پذیرد: یکی در موردی است که وجود تبه کار می‌تواند دگرگونی خطرناکی در شکل حکومت ایجاد کند یعنی جرایم سیاسی و دوم موردی است وسیع تر و آن هنگامی است که مرگ تبه کار تنها عامل باز دارنده است که موجب انصراف سایرین از ارتکاب جرم می‌گردد.^۲

ژرمی بنتام (۱۸۳۲-۱۷۴۸) فیلسوف انگلیسی در تفکر آغازین خود، دقیقاً مانند بکاریا است. وی بخش کیفر را سودمند می‌داند، نه اخلاقی و معتقد است برای اینکه کیفر، نقش باز دارندگی خود را ایفا کند باید بارنج و زیان عجین باشد^۳ و این رنج مفید و مستعدو معناست. رنج واقعی که بر بزه کار تحمیل می‌گردد و رنج ظاهری که به حسب آنچه انسانها از کیفر می‌دانند در مخیله پدیدار می‌شود و این رنج ظاهری است که باید به آن اهمیت داده شود. زیرا می‌تواند با ترساندن افراد، آنان را از ارتکاب بزه بازدارد. برای رسیدن به این هدف، کیفر باید دو ویژگی داشته باشد. در مرحله نخست: کیفر باید هولناک باشد و در مرحله دوم، کیفر تا حد ممکن در افکار همگانی پذیرفته شده یعنی مردمی باشد و با مقاومت مردم روبرو نگردد، و لذا در مواردی خاص مثل جرم ارتکاب به قتل، کیفر مرگ را که هم هولناک است و هم این جرم در افکار عمومی پذیرفته شده، را پیشنهاد می‌کند. در عین حال این پذیرش از سوی بنتام استثنائی است. زیرا وی حبس دائم توأم با اعمال شاقه را دارای تأثیر عمیق تر از تأثیر مرگ بر اذهان می‌داند^۴

در فرق بین نظریه بکاریا و بنتام می‌توان گفت: بنتام عقیده بکاریا را با اندکی تعدیل پذیرفته و معتقد است که جامعه از اجرای مجازات منتفع می‌گردد و همین نفع اجرای مجازات را توجیه می‌کند. بکاریا یا نیز عقیده‌ای شبیه همین را داراست. لیکن اصولاً بنتام طرفدار

^۱- سزار بکاریا، جرائم و مجازات ها، ترجمه محمد علی اردبیلی، چاپ ۴، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۰، ص ۸۰.

^۲- سزار بکاریا، ترجمه محمد علی اردبیلی، چاپ ۴، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۰، ص ۷۱.

^۳- ژان پرادل، ترجمه علی حسین نجفی، ابرند آبادی، تاریخ اندیشه‌های کیفر، ترجمه علی حسین نجفی، ابر آبادی، ص ۵۹-۶۱.

^۴- ژان پرادل، ترجمه علی حسین نجفی، ابرند آبادی، تاریخ اندیشه‌های کیفر، ترجمه علی حسین نجفی، ابر آبادی، ص ۶۲.

مجازات‌های شدید بوده، در حالیکه به نظر بکاریا مجازات‌ها باید خفیف تر ولی جدی تر باشد، به نحوی که حتماً اجرا گردد:^۱

اولین اثر بکاریا و طرفدارانش، اصلاح قانون جزای توسکان ایتالیا بود که در ۳۰ نوامبر ۱۷۸۶ توسط پیرلئوپولد (Pierre Leopold) به اجرا گذاشته شد. در این قانون علاوه بر اصلاحات مختلفی که صورت گرفت، کیفر مرگ دیگر ضروری نبود. در آلمان شکنجه حذف شد. در اتریش قانون ۱۷۸۷ با جانشین ساختن مجازات سالب آزادی به جای کیفر مرگ، از اندیشه‌های بکاریا پیروی کرد. لهستان نیز محاکمه جادوگری و شکنجه را لغو کرد. افکار بکاریا و طرفدارانش در دفاتر عمومی که حاوی شکایات و خواسته‌های مردم در دوران انقلاب فرانسه بود، نیز به چشم می‌خورد، در این دفاتر گاه گاهی لغو کیفر مرگ و اصطلاحات دیگر از حکام فرانسه تقاضا می‌شد.^۲

بخش دوم

بررسی اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای قبل و بعد از انقلاب کبیر

فرانسه

جنبش الغاگران در طول قرن ۱۹ با تکیه بر حمایت حقوقدانان انگلیسی بر جسته همانند بتام و رومیلی (Romilly) رشد و توسعه چشمگیری پیدا کرد. در سال ۱۸۶۴، میشیگان اولین حوزه قضایی بود که اعدام را برای همیشه لغو کرد^۳ کشورهای زیادی همانند ونزوئلا و پرتغال ۱۸۶۷، نیوزلند ۱۸۷۵، کاستاریکا ۱۸۸۲، برزیل ۱۸۸۹ و اکوادور ۱۸۹۶ متعاقب این توسعه اعدام را لغو کردند.^۴ ولی الغاگران در اوائل قرن ۲۰ با مانعی جدی مواجه شدند. قسمتی از آن مربوط به دکترین تأثیر گذار جرم‌شناسی گرافالو، لومبروز و فری بود که اعدام را به عنوان اقدامی اجتماعی ضروری می‌دانستند.^۵ و قسمتی از آن مربوط به ظهور توتالیتا ریانسیم (حکومت دیکتاتوری) در اروپا بعد از جنگ جهانی اول بود که موجب بازگشت

^۱ - جاوید صلاحی، کیفرشناسی، چاپ دوم، تهران، انتشارات دانشگاه ملی، ۱۳۵۴، ص ۸۱

^۲ - ژان پرادل، تاریخ اندیشه‌ها کیفری، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ اول، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۱، ص ۱۶

^۳ - D.B. Davis, Movement to Abolish Capital punishment in America, 1787-1861, 284 Annals of the American Academy of political and social science 124.

^۴ - Ricardo Ulate, the death penalty some observations on latin America, United Nations Crime Prevention and criminal justice news letter 27, 1986, pp 12-13

^۵ - Raffael Grafalo, Criminology, Montclair, Patterson Smith, 1968, pp. 104, 105, 376, 410, cesar lombroso, crime, Its cause and Remedies, New york, Agatha press, 1967, p. 527.

دوباره اعدام شد. از همان روزهای ابتدایی هیلتر علاقه زیادی به اعدام داشت و نوشته‌های غیر رسمی مین کمپ (mein kampf) از اعدام ۱۰۰۰۰ تن خبر می‌دهند.

بعد از جنگ جهانی دوم، توجه همگان به سوء استفاده‌های وحشتناک اعدام قبل و در طول منازعه معطوف شد.^۱ در همان زمان نیز اعدام به صورت جهانی اعمال می‌شد و جنبش الغاگران نیز به شدت به فعالیت خود ادامه می‌دادند. همین فعالیت‌ها و چالش‌های جنبش بود که منجر به تصویب چندین کنوانسیون و پروتکل بین المللی در مخالفت با اعمال مجازات اعدام گردید. اعلامیه جهانی حقوق بشر در ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ تصویب شد. مجمع عمومی حق حیات را به صورت قطعی به رسمیت شناخت و هر گونه محدودیتی در این مورد را به صورت ضمنی بیان کرد.^۲ همین روش در اعلامیه آمریکایی حقوق و تکالیف انسان مصوب ۴ می ۱۹۴۸ نیز اعمال شد.^۳

بعضی از اسناد متأخر حقوق بین الملل بشر، مخصوصاً میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی،^۴ کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادیهای اساسی^۵ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر^۶ اعدام را استثنائی بر حق حیات تلقی می‌کنند. حق حیات در حقوق بین الملل متضمن این است که، اعدام را بدون حمایت شکلی یا بر علیه گروه‌های خاص همانند جوانان، زنان باردار، افراد مسن نمی‌توان اعمال کرد.

کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و آزادیهای اساسی تنها سندی است که در صد ارائه لیست جامعی از مستثنیات حق حیات است. سازمان ملل و نظام آمریکایی از چنین روشی در مورد مستثنیات تبعیت نمی‌کنند و به جای آن به سادگی اعلام می‌کنند که حیات نمی‌تواند خودسرانه سلب شود، و حیطه چنین استثنائی را به مفسران واگذاری می‌نمایند. این سه سند، جداگانه اعلام کردند که اعدام مهمترین استثناء حق حیات است. کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی جدا از سایر استثنائات، در یک پاراگراف متمایزاً به اعدام می‌پردازد.^۷

^۱ - Adolf Hitler, mein kampf, Boston Houghton Mifflin, 1943, P. 545

^۲ - G. A. RES. 217 A (111), u. N. D.C. A / 8 70/ The universal Declaration of Human Rights, 1948, art. 3

^۳ - The American Declaration on the Rights and Duties of man, OAS Doc. OEA/ Ser. L. / u/ , 104, 1948, art. 1

^۴ - International covenant on civil and political rights, 1966, 999 UNIS/ 7/ art. 6.

^۵ - Convention for the protection of Human Rights and fundamental freedoms, 1950, 213 UNTs 221, art. 2

^۶ - American convention on Human Rights, 1969, 1/ 447 UNTs 123, OASTS 36, art. 4

^۷ - General/ comment 14(23) u. N. Doc. P/ 40 / 40 / CPR / c / SA.

در تفسیر حق حیات دو مکتب رقیب وجود دارد:

الف) مکتبی که بسیار محدود کننده است و روش تفسیر مضیق را اعمال کرده و حیطه اش را به موضوعات عنوان شده تهیه کنندگان اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین المللی حقوقی مدنی و سیاسی، کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی های اساسی محدود می کند. این دیدگاه از موضوعات مشخصی همانند اعدام، سقط جنین، ناپدید شدگی، اعدام غیر قانونی و سایر انواع سلب عمدی حیات یا بی احتیاطی دولت، حمایت می کند.

ب) دیدگاه وسیعتر حق حیات به طور قابل ملاحظه ای جدید است و در تلاش برای معرفی حیطه اقتصادی و اجتماعی می باشد، که گاهی اوقات به عنوان حق زیستن از آن یاد می شود. بر اساس این روش، حق حیات شامل، حق غذا، مراقبت های پزشکی و بهداشت محیط است.

این دیدگاه را کمیته حقوق بشر در تفسیر عمومی خود در خصوص ماده ۶ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی پذیرفته است^۱ در هر صورت، هر دو مکتب معتقدند که مسأله اعدام در مرکز حق حیات وجود دارد. اسناد بین المللی اولیه به ویژه اعلامیه جهانی حقوق بشر از اعلامیه های ملی همانند اعلامیه استقلال آمریکا (united states bill of rights)

اعلامیه حقوق بشر و شهروند فرانسه (declaration des droit de l homme etdu citoyen) و منشور کبیر (magna charta) تأثیر پذیرفته اند. مفهوم مطلق در اسناد اولیه در مورد تعاریف اولیه مثل حق حیات وجود ندارد و این امر حتی برای حمایت از فرد در برابر فعالیت خودسرانه دولت و مجوزی برای مستثنی کردن دولت به شمار می رود، مشروط بر اینکه دولت حمایت های شکلی را رعایت کند.

اعلامیه حقوق ویرجینیا (Virginia bill of Rights) توسط جرج میسون (Georgemason) در آغاز انقلاب فرانسه تدوین شده و به حقوق ذاتی و بهره مندی از حیات اشاره می کند. در این راستا اعلامیه استقلال بیان می کند: «بدیهی است همه انسان ها یکسان آفریده شده اند و خالقشان به آنها حقوق غیر قابل انتقالی بخشیده که در بین آنها حق حیات، آزادی و بهره مندی از خوشبختی وجود دارد». تدوین کنندگان اعلامیه حقوق بشر و شهروند فرانسه حق حیات را در مواد خود نگنجانده اند، ماده ۲ اعلامیه حقوق بشر و شهروند فرانسه مقرر می کند: «حقوق غیر قابل انتقال شامل آزادی، مالکیت، امنیت، مقاومت در برابر ستم است».

¹ - magna char ta , chapter 26.

حق حیات در ابتدای اسناد حقوق بشر دوستانه به طور ضمنی ذکر شده اند، همچنین مجازات خودسرانه و تصادفی اسرای جنگی در بند ۲ ماده ۲۳ قانون ۱۹۰۷ لاهه راجع به رفتار با اسرای جنگی بیان شده است.^۱

ممنوعیتی که حقوق بین الملل عرفی تدوین کرده شرط مارتنز (Martnes) نامیده شده و تعارضاتی که تحت پوشش قانون قرار نگرفته است را تحت الشمول قرار می‌دهد. حق حیات فی نفسه، اولین بار در حقوق بین الملل توسط آنتونیو روجیر (Antonion Rougier) ایجاد و در ۱۹۱۰ در حقوق بین الملل عمومی گنجانده شد.

روجیر در بررسی مداخلات حقوق بشر دوستانه عنوان کرد، در مواردی که دولت در قلمرو خود حق حیات را از طریق قتل عام یا غفلت در مراقبت‌های بهداشتی در موارد بیماری‌های واگیر دار نقض می‌کند، مداخله حقوق بشر دوستانه مجاز خواهند بود.^۲

قبل از تکمیل اعلامیه حقوق بشر، تدوین کنندگان اعلامیه، کار را بر روی دومین سندی که معاهده رسمی چند جانبه‌ای بود، یعنی میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی آغاز کرده بودند. ماده ۶ میثاق که در سال ۱۹۵۷ تکمیل شد، حق حیات را شبیه آن چیزی که در اعلامیه بود شناسایی کرد. و اعدام را به عنوان استثنایی بر حق حیات تلقی کرد. با گسترش ایده لغو، در توافق نهایی تهیه کنندگان میثاق با شمول ماده ۶ برای لغو اعدام موافقت کردند.^۳

ایده لغو در طول دهه ۱۹۸۰ با شرح دومین پروتکل اختیاری میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی با هدف لغو اعدام به اوج خود رسید. در سال ۱۹۸۵، نهادهای اروپایی، به ویژه شورای اروپا، پروتکل کنوانسیون اروپایی با هدف لغو اعدام در زمان صلح^۴ را در دستور کار قرار دادند. پروتکل در سال ۱۹۸۵ لازم الاجرا شد و تقریباً توسط ۴۳ عضو شورای اروپا تصویب شد. شورای اروپا از اعضای جدید در خواست کرد که پروتکل را تصویب کنند. و این منجر به لغو اعدام در کشورهای اروپایی شرقی و آمریکا شد.

در نتیجه کنوانسیون آمریکایی حداقل برای بسیاری از کشور هایی که پیش از آن قانونی برای اعدام نداشتند یک سند لغو کننده محسوب می‌گردد. کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر در

¹ - General convention of Augnts 12 , 1949 Relative to the treatment of prisoners of war , 1950 , 75 , uNTs 135 .

² - Antonie Rougier , La theorie de L intervention d Humontite , Revue enerale de Doroit inter national public 468 , 1910 , pp. 5 17 -518

^۳ - پاراگراف نهایی ماده ۶ یک از مقمرات این ماده برای تأخیر یا منع یا الغاء و مجازات اعدام از طرف هر یک از دولت های طرف این میثاق قابل استناد نیست.

⁴ - Protocol No th convention for the protection of pHuman Right and fund amental free dooms concerning the Abolition of thhe Death penalty , ets //4 , art2.

سال ۱۹۶۹ تصویب و در سال ۱۹۷۸ لازم الاجرا شد. کنوانسیون آمریکایی از تضمین‌ها و محدودیت‌های معمول در مورد اعدام فراتر می‌رود و آن را برای جرائم سیاسی و افراد مسن نیز ممنوع می‌کند. در سال ۱۹۸۱ شورای اسلامی اروپا اعلامیه جهانی حقوق بشر اسلامی را تصویب کرد که در آن بیان می‌دارد.

« حیات انسان محترم و مصون از تعرض است و هر تلاشی برای حمایت از آن باید انجام گیرد و به جز مجوز قانونی، هیچ کس نباید در معرض صدمه یا مرگ قرار گیرد».^۱

بخش سوم:

کنوانسیون‌ها و اسناد بین الملل در جهت لغو و محدودیت مجازات

اعدام

به دنبال تدوین اعلامیه جهانی حقوق بشر در سال ۱۹۴۸، اسناد بین المللی و منطقه‌ای مختلفی در مورد لغو و محدودیت اعدام تصویب گردید. میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی حق حیات را به عنوان بنیادی ترین حق انسانی شناخته که دیگر حقوق پیش بینی شده در اسناد بین المللی حقوق بشر متوقف بر این حق هستند و اهمیت حق حیات را تا آنجا دانسته که حتی در شرایط ضروری نقض آن را جایز ندانسته است.

در تصریح بخش دوم ماده ۴ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی حتی در موارد اضطراری کشورها نمی‌تواند به بهانه اینکه حیات و بقاء ملت در معرض تهدید است، حق حیات افراد را نقض نماید.^۲ و ماده ۶ میثاق نیز به تفصیل از حق حیات سخن گفته است.

اسناد منطقه‌ای حقوق بشر همچون کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی و کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر هیچکدام مجازات اعدام را ناقض حق حیات به شمار نیاوردند. ماده دوم کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، مجازات اعدام مبتنی بر حکم دادگاه را به عنوان استثنائی بر حق حیات تلقی کرد. قسمت دوم ماده ۴ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر نیز عبارتی شبیه به قسمت دوم ماده ۶ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی را در مورد مجازات اعدام پیش بینی کرد که بر مبنای آن مجازات اعدام در مورد مهمترین و جدی ترین جرائم قابل اعمال است.^۳ در منشور آفریقایی حقوق بشر و

^۱ - universal Islamic Declaration of Rights, 1982, 4 EhRR 433.

^۲ -McGoldric K, D. The Human Rights committee, its Role in the Development of the International covenant of civil and political Rights, Clarendon press, Oxford, 1994, pp. 328, 362.

^۳ - سید محمد قاری، سید فاطمی « حق حیات » مجله تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۳۱-۳۲، ص ۱۵۴.

خلق‌ها منعی نسبت به کارگیری مجازات اعدام وجود نداشت. اعلامیه اساسی حقوق بشر مصوب وزرای امور خارجه عضو سازمان کنفرانس اسلامی (۱۹۹۰) نیز که بر مبنای احکام شریعت تدوین شده، مخالفتی با مجازات اعلام ننموده است.

مبحث اول: نگاهی به اقدامات انجام شده در تدوین اسناد لغو مجازات اعدام

در خصوص لغو مجازات اعدام دومین پروتکل اختیاری میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و پروتکل‌های الحاقی ششم و سیزدهم کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، پروتکل الحاقی کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر، اسناد بین المللی هستند که در جهت لغو مجازات اعدام تدوین شده اند.^۱

الف: اسناد الغا گر در سطح بین المللی

الف-۱) اساسنامه دیوان کیفری بین المللی موسوم به اساسنامه روم مورخ ۱۷ ژوئیه

۱۹۹۸

در سال ۱۹۹۳ کمیسیون حقوق بین الملل، پیش نویس اساسنامه دیوان کیفری بین المللی را تصویب کرد. در ۱۷ ژوئیه ۱۹۹۸ اساسنامه دیوان کیفری بین المللی در نشست دیپلماتیک نمایندگان تام الاختیار ملل متحد، به تأیید نمایندگان ۱۲۰ کشور از مجموع ۱۶۰ کشور جهان رسید.

ماده ۱۵۳ اعلام می‌نماید: « مجازات‌ها مواردی از قبیل: حبس برای مدت معین، حبس ابد و جریمه می‌باشد ».

همچنین برای اجتناب از هر گونه ابهام، مخبر ویژه اذعان نمود که دیوان کیفری بین المللی اجازه اعمال مجازات اعدام را نخواهد داشت.^۲

در ماده ۷۷ اساسنامه روم سه مجازات پیش بینی شده است. « حبس، جریمه، مصادره در آمدهای ناشی از ارتکاب جرم ».

الف-۲) دومین پروتکل اختیاری میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی مورخ ۱۵

دسامبر ۱۹۸۹

یکی از نهادهای سازمان ملل بنام کمیسیون ممانعت از تبعیض و حمایت از اقلیتها^۳ دومین پروتکل اختیاری میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی را با هدف لغو اعدام تهیه کرد. این

^۱ - Additional protocol to the American convention on Human Right to Abolish The Death penalty , OAsTs 73 , 29 ZLM 1997.

^۲ - Report of The International Law Commission on work of its forty- fifth

^۳ - Prevention of Discrimination

سند نهایتاً توسط مجمع عمومی در سال ۱۹۸۹ تصویب و در سال ۱۹۹۱ لازم الاجرا شد: این پروتکل به عنوان مقررات الحاقی به میثاق محسوب می‌شود و هدف آن لغو مجازات اعدام است و به موجب آن دولتهای عضو میثاق که به این پروتکل نیز پیوندند، باید مجازات اعدام را در کشور خود لغو نمایند.

الف-۳). کنوانسیون حقوق کودک^۱ مورخ ۲۰ نوامبر ۱۹۸۹:

ممنوعیت اعدام برای افراد زیر ۱۸ سال به طور کامل در کنوانسیون حقوق کودک که توسط مجمع عمومی در ۱۹۸۹ تصویب شده نیز وجود دارد. از نظر کنوانسیون افراد زیر ۱۸ سال کودک محسوب می‌شوند. «... مگر اینکه طبق قانون لازم الاجرا در مورد کودک سن بلوغ کمتر از ۱۸ سال باشد.» مثلاً سن ۱۵ سال تمام، همان تعریف بر کودک صادق است و بنابراین حقوق و مقررات مربوط به کودک از نظر کشورهای مزبور شامل افرادی است که زیر آن سن باشند.

ب) اسناد الغاگر منطقه‌ای

۱) پروتکل کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادیهای اساسی مورخ ۲۸

آوریل ۱۹۸۳:

پروتکل ششم کنوانسیون حمایت از حقوق بشر و آزادیهای اساسی، راجع به الغاء مجازات اعدام در زمان صلح نخستین سند بین المللی است، که اعمال مجازات‌های اعدام را در زمان صلح منع می‌نماید. این پروتکل در دسامبر ۱۹۸۲ توسط کمیته وزیران شورای اروپا به تصویب رسید و از آوریل ۱۹۸۳ برای امضاء مفتوح گردید و از اول فوریه ۱۹۸۵ لازم الاجرا شد که این یک اقدامی بود در جهت اصلاح ماده ۲ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر که مجازات اعدام را استثنائی بر حق حیات می‌دانست.

۲) پروتکل شماره ۱۳ کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی

مورخ ۲۱ فوریه ۲۰۰۲:

پروتکل پیشنهاد شده مرتبط با لغو اعدام در زمان جنگ همانند زمان صلح بود. کمیته هماهنگ کننده اجرایی حقوق بشر و کمیته کارشناسان توسعه حقوق بشر^۲ پیش نویس پروتکل و گزارش توضیحی در مورد آنرا در سال ۲۰۰۱ ارائه دادند. کمیته کارشناسان توسعه

^۱ - convention on the Rights of the child, G.A.Res. 44 / 45 , 28 L1M 1448

^۲

حقوق بشر پیش نویس پروتکل و گزارش توضیحی را به کمیته وزراء در ۸ نوامبر ۲۰۰۱ منتقل کردند، و نهایتاً کمیته وزراء در ۲۱ فوریه سال ۲۰۰۲ متن پروتکل را تصویب نمود و برای امضاء توسط دولتهای عضو شورای اروپا مفتوح ماند.

در بند سوم ماده ۴ پروتکل شماره ۱۳ آمده است که: کشوری که از اعلامیه مذکور در بند ۱۴ استفاده کرده است، می تواند در هر زمان آن را پس بگیرد یا تغییر دهد. و به موجب ماده ۴ پروتکل، کشورها می توانند از اجرای قواعد پروتکل در یک یا چند بخش از سرزمین خود ممانعت به عمل آورند.

۳) پروتکل دوم کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر مورخ ۸ جون ۱۹۹۰:

به موجب ماده ۳ فقط کشورهای طرف کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر می توانند امضا کننده یا کشور متعهد پروتکل باشند و ماده ۴ مقرر می دارد که این پروتکل درباره کشورهای که آنرا تصویب کرده یا به آن ملحق شده اند، پس از تودیع اسناد آن نزد دبیرکل کشورهای آمریکایی لازم الاجرا می گردد. این پروتکل با سپردن دومین سند تصویب در ۲۸ آگوست ۱۹۹۰ لازم اجراء شد.

مبحث دوم - اسناد بین المللی محدود کننده و لغو اعدام:

در آخر به ذکر نام تعدادی از اسناد محدود کننده اعدام خواهیم پرداخت. شایان ذکر است که علاوه بر اسناد بین المللی که دارای رویکرد لغو مجاز است اعدام می باشند، اسناد بین المللی دیگری وجود دارد که به محدودیت مجازات اعدام اشاره دارند، به این معنا که این اسناد مجازات اعدام را برای طبقه بندی خاصی از افراد همانند افراد زیر ۱۸ سال، زنان باردار،.... ممنوع می کند و هم چنین اعمال آن را با وجود شرایط خاصی اجازه می دهند.

۱) اسناد بین المللی لغو اعدام

۱-۱) اسناد حقوق بشر دوستانه کنوانسیون های ژنو مورخ ۱۲ اوت ۱۹۴۹

و پروتکل های الحاقی به کنوانسیون های ژنو مورخ ۱۶ دسامبر ۱۹۷۹

۲-۱) میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی مورخ ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶

۳-۱) کنوانسیون ضد شکنجه و رفتار با مجازاتهای بی رحمانه، غیر انسانی یا تحقیر

کننده^۱ مورخ ۱۰ دسامبر ۱۹۸۴

۴-۱) کنوانسیون بین المللی محو هر نوع تبعیض نژادی^۱ مورخ ۲۱ دسامبر ۱۹۶۵

^۱ - Convention against Torture and other forms of Cruel, Inhuman and Degrading Treatment or punishment, G.A.Res 39/ 69.

۱-۵) کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان مورخ ۱۸ دسامبر ۱۹۷۹

۲) اسناد منطقه‌ای محدود کننده اعدام

۱) کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادیهای اساسی مورخ ۴ نوامبر ۱۹۵۰

۲) کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر مورخ ۲۲ نوامبر ۱۹۶۹

۳) منشور آفریقایی حقوق بشر و خلق‌ها مورخ ۲۷ ژوئن ۱۹۸۱

۴) اقدامات اتحادیه اروپا^۲ مورخ ۸ آوریل ۱۹۶۵

بخش چهارم:

تاریخچه مجازات اعدام در ایران

مبحث اول: مجازات اعدام در ایران باستان

پادشاهان ایران خود را برگزیده اهورا مزدا و خواست خود را خواست او دانسته و به همین جهت قوه مقننه و قوه قضائیه و قوه مجریه را از آن خود می‌دانستند. آنان به اجرای عدالت اهمیت خاصی می‌دادند و معتقد بودند که شدت مجازات، مجرمین احتمالی و خاصه خائنین مملکت را وادار می‌نماید که از ترس مجازات و شکنجه‌های توأم با مجازات از ارتکاب بزه خودداری نمایند.^۳

افلاطون در مورد قوانین ایران باستان و توجه پادشاهان ایرانی به حقوق و اجرای عدالت گفته است. « داریوش قانونگذاری بود که قوانین او امپراطوری وسیع ایران را نگاه داشت».^۴

^۱ -In ternational Convention on the Eliminhation of all Forms of Reaical Discrimination (1969) 66. UNTS 195, art.5/A.

^۲ - اتحادیه اروپایی، در واقع جانشین جوامع اروپایی است که خود متشکل از سه سازمان به نام های جامعه اروپایی زغال سنگ و فولاد (۱۸ آوریل ۱۹۵۱). جامعه اقتصادی اروپا (بازار مشترک) و جامعه اتمی اروپا (معاهدات رم ۱۹۵۷) بود. کشورهای مؤسس جوامع اروپایی عبارتند از: فرانسه، جمهوری فدرال آلمان، ایتالیا و سه کشور بنه لوکس (بلژیک، هلند، لوکزامبورگ). وزیران امور خارجه کشورهای مذکور در ۸ آوریل ۱۹۶۵ « معاهده ادغام» را امضا نمودند این معاهده از اول ژوئیه ۱۹۶۸ به مرحله اجرا در آمد. طبق این معاهده، ارکان مختلف اروپایی که تا آن زمان وجود داشت، در یکدیگر ادغام شدند و برای هر سه سازمان، دورکن مشترک در نظر گرفته شد. یکی شورای اتحادیه اروپا و دیگری کمیسیون، بعدها به تدریج سه رکن مشترک دیگر برای جوامع اروپایی پیش بینی گردید، شورای اروپایی که در واقع کنفرانس سران کشورهای عضو است و دیگر پارلمان اروپایی است که امروز مجمعی مرکب از نمایندگان ملت های عضو جوامع اروپایی می باشد که برای مدت ۵ سال مستقیماً توسط شهروندان کشورهای عضو انتخاب می شوند. رکن مشترک دیگر دیوان دادگستری اروپایی است.

^۳ - محمد صالح ولیدی، حقوق جزای عمومی، ص ۲۹۱.

^۴ - اشرف احمدی، قانون و دادگستری در شاهنشاهی ایران، (تهران، وزارت فرهنگ و هنر، ۱۳۵۴)، ص ۱۵۰.

مجازات اعدام هنگام ارتکاب جرم علیه جان و مال و بستگان پادشاه و توطئه و طغیان و خیانت به کشور، به صورت به دار آویختن یا سر از بدن جدا کردن بوده است. (محمد صالح ولیدی، حقوق جزای عمومی، ص ۲۹۲).

ویل دورانت در کتاب تاریخ خود در این باره می‌نویسد: «در دوره هخامنشیان، قانون، کشتن اشخاص را در برابر جرم کوچک علیه شاه ممنوع کرده بود و خیانت به وطن و هتک ناموس و لواط و سوزانیدن مردگان و تجاوز به حرمت کاخ شاهی و نزدیک شدن به کنیزان شاه یا نشستن بر تخت وی یا بی‌ادبی به خاندان سلطنتی مجازات مرگ داشت. در این قبیل موارد گناهکار مجبور بود که زهر بنوشد یا او را به چهار میخ می‌کشیدند یا به دار می‌آویختند.»^۱

با توجه به انواع مجازات‌های متداول در عهد باستان و نحوه اجرای آن‌ها به نظر می‌رسد که، مهمترین هدف چنین مجازات‌هایی در درجه اول حفظ نظم و پس از آن ایجاد رعب و هراس بوده است؛ زیرا شدت و سختی مجازات‌ها و توأم بودن آن‌ها با اعمال شکنجه و آزار در نمونه‌هایی مانند پوست کندن مجرمین و پر کردن آن‌ها از کاه و در ملأ عام قرار دادن و کور کردن چشم مجرمین، به خوبی دنبال کردن هدف‌های دو گانه یاد شده توسط مجریان امر را نشان می‌دهد. (محمد صالح ولیدی، حقوق جزای عمومی، ص ۲۹۵).

مبحث دوم:

مجازات اعدام در دوران میانه ایران

دوران میانه از زمان رواج دین اسلام در کشور ایران آغاز می‌شود که تا انقلاب مشروطه و تصویب قانون اسلامی ایران و متمم آن ادامه پیدا می‌کند، که به تبع آن مجازات‌ها طبق قوانین اسلامی به چهار بخش حدود و قصاص و دیات و تعزیرات تقسیم می‌شود.

قصاص در احکام اسلامی برای مجازات قتل عمد در نظر گرفته شده است. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «ای هوشیاران حکم قصاص برای حفظ زندگانی شماست تا مگر از قتل یکدیگر بپرهیزید».^۲ و در آیه دیگر می‌فرماید:

«در مورد خونریزی حکم قصاص این است: مرد آزاد در مقابل مرد آزاد و برده در برابر برده و زن را در برابر زن قصاص کنید ولی اگر کسی برادرش را ببخشد کار او کاری است

^۱ - ویل دورانت، ترجمه احمد آرام، مأخذ پیشین، چاپ اول، تهران، سازمان انتشارات و آموزش اسلامی، ۱۳۶۷.

^۲ - سوره بقره، آیه ۱۷۹.

نیکو و طرف باید این نیکی را با نیکی جبران نماید. این بخاطر تخفیف و آسانی در امر قصاص و رحمت از جانب خداوند است و پس از این دستور هر که از آن سر پیچی کند بر او عذاب سخت خواهد بود»^۱

در مورد امر قصاص در صورتیکه رعایت تساوی مجازات با جرم انجام شده امکان پذیر نباشد، باید قصاص تبدیل به دیه شود و مجرم مبلغ معینی به مجنی علیه یا اولیاء دم پرداخت کند.^۲

در این دوران متأسفانه با وجود رواج دین اسلام واستقرار مشروطیت حکومت‌های خودکامه به هر ترتیب که می‌خواستند مخالفین حکومت، بزه کاران و افراد خود سر را به مجازات‌های شدید و هولناک محکوم می‌کردند». از آن جایی که مجازات به عنوان تعزیر صورت می‌گرفت، قضات حکومت تابع هیچ قاعده و اصلی نبودند و در مواردی که رسیدگی و تعیین تکلیف به آن‌ها و اگذار شده بود، برحسب اعتقاد، احساس یا منافع شخصی خود رأی می‌دادند.^۳

مبحث سوم:

مجازات اعدام در دوران معاصر

باید توجه داشت که اعدام مقرر در ماده ۱۷۰ ق.م.ع (قانون مجازات عمومی) از باب قصاص مصطلح شرعی نبوده و بلکه از باب مجازات جنبی بوده است لذا احکام قصاص شرعی بر روی آن بار نمی‌شد و در قانون مجازات عمومی، این مجازات بر خلاف قانون مجازات اسلامی، حق الناس تلقی نمی‌شد یعنی با عفو ولی دم ساقط نمی‌گردید.^۴ در این مجازات، اعدام نه تنها در جرایم نظامی بلکه در جرایم حقوق عمومی نیز در رأس مجازات‌ها قرار گرفت و در قانون جزای عمومی مصوب ۷ خرداد ۱۳۵۲ نیز مجدداً مورد تأیید و تأکید قرار گرفته است. همچنین این مجازات در برخی از قوانین اختصاصی نیز پیش بینی شده است به طور کلی ۲۲۱ مورد جرائم مشمول اعدام در قوانین مختلف جزائی قبل از انقلاب اسلامی وجود داشت که از این تعداد، ۶۵ فقره در صلاحیت محاکم عمومی و بقیه در صلاحیت

^۱ - سوره بقره آیه ۱۷۸.

^۲ - پرویز صانعی، حقوق جزای عمومی، چاپ سوم، تهران، انتشارات گنج دانش، ۱۳۷۲، جلد دوم، ص ۲۳۰.

^۳ - پرویز صانعی، حقوق جزای عمومی، چاپ سوم، تهران، انتشارات گنج دانش، ۱۳۷۲، جلد دوم، ص ۹۷.

^۴ - محمد ابراهیم شمس ناتری، بررسی تطبیقی مجازات اعدام، چاپ اول، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی ۱۳۷۸، ص ۷۸.

دادگاههای نظامی بود. ضمن اینکه بیشترین موارد صدور حکم اعدام در قتل نفس مندرج در مواد ۱۷۰ قانون مجازات عمومی در مورد قتل و ماده ۱۷۱ قانون مجازات عمومی در ضرب و جرح عمومی منتهی به فوت با آلت قتاله بود^۱.

مبحث چهارم:

مجازات اعدام در دوره جمهوری اسلامی ایران

در دوران جمهوری اسلامی نظام جرائم و مجازات‌ها دگرگون شد. قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ که متن بازنگری شده نخستین قانون مدون پس از انقلاب (یعنی قانون مجازات اسلامی ۱۳۶۱) است. با مبنا قرار دادن شرع اسلام، مجازات‌ها را به پنج گروه حدود، قصاص، دیات، تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده تقسیم نمود. (ماده ۱۲ قانون مدنی اسلامی) جز درباره دیات کیفرمرگ در قانون مجازات اسلامی نمونه آشکار مجازات‌های ۴ گانه دیگر ماده ۱۲ قانون راجع به مجازات‌های اسلامی است:^۲

الف) در باب حدود، جرم زنا در چهار حالت مستوجب قتل (اعدام) شناخته شده است:

۱) زنا با محارم نسبی

۲) زنا با زن پدر که موجب قتل زانی است

۳) زنا با زن غیر مسلمان با زن مسلمان که موجب قتل زانی است.

۴) زنا با زن عیبه و اکراه که موجب قتل زانی اکراه کننده است (ماده ۸۲ قانون مجازات

اسلامی)

در ماده ۸۳ قانون مجازات اسلامی نیز کیفر زنا با محارم نسبی مشخص شده است. کیفر جرم لواط نیز در صورت دخول قتل (اعدام) پیش بینی شده و کیفیت نوع آن در اختیار حاکم شرع است.

(ماده ۱۱۰ قانون مجازات اسلامی) همچنین کیفر تفخیز، قذف، مساحقه و زنا در دفعه

چهارم و شرب خمر در دفعه سوم قتل (اعدام) است (مواد ۱۲۲، ۱۵۷، ۱۳۱، ۶۸، ۱۷۹،

قانون مجازات اسلامی)

^۱ محروقه جهانبخش اصل، «مجازات اعدام» پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تهران، ۱۳۵۹.

^۲ - مهرنوش کیال، بررسی مجازات اعدام در اسناد جهانی و تطبیق این مجازات با قوانین ایران

بخش پنجم

ماده ۶ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی سیاسی در مورد حق حیات

کمیته حقوق بشر

Human Right Committe

General comment No. 36 (2018) on article 6 of the international covenant on civil Political Rights.

(۱) این نظریه عمومی جایگزین نظر عمومی شماره ۶ (شانزدهمین جلسه) و ۱۴ (بیست و سومین جلسه) مورد پذیرش توسط کمیته در سال ۱۹۸۲ و ۱۹۸۴ واقع شد.

(۲) ماده ۶ شناسایی و حفاظت از حق حیات در مورد همه انسانها را به عهده دارد. این یک حق عالی می‌باشد که قابلیت هیچ گونه انعطاف را اجازه نمی‌دهد حتی در موقعیت‌های درگیریهای مسلحانه و دیگر موارد اضطراری عمومی که زندگی ملتی را مورد تهدید قرار می‌دهد.^۱ حق حیات دارای اهمیت حیاتی هم در مورد افراد هم در مورد جامعه به عنوان یک کل می‌باشد. به عنوان یک حق (حق حیات) دارای ارزشمندترین نوع از حق می‌باشد که برای هر انسانی به مراتب می‌تواند وجود داشته باشد زیر بنای حق اساسی^۲ که حمایت موثر از آن به عنوان یک پیش نیاز در متن حقوق بشر ضروری به نظر می‌رسد.

(۳) حق حیات نباید به صورت مضیق تفسیر شود. این حق افراد به عنوان یک موضوع باید از فعل و ترک فعل‌های در نظر گرفته شده یا مورد انتظار که باعث مرگ زودرس یا غیر طبیعی افراد می‌شود آزاد باشد و به صورت لذت بردن از زندگی همراه با شرافت باشد.

(۴) در ابند ماده ۶ میثاق آمده است که هیچ کس نمی‌تواند به حیات خویش به صورت خودسرانه پایان دهد و باید این موضوع بوسیله قانون حمایت شود. این پایه و اساس تعهد برای کشورهای عضو نسبت به تحقق این امر از طریق اقدامات قانونی و سایر اقدامات و فراهم کردن درمان مؤثر و جبران خسارت همه قربانیان نقض حیات، با ایجاد احترام و اطمینان نسبت به حق حیات می‌باشد.

¹ –General Comment 6, para. 1; Communication No. R.11/45, Suarez de Guerrero v. Colombia, Views adopted on 31 March 1982, para. 13.1; Communication No. 146/1983, Baboeram Adhin v Suriname, Views adopted on 4 April 1985, para. 14.3.

² –General Comment 14, para

۵) بندهای ۲ و ۴ و ۵ و ۶ از ماده ۶ میثاق ضمانت‌های خاص را در حصول اطمینان برای دولت‌های عضوی که هنوز مجازات اعدام را لغو نکرده‌اند تنظیم کرده است اینکه فقط برای جرائم مهم به صورت مورد استثنائی و خیلی محدود^۱ مجازات اعدام اعمال شود. ممنوعیت خود سرانه زندگی مندرج در بند ۱ ماده ۶ دولت‌های عضو را از اعمال مجازات اعدام در محدودیت بیشتری قرار می‌دهد. مقررات بند ۳ به طور خاص ارتباط بین ماده ۶ میثاق و کنوانسیون پیشگیری و مجازات جنایات نسل کشی (کنوانسیون نسل کشی) را تنظیم می‌کند.

مبحث اول

صدو بیست و چهارمین جلسه پذیرفته شده کمیته (۸ اکتبر تا ۲

نوامبر ۲۰۱۸)

۶) محرومیت از زندگی در بر گیرنده (به صورت عمدی)^۲ یا در غیر اینصورت آسیب یا آسیب ناشی از خاتمه دادن به زندگی که قابل پیش بینی و پیشگیری می‌باشد که از فعل یا ترک فعل ناشی می‌شود. این خارج از صدمه زدن به تمامیت جسمی یا روانی یا تهدید به آن می‌باشد.^۳

۷) دولت‌های عضو باید به حق حیات احترام بگذارند وظیفه خودداری از مشارکت در رفتار منجر به محرومیت خود سرانه زندگی را دارند. دولت‌های عضو باید اطمینان بدهند برای حفظ حق حیات و داشتن دقت کافی برای حمایت از زندگی اشخاص^۴ در مقابل محرومیت که بوسیله اشخاص یا نهادها ایجاد می‌شود که آن رفتار مربوط به دولت نیست. تعهدات کشورهای عضو برای احترام و اطمینان حق حیات به تهدیدات قابل پیش بینی منطقی و موقعیت‌های تهدید کننده زندگی گسترش می‌یابد که می‌تواند منجر به از دست زندگی شود. دولتهای عضو ممکن است نقض ماده ۶ را داشته باشند حتی اگر چنین تهدیدات و موقعیت‌ها منجر به از دست دادن زندگی نشود.^۵

¹ - See Part IV.

² -Communication No. R.11/45, Suarez de Guerrero v. Colombia, Views adopted on 31 March 1982, para. 13.2.

³ -General Comment 35, para. 9, 55.

⁴ -General Comment 31, para. 8. Cf. Osman v UK, Judgment of the ECtHR of 28 Oct. 1998, para. 116

⁵ Communication No. 821/1998, Chongwe v. Zambia, Views adopted on 25 Nov. 2000, para. 5.2. Cf. Ilhan v Turkey, Judgment of the ECtHR of 27 June 2000, para. 75-76; Rochela Massacre v Colombia, I/A CHR Judgment of 11 May 2007, para. 127.

۸) این اقدامات نباید منجر به نقض حیات در مورد یک زن یا دختر باردار یا حقوق دیگر وی در میثاق شود. بنابراین محدودیت در توانایی زنان یا دختران در مورد سقط جنین نباید زندگی آنان را به خطر بیندازد و تبعیض آمیز و خودسرانه در حریم خصوصی آنها دخالت کند و باعث در دو رنج جسمی و روانی که نقض ماده ۷ می باشد منجر شود. کشورهای عضو باید دسترسی ایمن، قانونی و مؤثر به سقط جنین را در جاییکه زندگی و سلامت زنان یا دختران باردار در معرض خطر است به ویژه در مواردی که حاملگی ناشی از تجاوز به عنف یا غیر قابل تحمل باشد، بدهند.^۱ « دولتهای عضو نباید بخاطر سقط جنین با اعمال مجازاتهای کیفری باعث انجام سقط جنین به صورت نا امن شوند و از خدمات پزشکی که به آنها کمک می کند این کار را انجام دهند محروم شوند».

علاوه بر این، دولتهای عضو ممکن است بارداری یا سقط جنین را در همه موارد دیگر به نحویکه بر خلاف وظیفه خود عمل کنند، تنظیم کنند، تا اطمینان حاصل شود که زنان و دختران مجبور به انجام سقط جنین نا امن نیستند و باید قوانین سقط جنین خود را بر اساس آن تجدید نظر کنند^۲ برای مثال، آنها نباید اقداماتی را اتخاذ کنند مانند جرم حاملگی توسط زنان غیر متأهل یا بکارگیری تحریمهای جنایی بر علیه زنان و دختران تحت انجام سقط جنین^۳ یا در برابر ارائه دهندگان خدمات پزشکی که به آنها کمک می کند به انجام (سقط جنین)، زیرا اتخاذ کردن چنین اقداماتی دختران و زنان را مجبور به انجام سقط جنین نا امن می کند دولتهای عضو نباید موانع جدید را معرفی کنند و باید موانع موجود را حذف کنند^۴ مانند موانعی که باعث ایجاد اعتراض وجدان توسط ارائه دهندگان خدمات پزشکی شخصی می شود.^۵ کشورهای عضو باید بطور مؤثر زندگی زنان و دختران را در مقابل خطرات سلامت جسمی و ذهنی مرتبط با سقط جنین نا امن حمایت کنند. به خصوص آنها باید برای دسترسی زنان و مردان مخصوصاً دختران و پسران^۶ به اطلاعات کافی و آموزشهای مبتنی بر شواهد درباره سلامت جنسی و

¹ -See Communication No. 2324/2013, Mellet v. Ireland, Views adopted on 31 March 2016, para. 7.4-7.8; Concluding Observations: Ireland (2014), para. 9

² -General Comment 28, para. 10. See also e.g., Concluding Observations: Argentina (2010) para. 13; Concluding Observations: Jamaica (2011), para. 14; Concluding Observations: Madagascar (2007), para. 14.

³ -Concluding Observations: Tanzania (1998), para. 15

⁴ See e.g., Concluding Observations: Panama (2008), para. 9; Concluding Observations: FYROM (2015), para. 11. See also WHO Guidelines on Safe Abortions World Health Organization, Safe Abortion: Technical and Policy Guidance for Health Systems (2nd ed., 2012) 96-97.

⁵ -Concluding Observations: Poland (2016), para. 24; Concluding Observations: Colombia (2016), para. 21

⁶ -Concluding Observations: Chile (2014), para. 15; Concluding Observations: Kazakhstan (2011), para. 11; Concluding Observations: Romania (2017), para. 26.

باروری^۱ و طیف گسترده‌ای از روشهای ضد بارداری مقرون به صرفه^۲ اطمینان دهند. دولتهای عضو باید در هر شرایطی و به صورت محرمانه^۳ دسترسی مؤثر، مراقبت‌های بهداشتی قبل از زایمان و پس از سقط جنین را برای زنان و دختران^۴ تضمین کنند.

۹) دولتهای عضو باید برای حفظ کرامت اشخاص اقدامات کافی را برای جلوگیری از خودکشی، به ویژه در میان افراد در شرایط خاص آسیب پذیر^۵ از جمله افراد محروم از آزادی انجام دهند. دولتهای عضو باید به متخصصان پزشکی به فراهم آوردن درمان و وسایل پزشکی به منظور تشخیص خاتمه زندگی سالمندان آسیب دیده مثل کسانی که بیماری پایدار دارند و تجربه درد و رنج شدید روحی و جسمی دارند و آرزوی مرگ با کرامت دارند مجوز بدهند^۶ که این باید همراه با ضمانت قانونی با توجه به حفاظت از بیماران از فشار و سوء استفاده صورت پذیرد^۷

مبحث دوم

جلوگیری از محرومیت خودسرانه زندگی

۱۰) اگر چه در همه انسان‌ها این موضوع به صورت ذاتی وجود دارد که^۸ حق زندگی مطلق نیست. میثاق فهرستی از زمینه‌های مجاز برای محرومیت از زندگی را تهیه نکرده است اما نباید محرومیت از زندگی به صورت خودسرانه باشد. بند ۱ ماده ۶ میثاق به صورت ضمنی به رسمیت شناخته است که برخی از محرومیت‌ها از زندگی غیر خودسرانه می‌باشد به عنوان مثال استفاده از نیروی کشنده در دفاع از خود تحت شرایط مندرج در بند ۱۲ حتی اقدامات استثنائی که منجر به محرومیت از زندگی می‌شود، خودسرانه نبوده که باید توسط قانون تعریف شده باشند. کشورهایی که مجازات اعدام را لغو نکرده‌اند و طرفین پروتکل اختیاری دوم میثاق یا سایر معاهدات مربوط به لغو مجازات اعدام نیستند می‌توانند فقط مجازات اعدام را در یک

¹ -Concluding Observations: Sri Lanka (2014), para. 10; Concluding Observations: San Marino (2015), para. 15; Concluding Observations: Argentina (2016), para. 12.

² -Concluding Observations: Poland (2010), para. 12; Concluding Observations: DRC (2017), para. 22

³ -Cf. Committee on the Rights of the Child, General Comment No. 4 (2003) Adolescent health and development in the context of the Convention on the Rights of the Child (2003), para. 11.

⁴ Concluding Observations: Malawi (2014), para. 9; Concluding Observations: Pakistan (2017), para. 16

⁵ Concluding Observations: Ecuador (1998), para. 11-.

⁶ -Cf. CESCR, General Comment 14 (2000), para. 25 (“attention and care for chronically and terminally ill persons, sparing them avoidable pain and enabling them to die with dignity”).

⁷ -Concluding Observations: Netherlands (2009), para. 7

⁸ - Universal Declaration of Human Rights, preamble.

روش غیر خودسرانه با توجه به جدیدترین جنایات و با در نظر گرفتن شرایط سخت شرح داده شده در بخش چهارم که در زیر توضیح داده شده است اعمال کنند.

۱۱) بند ۱ ماده ۶ مستلزم آن است که حق حیات بوسیله قانون محافظت شود در حالیکه قسمت سوم مستلزم آن است که هیچ کس نباید خود سرانه از زندگی محروم شود. این ۲ الزام موجود تا حدی با هم تداخل دارند در حالیکه محرومیت از زندگی که فاقد مبنای قانونی است یا در غیر این صورت با قوانین و مقررات حفاظت از زندگی متناقض است به عنوان یک قاعده به صورت خودسرانه می‌باشد.

به عنوان مثال حکم اعدام به دنبال محاکمه قانونی که در نقض قوانین داخل پرونده کیفری یا شواهد صادر شده است به طور معمول غیر قانونی و خودسرانه خواهد بود.

۱۲) محرومیت از زندگی به عنوان یک قاعده خود سرانه است اگر این محرومیت با قوانین داخلی یا قوانین بین المللی متناقض باشد^۱ با این وجود محرومیت از زندگی ممکن است با قانون داخلی مجاز باشد ولی هنوز خودسرانه باشد. مفهوم خودسرانه به طور کامل معادل با در مقابل قانون نمی باشد اما باید به طور گسترده تفسیر شود. برای شامل شدن عناصری از نامناسب، ناعادلانه، بدون پیش بینی و ناشی از فرایند قانونی^۲ و دارای عناصر معقول بودن، ضرورت و متناسب باشد.

با توجه به ماده ۶ میثاق یکی از مصادیق اعمال خودسرانه موضوع دفاع شخصی از خود می‌باشد که باید با توجه به شدت تهدید مهاجم صورت پذیرد که این تهاجم شدید باید بعد از بکار بردن همه روشها اگر کافی نبود به کاربرده شود و بعنوان مثال نمی تواند به منظور جلوگیری از فرار یک مجرم یا مظنون به جنایت که تهدید قریب الوقوع با حالت جدی برای اینکه به زندگی یا تمامیت جسمی شخصی لطمه وارد کند مورد استفاده قرار گیرد.^۳

به منظور اینکه بر طبق ماده ۶ محرومیت از زندگی خود سرانه قلمداد نشود کاربرد نیروی کشنده بالقوه که توسط یک شخص خصوصی در دفاع شخصی بکار برده می‌شد با شخص دیگری که برای دفاع از او می‌آید باید با توجه به تهدید به طور جدی مورد نیاز باشد و باید به عنوان گزینه آخر بعد از سایر گزینه‌ها در صورتیکه سایر گزینه‌ها ناکافی قلمداد شود و سایر

¹- Cf. General Comment No. 3 on the African Charter on Human and Peoples' Rights: The Right to Life (Article 4)(2015), para. B12

²-Communication No. 1134/2002, Gorji-Dinka v. Cameron, Views adopted on 14 March 2005, para. 5.1;

Communication No. 305/1988, Van Alphen v. The Netherlands, Views adopted on 23 July 1990, para. 5.8.

³-Cf. Kazingachire v Zimbabwe, Report of the ACHPR of 12 Oct. 2013, para. 118-120

گزینه‌های دیگر جوابگوی نباشد مورد استفاده قرار گیرد^۱ مقدار نیروی بکار گرفته شده نمیتواند از مقداری که واقعاً مورد نیاز برای پاسخ به آن تهدید است تجاوز کنند و نیروی بکار گرفته شده باید به دقت فقط در برابر مهاجم اجرا شود^۲ و تهدیدی که مورد پاسخ واقع شود باید شامل مرگ قریب الوقوع یا آسیب جدی باشد^۳ استفاده از نیروی احتمالی مرگبار برای اهداف اجرای قانون یک اقدام شدید قلمداد می‌شود^۴ که باید فقط در موقعی که نیاز شدید به منظور محافظت در زندگی یا پیشگیری از وارد آمدن جراحت جدی از یک تهدید قریب الوقوع باشد، انجام شود. بنابراین اگر بطور جدی نیاز باشد که از زندگی محافظت شود، برای نجات زندگی از یک تهدید قریب الوقوع استفاده از هر وسیله مجاز می‌باشد.^۵

۱۳) از کشورهای عضو انتظار می‌رود که اقداماتی در جهت جلوگیری از محرومیت‌های خود سرانه زندگی توسط مقامات مسئول اجرای قانون، از جمله سربازانی که به مأموریت اجرای قانون فرستاده شده‌اند انجام گیرد. این اقدامات عبارتند از قوانین مناسب برای کنترل استفاده از نیروی مرگبار توسط مقامات انتظامی، روش‌هایی که به این منظور اطمینان از اقدامات اجرای قانون که به طور کافی برنامه ریزی شده است و مطابقت برای به حداقل رساندن خطر مرگ برای انسان،^۶ گزارش اجباری، بررسی و تحقیق برای حوادث مرگبار^۷ و دیگر حوادث تهدید کننده زندگی و فراهم آوردن نیروهای مسئول برای کنترل جمعیت با روش‌های کمتر مرگبار مؤثر و تجهیزات محافظتی کافی به منظور رفع احتیاجاتشان برای به سمت مرگ رفتن باشد^۸

تمام عملیات مقامات انتظامی باید مطابق با استانداردهای بین‌المللی از جمله، قانون رفتار مقامات انتظامی (قطعنامه ۱۶۹ / ۳۴ مجمع عمومی) و اصول اساسی استفاده از نیرو و اسلحه

^۱ -Communication No. R.11/45, Suarez de Guerrero v. Colombia, Views adopted on 31 March 1982, para. 13.2.

^۲ -Communication No. R.11/45, Suarez de Guerrero v. Colombia, Views adopted on 31 March 1982, para. 13.2-13.3.

^۳ -Report of the Special Rapporteur on extrajudicial, summary or arbitrary executions, 23 May 2011, para. 60

^۴ -Code of Conduct for Law Enforcement Officials (General Assembly resolution 34/169 of 17 Dec. 1979), Commentary to Article 3

^۵ -Basic Principles on the Use of Force and Firearms by Law Enforcement Officials (1990), para. 9.

^۶ -Basic Principles on the Use of Force and Firearms by Law Enforcement Officials (1990), para. 9

^۷ - Cf. McCann v UK, Judgment of the ECtHR of 27 Sept, 1995, para. 150

^۸ - Concluding Observations: Chile (2013), para. 11

^۹ -Joint report of the Special Rapporteur on the rights to freedom of peaceful assembly and of association and the Special Rapporteur on extrajudicial, summary or arbitrary executions on the proper management of assemblies, 4 Feb. 2016, para 54. See also para. 14 below.

به وسیله مقامات انتظامی باشد (۱۹۹۰)^۱ و مقامات اجرای قانون باید تحت آموزش مناسب که برای تحقق این استاندارد^۲ طراحی شده به طوریکه در هر شرایطی، احترام کامل به حق زندگی را تضمین کند، قرار گیرند^۳

۱۴) دولتهای عضو باید از اسلحه‌های مرگبار موضوع تست مستقل سخت، اطمینان حاصل کنند از اسلحه‌هایی مثل دستگاههای اختلال الکتر و مغناطیسی (تیزرها) و گلوله‌های لاستیکی و فوم و دیگر پرتابه‌های انرژی آسیب پذیر^۴ که برای استفاده طراحی شده اند، یا استفاده مقامات انتظامی شامل سربازانی که به استخدام در آمده‌اند^۵ برای مأموریت انتظامی، مورد ارزیابی و نظارت از لحاظ تأثیرات حق حیات قرار گیرند. استفاده از این اسلحه‌ها باید محدود شود به نیروهای انتظامی که آموزش مناسب را دیده‌اند و به شدت باید بر طبق استانداردهای بین المللی قابل اجرا، از جمله اصول اساسی استفاده از نیرو و اسلحه به وسیله مقامات انتظامی،^۶ قانونمند شود و این چنین اسلحه‌های مرگبار فقط در صورت نیاز و تناسب باید مورد استفاده قرار گیرند. در مواقعی که دیگر سلاح‌هایی که کمتر خطرناک هستند ثابت شده‌اند که برای رفع تهدید تاثیر کمتری دارند^۷. کشورهای عضو نباید از سلاحهای مرگبار در مواقعی که کنترل ازدحام می‌تواند توسط ابزارهایی که کمتر مضر هستند انجام گیرد مورد استفاده قرار گیرد^۸ مخصوصاً در مواقعی که استفاده از حق تشکیل مجمع صلح آمیز وجود دارد.

۱۵) وقتی افراد خصوصی یا نهادهای قدرتمند یا مجاز توسط یک کشور عضو به استخدام نیرو با پیامدهای مرگبار بالقوه در می‌آیند. کشورهای عضو مجبورند که اطمینان بدهند که چنین استخدام از نیرو در حقیقت با ماده ۶ میثاق هماهنگ می‌شود آنها برای هر کوتاهی و عدم رعایت مسئول هستند.^۹ بنابر این یک کشور عضو باید به طور کامل قدرت اعطا کننده به

^۱ -Concluding Observations: Nepal (2014), para. 10; Concluding Observations: Liechtenstein (2004), para. 10.

^۲ -Concluding Observations: Kenya (2012), para. 11

^۳ -Concluding Observations: Central African Republic (2006), para. 12

^۴ - Concluding Observations: UK(2012), para. 11

^۵ -See Commentary to Article 1 of the Code of Conduct for Law Enforcement Officials, General Assembly resolution 34/169 of 17 December 1979

^۶ -Joint report of the Special Rapporteur on the rights to freedom of peaceful assembly and of association and the Special Rapporteur on extrajudicial, summary or arbitrary executions on the proper management of assemblies, 4 Feb. 2016, para 55; Basic Principles on the Use of Force and Firearms by Law Enforcement Officials (1990).

^۷ -Cf. Basic Principles on the Use of Force and Firearms by Law Enforcement Officials (1990), para. 14

^۸ -Concluding Observations: Sweden (2002), para. 10

^۹ -Cf. in the context of armed conflicts, the Montreux Document on pertinent international legal obligations and good practices for States related to operations of private military and security companies during armed conflict, ICRC/Swiss Federal Department of Foreign Affairs, 17 Sept. 2008

بازیگران خصوصی را محدود کند و اطمینان بدهد که اقدامات سختگیرانه و مؤثر نظارت و کنترل و آموزش کافی در راستای اطمینان از اینکه قدرت‌های اعطا شده مورد سوء استفاده قرار نگیرند و به محرومیت خود سرانه از زندگی منجر نشوند وجود دارد.

• برای مثال یک کشور عضو باید اقدامات کافی برای اطمینان از اینکه اشخاصی که قبلاً درگیر شده‌اند یا در حال حاضر درگیر در نقض حقوق بشر یا سوء استفاده از حقوق بشر هستند از نهادهای امنیتی خصوصی که قدرت استخدام نیرو و یا مجاز به استخدام نیرو هستند حذف می‌شوند.^۱ هم چنین کشورهای عضو باید اطمینان بدهند که قربانیان محرومیت خودسرانه از زندگی به وسیله افراد خصوصی یا اشخاص حقیقی یا حقوقی که توسط کشور عضو تأسیس شده‌اند یک درمان مؤثر به عمل می‌آید.^۲

(۱۶) بند ۲ و ۴ و ۵ ماده ۶ بطور ضمنی کشورهایایی که مجازات اعدام را لغو نکرده‌اند و پروتکل اختیاری دوم را تصویب نکرده‌اند شناسایی می‌کند. طبق این میثاق به صورت قانونی از اعمال مجازات اعدام در ارتباط با جدی ترین جرایم که به تعدادی از شرایط سخت محدود می‌شود مجاز هستند. دیگر روش‌های تنظیم فعالیت که ممکن است به محرومیت از زندگی منجر شود مانند پروتکل‌های اداره داروهای جدید باید به صورت قانونی همراه با حمایت‌های سازمانی مؤثر طراحی شده برای جلوگیری از محرومیت خودسرانه زندگی باشد و باید این موضوع با سایر مقررات میثاق سازگاری داشته باشد.

(۱۷) محرومیت از زندگی افراد در خلال فعل‌ها و ترک فعل‌ها که مقررات کنوانسیون را به غیر از ماده ۶ به عنوان یک قاعده نقض می‌کند خودسرانه در طبیعت محسوب می‌شود. برای مثال شامل، استفاده از نیروی منجر به مرگ تظاهر کنندگان که از حق آزادی اجتماعات خود استفاده می‌کنند^۳ و اتخاذ یک حکم اعدام پس از محاکمه‌ای که برای رسیدگی به روند صحیح آن با توجه به الزامات ماده ۱۴ میثاق در آن کوتاهی شده است.^۴

¹ - Concluding Observations: Guatemala (2012), para. 16

² - See Concluding Observations: Guatemala (2012), para. 16; General Comment 31, para. 15.

³ - Report of the Special Rapporteur on extrajudicial, summary or arbitrary executions, 1 April 2014, para. 75.

⁴ - See e.g., Comm. No. 2017/2010, Burdiko v Belarus, Views adopted on 15 July 2015, para. 8.6.

مبحث سوم

وظیفه برای پروتکل حیات

۱۸) جمله دوم از بند ۱ که حق حیات را مطرح می‌کند باید به وسیله قانون محافظت شود. کشورهای عضو باید یک چارچوب قانونی برای اطمینان از لذت بردن کامل از حق حیات به وسیله همه افراد به عنوان اینکه ممکن است نیاز به اعمال آن برای حق حیات شود ایجاد کنند. که این (موضوع) نیازمند ایجاد قانون مناسب توسط کشورهای عضو به منظور محافظت از زندگی از همه تهدیدات منطقی قابل پیش بینی ناشی از اشخاص و نهادهای خصوصی می‌باشد.

۱۹) حفاظت قانونی از حق حیات مستلزم این است که زمینه قانونی برای محرومیت از زندگی باید بوسیله قانون تجویز شود و با دقت کافی تعریف شود تا از تفسیر یا کاربرد بیش از حد وسیع یا خودسرانه جلوگیری شود.^۱ از آنجا که محرومیت از زندگی توسط مقامات دولتی یک واقعیت است بنابراین قانون باید به شدت کنترل کننده و محدود کننده شرایطی که شخص ممکن است توسط مقامات دولتی از حیات محروم شود باشد.^۲ کشورهای عضو باید از انطباق کامل با همه مقررات قانونی مرتبط، اطمینان بدهند که دولتهای عضو برای رسیدن به این هدف همه نهادهای دولتی و ساختارهای حکومتی که از طریق آن مقامات دولتی با یک شیوه محکم نیاز به احترام و اطمینان از حق حیات را عملی کنند^۳ به سازماندهی آن بپردازند. از جمله با بر پا کردن مؤسسات کافی و روش‌ها برای پیشگیری از محرومیت حیات، تحقیق و پیگرد قانونی موارد بالقوه از محرومیت غیر قانونی حیات و رد کردن مجازات و فراهم آوردن باز پرداخت کامل.

۲۰) دولتهای عضو باید یک چارچوب قانونی حفاظتی که ممنوعیت‌های کیفری مؤثر را شامل شود تصویب کنند که بر روی هم تظاهرات خشونت یا تحریک به خشونت که کشنده هستند و منجر به محرومیت از زندگی می‌شوند مثل قتل‌های عمدی یا سهوی، استفاده غیر ضروری یا نامتناسب از سلاح گرم، تخریب خون، قتل عام، کودک کشی، کشتار غرور آمیز، قتل به دست اوباش، *vident hate crime*، تهدید به مرگ و حمله تروریستی، تحریم‌های کیفری مرتبط با این جنایات باید با گرانس آنها در عین سازگاری با تمام مقررات میثاق منطبق باشد.

¹ - Cf. General Comment 35, para. 22.

² - General Comment 6, para. 3; Communication No. R.11/45, Suarez de Guerrero v. Colombia, Views adopted on 31 March 1982, para. 13.1.

³ - Cf. González v. Mexico, Judgment of the I/A CHR of 16 Nov. 2009, para. 236.

۲۱) معیارهای مثبت برای محافظت از حق حیات در ماده ۲ (بند ۱) از میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی در ارتباط با ماده ۶ در میابیم که در جمله دوم ماده ۶ بیان شده است که تحت یک تعهد قانع کننده دولت‌های عضو باید اقدامات مثبت معقول را انجام دهند به طوریکه بار نامتناسب^۱ بر آنها تحمیل نکنند و در پاسخ معقول به تهدیدات قابل پیش بینی از جانب شخصیت‌ها و نهادهای خصوصی که رفتار آنها به دولت مربوط نیست^۲ اقدام کنند. از این رو دولت‌های عضو متعهد می‌شوند که اقدامات پیشگیرانه کافی را به منظور محافظت اشخاص در مقابل تهدیدات منطقی پیش بینی شده از اینکه توسط جنایتکاران یا جرایم سازمان یافته یا گروه‌های شبه نظامی کشته شوند مثل گروه‌های مسلح یا تروریستی^۳ به کار بندند. کشورهای عضو باید گروه‌های مسلح نامنظم مثل ارتش‌های خصوصی و گروه‌های هوشیار، که مسئول محرومیت از زندگی هستند^۴ را منحل کنند و ترویج سلاح‌های بالقوه کشنده برای افراد غیر مجاز را کاهش دهند.^۵ کشورهای عضو باید علاوه بر آن اقدامات کافی برای محافظت، شامل نظارت مستمر^۶ به منظور پیشگیری، تحقیق، مجازات و درمان محرومیت خود سرانه زندگی توسط نهادهای خصوصی مثل شرکت‌های حمل و نقل خصوصی و شرکت‌های امنیتی خصوصی^۷ و بیمارستانهای خصوصی^۸ را اتخاذ کنند.

۲۲) کشورهای عضو باید اقدامات مناسب برای محافظت از افراد در مقابل محرومیت از زندگی بوسیله دیگر دولت‌ها، سازمان‌های بین المللی و شرکت‌های خارجی که در قلمرو و شان فعالیت می‌کنند یا دیگر مناطق تحت کنترل صلاحیتشان ایجاد کنند. هم چنین آنها باید قانون مناسب و دیگر اقدامات برای اطمینان از اینکه همه فعالیت‌هایی که در همه یا قسمتی از محدوده صلاحیتشان و دیگر مکانهای تحت کنترل صلاحیتشان در حال وقوع است را اتخاذ کنند. اما داشتن یک تأثیر مستقیم و منطقی قابل پیش بینی در مورد حق زندگی افراد در خارج

¹ - Cf. Sawhoyamaya Indigenous Community v. Paraguay, Judgment of the I/A CHR of 29 March 2006, para. 155.

² - See Communication No. 1862/2009, Peiris v Sri Lanka, Views adopted on 26 Oct. 2011, para. 7.2.

³ - Concluding Observations: Israel (1998), para. 17. See also para. 23 below.

⁴ - Concluding Observations: Philippines (2012), para. 14.

⁵ - Concluding Observations: Angola (2013), para. 12; Concluding Observations: USA (2014), para. 10.

⁶ - Cf. Ximenes-Lopes v. Brazil, Judgment of the I/A CHR of 4 July 2006, para. 96.

⁷ - Concluding Observations: Bulgaria (2011).

⁸ - Cf. Pimentel v Brazil, Views of CEDAW of 6 Aug. 2011, para. 7.5; Nitecki v Poland, ECtHR admissibility decision of 21 March 2002; Calvelli and Ciglio v Italy, Judgment of the ECtHR of 17 Jan. 2002, para. 49.

از قلمرو آنها، از جمله فعالیت‌های انجام شده توسط نهادهای شرکتی که در قلمرو آنها قرار دارند یا تحت کنترل صلاحیتشان هستند مطابق با ماده ۶ می‌باشد. با توجه به موارد مرتبط با استانداردهای بین‌المللی مسئولیت سازمانی و حق قربانیان برای بدست آوردن یک درمان مؤثر.

۲۳) از دیگر وظایف دولت‌های عضو برای محافظت از حق حیات انجام دادن اقدامات خاص برای اشخاصی که در معرض آسیب بنحاطر تهدیدات خاص^۱ یا الگوهای پیش آمده از خشونت هستند می‌باشد. این‌ها شامل مدافعان حقوق بشر^۲، مسئولان مبارزه با فساد و جرایم سازمان یافته، کارکنان بشر دوستانه، روزنامه نگاران^۳، چهره‌های برجسته، شاهدان جنایت^۴ و قربانیان خشونت خانگی و جنسیتی و قاچاق انسان که ممکن است شامل کودکان^۵ هم بشود، مخصوصاً بچه‌هایی که در موقعیت‌های خیابانی قرار دارد یا کودکان مهاجر بدون همراه و کودکان در شرایط درگیری مسلحانه، اعضای اقلیت‌های قومی و مذهبی^۶، و مردم بومی^۷، هم جنس گرایان و دو جنس گرایان، ترنس‌ها (دنبال‌ش بیاد)

و اینتر سکس‌ها (LGBTI)^۸، افراد مبتلا به آلزایم^۹؛ جادوگران^{۱۰}، افراد آواره، پناهجویان، پناهندگان^{۱۱} و افراد بی‌وطن که دولت‌های عضو باید به طور فوری و مؤثر به منظور محافظت افرادی که در معرض تهدیدات خاص هستند اقدامات خاص مثل انتصاب ساعتی محافظت پلیس، دستور العمل‌ها و صدور حفاظت در مقابل متجاوزان بالقوه و در موارد استثنائی و فقط بارضایت آگاهانه و آزادانه فرد تهدید شده و مسئول محافظتی اتخاذ کنند.

۲۴) اشخاص با ناتوانی‌هایی مثل افراد روانی - اجتماعی و معلولیت ذهنی تحت یک سری اقدامات خاص محافظتی هستند، بنابراین از لذت مؤثر آنها از حق حیات بر مبنایی مساوی با

¹ - Cf. Barrios Family v. Venezuela, Judgment of the I/A CHR of 24 Nov. 2011, para. 124.

² - Concluding Observations: Paraguay (2013), para. 15. See also paragraph 53 below

³ - Concluding Observations: Serbia (2011), para. 21; Report of the Special Rapporteur on extrajudicial, summary or arbitrary executions, 10 April 2012, para. 105.

⁴ - Concluding Observations: Colombia (2010), para. 14.

⁵ - Concluding Observations: Honduras (2006), para. 9.

⁶ - Concluding Observations: France (2008), para. 24.

⁷ Cf. Yakye Axa Indigenous Community v. Paraguay, Judgment of the I/A CHR of 17 June 2005, para. 167.-

⁸ - Concluding Observations: Colombia (2010), para. 12

⁹ - Concluding Observations: Tanzania (2009), para. 15.

¹⁰ - Report of the Special Rapporteur on extrajudicial, summary or arbitrary executions, 27 May 2009, para. 68. Communication No. 1756/2008, Zhumbaeva v. Kyrgyzstan, Views adopted on 19 July 2011, para. 8.6; Communication No. 84/1981, Barbato v Uruguay, Views adopted on 21 Oct. 1982, para. 9.2.

¹¹ - Concluding Observations: Kenya (2012), para. 12.

دیگران^۱ باید اطمینان حاصل شود. بنابراین این اشخاص باید از امکانات و خدمات^۲ ضروری بهره مند شوند و اقدامات لازم برای جلوگیری از استفاده غیر قانونی از نیرو توسط عوامل اجرای قانون علیه افراد معلول طراحی شود.^۳

۲۵) دولتهای عضو وظیفه بزرگی نسبت به اتخاذ هراقدام مورد نیاز^۴ برای حفاظت از زندگی افراد محروم از آزادی خود توسط دولت، از طریق دستگیری، بازداشت، زندانی کردن یا دیگر محرومیت‌های فردی از آزادی را دارند. دولتهای عضو مراقبت از زندگی^۵ و تمامیت جسمی این اشخاص را بر عهده دارند و دولتها ممکن است نتوانند برای عدم این مراقبت‌ها به فقدان منابع مالی یا دیگر مشکلات لجستیکی تکیه کنند^۶ وظیفه حفاظت از زندگی همه افراد بازداشت شده شامل مراقبت‌های لازم پزشکی و نظارت منظم بر روی سلامتی آنها و محافظت آنها در برابر خشونت^۷ بین زندانیان، مانع شدن از خودکشی و فراهم کردن امکانات مناسب برای افراد دارای معلولیت^۸، وظیفه سنگین برای محافظت از حق زندگی، نیز به افرادی که دارای آزادی محدودی هستند با ایجاد تسهیلات دولتی بعهده دارند، مثل مراکز بهداشت روانی^۹، اردوگاه‌های نظامی^{۱۰}، اردوگاه‌های پناهندگی، اردوگاه‌های آوارگان داخلی^{۱۱}، موسسات نوجوان و یتیم خانه‌ها بعهده دارند.

۲۶) دولتهای عضو وظیفه حفاظت از حیات را که ممکن است به تهدید مستقیم زندگی یا مانع از لذت بردن از حق حیات همراه با کرامت منجر شود را در غالب رسیدگی به شرایط عمومی که شامل حد بالای خشونت اسلحه و جرم^{۱۲}، ترافیک فراگیر و حوادث صنعتی^{۱۳}، تخریب محیط زیست^{۱۴}، محرومیت از زمین، سرزمین‌ها، و منابع مردم بومی، شیوع

¹ - Convention on the Rights of Persons with Disabilities, article 10.

² - Convention on the Rights of Persons with Disabilities, article 5(3), 9

³ - Concluding Observations: Australia (2009), para. 21.

⁴ - Communication No. 546/1993, Burrell v. Jamaica, Views adopted on 18 July 1996, para. 9.5.

⁵ - 87 Communication No. 1756/2008, Zhumbaeva v. Kyrgyzstan, Views adopted on 19 July 2011, para.

8.6; Communication No. 84/1981, Barbato v Uruguay, Views adopted on 21 Oct. 1982, para. 9.2.

⁶ - Communication No. 763/1997, Lantsov v. Russian Federation, Views adopted on 26 March 2002, para. 9.2.90 Cf. Edwards v. UK, ECtHR Judgment of 14 June 2002, para. 60.

⁷ - Cf. Edwards v. UK, ECtHR Judgment of 14 June 2002, para. 60.

⁸ - Convention on the Rights of Persons with Disabilities, article 14.

⁹ - Cf. Campeanu v. Romania, Judgment of the ECtHR of 17 July 2014, para. 131.

¹⁰ - Concluding Observations: Armenia (2012), para. 15.

¹¹ - Concluding Observations: UN administration for Kosovo (2006), para. 14.

¹² - Concluding Observations: USA (2014), para. 10.

¹³ - Cf. Öneriyildiz v. Turkey, Judgment of the ECtHR of 30 Nov. 2004, para. 71.

¹⁴ - Cf. SERAC v Nigeria, Report of the ACHPR of 27 Oct. 2001, para. 67. See also paragraph 62 below.

بیماری‌های تهدید کننده زندگی، مثل ایدز، سل یا مالاریا،^۱ سوء مصرف مواد به صورت گسترده، گرسنگی گسترده و سوء تغذیه و فقر و بی‌خانمانی شدید^۲ شود را به عهده دارد. اقدامات مورد نظر برای رسیدن به شرایط مناسب به منظور حفاظت از حق زندگی، اطمینان از دسترسی افراد بدون تأخیر به کالاهای اساسی و خدمات مانند غذا،^۳ آب، پناهگاه، مراقبت‌های بهداشتی، برق^۴ و بهداشت و سایر اقدامات طراحی شده برای ارتقاء و تسهیلات شرایط عمومی مناسب مثل تقویت خدمات بهداشتی اورژانسی مؤثر، عملیات پاسخ اضطراری از جمله (آتش سوزی، آمبولانس و نیروهای پلیس) و برنامه‌های اجتماعی مسکن می‌باشد. برنامه‌های استراتژی که دولت‌های عضو باید برای ارتقاء پیشبرد لذت از حق حیات انجام دهند، شامل اقدامات برای مقابله با نشانه‌های ناشی از معلولیت و بیماریها، از جمله بیماری‌های منتقله از راه جنسی می‌باشد که مانع دسترسی به مراقبت‌های پزشکی^۵ می‌شود. برنامه‌های دقیق برای ارتقاء آموزش دوری از خشونت و افزایش آگاهی برای مبارزه با خشونت مبتنی بر جنسیت^۶ و شیوه‌های مضر^۷ و برای بهبود دسترسی به معاینات و درمان‌های پزشکی طراحی شده برای کاهش مرگ و میر مادران و نوزادان.^۸ علاوه بر این دولت‌های عضو باید برنامه‌های احتمالی و برنامه‌های مدیریت بحران برای افزایش آمادگی و برخورد با بلایای طبیعی و منحصر به فرد طراحی شده را که ممکن است به صورت ناخوشایند بر بهره‌مندی از حق زندگی تأثیر بگذارد مثل طوفان‌ها، سونامی‌ها، زمین لرزه‌ها، تصادفات رادیو اکتیو و حملات گسترده سایبری که منجر به اختلال در خدمات ضروری می‌شوند را توسعه بدهند.

۲۷) یک عنصر مهم محافظت از حق حیات که دولت‌های عضو باید با توجه به میثاق جزو تعهدات خود بدانند جائیکه آنها می‌دانند یا باید از محرومیت بالقوه غیر قانونی زندگی در مورد حوادثی از جمله اتهامات استفاده بیش از حد از زور با پیامدهای مرگبار^۹ مطلع باشند که مورد بررسی و در صورت لزوم پیگرد قانونی قرار دهند. وظیفه بررسی نیز در شرایط رخ

¹ - Concluding Observations: Kenya (2012), para. 9.

² - General Comment 6, para. 5. Concluding Observations: Canada (1999), para. 12.

³ - Concluding Observations: Democratic People's Republic of Korea (2001), para. 12.

⁴ - Communication No. 2348/2014, Toussaint v. Canada, Views adopted on 24 July 2018, para. 11.3. See also Concluding Observations: Israel (2014), para. 12.

⁵ - Concluding Observations: Jamaica (2011), para. 9.

⁶ - Concluding Observations: Uzbekistan (2001), para. 19.

⁷ - Cf. Joint General Recommendation No. 31 of the Committee on the Elimination of Discrimination against Women and No. 18 of the Committee on the Rights of the Child (2014), para. 56

⁸ - General Comment 6, para. 5; Concluding Observations: DRC (2006), para. 14.

⁹ - Concluding Observations: Kyrgyzstan (2014), para. 13. See also para. 64 below.

می‌دهد که در آن یک خطر جدی برای محرومیت از زندگی با استفاده از نیروی بالقوه مرگبار ایجاد شده است، حتی اگر خطر نتواند تحقق یابد.^۱ این تعهد در تعهد به حفاظت و تقویت وظیفه کلی برای اطمینان از حقوق به رسمیت شناخته شده در میثاق که در بند ۱ ماده ۲ بیان شده است، در هنگام خواندن همراه با بند ۱ ماده ۶ و وظیفه ارائه یک درمان مؤثر برای قربانیان نقض حقوق بشر^۲ و خویشاوندان آنها می‌باشد.^۳ در بند ۳ ماده ۲ این میثاق بیان شده است در هنگامیکه ارتباط آن را هنگام خواندن همراه با بند ۱ ماده ۶ میثاق در می‌یابیم. تحقیقات و پیگیری در مورد محرومیت بالقوه غیر قانونی زندگی باید مطابق با استانداردهای بین‌المللی مربوطه، از جمله پروتکل مینسوتا در مورد بررسی مرگ و میر نامطلوب (۲۰۱۶) انجام شود و باید با هدف اطمینان از اینکه افراد مسئول به عدالت محاکمه می‌شوند^۴ در ترویج پاسخگویی و جلوگیری مصونیت از مجازات^۵ و در اجتناب از انکار عدالت^۶ و در رساندن درس‌های لازم برای بازنگری شیوه‌ها و سیاست‌ها با هدف جلوگیری از نقض مکرر باشد.^۷ تحقیقات باید از جمله مسئولیت قانونی مقامات برتر در رابطه با نقض حق زندگی که زیر دستان آنها مرتکب شده‌اند را کشف کند.^۸ با توجه به اهمیت حق حیات، دولت‌ها باید از نقض مقررات ماده ۶ صرفاً از طریق اقدامات اداری یا انضباطی خودداری کنند و معمولاً تحقیقات جنایی در صورتیکه شواهد کافی مبنی بر جمع آوری پرونده‌های کیفری به دست آید ضروری است.^۹ مصونیت‌ها و عفوهای فراهم شده برای عاملان قتل‌های عمدی و مافوق آنها و اقدامات قابل مقایسه که منجر به مصونیت از مجازات (defacto or de jure) می‌شود به عنوان یک

^۱ - See also para. 7 above.

^۲ - General Comment 31, para. 15 and 18. See also Communication No. 1619/07, Pestano v Philippines, Views adopted on 23 March 2010, para. 7.2; Communication No. 1458/2006, Gonzalez v Argentina, Views adopted on 17 March 2001, para.9.4; Concluding Observations: Jamaica (2011), para. 16. Cf. Calvelliand Ciglio v Italy, ECtHR Judgment of 17 Jan. 2002, para. 51.

^۳ - Concluding Observations: Israel (2010), para. 12.

^۴ - Communication No.1436/2005, Sathasivam v. Sri Lanka, Views adopted on 8 July 2008, paragraph 6.4; communications No. 1447/2006, Amirov v. Russian Federation, Views adopted on 2 April 2009, para. 11.2. See also General Comment 31, para. 15, 18.

^۵ - Concluding Observations: Angola (2013), para. 14.

^۶ - Communication 1560/2007, Marcellana and Gumanoy v Philippines, Views adopted on 30 Oct. 2008, para. 7.4.

^۷ - Report of the Special Rapporteur on extrajudicial, summary or arbitrary executions, 8 March 2006, para. 41.

^۸ - Report of the Special Rapporteur on extrajudicial, summary or arbitrary executions, 1 April 2014, para. 81.

^۹ - Communication No. 563/93 Arellana v Colombia, Views adopted on 27 Oct. 1995, para. 8.2; Communication No. 1560/2007 Marcellana and Gumanoy v Philippines, Views adopted on 17 Nov. 2008, para. 7.2.

قانون ناسازگار به عنوان داشتن وظیفه برای احترام و اطمینان به حق حیات و ارائه قربانیان به یک درمان مؤثر منجر می‌شود^۱

۲۸) تحقیق و بررسی در ادعای نقض ماده ۶^۲ همیشه باید مستقل^۳، بی‌طرف^۴، سریع^۵ کامل^۶، مؤثر^۷، معتبر^۸، شفاف^۹، و در صورت بروز یک نقض باز پرداخت کامل باید فراهم شود. از جمله با توجه به شرایط خاص آن مورد، اقدامات کافی از جبران خسارت، توانبخشی و رضایتمندی به عمل آید.^{۱۰} همچنین کشورهای عضو دارای تعهد برای انجام اقدامات لازم برای جلوگیری از وقوع نقض‌های مشابه در آینده هستند.^{۱۱} در موارد خاص، هر زمانی که امکان داشته باشد در حضور نماینده بستگان قربانی^{۱۲}، تحقیقات باید شامل کالبد شکافی از بدن قربانی باشد^{۱۳} کشورهای عضو باید در میان سایر موارد اقدامات مناسب برای ایجاد حقیقت مربوط به حوادث ناشی از محرومیت از زندگی،^{۱۴} از جمله دلایل و اساس قانون برای هدف قرار دادن افراد خاص و روش‌های مورد استفاده نیروهای دولتی قبل در طول و پس از زمانیکه محرومیت رخ می‌دهد و شناسایی بدن افرادی که زندگی خود را از دست داده‌اند^{۱۵} انجام دهند. کشورهای عضو باید جزئیات مربوط به تحقیق را به قربانیان بعدی خود افشا کنند.^{۱۶} که به آنها اجازه می‌دهد شواهد جدیدی را ارائه دهند و برای آنها حق قانونی برای تحقیق فراهم

¹ - General Comment 31, para. 18; Cf. Barrios Altos v. Peru, Judgment of the I/A CHR of 14 March 2001, para. 43.

² - See also para. 64 below.

³ - Concluding Observations: Cameroon (2010), para. 15.

⁴ - Concluding Observations: Bolivia (2013), para. 15.

⁵ - See e.g., Communication 1556/2007 Novakovic v Serbia, Views adopted on 21 Oct. 2010, para. 7.3; Concluding Observations: Russia (2009), para. 14.

⁶ - Concluding Observations: Mauritania (2013), para. 13.

⁷ - Concluding Observations: UK (2015), para. 8.

⁸ - Concluding Observations: Israel (2010), para. 9. CCPR/C/GC/3620

⁹ - Concluding Observations: UK (2015), para. 8.

¹⁰ - See Minnesota Protocol on the Investigation of Potentially Unlawful Death (2016)(published by OHCHR in 2017), para. 10.

¹¹ - Communication No. R.11/45 Suarez de Guerrero v. Colombia, Views adopted on 31 March 1982, para. 15.

¹² - Minnesota Protocol on the Investigation of Potentially Unlawful Death (2016)(published by OHCHR in 2017), para. 37.

¹³ - 128 See Minnesota Protocol on the Investigation of Potentially Unlawful Death (2016)(published by OHCHR in 2017), para. 25; Kawas-Fernández v. Honduras, Judgment of the I/A CHR of 3 April 2009 para. 102.

¹⁴ - Report of the Special Rapporteur on extrajudicial, summary or arbitrary executions, 28 May 2010, para. 93.

¹⁵ - Report of the Working Group on Enforced or Involuntary Disappearances, 2 March 2012, para. 56, 59.

¹⁶ - Cf. Ogur v Turkey, Judgment of the ECtHR of 20 May 1999, para. 92.

شود^۱ و اطلاعات عمومی در مورد مراحل تحقیقاتی و یافته ها، نتیجه گیری ها و توصیه های تحقیق ایجاد کند^۲ کشورهای عضو باید اقدامات برای محافظت از شاهدان، قربانیان و بستگان و افراد مشغول تحقیق را از تهدیدات اتخاذ کنند.^۳ دولتهای عضو باید پشتیبانی و همکاری همراه با حسن نیت و مکانیزم های بین المللی تحقیق و پیگرد قانونی در مورد نقض ماده ۶ را انجام دهند.^۴

۲۹) از دست دادن زندگی در زندان، در شرایط غیر طبیعی، فرضیه محرومیت خود سرانه از زندگی را از سوی مقامات دولتی ایجاد می کند که تنها می تواند بر اساس یک تحقیق مناسب که منطبق با تعهدات دولت در مورد ماده ۶ می باشد انجام شود^۵

دولتهای عضو یک وظیفه اختصاصی برای تحقیق اتهامات نقض ماده ۶ بعهدہ دارند هرگاه مقامات دولتی از سلاح های گرم یا دیگر نیروهای کشنده بالقوه در خارج از محدوده درگیری مسلحانه، استفاده کرده اند یا ظاهراً استفاده کرده اند. مثلاً زمانی که آتش در مقابل تظاهر کنندگان مورد استفاده قرار گرفته^۶ یا هنگامی که غیر نظامیان در شرایط مطابقت با زمینه های مورد ادعای نقض حق حیات بوسیله مقامات دولتی کشته شده اند.^۷

۳۰) کشورهای عضو برای اطمینان محافظت از حق حیات باید از اخراج افراد یا هر مورد دیگری شبیه به این به کشورهای جلودگیری کنند که زمینه های قابل توجه وجود دارد برای باور که یک خطر واقعی در مورد نقض شدن حق حیات طبق ماده ۶ وجود داشته باشد^۸ چنین خطری باید ذاتاً به صورت شخصی باشد^۹ و نمی تواند صرفاً ناشی از شرایط کلی دولت پذیرنده باشد به جز در موارد خاص و فوق العاده^{۱۰} طبق پاراگراف ۳۴ نظریه عمومی به همین ترتیب با ماده ۶ میثاق ناسازگار خواهد بود، اگر دولتهای عضو یک فرد را از کشوری که

¹ - Minnesota Protocol on the Investigation of Potentially Unlawful Death (2016)(published by OHCHR in 2017), para. 35.

² - Minnesota Protocol on the Investigation of Potentially Unlawful Death (2016)(published by OHCHR in 2017), para. 13; Cf. Ramsahai v The Netherlands, Judgment of the ECtHR of 15 May 2007, para. 53(requiring sufficient public scrutiny of inquiry proceedings).

³ - Cf. Tanrikulu v Turkey, Judgment of the ECtHR of 8 July 1999, para. 103.

⁴ - Concluding Observations: Kenya (2012), para. 13.

⁵ - Communication No. 1225/2003, Eshonov v. Uzbekistan, Views adopted on 22 July 2010, para. 9.2; Communication No. 1756/2008, Zhumbaeva v. Kyrgyzstan, Views adopted on 19 July 2011, para.

⁶ -138 Communication No. 1275/2004, Umetaliev v. Kyrgyzstan, Views adopted on 30 Oct. 2008, para. 9.4; Communication No. 1828/2008, Olmedo v. Paraguay, Views adopted on 22 March 2012, para. 7.5.

⁷ -Comm. No. 1447/2006, Amirov v Russian Federation, Views adopted on 2 April 2009, para. 11.4.

⁸ - Communication No. 470/1991, Kindler v. Canada, Views adopted on 30 July 1993, para. 13.1-13.2.

⁹ -Communication No. 1792/2008, Dauphin v Canada, Views adopted on 28 July 2009, para. 7.4.

¹⁰ -Cf. NA v UK, Judgment of the ECtHR of 17 July 2008, para. 115.

مجازات اعدام در آن لغو شده است به کشوری بفرستند که ممکن است این شخص با مجازات اعدام روبرو شود^۱ به طور مشابه اخراج یک شخص به کشوری که در آن فتوی توسط مقامات مذهبی محلی صادر شده است، بدون تایید اینکه فتوی احتمالاً دنبال نمی شود^۲ نقص ماده ۶ خواهد بود. یا اخراج یک فرد به یک کشور بسیار خشونت آمیز که در آن هیچ وقت زندگی نکرده است و هیچ ارتباط اجتماعی یا خانوادگی در آن کشور ندارد و نمی تواند به زبان محلی آنجا صحبت کند^۳ در مواردیکه ادعای خطر برای زندگی فرد حذف شده توسط مقامات دولت پذیرنده وجود دارد، وضعیت فرد حذف شده و شرایط دولت پذیرنده، بر مبنای قصد مقامات دولت پذیرنده، الگوی رفتاری که آنها در موارد مشابه نشان داده اند^۴ و در دسترس بودن تضمینات موثر و معتبر راجع به قصد آنها نیاز به بررسی دارد. هنگامیکه تکیه بر تضمینات از دولت پذیرنده بر مبنای رفتار حذفی باشد دولت کننده باید مکانیزم مناسب برای اطمینان از انطباق با تضمینات صادر شده از لحظه حذف کردن به بعد را انجام دهد.

۳۱) تعهد شامل استرداد و اخراج یا بقیه موارد مشابه نیست و مطابق با ماده ۶ میثاق ممکن است گسترده تر از محدوده اصل عدم اخراج در قانون بین المللی پناهندگان باشد. از آنجا که ممکن است نیاز به حفاظت از بیگانگان که شامل وضعیت پناهندگی نیستند نیز باشد، دولتهای عضو باید با این حال به همه پناهجویان اجازه بدهند که به عنوان وجود خطر واقعی در مورد حق حیات در دولت منشاء، دسترسی به پناهنده یا دیگر روشهای تعیین کننده وضعیتهای گروهی یا فردی که می تواند آنها را در برابر اجبار حمایت کند^۵ وجود داشته باشد.^۶

مبحث چهارم

اعمال مجازات اعدام

۳۲) بندهای ۲ و ۴ و ۵ و ۶ ماده ۶ میثاق اعمال مجازات اعدام توسط کشورهایی که هنوز آن را لغو نکرده اند را تنظیم می کند.

¹ Communication - n No. 1442/2005, Yin Fong v Australia, Views adopted on 23 Oct. 2009, para. 9.7.

² - Communication No. 1881/2009, Shakeel v Canada, Views adopted on 24 July 2013, para. 8.5.

³ - Communication No. 1959/2010 Warsame v Canada, Views adopted on 21 July 2011, para. 8.3.

⁴ -Communication No. 706/1996, G.T. V Australia, Views adopted on 4 Nov. 1997, para. 8.4; Communication 692/1996, A.R.J. v Australia, Views adopted on 6 Feb. 1996, para. 6.12; Communication No. 2024/2011, Israil v Kazakhstan, Views adopted on 31 Oct. 2011, para. 9.5.

⁵ Concluding Observations: Tajikistan (2013), para. 11; Concluding Observations: Estonia (2003), para. 13.-

⁶ . Concluding Observations: Tajikistan (2013), para. 11; Concluding Observations: Estonia (2003), para. 13.

۳۳) بند ۲ از ماده ۶ میثاق به طور جدی کاربرد مجازات اعدام را در درجه اول برای کشورهای عضوی که مجازات اعدام را لغو نکرده‌اند محدود می‌کند و دوّماً برای جرائم مهم با توجه به طبیعت بی‌نظیر مجازات اعدام در یک ابزار تثبیت کننده حق حیات، محتوی بند ۲ باید به صورت مضیق تفسیر شود.^۱

۳۴) کشورهای که عضو میثاق هستند ولی مجازات اعدام در قوانین خود دارند از طریق اصلاح قوانین داخلی خود تبدیل به اعضای دومین پروتکل اختیاری میثاق و یا با پذیرفتن تعهد ابزاری بین المللی دیگری برای خود به لغو مجازات اعدام از برگرداندن دوباره این قانون به حالت اول ممنوع می‌شوند.

پروتکل اختیاری دوم میثاق حاوی مقررات خاتمه نیست و کشورهای عضو نمی‌توانند آن را محکوم کنند. آنها نمی‌توانند جرمی را که در زمان تصویب یا در هر زمان پس از تصویب این میثاق که شامل مجازات اعدام نمی‌شده و آن را به رسمیت شناخته‌اند تغییر دهند. آنها نمی‌توانند شرایط قانونی را از یک جرم موجود که نتیجه آن تحمیل مجازات اعدام باشد در شرایطی که امکان تحمیل آن قبلاً وجود نداشت حذف کنند.

کشورهای عضوی که لغو مجازات اعدام را قبول کرده‌اند نمی‌توانند از آن خارج شوند، یا فردیکه را که اتهامات جنایی دارند مسترد یا انتقال به کشورهایی بدهند که آنها مجازات اعدام را لغو نکرده‌اند، مگر اینکه اطمینان مؤثر و معتبر در مقابل مجازات اعدام به دست آید.^۲ تعهد به مجازات اعدام مجدداً برای هر جنایت خاص معرفی نمیشود که نیاز شود دولت‌های عضو اخراج یا استرداد یا هر روش فرستادن یک شخص را به کشوری که مجازات اعدام را حذف نکرده است صورت دهد. مگر اعتماد مؤثر و معتبر در مقابل قرار دادن شخص به مجازات اعدام بدست آمده باشد.

۳۵) واژه جرایم مهم باید به طور محدود خوانده شود^۳ و فقط به جنایات با گرانس شدید^۴ مربوط می‌شود که شامل قتل عمدی است^۱ جنایت هایی که نتیجه آنها به صورت مستقیم و

¹ - Communication No. 1881/2009, Shakeel v Canada, Views adopted on 24 July 2013, para. 8.5.

² - Communication No. 829/1998, Judge v Canada, Views adopted on 5 Aug. 2002, para. 10.6; Communication No.1442/2005, Yin Fong v Australia, Views adopted on 23 Oct. 2009, para. 9.7.

³ - Communication No. 1132/2002, Chisanga v. Zambia, Views adopted on 18 Oct. 2005, para. 7.4.

⁴ - ECOSOC Safeguards Guaranteeing Protection of the Rights of Those Facing the Death Penalty, 25 May 1984, para. 1.

عمدی منجر به مرگ نشده است^۲ مثل اقدام به قتل^۳، فساد و سایر جرائم اقتصادی و سیاسی^۴، سرقت مسلحانه^۵، دزدی دریایی^۶، آدم ربایی^۷، مواد مخدر^۸ و جرائم جنسی، هر چند جدی در طبیعت نمی تواند به عنوان مبنا در چارچوب ماده ۶ برای اعمال مجازات قرار گیرد به همین ترتیب میزان محدودی از درگیر شدن یا از همکاری در اعمال حتی جدی ترین جرایم، مانند فراهم کردن وسایل فیزیکی برای قتل نمی تواند اعمال مجازات اعدام را توجیه کند. کشورهای عضو تعهد دارند تا قوانین کیفری خود را بررسی کنند تا اطمینان حاصل شود که مجازات اعدام برای جرایمی که جزو جدی ترین ترین جرایم نیستند اعمال نمی شود.^۹ آنها باید احکام اعدام برای جرائمی که دارای شدیدترین جرائم نیستند را لغو کنند و مراحل قانونی لازم برای مجازات کردن کسانی که به خاطر چنین جنایاتی محکوم شده‌اند را دنبال کنند.

۳۷) در تمام مواردی که شامل مجازات اعدام می‌شود، شرایط شخصی متخلف و شرایط خاص جرم از جمله عناصر کاهش خاص^{۱۰} آن باید توسط دادگاه محکوم کننده در نظر گرفته شود از این رو احکام مرگ اجباری که دادگاه‌های داخلی صادر می‌کنند با نداشتن اختیار در مورد اینکه آیا این جرم به عنوان یک جنایت مستلزم مجازات مرگ هست یا نه و اینکه حکم مرگ را در شرایط خاصی از مجرم صادر می‌کند، در طبیعت خود سرانه هستند.^{۱۱} در دسترس بودن حق تقاضای عفو یا تبدیل بر اساس شرایط خاص پرونده یا متهم، جایگزین کافی برای نیاز به اختیار قضایی در استفاده از مجازات اعدام نیست.^{۱۲}

¹ - See e.g., Communication No. 470/ 1991, Kindler v. Canada, Views adopted on 30 July 1993, para. 14.3; Report of Special Rapporteur on extrajudicial, summary or arbitrary executions, 9 Aug. 2012, para. 35.

² - Concluding Observations: Iran (1993), para. 8.

³ - Communication No. 1132/2002, Chisanga v. Zambia, Views adopted on 18 Oct. 2005, para. 7.4

⁴ - Concluding Observations: Libya (1998), para. 8; Concluding Observations: Iran (1993), para. 8; Concluding Observations: Sudan (1997), para. 8.

⁵ - Communication No. 1132/2002, Chisanga v. Zambia, Views adopted on 18 Oct. 2005, para. 7.4; Communication No. 390/1990, Luboto v Zambia, Views adopted on 31 Oct. 1995, para. 7.2; Communication No. 2177/2012, Johnson v Ghana, Views adopted on 27 March 2014, para. 7.3.

⁶ - Concluding Observations: UK (2001), para. 37.

⁷ - Concluding Observations: Guatemala (2001), para. 17.

⁸ - Concluding Observations: Thailand (2005), para. 14.

⁹ - General Comment 6, para.

¹⁰ - Communication No. 390/1990, Luboto v Zambia, Views adopted on 31 Oct. 1995, para. 7.2.

¹¹ - Communication No. 1132/2002, Chisanga v. Zambia, Views adopted on 18 Oct. 2005, para. 7.4; Communication 1421/2005, Larranaga v. Philippines, Views adopted on 24 July 2006, para. 7.2; Communication 1077/2002, Carpo v Philippines, adopted on 6 May 2002, para. 8.3.

¹² - Communication No. 806/1998, Thompson v. Saint Vincent and the Grenadines, Views adopted on 18 Oct. 2000, para. 8.2; Communication 845/1998, Kennedy v Trinidad and Tobago, Views adopted on 26 arch 2002, para. 7.3

۳۶) مواردیکه عنوان شدت مجرمانه بودن آن را میثاق نقض می‌کند عبارتند از زنا، هم جنس گرایی، ارتداد،^۱ ایجاد گردههای سیاسی مخالف^۲ یا تخطی رئیس دولت.^۳ کشورهای که مجازات اعدام را برای اینچنین جرایمی دارند در حقیقت نقض تعهد طبق تعهد ماده ۶ به تنهایی و در ارتباط با بند ۲ ماده ۲ میثاق و دیگر مقررات میثاق انجام داده اند.

۳۸) بند ۲ از ماده ۶ نیازمند این است که دولتهای عضو حصول اطمینان بدهند از اینکه هر حکم اعدام مطابق با قانون موجود در زمان اعمال جرم می‌باشد. این کار برد اصل قانون کاربرد nulla Poena sin lege که در بند ۱ ماده ۱۵ میثاق یافت می‌شود را کامل و تأیید می‌کند. به عنوان یک نتیجه مجازات اعدام اگر در زمان کمیسیون آن قانون برای آن جرم وجود نداشته باشد هم چنین اعمال مجازات اعدام نمی‌تواند بر اساس قوانین جنایی تعریف شده^۴ مبهم باشد، که کاربرد آن برای فرد محکوم، بستگی به ملاحظات اختیاری^۵ یا ذهنی دارد. کاربردی که قابل پیش بینی منطقی نیست.^۶ از سوی دیگر لغو مجازات اعدام به افراد متهم یا محکوم به جرم مستوجب اعدام مطابق با اصل مجازات مجدد (lex mitior) است که در جمله سوم بند ۱۱ از ماده ۵ میثاق بیان می‌شود. لازم است که کشورهای عضو متعهد شوند که مجازات مجرمان را از مزایای مجازات‌های سبک تر که پس از کمیسیون جرم اتخاذ می‌شوند اعطا کنند.

استفاده مجدد از لغو مجازات اعدام برای همه افراد متهم یا محکوم از یک جرم مستوجب اعدام از این واقعیت پیروی می‌کند که نیاز به اعمال مجازات اعدام زمانیکه لغوشده، قابل توجیه نیست.

۳۹) در بند ۳ ماده ۶ اشاره دارد به اینکه همه کشورهای عضو که اعضای کنوانسیون ژنوساید نیستند تعهدات برای جلوگیری و مجازات جرم ژنو ساید دارند که شامل تعهد برای پیشگیری و مجازات همه محرومیت از زندگی می‌باشد که بخشی از جرم نسل کشی را تشکیل می‌دهد. تحت هیچ شرایطی نمی‌تواند مجازات اعدام به عنوان بخشی از سیاست نسل کشی علیه اعضای گروه ملی، قومی، نژادی یا مذهبی اعمال شود.

۴۰) کشورهای عضو که هنوز مجازات اعدام را در قوانین خود دارند باید به ماده ۷ میثاق که روش‌های خاصی از اعدام دارد احترام بگذارند. عدم احترام به ماده ۷ میثاق به منزله اعمال

¹ - Concluding Observations: Mauritania (2013), para. 21.

² - Concluding Observations: Libya (2007), para. 24.

³ - Concluding Observations: Iraq (1997), para. 16.CCPR/C/GC/3621

⁴ - Communication No. 390/1990, Luboto v Zambia, Views adopted on 31 Oct. 1995, para. 7.2.

⁵ - Concluding Observations: Democratic Republic of Korea (2001), para. 13.

⁶ - Cf. SW v UK, Judgment of the European Court of Human Rights of 22 Nov. 1995, para. 36.

خود سرانه ی اعدام و به دنبال آن نقض ماده ۶ را به همراه خود دارد. کمیته قبلاً سنگسار^۱ را مطرح کرده است، تزریق داروهای کشنده بدون تست^۲، اتاق‌های گاز،^۳ سوازدن و دفن زنده^۴ و اعدام‌های عمومی^۵ برخلاف ماده ۷ میثاق می‌باشد. به دلیل مشابه، سایر روش‌های تحقیر آمیز و دردناک، اعم از اعدام نیز از لحاظ میثاق غیر قانونی قلمداد می‌شوند. عدم ارائه ردیف اعدام اشخاص، اطلاع رسانی به موقع درباره تاریخ اعدام آنها به منزله یک قاعده در شکل بد رفتاری خواهد بود که برخلاف ماده ۷ میثاق خواهد بود.^۶ تأخیر پیش از حد در پیاده سازی مجازات اعدام که تجاوز از حد زمان معقول برای رهایی از راه حل‌های قانونی به حساب می‌آید ممکن است شامل نقض ماده ۷ میثاق شود. مخصوصاً زمانی که این طول کشیدن زیاد برای مرگ باعث در معرض قرار دادن شخص محکوم به سختی زیاد،^۷ یا شرایط اضطراب آور از جمله سلول انفرادی^۸ و موقعی که آنها به علت عواملی مثل سن، سلامتی یا حالت ذهنی آسیب پذیر هستند،^۹ شود.

۴۱) نقض تضمین دادرسی عادلانه که در ماده ۱۴ میثاق می‌باشد که منجر به در معرض قرار دادن شخص به مجازات اعدام می‌شود در حکم محرومیت خود سرانه زندگی خواهد بود که به دنبال آن نقض ماده ۶ را به همراه خواهد داشت که ممکن است شامل استفاده از اعترافات اجباری، ناتوانی متهم در مورد شاهدان مرتبط، فقدان ملاقات وکیل، به صورت محرمانه در طول همه مراحل پرونده‌های جنایی، از جمله در بازجویی جنایتکار، جلسات استماع اولیه محاکمه و در خواست تجدید نظر، عدم احترام به فرض بی‌گناهی که ممکن است خود را در جایگاه متهم در بند یا با دستبند در طول حکم بدون یک حق مؤثر برای تجدید نظر، نداشتن زمان و امکانات برای آماده کردن دفاع شامل ناتوانی برای فراهم کردن مستندات قانونی ضروری برای انجام دفاع قانونی یا محاکمه، مثل دسترسی به پرونده رسمی برای دادگاه، قضاوت دادگاه یا رونوشت دادگاه، بدون تفسیر مناسب، عدم ارائه اسناد قابل دسترسی و اقامت رویه‌ای برای افراد معلول؛ تأخیرهای بیش از حد و ناعادلانه در محاکمه، یا روند درخواست

¹ - Concluding Observations: Iran (2011), para. 12

² - Concluding Observations: US (2014), para. 8.

³ - Cf. Communication No. 469/1991, Ng v Canada, Views adopted on 5 Nov, 1993, para. 16.4.

⁴ - Cf. Malawi Africa Association v Mauritania, Report of the ACHPR of 11 May 2000, para. 120

⁵ - Concluding Observations: Democratic Republic of Korea (2001), para. 13.

⁶ - Concluding Observations: Japan (2014), para. 13.

⁷ - Communication No. 775/1997, Brown v Jamaica, Views adopted on 11 May 1999, para. 6.13, 6.15.

⁸ - Concluding Observations: Japan (2014), para. 13.

⁹ - Communication No. 470/1991, Kindler v. Canada, Views adopted on 30 July 1993, para. 15.3.

تجدید نظر و عدم وجود عدالت عمومی پروسه جنایی، یا عدم استقلال یا بی طرفی دادگاه یا دادگاه تجدید نظر باشد.

۴۲) دیگر نقص های رویه ای جدی به صراحت تحت پوشش ماده ۱۴ میثاق قرار نمی گیرند. ممکن است با این وجود اعمال مجازات اعدام را بر خلاف ماده ۶ میثاق ارائه دهد. برای مثال، کوتاهی در اطلاع سریع از اتباع خارجی بازداشت شده، از حق اطلاع رسانی کنسولگری به موجب کنواسیون وین در روابط کنسولی در نتیجه اعمال مجازات اعدام^۱ و عدم توانایی افراد در مورد اخراج به یک کشور که در آن زندگی آنها را در معرض خطر واقعی با فرصت برای دسترسی از روش های تجدید نظر^۲ در دسترس است، نقض بند ۱ ماده ۶ میثاق خواهد بود.

۴۳) اعدام شخص محکومی که گناهش فراتر از شک معقول به اثبات نرسیده، محرومیت خودسرانه زندگی به حساب می آید. کشورهای عضو باید اقدامات قابل اجرا به منظور جلوگیری از اعتقادات اشتباه در موارد مجازات اعلام^۳ برای بررسی موانع رویه ای به بازنگری اعتقادات و بررسی مجدد اعتقادات گذشته بر مبنای شواهد جدید، شامل شواهد جدید DNA اتخاذ کنند. دولتهای عضو باید پیامدها را برای ارزیابی شواهد ارائه شده در پرونده های سرمایه ای از مطالعات قابل اعتماد جدید، شامل مطالعاتی که شیوع اعترافات دروغین و عدم اعتماد شهادت شهود را نشان می دهد در نظر بگیرند.

۴۵) بر طبق بند ۲ ماده ۶ میثاق، مجازات اعدام فقط می تواند طبق قضاوت یک دادگاه صالح انجام شود. چنین دادگاهی باید توسط قانون در قوه قضائیه ایجاد شود که مستقل از شاخه های مقننه و اجرایی و بی طرف باشد،^۴ که باید قبل از انجام جرم تأسیس شود. به عنوان یک قاعده، غیر نظامیان نباید برای جرایم مستوجب اعدام نزد دادگاه های نظامی محاکمه بشوند.^۵ پرسنل نظامی می توانند فقط برای مجازات اعدام قبل از دادگاهی که تضمین محاکمه عادلانه را بکنند محاکمه شوند. علاوه بر این، کمیته، دادگاه های عدالت عادی را به عنوان نهادهای قضایی که تضمین محاکمه عادلانه مناسب را ارائه می دهد که آنها را قادر به محاکمه جنایات مستوجب اعدام می کند را در نظر نمی گیرد.^۶ صدور یک مجازات اعدام بدون هیچ

¹ - The Vienna Convention on Consular Relations, 24 April, 1963, art. 36(1)(b), 500 U.N.T.S. 95. See also The Right to Information on Consular Assistance in The Framework of The Guarantees of the Due Process of Law' I/A CHR Advisory Opinion of 1 Oct. 1999, para. 137

² - Communication No. 829/1998, Judge v Canada, Views adopted on 5 Aug. 2002, para. 10.9.

³ - Concluding Observations: US (2014), para. 8.

⁴ - Cf. Egyptian Initiative for Personal Rights v Egypt, Report of the ACHPR of 1 March 2011, para. 204.

⁵ - General Comment 35, para. 45.

⁶ - See Prosecutor v Furundzija, ICTY Appeals Chamber Judgment of 21 July 2000, para. 189

محاکمه برای مثال به شکل حکم مذهبی یا دستور نظامی که دولت قصد دارد که انجام دهد یا اجازه دهد که انجام شود نقض دوماده ۱۴ و ۶ میثاق می‌باشد.

۴۴) مجازات اعدام نباید به شیوه تبعیض آمیز بر خلاف الزامات بند ۱ ماده ۲ و ماده ۲۶ میثاق اعمال شود. داده‌ها نشان می‌دهد، که اعضای مذهبی، نژادی یا اقلیت‌های قومی، افراد معسر یا اتباع خارجی به صورت نامتناسب احتمالاً در معرض مجازات اعدام که ممکن است یک اعمال نابرابر از مجازات اعدام را نشان می‌دهد که نگرانی‌ها را طبق بند ۱ ماده ۲ که مرتبط با ماده ۶ میثاق و ماده ۲۶ میثاق می‌باشد افزایش می‌دهد.^۱

۴۶) هر مجازات اعدامی می‌تواند فقط مطابق با قضاوت نهایی بعد از یک فرصت برای انجام همه روش‌های درخواست تجدید نظر قضایی که برای شخص محکوم و پس از تقاضا به همه موارد غیر قضایی که در دسترس وجود دارد فراهم شود، از جمله تکرار نظارت توسط دادستانها یا دادگاه‌ها و در نظر گرفتن درخواست برای عفو رسمی یا خصوصی، به علاوه احکام اعدام تازمانیکه اقدامات موقت بین المللی مورد نیاز اقامت اعدام وجود داشته باشد، انجام نمی‌شود. چنین اقدامات موقت، طراحی شده است تا به بررسی حکم قبل از، دادگاه‌های بین المللی، دادگاه‌های حقوق بشر و کمیسیون‌ها و سازمان‌های نظارت بین المللی مثل سازمان‌های معاهده‌ای سازمان ملل بپردازد. عدم اجرای چنین اقدامات موقتی با تعهد به احترام در حسن نیت به رویه‌هایی که در معاهدات خاص ایجاد شده حاکم بر کار سازمان بین الملل مربوطه می‌باشد ناسازگار است.^۲

۴۷) نیاز هست که دولت‌های عضو مطابق با بند ۴ ماده ۶ میثاق اجازه به افراد محکوم به مرگ بدهند که دنبال عفو یا تخفیف مجازات باشند، برای اطمینان از اینکه عفو عمومی، عفو و تخفیف می‌تواند در شرایط مناسب به آنها اعطا شود، و برای اطمینان از اینکه قبل از درخواست برای عفو یا تخفیف معنا دار در نظر گرفته شده و تصمیم گرفته شده، احکام اجرا نمی‌شود و صورت قطعی بر اساس رویه‌های قابل اجرا تعیین می‌شود.^۳ هیچ گروهی از افراد محکوم نمی‌تواند از قبل از چنین اقدامات امدادی محروم شود و هم چنین نباید شرایط برای دستیابی به امداد نا کار آمد، بی‌عدالتی سنگین، ماهیت تبعیض آمیز یا به صورت رفتار خودسرانه وجود داشته باشد.^۴

^۱ - Concluding Observations: US (2014), para. 8.

^۲ - General comment 33, para. 19.

^۳ - Communication No. 1043/2002, Chikunova v Uzbekistan, Views adopted on 16 March 2007, para. 7.6

^۴ - Communication No. 1132/2002, Chisanga v. Zambia, Views adopted on 18 Oct. 2005, para. 7.5.

CCPR/C/GC/3622

ماده ۶ بند ۴، یک روش خاص برای اجرای حق برای بدست آوردن عفو یا تخفیف راتجویز نمی‌کند و کشورهای عضو در نتیجه با حفظ اختیار رویه‌های مربوط را املاء^۱ می‌کنند. با این حال، چنین روشهایی در قانون داخلی^۲ باید مشخص شود.^۳

آنها نباید موجب شوند که خانواده‌های قربانیان جرم، در تعیین اینکه حکم اعدام باید انجام شود یا نه دارای یک نقش غالب باشند.^۴ به علاوه روش‌های عفو یا تخفیف باید تضمین‌های ضروری خاصی را ارائه دهد. از جمله اطمینان در مورد فرایندهای دنبال شده و معیارهای ذاتی اعمال شده یک حق برای افراد محکوم به مرگ با اعمال روش‌های تعویض یا عفو و ارائه نمایندگی در خصوص شرایط شخصی و یا دیگر شرایط مرتبط، زمانیکه در خواست در نظر گرفته شده و یک حق می‌تواند به سرعت در مورد نتیجه یک رویه شکل گیرد.^۵

۴۸) بند ۵ ماده ۶ میثاق مجازات اعدام برای جرائمی که افراد زیر ۱۸ سال در زمان جرم مرتکب شده‌اند را ممنوع می‌کند^۶ این (موضوع) لزوماً دلالت دارد که چنین اشخاصی برای آن جرم‌ها هرگز نمی‌توانند با مجازات اعدام روبرو شوند، بدون در نظر گرفتن سن آنها در زمان محکوم کردنشان یا در زمان پیش بینی شده برای انجام حکم.^۷ اگر مدارک قطعی و قابل اعتمادی که شخص پایین تر از ۱۸ سال در آن زمانی که جرم محقق شده وجود نداشته باشد او حق مزیت شک خواهد داشت و مجازات مرگ را به او نمی‌توان تحمیل کرد. بند ۵ ماده ۶ میثاق مجازات مرگ را برای زنان حامله قدغن می‌کند.

۴۹) دولت‌های عضو باید از تحمیل مجازات اعدام بر افرادی که با موانع خاصی در دفاع از خودشان بر مبنای یکسان با دیگران روبرو می‌شوند مانند اشخاصی که اختلالات روانی – اجتماعی و معلولیت‌های ذهنی مانع دفاع مؤثر از خودشان می‌شود^۸ و کسانی که مجرمیت اخلاقی محدود شده دارند خودداری کنند.

آنها باید هم چنین از اجرای اعدام برای اشخاصیکه توانایی کمتری در فهمیدن علت حکمشان دارند و افرادی که اعدام آنها به شدت بی‌رحمانه است و یا منجر به نتایج فوق العاده

¹ Communication 845/1998, Kennedy v Trinidad and Tobago, Views adopted on 26 March 2002, para. 7.4.

² - Concluding Observations: Guatemala (2001), para. 18

³ - Concluding Observations: Yemen (2005), para. 15.

⁴ - Report of the Special Rapporteur on extrajudicial, summary or arbitrary executions, 2 May 2008, para. 67.

⁵ - Concluding Observations: Yemen (2012), para. 14.

⁶ - CRC, General Comment No. 10 (2007), para. 75.

⁷ - Cf. CRC, General Comment No. 10 (2007), para. 35, 39.

⁸ - Concluding Observations: Japan (2014), para. 13. Cf. Communication 684/1996 R.S. v Trinidad and Tobago, Views adopted on 2 April 2002, para. 7.2.

آزار دهنده (بی‌رحمانه) برای آنها و خانواده‌های آنها خواهد بود خودداری می‌کنند مانند افراد در کهنسالی، پدر و مادر کودکان بسیار جوان و یا وابسته و افرادی که در گذشته از نقض حقوق بشر رنج برده‌اند.^۱

۵۰) پاراگراف ۶ ماده ۶ میثاق تأیید دوباره به وضعیتی دارد که دولتهای عضوی که هنوز کاملاً طرفدار برانداختن مجازات اعدام به طور کامل نیستند. باید دولتهای دوزوره و دی فکتو در پیش بینی آینده در مسیر نابودی کامل نسبت به مجازات اعدام باشند. مجازات اعدام قابل انطباق با احترام کامل برای حق حیات نمی باشد و لغو مجازات اعدام مطلوب^۲ و لازم برای تقویت کرامت و پیشرفت مرفعی حقوق بشر می‌باشد.^۳ این بر خلاف موضوع و هدف ماده‌های ۶ برای دولتهای عضو می‌باشد. بخاطر قدم برداشتن به سمت افزایش دی فکتو در میزان و اندازه‌ای که آنها به سمت مجازات اعدام می‌روند^۴ با کاهش مقدار عفو و تخفیف مجازاتی که آنها اعطا می‌کنند.

۵۱) اگر چه اشاره به شرایط برای اعمال مجازات اعدام در بند ۲ ماده ۶ حاکی از آن است که موقع تهیه میثاق دولتهای عضو در مجموع، مجازات اعدام را به عنوان یک عمل ظالمانه در نظر نگرفتند، مجازات غیر انسانی یا تحقیر در توافقات بعدی بوسیله دولتهای عضو یا اعمال بعدی این توافقاتها ممکن است در نهایت منجر به نتیجه گیری شود که مجازات اعدام بر خلاف ماده ۷ میثاق تحت هرشرایطی است.

مبحث پنجم

ارتباط ماده ۶ میثاق با دیگر مواد و رژیم‌های حقوقی دیگر

۵۲) نشانگر استاندارد بودن و تضمین ماده ۶ میثاق تعامل و هماهنگی آن با دیگر مقررات میثاق می‌باشد. بعضی از اشکال رفتار هم زمان ماده ۶ و ماده دیگر را نقض می‌کنند.

برای مثال، اعمال مجازات اعدام در پاسخ به یک جرم که باعث ایجاد یک جرم جدی نمی شود^۵ نقض ماده ۶ در بند ۲، با توجه به ماهیت شدید مجازات هم چنین ماده ۷ می‌باشد.^۶ در سایر موارد در متن ماده ۶ بند ۱، استفاده از مجازات اعدام ممکن است محرومیت خود سرانه

¹ - Concluding Observations: Japan (2009), para. 16.

² - Cf. Communication No. 210/1986, Pratt and Morgan v Jamaica, para. 15.

³ - Second Additional Protocol, preamble.

⁴ - Concluding Observations: Chad (2009), para. 19.

⁵ - See also paragraph 35 above.

⁶ - Cf. General Comment 20, para. 5; Gatt v. Malta, judgement of the European Court of Human Rights of 27 July 2010, para. 29.

از زندگی طبق بند ۶ باشد، به دلیل این واقعیت که نشان دهنده مجازات بخاطر آزادی بیان به نقض ماده ۱۹ منجر می‌شود.^۱

۵۳) ماده ۶ تعهدات کشورهای عضو میثاق و پروتکل اختیاری برای محافظت افراد در برابر مجازات برای ترویج و تلاش برای محافظت و درک حقوق بشر از جمله همکاری و ارتباط با کمیته را تقویت می‌کند.^۲ کشورهای عضو باید اقدامات لازم برای پاسخ به تهدیدات مرگ و تأمین امنیت کافی، از جمله^۳ ایجاد و نگهداری یک محیط امن و فعال برای مدافعان حقوق بشر برای دفاع از حقوق بشر را اتخاذ کند.

۵۴) شکنجه دادن و درمان بد ممکن است بطور جدی بر سلامت روحی و جسمی افرادی که مورد بدرفتاری قرار گرفته‌اند تأثیر بگذارد. هم چنین خطر محرومیت از زندگی را ایجاد کند. بعلاوه محکومیت‌های کیفری منجر به مجازات اعدام که بر اساس اطلاعات تهیه شده به وسیله شکنجه یا رفتار ظالمانه، رفتار تحقیر آمیز یا غیر انسانی می‌باشد نقض ماده ۷ و بند ۳(g) ماده ۱۴ میثاق و ماده ۶ خواهد بود.^۴

۵۵) باز گرداندن افراد به کشورهایی که دلایل محکمی بر این که آنها با خطر واقعی زندگی خود روبرو هستند نقض مقررات ۶ و ۷ میثاق است^۵ بعلاوه ایجاد این باور برای شخصی که محکوم به مرگ شده که جمله تبدیل شده فقط برای اطلاع دادن به او که بعداً اینطور نبوده^۶ و قرار دادن یک شخص در ردیف مرگ به موجب یک حکم اعدام که از ابتدا از درجه اعتبار ساقط بوده است^۷ بر خلاف هر دو مواد ۶ و ۷ می‌باشد.

۵۶) محرومیت خودسرانه زندگی یک شخص ممکن است بستگان او را دچار رنجش روحی کند که می‌تواند نقض حقوق خود در ماده ۷ میثاق باشد.^۸

بعلاوه زمانی که محرومیت از زندگی خود سرانه نباشد، عدم ارائه اطلاعات به بستگان وی در مورد شرایط مرگ آن شخص ممکن است حقوق آنها را مطابق ماده ۷ نقض کند و همچنین

¹ - See also paragraph 17 above

² - General Comment No. 33, para. 4; Communication No. 241/1987, *Birhashwiwa v. Zaire*, Views adopted on 2 Nov. 1989, para. 12.5; Concluding observations: *Maldives* (2012), para. 26; Declaration on the Right and Responsibility of Individuals, Groups and Organs of Society to Promote and Protect Universally Recognized Human Rights and Fundamental Freedoms, 9 Dec. 1998, art. 9(4).

³ - Declaration on the Right and Responsibility of Individuals, Groups and Organs of Society to Promote and Protect Universally Recognized Human Rights and Fundamental Freedoms, 9 Dec. 1998, art. 12(2).

⁴ - Communication No. 1782/2008, *Aboufaied v. Libya*, Views adopted on 21 March 2012, paras. 7.4, 7.6; Communication No. 440/1990, *El-Megreisi v. Libya*, Views adopted on 23 March 1994, para. 5.4. See also paragraph 41 above

⁵ - See also paragraph 31 above. Cf. General Comment No. 31, para. 12

⁶ - Communication No. 1132/2002, *Chisanga v. Zambia*, Views adopted on 18 Oct. 2005, para. 7.3.

⁷ - Communication No. 592/1994, *Johnson v. Jamaica*, Views adopted on 25 Nov. 1998, para. 10.4.

⁸ - Communication No. 1225/2003, *Eshonov v. Uzbekistan*, Views adopted on 22 July 2010, para. 9.10.

عدم اطلاع آنها از محل شخص^۱ و جاییکه اعدام می‌شود.^۲ از تاریخی که اجرای مجازات اعدام پیش بینی شده در صورت تمایل، بستگان افرادی که از جانب دولت از زندگی خود محروم شده‌اند باید قادر به دریافت جسد آن شخص باشند.^۳

۵۷) حق حیات به وسیله ماده ۶ میثاق تضمین شده است. از جمله حق حفاظت از زندگی در بند ۱ ماده ۶ میثاق ممکن است همپوشانی داشته باشد با حق امنیت شخص که در بند ۱ ماده ۹ میثاق تضمین شده است. اشکال شدید بازداشت‌های خود سرانه که خود آنها تهدید کننده زندگی هستند، مخصوصاً ناپدید شدگی اجباری، حق آزادی شخص و امنیت شخصی را نقض می‌کند که با حق حیات ناسازگار است. عدم رعایت ضمانت‌های رویه‌ای که در بندهای ۳ و ۴ ماده ۹، که به ویژه برای جلوگیری از ناپدید شدن طراحی شده است، می‌تواند منجر به نقض ماده ۶ شود.^۴

۵۸) ناپدید شدگی اجباری که یکپارچه و منحصر به فرد فعل‌ها یا ترک فعل‌ها را تشکیل می‌دهد، نشانگر تهدید جدی حیات می‌باشد.^۵ محرومیت از آزادی به دنبال مورد پذیرش قرار نگرفتن در ایجاد این محرومیت و یا پنهان کردن سرنوشت فرد ناپدید شده در واقع این شخص را از حفاظت از قانون حذف می‌کند. و آن شخص را در معرض خطر ثابت و جدی زندگی قرار می‌دهد، که دولت باید پاسخگو باشد.^۶ بدین ترتیب منجر به نقض حیات و دیگر حقوق شناخته شده در میثاق به ویژه ماده ۷ می‌شود (ممنوعیت شکنجه یا رفتار ظالمانه، غیر انسانی یا رفتار تحقیر آمیز یا مجازات). ماده ۹ (آزادی و امنیت اشخاص) و ماده ۱۶ (حق به رسمیت شناختن شخص قبل از قانون). کشورهای عضو باید اقدامات لازم برای جلوگیری از ناپدید شدگی اجباری افراد و انجام یک تحقیق موثر و سریع برای ایجاد سرنوشت و محل نگهداری افرادی که ممکن است مورد ناپدید شدگی اجباری قرار گیرند انجام دهند. کشورهای عضو باید اطمینان بدهند که ناپدید شدگی اجباری اشخاص مورد مجازات قرار می‌گیرد که همراه با تحریم‌های کیفری مناسب و روش‌های سریع و موثر برای بررسی موارد ناپدید شدگی به طور کامل، به وسیله سازمان‌های بی‌طرف و مستقل که به عنوان یک قاعده در داخل سیستم عدالت کیفری عادی اجرا می‌شود. آنها باید با مرتکبان چنین فعل و ترک فعل‌ها با عدالت رفتار کنند و اطمینان بدهند که قربانیان ناپدید شدگی اجباری و خویشاوندان آنها در

¹ - Communication No. 2120/2011, Kovalev v Belarus, Views adopted on 29 Oct. 2012, para. 11.10.

² - Concluding Observations: Japan (2014), para. 13

³ - Concluding Observations: Botswana (2008), para. 13.

⁴ - Cf. General Comment No. 35, para. 58.

⁵ - See e.g., Communication No. 992/2001, Saker v. Algeria, Views adopted on 15 March 2006, para. 9.2; Communication No. 2000/2010, Katwal v. Nepal, Views adopted on 1 April 2015, para. 11.3.

⁶ - See e.g., See e.g., Communication No. 2259/2013, El Boathi v. Algeria, Views adopted on 17 March 2017, para.7.5.

مورد نتایج تحقیق آگاه هستند و جبران خسارت کامل^۱ در مورد آنها صورت می‌پذیرد. تحت هیچ شرایطی نباید خانواده‌هایی از قربانیان ناپدید شدگی اجباری مجبور شوند که برای کسب غرامت مرگ آنها را اعلام نمایند.^۲ دولت‌های عضو باید فامیل‌های قربانیان ناپدید شدگی اجباری برای تنظیم وضعیت قانونی‌شان در ارتباط با ناپدید شدگی اجباری بعد از یک دوره زمانی مناسب شرایط فراهم کنند. دولتهای عضو باید وضعیت قانونی خانواده‌های قربانیان ناپدیدشدگی اجباری را بعد از یک دوره زمانی مناسب فراهم کنند.^۳

۵۹) یک ارتباط اختصاصی که بین ماده ۶ و ماده ۲۰ ایجاد می‌شود اینکه هر تبلیغی برای جنگ و اشکال خاص ایجاد انگیزه برای طرفداری از تبعیض، خصومت یا خشونت را منع می‌کند. کوتاهی در فراهم آوردن این تعهدات طبق ماده ۲۰ ممکن است کوتاهی برای اتخاذ اقدامات لازم برای محافظت از حق حیات تحت ماده ۶ ایجاد کند.^۴

۶۰) ماده ۲۴ (بند ۱) میثاق عنوان می‌کند که هر کودک مورد نیاز به چنین اقداماتی از حفاظت از وضعیت خود به عنوان جزئی از اعضای خانواده اش، جامعه و دولت واقع می‌شود. این ماده به گرفتن اقدامات خاص طراحی شده برای محافظت از حق حیات هر بچه‌ای نیاز دارد. علاوه بر اقدامات عمومی مورد نیاز ماده ۶ برای محافظت از زندگی همه افراد^۵ هنگام گرفتن اقدامات ویژه محافظت، دولت‌های عضو باید با بهترین منافع کودک^۶ همراه احتیاج به اطمینان از بقا و پیشرفت همه کودکان^۷ و رفاه آنها رهنمون شوند.^۸

۶۱) حق حیات باید مورد احترام و اطمینان، بدون تمایز از هر نوع، مثل نژاد و رنگ و جنس و زبان و مذهب و نظر سیاسی یا سایر عقاید، ملیت یا منشأ اجتماعی و اموال، تولد یا هر وضعیت دیگر^۹ از جمله قومیت، عضویت یک گروه بومی، گرایش جنسی یا هویت جنسیتی^{۱۰}، معلولیت^{۱۱}، وضعیت اجتماعی و اقتصادی^{۱۲}، آلبینسم^{۱۳} و سن قرار گیرد^۱ حمایت

¹ - Cf. International Convention for the Protection of All Persons from Enforced Disappearance, art. 24

² - See e.g., Communication No. 1917/2009, Prutina v. Bosnia and Herzegovina, Views adopted on 28 March 2013, para. 9.6.

³ - Cf. International Convention for the Protection of All Persons from Enforced Disappearance, art. 24.

⁴ - Cf. Prosecutor v. Ruggiu, ICTR Trial Chamber Judgment of 1 June 2000, para. 22.CCPR/C/GC/3623

⁵ - See General Comment No. 17, para. 1; General Comment No. 32, paras. 42-44; Communication 1917/2009, Prutina v. Bosnia and Herzegovina, Views adopted on 28 March 2013, para. 9.8; Concluding Observations: Benin (2015), para. 19.

⁶ - Convention on the Rights of the Child, art. 3(1).

⁷ - Convention on the Rights of the Child, art. 6(2).

⁸ - Convention on the Rights of the Child, art. 3(2).

⁹ - Concluding Observations: India (1997), para. 15

¹⁰ - Concluding Observations: Iran (2011), para. 10.

¹¹ - Concluding Observations: Netherlands (2001), para. 6.

¹² - Cf. Communication No. 2425/2014 Whelan v Ireland, Views adopted on 17 March 2017, para. 7.12.

¹³ - Cf. CESCR, Concluding Observations: DRC (2009), para. 19.

قانونی برای حق حیات باید برای همه افراد به طور برابر اعمال شود و تضمین‌های موثر علیه تمامی اشکال تبعیض^۲، از جمله اشکال متعدد و متضاد تبعیض فراهم شود. محرومیت از زندگی بر اساس^۳ تبعیض در قانون یا واقعیت، به خودی خود، خودسرانه است. فمیسیده (کشتار جنسی) که فرم شدید خشونت مبتنی بر جنسیت است که علیه دختران و زنان است، شکل خاصی از تجاوز به حق زندگی است.

۶۲) تخریب محیط زیست، تغییرات آب و هوا و توسعه ناپایدار بعضی از سخت‌ترین و جدی‌ترین تهدیدات برای توانایی نسل‌های کنونی و آینده برای لذت بردن از حق زندگی است.^۴ تعهدات کشورهای عضو در قانون بین‌المللی محیط زیست باید با محتوی ماده ۶ میثاق مطابقت داشته باشد. تعهدات کشورهای عضو در ارتباط با احترام و تضمین حق حیات باید با قوانین بین‌المللی محیط زیست^۵ مطابقت داشته باشد. برای حفظ محیط زیست و حفاظت از آن در مقابل صدمه، آلودگی و تغییرات آب و هوایی که توسط بازیگران عمومی و خصوصی ایجاد شده است، مطابقت داشته باشد. بنابراین دولت‌های عضو باید به استفاده پایدار منابع طبیعی، توسعه و اجرای استانداردهای محیط زیستی، کنترل ارزیابی تأثیرات زیست محیطی و مشورت با کشورهای مربوطه در مورد فعالیت‌هایی که احتمالاً تأثیر قابل توجهی بر روی محیط دارند، اطلاع‌رسانی به کشورهای دیگر که مربوط به بلایای طبیعی و شرایط اضطراری است و همکاری با آنها، فراهم آوردن دسترسی مناسب برای مطلع شدن خطرات زیست محیطی و توجه به رویکرد احتیاطی^۶ اطمینان بدهند.

۶۳) با توجه به بند ۱ ماده ۲ میثاق، یک دولت عضو تعهد به احترام و اطمینان حقوق موجود در ماده ۶ نسبت به همه اشخاص موجود در قلمرو خود و همه اشخاص موضوع صلاحیت خویش می‌باشد. همه افراد بیش از آنکه از حق زندگی خود استفاده کنند تحت قدرت یا کنترل مؤثر^۷ دولت قرار دارند. این شامل اشخاصی است که بیرون از هر قلمروی که

^۱ - Cf. Yakye Axa Indigenous Community v. Paraguay, I/A CHR judgment of 17 June 2005, para. 175.

^۲ - Concluding Observations: USA (2014), para. 8.

^۳ - Report of the Special Rapporteur on violence against women, its causes and consequences, 23 May 2012, para. 21.

^۴ . Declaration of the United Nations Conference on the Human Environment, 17 June 1972, para. 1 (preamble); Rio Declaration on Environment and Development, 14 June 1992, Principle 1; United Nations Framework Convention on Climate Change, 9 May 1992 preamble), 1771 UNTS 107.

^۵ . Cf. Paris Agreement, preamble, 12 Dec. 2015, UN Doc. FCCC/CP/2015/L.9, Annex.

^۶ . Rio Declaration on Environment and Development, 14 June 1992, principles 1, 2, 11, 15, 17, 18. Cf. Convention on Access to Information, Public Participation in Decision-Making and Access to Justice in Environmental Matters, 25 June 1998.

^۷ . General Comment No. 31, para. 10; Concluding Observations: United Kingdom (2008), para. 14.

به طور موثر تحت کنترل آن دولت است قرار دارند که با این وجود حق حیات به خاطر فعالیت‌های نظامی یا فعالیت‌های دیگر در یک شیوه قابل پیش‌بینی^۱ به طور منطقی و مستقیم را تحت تأثیر خود قرار داده است. دولت‌ها که تحت تعهدات قوانین بین‌المللی هستند نباید به دولت‌های دیگر یا بازیگران غیر دولتی کمک یا یاری در جهت نقض حق حیات آن اشخاص بکنند.^۲

علاوه بر این کشورهای عضو باید از زندگی افرادی که در مکان‌هایی قرار دارند که تحت کنترل موثر آنهاست احترام و حفاظت کنند مانند سرزمین‌های اشغالی و سرزمین‌هایی که تعهدات بین‌المللی برای اعمال میثاق را پذیرفته‌اند. کشورهای عضو نیز ملزم به احترام و حفاظت از زندگی همه افراد واقع در کشتی‌های دریایی یا هواپیماهای ثبت شده توسط آنها یا حامل پرچم آنها و یا اشخاصی که در وضعیت دشواری در دریا قرار دارند، مطابق با تعهدات بین‌المللی خود^۳ در مورد نجات در دریا هستند. با توجه به اینکه بخاطر کنترل مؤثر یک دولت برای شخص، محرومیت از آزادی به همراه دارد دولتهای عضو باید حق حیات همه افراد دستگیر و بازداشت شده توسط خودشان را مورد احترام و حفاظت قرار دهند حتی اگر خارج از قلمرو آنها قرار دارند.^۴

۶۴) مانند بقیه میثاق ماده ۶ برای اعمال موقعیت‌های درگیری مسلحانه که قوانین بین‌المللی بشردوستانه قابل اجرا هستند؛ از جمله رفتار خصومت آمیز^۵ ادامه پیدا می‌کند. هر دو حوزه قوانین بشر دوستانه بین‌المللی و ماده ۶ میثاق در زمانی که قوانین بشر دوستانه بین‌المللی ممکن است که برای تفسیر و کاربرد ماده ۶ ارتباط پیدا کند، در زمانی که وضعیت خواستار استفاده هر دوی آنها می‌شود به عنوان مکمل و نه متقابلاً انحصاری وارد عمل می‌شوند.^۶ استفاده از نیروی مرگبار مطابق با قوانین بین‌المللی بشر دوستانه و دیگر هنجارهای بین‌المللی قابل اجرا به طور کلی، خود سرانه نیست. در مقابل، اقدامات متناقض با قانون بین‌المللی بشر دوستانه، به خطر انداختن جان شهروندان و افراد دیگر تحت حمایت حقوق بین

^۱ . See paragraph 22 above; Concluding Observations: USA (2014), para. 9.

^۲ . Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts, art. 16, annex to General Assembly resolution 56/83 of 12 December 2001. Cf. Application of the Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide (Bosnia and Herzegovina v. Serbia and Montenegro), 2007 I.C.J. Reports 43, 217.

^۳ . Concluding Observations: Malta (2014), para. 17. Cf. United Nations Convention on the Law of the Sea, 10 Dec. 1982, art. 98, 18233 UNTS 3; International Convention for the Safety of Life at Sea, 1 November 1974, Ch. 5, Reg. 10, 1184 UNTS 278

^۴ . General Comment No. 31, para. 10; Communication No. 12/52, Saldías de López v. Uruguay, Views adopted on 29 July 1981, paras. 12.1-13; Communication No. R.13/56, Celiberti e Casariego v. Uruguay, Views adopted on 29 July 1981, para. 10.1-11; Communication No. 623/1995, Omukovsky v. Georgia, Views adopted on 6 April 1998, para. 18.2

^۵ . General Comment No. 31, para. 11; General Comment No. 29, para. 3.

^۶ . General Comment No. 31, para. 11; General Comment No. 29, para. 3, 12, 16

المللی بشر دوستانه می‌باشد. از جمله هدف گیری غیر نظامیان، اشیاء غیر نظامی و اشیاء ضروری برای بقای غیر نظامیان، حملات بی‌قید و شرط، عدم استفاده از اصول احتیاط و تناسب و استفاده از سپر انسانی نقض ماده ۶ میثاق خواهد بود.^۱ به طور کلی، کشورهای عضو باید معیارهایی را برای حمله به افراد یا اشیایی که هدف قرار دادن آنها منجر به محرومیت از زندگی، از جمله مبنای حقوقی برای حملات خاص روند شناسایی اهداف نظامی و رزمندگان یا افراد عضو مستقیم در خصومت، شرایطی که در آن ابزار و روش‌های مربوط به جنگ مورد استفاده قرار گرفته است^۲ اینکه آیا گزینه‌های مضر کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند را مشخص کنند. آنها همچنین باید نقض‌های مشکوک یا مورد ادعای ماده ۶ در موقعیت‌های درگیری مسلحانه بر طبق استانداردهای بین‌المللی مربوط را مورد بررسی قرار دهند.^۳

۶۵) کشورهای عضو درگیر در گسترش، استفاده، فروش یا خرید سلاح‌های موجود و در مطالعه، توسعه، خرید یا پذیرش سلاح و ابزار یا روش‌های جنگ باید همیشه تأثیرات خود را^۴ در مورد حق حیات در نظر بگیرند. برای مثال توسعه سیستم‌های اسلحه‌ای خود مختار فاقد شخصیت و قضاوت انسانی سوالات حقوقی و قانونی در ارتباط با حق حیات، از جمله سوالات مرتبط به مسئولیت قانونی برای استفاده از آنها بوجود می‌آورند. بنابر این کمیته دارای این دیدگاه است که چنین سیستم‌های سلاح نباید توسعه یابد و به بهره‌برداری برسد چه در زمان جنگ، یا چه در زمان صلح، مگر اینکه مشخص شود که استفاده از آنها با ماده ۶ و دیگر هنجارهای مربوط به قوانین بین‌المللی مطابقت دارد.^۵

۶۶) تهدید یا استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی، به ویژه سلاح‌های هسته‌ای، که در اثر بی‌نظیر و باعث تخریب زندگی انسان در مقیاس فاجعه‌بار است، با احترام برای حق حیات، ناسازگاری می‌باشد و ممکن است یک جنایت از نظر قوانین بین‌المللی باشد. دولت‌های عضو باید همه اقدامات مورد نیاز برای توقف گسترش سلاح‌های کشتار جمعی از جمله، اقدامات پیشگیرانه برای آنها توسط بازیگران غیر دولتی، برای جلوگیری از توسعه، تولید، آزمایش، دستیابی، انبار کردن، فروش، انتقال و استفاده از آنها، برای از بین بردن ذخایر موجود را انجام دهند و اقدامات لازم برای حفاظت در برابر استفاده اتفاقی، بر طبق تعهدات بین‌المللی خود

¹ . Concluding Observations: Israel (2010), para. 9-10.

² . Concluding Observations: USA (2014), para. 9.

³ . See paragraph 27-28 above; Minnesota Protocol on the Investigation of Potentially Unlawful Death (2016) (published by OHCHR in 2017), para. 20-22.

⁴ . Cf. Protocol Additional to the Geneva Conventions of 12 August 1949, and relating to the Protection of Victims of International Armed Conflicts (Protocol I), 8 June 1977, art. 36.

⁵ . Report of the Special Rapporteur on extrajudicial, summary or arbitrary executions, 9 April 2013, para. 113-114.

انجام دهند. آنها هم چنین باید از تعهدات بین المللی^۱ خود برای پیگیری مذاکرات با حسن نیت به منظور دستیابی به هدف خلع سلاح هسته‌ای، تحت کنترل^۲ دقیق و موثر بین المللی برخوردار باشند. و برای جبران خسارت وارد به قربانیان که حق زندگی دارند یا در معرض آسیب‌های ناشی از آزمایش و استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی قرار می‌گیرند، مطابق با اصول مسئولیت بین المللی با شند.^۳

۶۷) ماده ۶ شامل فهرست حقوق غیر قابل انعطاف بند ۲ ماده ۴ میثاق می‌باشد از این رو تضمین‌هایی که در مورد ماده ۶ علیه محرومیت‌های خود سرانه از زندگی وجود دارد در همه شرایط اعمال می‌شود، از جمله در شرایط منازعات مسلحانه و دیگر شرایط اضطراری عمومی. با این حال وجود و ماهیت شرایط اضطراری عمومی^۴ که زندگی ملت را تهدید می‌کند کشورهای عضو را وادار به مشخص کردن فعل‌ها و ترک فعل‌ها که منجر به محرومیت خود سرانه از زندگی می‌شود و تعیین دامنه اقدامات مثبت وادار می‌کند. اگر چه بعضی از حقوق میثاق غیر از حق حیات ممکن است موضوع معافیت باشند، حقوق قابل معافیت که استفاده از ماده ۶ را حمایت می‌کنند نباید با اقدامات تخفیف کم رنگ شوند.^۵ چنین حقوق‌هایی شامل تضمین‌های رویه‌ای، مثل حق دادرسی عادلانه در موارد مجازات اعدام و اقدامات قابل دسترسی و مؤثر برای باز پرداخت حقوق، مثل وظیفه برای اقدامات لازم برای تحقیق، محاکمه، مجازات و جبران خسارات نقض حق حیات می‌باشد.

۶۸) شرط همراه با احترام به تعهدات بدون چون و چرا و غیر قابل انعطاف تنظیم شده در ماده ۶ با موضوع و هدف میثاق ناسازگار می‌باشد، به ویژه، بدون حق شرط برای ممنوعیت در مقابل محرومیت خود سرانه زندگی اشخاص و محدودیت‌های دقیق ارائه شده در ماده ۶ با توجه به استفاده از مجازات اعدام مجاز است.^۶

۶۹) جنگ و دیگر عملکردهای خشونت جمعی به عنوان یک معضل بشریت هر سال^۷ منجر به از دست دادن زندگی هزاران شخص زنده می‌شود. تلاش برای جلوگیری از خطرات

¹ . See Treaty on the Non-Proliferation of Nuclear Weapons, 1 July 1968, 729 UNTS 161; Comprehensive Test Ban Treaty, 10 Sept. 1996, Treaty on the Prohibition of Nuclear Weapons, 7 July 2017 (not yet in force); Convention on the Prohibition of the Development, Production and Stockpiling of Bacteriological (Biological) and Toxin Weapons and on their Destruction, 10 April 1972, 1015 UNTS 163; Convention on the Prohibition of the Development, Production, Stockpiling and Use of Chemical Weapons and on their Destruction, 3 Sept 1992, 1974 UNTS 45.

² General Comment 14, para. 7. Cf. Legality of the Threat or Use of Nuclear Weapons, 1996 ICJ 226, 267..

³ . Concluding Observations: France (2015), para. 21.

⁴ . General Comment No. 29, paras. 7.

⁵ . General Comment No. 29, para. 16.

⁶ - General Comment No. 24, para. 8.

⁷ - General Comment No. 14, para. 2.

جنگ و هر درگیری مسلحانه دیگر و تقویت صلح و امنیت بین المللی از مهمترین ضمانت‌ها برای حق حیات هستند.^۱

۷۰) کشورهای عضو نامزده شده در اعمال تجاوز تعریف شده در قوانین بین المللی، که منجر به محرومیت از زندگی می‌شود به^۲ خودی خود باعث نقض ماده ۶ می‌شود. در همین زمان، همه دولتهای عضو به عنوان اعضای جامعه بین المللی از مسئولیت خود برای حفاظت زندگی و برای مخالفت با حملات گسترده یا سیستماتیک در مورد حق حیات شامل عملکرد تجاوز، تروریسم بین المللی، نسل کشی، جرائم علیه بشریت و جنایات جنگی، در حال احترام با تمام تعهدات خود تحت قوانین بین المللی یادآور می‌شوند. کشورهای عضو که کوتاهی در اقدامات معقول برای حل اختلافات بین المللی با ابزار صلح آمیز دارند ممکن است در فراهم آوردن تعهدات مثبت خود برای تضمین حق حیات کوتاهی کنند.

¹ - General Comment 6, para. 2.

² - GA Res.60/1, (World Summit Outcome) 16 Sept. 2005, para. 138-139

فصل سوم

بررسی تطبیق اشتراکات و افتراقات

بخش اول

بررسی اشتراکات حق حیات در اسناد حقوق بشری اسلامی

در بررسی تطبیقی اعلامیه جهانی حقوق بشر و اسلام به موارد اشتراکی از قبیل منع شکنجه، دفاع مشروع، جلوگیری از خودکشی، تخریب محیط زیست و رسیدگی به امور درمانی و بهداشتی در جهت مصونیت از حق حیات دست پیدا می‌کنیم.

مبحث اول

شکنجه از منظر اسلام

حکم شکنجه از منظر فقهی به طور کلی تعذیب و ایذاء انسان نسبت به انسان دیگری به عنوان اولی در شرع حرام بوده و نزد عقل و عقلاء قبیح و ظلم است و بنابراین هیچ کس نباید دیگر افراد بشر را به هر شکلی مورد عذاب و اذیت قرار دهد. این موضعگیری کلی در قبال تعذیب حکم تمامی فقها بوده و بر آن دلایل عقلی و نقلی متعددی اقامه می‌نمایند. چنین موضعی به شکل کلی شامل دو شق می‌باشد که شق اول مصداق تعذیب یعنی (تعذیب انسان نسبت به انسان دیگر و انسان نسبت به حیوان) و شق دوم آن (یعنی تعذیب افراد توسط دولت یا عوامل دولتی)^۱ می‌باشد.

گفتار ۱. دلایل ممنوعیت و حرمت شکنجه

هر چند در نحوه بیان و تقریر دلایل ممنوعیت و حرمت شکنجه در متون فقهی تفاوت‌هایی دیده می‌شود اما عمده دلایلی که بر ممنوعیت و حرمت این عمل اقامه می‌شود را می‌توان مربوط به روایاتی دانست که بر تحریم و نهی از آزار و زدن مردم دلالت دارند^۲ علاوه بر این برخی قواعد فقهی و عقلی و استصحابات قرآنی در جهت تبیین ممنوعیت و حرمت شکنجه استفاده می‌شود. قالب و شکل کلی استدلالها از منظر فقها این است که که چنین عملی

^۱. پرمسان دانشگاهیان

^۲. منتظری، حسینعلی؛ مبانی فقهی حکومت اسلامی، ترجمه و تقریر، محمود صلواتی، تهران نشر سراسی، ۱۳۷۹، چاپ سوم،

ج ۳، ص ۵۷۳.

را گناه و حرام دانسته اند. مگر آنکه امر مهمی نظیر حفظ نظام از نظر شرع در کار باشد که در اینجا تشخیص اصل شکنجه و کیفیت آن را بر عهده امام (ع) یا نایب جامع شرایط وی می‌دانند^۱ عده ای از فقها از ممنوعیت مطلق شکنجه و حرمت آن سخن گفته و شکنجه را حتی در جایی که تعذیب افراد برای کشف جرم و تحقیق درباره مسأله‌ای که با امنیت و بقاء حکومت اسلام ارتباط دارد، جایز ندانسته اند.^۲

آنان ممنوعیت شکنجه را به شکل حقوق مطلق ملاحظه نموده اند که در مقایسه با دیگر ارزشهای شرعی یا اخلاقی و یا دیگر حقوق، محدود و مقید نمی‌شود اما تعداد دیگری از فقها ممنوعیت شکنجه را در مقایسه با سایر ارزش‌های شرعی نظیر حفظ نظام مقید و محدود می‌نمایند. روایات متعددی دال بر تحریم و منع زدن و آزار مردم وارد شده که برخی از آنها با قرینه و وحدت ملاک، منع زدن و آزار مردم توسط حاکم [دولت] را به اثبات می‌رسانند و برخی هم به طور مستقیم و بدون هیچ قرینه‌ای ناظر به ممنوعیت آزار و اذیت و زدن مردم توسط حاکم [دولت] اند.^۳

از جمله روایات دسته اول این که، امام صادق (ع) از پیامبر (ص) نقل فرمود: «سرکش ترین بنده نسبت به خدا کسی است که به قتل کسی که قاتل نیست کمر بندد و کسی را بزند که او را زده است»^۴

امام صادق (ع) در روایت دیگری فرمودند: «اگر کسی، دیگری را تازیانه‌ای بزند، خداوند نیز او را با تازیانه‌ای از آتش خواهد زد».^۵

سکونی از امام صادق (ع) روایت می‌کند که پیامبر فرمود: «مبغوض ترین بنده در نزد خدا کسی است که برای زدن، پشت مسلمان را به ناحق لخت کند».^۶

در سوره نحل آیه ۱۲۵ مشاهده می‌کنیم که چگونه خداوند به پیامبر خود توصیه به بهترین روش‌ها برای هدایت مردم می‌دهد (ادع الی سبیل ربک بالحکمه و الموعظه الحسنه و جادلهم

۱. الحسینی الشیرازی، سید محمد، الفقه (موسوعة استدلالیة فی الفقه اسلامی) بیروت دار العلوم، ۱۴۰۹ ق، الطبعة الثانية، ج ۴۷، ص ۱۹۷، منتظری، حسینعلی؛ مبانی فقهی حکومت اسلامی، ترجمه و تقریر محمود صلواتی، تهران نشر سربای، ۱۳۷۹، چاپ سوم ج ۳، صص ۵۷۷-۵۷۶.

۲. حسینی تهرانی، سید محمد حسین؛ ولایت فقیه در حکومت اسلام، تهران، انتشارات مؤسسه ترجمه و نشر دوره علوم و معارف اسلامی، ۱۴۱۵ ق، چاپ اول، ج ۴، صص ۲۲۶-۲۲۵.

۳. پرسمان در دانشگاهیان

۴. حر عاملی، محمد بن حسین (شیخ حر عاملی)؛ وسائل الشیعه، ۱۱ / ۱۹ ابواب قصاص نفس، باب ۴، حدیث (۱)

۵. حر عاملی، محمد بن حسین (شیخ حر عاملی)؛ وسائل الشیعه، ۱۲ / ۱۹، ابواب قصاص نفس، باب ۴، حدیث ۷

۶. حر عاملی، محمد بن حسین (شیخ حر عاملی)؛ وسائل الشیعه ۳۳۶ / ۱۸ ابواب مقدمات حدود، باب ۲۶، حدیث ۱

بالٹی ہی احسن). [مردم را] با حکمت و اندرز نیکو، به راه پرودگارت دعوت کن، و به آنان به نیکوترین شیوه به بحث [و مجادله] پرداز. سوره انسان آیه ۱۸ از ثواب خوش رفتاری با انسان صحبت می‌کند و بقره آیه ۲۷۶ نیز دلالت بر همین موضوع دارد.

در صدر اسلام نیز اسیر را یا داخل مسجد نگه می‌داشتند یا مسلمانها در خانه نگهداری می‌کردند و از غذای خود به اسیر می‌دادند که باعث شگفتی اسرا می‌شد و وظیفه غذا و لباس را در مورد اسیری که مرتکب خیانت نشده بود بعهده می‌گرفتند.

گفتار ۲. ممنوعیت شکنجه در قوانین جمهوری اسلامی ایران به تبع دیدگاه اسلامی

در قوانین جمهوری اسلامی ایران نیز ممنوعیت شکنجه تصریح شده و تضمین‌هایی جهت جلوگیری از آن پیش‌بینی شده است. در این راستا در اصل ۳۸ قانون اساسی آمده: « هر گونه شکنجه برای گرفتن اقرار یا کسب اطلاع ممنوع است. اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند مجاز نیست و چنین شهادت، اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است و متخلف از این اصل، طبق قانون مجازات می‌شود. » در جهت احترام به این اصل قانون اساسی و تضمین اجرای آن مقرراتی در قوانین عادی مقرر گردیده است. مطابق با ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی هریک از مقامات و مأمورین وابسته به نهادها و دستگاههای حکومتی که برخلاف قانون، آزادی شخصی افراد ملت را سلب کند، یا آنان را از حقوق مقرر در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران محروم نماید علاوه بر انفصال از خدمت و محرومیت یک تا پنج سال از مشاغل حکومتی به حبس از دوماه تا سه سال محکوم خواهد شد. هم چنین ماده ۵۷۸ قانون مزبور مقرر می‌نماید: « هریک از مستخدمین و مأمورین قضایی یا غیر قضایی دولتی برای آنکه متهمی را مجبور به اقرار کند او را اذیت و آزار بدنی نماید، علاوه بر قصاص یا پرداخت دیه حسب مورد به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم می‌گردد و چنانچه کسی در این خصوص دستور داده باشد، فقط دستور دهنده به مجازات حبس مذکور محکوم خواهد شد، و اگر متهم به واسطه اذیت و آزار فوت کند مباشر مجازات قاتل و آمر مجازات قتل را خواهد داشت. » ماده ۱۷۶ آیین نامه قانونی و مقررات اجرایی سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور که در تاریخ ۱۷ / ۱ / ۱۳۷۲ به تصویب رئیس قوه قضاییه رسیده نیز در این زمینه می‌گوید: « تند خویی، دشنام، ادای الفاظ رکیک یا تنبیه بدنی و زندانی و اعمال تنبیهات خشن و مشقت بار و موهن در زندانها به کلی ممنوع است... ». لازم به ذکر است که ماده ۵۷۸ ق. م. ا. تنها به آزارهای بدنی اشاره نموده و آزارهای روحی و روانی را ذکر ننموده و با توجه به مقررات موجود به نظر می‌رسد ضروری است مقررات اختصاصی در این خصوص با قرار دادن

تضمین‌ها و راهکارهای مناسب جهت صیانت از افراد در برابر شکنجه و اقدامات خود سرانه مأموران دولتی وضع گردد.^۱ برای جبران خسارت وارده ناشی از شکنجه نیز می‌توان به ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۷۹ / ۲ / ۷ استناد نمود که در آن تصریح شده «هرکس بدون مجوز قانونی عمداً یا در نتیجه بی‌احتیاطی به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجارتي یا به هر حق دیگری که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده لطمه‌ای وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود، مسؤول جبران خسارت ناشی از عمل خود می‌باشد.» بنابراین، در دین اسلام شکنجه مطلقاً مشروعیت نداشته و تنها در مورد مجرمین، اجرای حدود الهی و تعزیرات قانونی پذیرفته است و تنها در موردی که حاکم اسلامی علم و یقین داشته باشد که فرد خاصی دارای اخبار و اطلاعات مهمی است و آن اخبار برای حفظ امنیت جامعه اسلامی و رفع توطئه‌های دشمن بسیار ضروری و حیاتی است در این صورت اگر متهم از افشای آن اطلاعات خودداری کند، جایز است او را تعزیر کنند. هر چند باز هم این قبیل اطلاعات و اعترافات نمی‌تواند سند جرمی برای صدور رأی قضایی بر علیه وی شود. توضیح اینکه بی‌شک آزار هیچ انسانی بی‌دلیل جایز نیست و نمی‌توان کسی را برای گرفتن اقرار تحت فشار قرار داد و هر گونه اقرار که از طریق تهدید و ضرب و شکنجه گرفته شود بی‌اعتبار است و هیچ ارزشی شرعی و قانونی ندارد. در حدیثی از امیر مؤمنان علی (ع) می‌خوانیم: «مَنْ أَقْرَعَ عِنْدَ تَجْرِيدٍ أَوْ تَخْوِيفٍ أَوْ حَبْسٍ أَوْ تَهْدِيدٍ فَلَا حَدَّ عَلَيْهِ^۲ کسی که هنگام برهنه کردن او یا ترساندن یا حبس یا تهدید اقرار کند حدی بر او نیست!». ولی اگر متهم غیر از گناهی که متهم به آن شده و ثابت نگردیده است گناه واضح دیگری مرتکب شده باشد، می‌توان او را به خاطر آن تعزیر کرد؛ مثل اینکه سارق را به هنگام ورود در خانه دیگری دستگیر کنند در حالیکه سرقت او ثابت نشده باشد، حال اگر او را به خاطر ورود بدون اجازه در خانه دیگری تعزیر کنند و او را به گمان اینکه تحت فشار قرار گرفته اعترافاتی کند و از قرائن، صدق آن اعترافات ثابت شود (مثل اینکه اجناس مسروقه را با نشانه‌هایی که او داده است پیدا کنند) این اعتراف می‌تواند دارای ارزش باشد چرا که قرائن قطعی نشان داده که اعترافی است مطابق به واقع و مقرون به صحت. در مورد جاسوسان بیگانه نیز می‌توان از این طریق استفاده کرد، حتی اگر قطعی خلافی انجام گرفته باشد، ولی حاکم شرع یقین یا ظن قوی

۱. مکارم شیرازی، ناصر، پیام قرآن (حکومت اسلامی در قرآن مجید)، تهران: دارالمکتب اسلامی، ۱۳۷۷، ج ۱۰، صص ۴۱۹-۴۲۱.

۲. وسائل الشیعه ۱۸، حدیث

دارد که نزد او اطاعات بسیار مهمی است که در سرنوشت کشور اسلام و مسلمین دخالت دارد، در چنین حالی می‌توان او را تحت فشار قرار داد، ولی فشارهایی که ضد انسانی نباشد. اما هرگز نباید به این بهانه، اجازه داد که از این قانون سوء استفاده شود و افراد متهم را تحت فشارهای شدید و شکنجه‌های طاقت فرسا قرار دهند و یا به کمترین سوء ظن استفاده از این استثناء را برای خود مباح شمرند. نباید فراموش کرد این یک استثناء است و جز در موارد ضرورت، آن هم با رعایت جهات انسانی بسیار مهم و در کم و کیف آن نباید مورد استفاده قرار گیرد.^۱

بر این اساس، ممکن است در مواردی حفظ نظام و مسأله‌ای ایجاب نماید که فرد یا افرادی را به جهاتی از جمله به خاطر داشتن اطلاعات یا حفظ جان دیگران مورد فشار و تعزیر قرار داد، اما این به معنای اعمال رفتارهای غیر انسانی و شکنجه‌های این چنینی نیست.^۲

مبحث دوم:

شکنجه و حقوق بین‌الملل:

بند ۱:

شکنجه در تمام دوره‌های تاریخی انجام می‌شده و مختص به یک کشور یا منطقه جغرافیایی یا ایدئولوژی نمی‌باشد. حقوق بین‌الملل در منع این عمل تا جایی پیش رفته است که مرتکب شکنجه را همانند دزدی دریایی یا برده دار دشمن معرفی می‌کند. شکنجه هم تحت حقوق بشر دوستانه و هم تحت حقوق بشر ممنوع است.

ماده ۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر می‌گوید هیچ کس نباید موضوع شکنجه یا رفتار ظالمانه، غیر انسانی یا تحقیر آمیز قرار گیرد. این ماده بیانگر یک قاعده عرفی حقوق بین‌الملل می‌باشد. دلیل ممنوعیت شکنجه در حقوق بین‌الملل حفاظت از شرافت نوع بشر و احترام به تمامیت جسمانی و روانی است. در مورد ممنوعیت شکنجه چندین کمیته ناظر بر رفتار دولتها مثل کمیته حقوق بشر که ناظر بر اجرای میثاق حقوق مدنی و سیاسی است و کمیته ممنوعیت شکنجه که ناظر بر اجرای کنوانسیون منع شکنجه است وجود دارد.

^۱. مکارم شیرازی، ناصر، پیام قرآن (حکومت اسلامی در قرآن مجید)، تهران: دارالمکتب الاسلامیه، ۱۳۷۷، ج ۱۰، صص

۴۱۹ - ۴۲۱.

^۲. پرسمان دانشگاهیان

ماده ۷ میثاق حقوق مدنی و سیاسی علاوه بر منع کردن شکنجه و رفتار تحقیر آمیز، می‌گوید هیچ کس بدون رضایتش نباید مورد مداوا یا موضوع آزمایش‌های علمی قرار گیرد. این ماده شکنجه را تعریف نکرده و کمیته حقوق بشر نیز می‌گوید لزومی نمی‌بیند که شکنجه را تعریف یا مصادیق آن را مشخص کند چرا که معیار نوعی می‌باشد. لزومی ندارد که شکنجه‌گر حتماً مأمور دولت باشد بلکه کمیته حقوق بشر می‌گوید شکنجه را ممکن است مأمور دولت در راستای انجام وظایفش انجام دهد یا خارج از صلاحیت خود آنرا انجام دهد یا توسط شخص خصوصی رخ بدهد.

ماده ۱۰ میثاق حقوق مدنی و سیاسی می‌گوید با تمام زندانیان باید انسان دوستانه و با احترام به شرافت انسانی آنها رفتار کرد. یعنی نه تنها نباید زندانی را شکنجه نمود بلکه باید با او محترمانه نیز رفتار کرد. بنابراین در مورد زندانی هر جایی که ماده ۷ میثاق نقض شود ماده ۱۰ میثاق نیز نقض خواهد شد. کمیته حقوق بشر در قضیه کندی علیه ترینداد و توباگو، جایی که زندانی مورد ضرب قرار گرفته بود، ماده ۷ را اعمال نمود و جایی که شرایط عمومی زندان بد بود مثلاً تعداد زیادی زندانی داخل یک سلول قرار داشتند، ماده ۱۰ میثاق را حاکم دانست. بنابراین برای اثبات نقض ماده ۷ میثاق، زندانی باید ثابت کند موضوع بد رفتاری قرار گرفته که بدتر از رفتار با دیگر زندانیان بوده است. در قضیه پیتو علیه ترینداد و توباگو زندانی نتوانست چنین موضوعی را اثبات کند و در نتیجه کمیته حقوق بشر نقض ماده ۷ را محرز ندانست. اما در قضیه Mukongv.congv کمیته حقوق بشر نگهداری زندانی رادر سلول انفرادی و تهدید به قتل و شکنجه وی را نقض ماده ۷ دانست. در قضیه lintonv. Gama ica کمیته حقوق بشر اعلام نمود رفتار مقامات زندان با زندانی شامل اعدام مصنوعی، خودداری از درمان جراحات ناشی از عملیات فرار را مصداق نقض ماده ۷ و در نتیجه نقض ماده ۱۰ میثاق دانست.

ماده ۱ کنوانسیون منع شکنجه ۱۹۸۲ می‌گوید شکنجه عبارتست از وارد نمودن درد شدید جسمی یا روحی با هدف‌هایی مانند گرفتن اطلاعات، تنبیه و ارعاب خود مرتکب یا مظنون یا شخص ثالث توسط یا با رضایت مأمور دولت یا هر شخصی که از نوعی مربوط به دولت است. این کنوانسیون میان شکنجه و رفتار تحقیر آمیز تمایز قائل شده ولی رفتار تحقیر آمیز را تعریف ننموده است. کمیته منع شکنجه می‌گوید: تمایز قائل شدن میان این دو بسیار دشوار است. گزارشگر ویژه سازمان ملل در زمینه شکنجه در سال ۲۰۰۶ اعلام می‌کند که معیار تمایز رفتار تحقیر آمیز از شکنجه باید هدف از رفتار و ضعیف بودن شخص شکنجه شده باشد نه

شدت و خشونت رفتار صورت گرفته. نظر بیشتر حقوقدانها بر آن است که رفتاری که خیلی خشونت آمیز یا عمدی نباشد و آسیب شدید به شخص وارد نکند، می‌تواند مصداق رفتار غیر انسانی تلقی شود.

تعریف کنوانسیون منع شکنجه از شکنجه نه فقط شامل فعل بلکه شامل ترک فعل نیز می‌شود. شکنجه می‌تواند صرفاً روانی باشد. برای اینکه عملی تحت کنوانسیون منع شکنجه، شکنجه تلقی گردد باید با هدف تأمین منافع حکومت یا دستیابی به سیاست‌های آن صورت گرفته باشد که می‌توان ارباب یا مجازات نمودن شخص در راستای تأمین منافع حکومت تعریف نمود.

تحت میثاق مدنی و سیاسی و کنوانسیون منع شکنجه تمام کشورهای عضو تعهد دارند به اینکه نه تنها خود مرتکب شکنجه شود بلکه اشخاصی که در سرزمین آنها به سر می‌برند را در مقابل شکنجه محافظت کنند. از رویه کمیته منع شکنجه این‌طور بر می‌آید که تنها در جائیکه حکومت دو ژوره وجود نداشته باشد، کمیته اشخاص خصوصی که کنترل تمام یا قسمتی از سرزمین یک کشور را در دست گرفته اند، را مسئول می‌شناسند. اگر یک گروه شبه نظامی مثل داعش یا طالبان کنترل قسمتی از سرزمین را به دست بگیرند، رفتارهای آنها تحت شمول ماده ۱ کنوانسیون منع شکنجه قرار نمی‌گیرد. در قضیه GRBV.Sweden رفتار غیر انسانی سازمان انقلابی کمونیستی send deero Luminoso که کنترل قسمتی از سرزمین پرو را در اختیار دارد. مصداق ۱ ماده شناخته نشد. در سومالی ده سال بعد یک حکومت انتقالی تشکیل شد. و کمیته منع شکنجه اعلام نمود رفتار واحدهای نظامی سر خود که تحت کنترل حکومت انتقالی نیستند یا حکومت انتقالی بر رفتار آن صحنه نمی‌گذارد، شکنجه تحت ماده ۱ محسوب نمی‌شود.

بنابراین تعریف شکنجه در میثاق حقوق مدنی و سیاسی که کمیته حقوق بشر ناظر بر اجرای آن است، تعریفی متفاوت از تعریف کنوانسیون منع شکنجه که کمیته منع شکنجه ناظر بر رسیدگی به آن است دارد. تفاوت آن‌ها در این است که به موجب میثاق، شکنجه حتی توسط اشخاص خصوصی نیز ممکن است ارتکاب یابد و لزومی ندارد، حتماً مأمور دولت این کار را انجام داده باشد. اما در کنوانسیون شکنجه، شکنجه گر حتماً باید مأمور دولت یا مأذون از طرف او بوده و هدف از شکنجه نیز تأمین منافع حکومت باشد. اگر مأمورین حکومت مانع شکنجه شدن اشخاص توسط اشخاص خصوصی دیگر نشوند، آن حکومت تحت کنوانسیون منع شکنجه مسئول شناخته خواهد شد. در قضیه DZemajlV. Yugoslavia عده‌ای به کمپ پناهندگان رومانیایی حمله کردند و پلیسی که در صحنه حاضر بود اقدامی انجام نداد. کمیته

منع شکنجه حکومت را مسئول از باب ترک فعل معرفی نمود. این کمیته در نظریه تفسیری دیگر عدم برخورد جدی با بازیگران غیر حکومتی در سرزمین یک کشور یا قصور در محافظت از شهروندان در مقابل خشونت جنسیتی مانند خشونت در خانواده، قاچاق زنان ختنه زنان و تجاوز را مصداق شکنجه و برای حکومت مسئولیت آور دانست.

حکومت‌های عضو میثاق حقوق مدنی و سیاسی و کنوانسیون منع شکنجه (ماده ۱۲ و ۱۳) متعهد هستند به تحقیق در مورد ادعاهای شکنجه و رفتار غیر انسانی. به موجب ماده ۱۳ اشخاص حق دارند از مأموران حکومتی که آنها را شکنجه نموده یا با آنها رفتار غیر انسانی داشته اند، شکایت کنند و نباید شاکی و شهود در معرض تهدید جانی یا جسمی یا مالی قرار گیرند. در مورد اینکه رسیدگی به شکایت در چه زمانی باید صورت بگیرد کمیته در قضیه Blanco Abad v. Spain می‌گوید رسیدگی به ادعای شکنجه باید به سرعت صورت بگیرد قبل از آنکه آثار جسمی شکنجه ناپدید شوند. در این قضیه حداکثر مدت رسیدگی از لحظه شکایت تا شروع به تحقیقات را ۱۸ روز تعریف کرد. تعهد به تحقیق در مورد شکنجه منوط به این نیست که حتماً شاکی خصوصی شکایت نماید بلکه به صرف احتمال انجام شکنجه در جایی در سرزمین کشور، حکومت موظف است در موضوع مداخله کند. یعنی شکنجه نباید جرم قابل گذشت تلقی گردد بلکه از جهت جنبه عمومی جرم باید بدان رسیدگی کرد. تحقیقاتی انجام شده نباید صوری باشند و نتیجه تحقیق باید به اطلاع شخصی مدعی شکنجه برسد.

ماده ۲ کنوانسیون منع شکنجه می‌گوید هیچ استثنائی بر شکنجه وارد نیست. در حالیکه اخیراً برخی حقوقدانها شکنجه شخصی که اطلاعاتی در اختیار دارد (مانند محل قرار گرفتن یک بمب) که لو ندادن آن اطلاعات موجب کشته و مجروح شدن تعدادی زیادی از انسانهای بی‌گناه می‌شود، مجازاست. چنین شکنجه‌ای را Torture Warrant نامیده اند.

به موجب کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و رویه دیوان اروپایی حقوق بشر، غم و درد و رنج ناشی مجازاتهای قانونی (مانند زندان یا جریمه مالی) شکنجه محسوب نمی‌شود.

بند ۲: شکنجه در حقوق بشر دوستانه

در حقوق بشر دوستانه شکنجه اولین بار در سال ۱۸۶۳ در زمان‌های جنگ‌های داخلی آمریکا مطرح شد. در کنوانسیون ۱۹۰۷ لاهه شکنجه با صراحت منع می‌شود و در کنفرانس صلح پاریس ۱۹۱۹ شکنجه مغایر حقوق بین‌المللی عرفی نوشته‌ای جنگ می‌باشد. بعد از آن در جنگ جهانی دوم سال ۱۹۴۵ در اساسنامه دادگاه نورنبرگ شکنجه مورد اشاره قرار نگرفته

اما در احکام نورنبرگ شکنجه نقض حقوق بین الملل و اصول ابتدایی انسانی یا بشری می‌باشد. در سال ۱۹۴۹ کنوانسیون‌های ۴ گانه ژنو در ماده ۳ کنوانسیون عمومی و پروتکل الحاقی شماره ۲ شکنجه در جنگ داخلی ممنوع شده است.

اساسنامه ۱۹۹۳ Icty ممنوعیت شکنجه تبدیل به قاعده آمره^۱ و عام الشمول و هم چنین جنایت علیه بشریت و جنایت جنگی قلمداد شده است. در سال ۱۹۹۴ در اساسنامه دیوان کیفری روندا Ictr شکنجه جنایت علیه بشریت و جنایت جنگی و ژنو شاید (نسل کشی) محسوب می‌شود، به شرط آنکه سیستماتیک علیه یک گروه، قومی و نژادی اعمال شود. در سال ۲۰۰۲ در اساسنامه دیوان کیفری بین المللی در ماده ۸ شکنجه هم جنایت علیه بشریت و هم جنایت جنگی می‌تواند باشد. بنابراین شکنجه در حقوق بشر دوستانه ابتدا به صورت ممنوعیت ساده بعد ممنوعیت عرفی و پس از آن در دادگاه نورنبرگ به صورت قاعده بین الملل برای اولین بار متجلی می‌شود. در کنوانسیون ژنو شمول قاعده افزایش پیدا می‌کند و جنگ‌های داخلی را نیز تحت پوشش خود قرار می‌دهد سپس تبدیل به قاعده آمره می‌شود. نکته: در کنوانسیون حقوق معاهدات بالاتر از قاعده آمره وجود ندارد و فقط با قاعده‌ای مثل خودش می‌تواند عوض شود.

ممنوعیت برده‌داری و ممنوعیت شکنجه بدون تردید از قواعد آمره حقوق بین الملل به شمار می‌آیند و در مورد بقیه هنوز تردیدهایی وجود دارد.

در اساسنامه دیوان یوگوسلاوی شکنجه منع شده ولی تعریفی از آن به میان نیامده است و طبق کنوانسیون منع شکنجه آن را تعریف می‌کند که این کنوانسیون یک سند حقوق بشری است که طبیعتاً تعریف آن باید متفاوت از تعریف شکنجه در مخاصمات باشد. در نهایت در کنوانسیون منع شکنجه، تعریف شکنجه تبدیل به عرف شده است مثلاً در قضیه delavić و در قضیه furendziga ۵ رکن را دیوان برای شکنجه تعریف کرد (۱) رنج بردن (۲) هدفمند بودن (۳) عمدی بودن (۴) ارتکاب بوسیله مأمور رسمی دولت یا مأذون از قبل او یا شخص خصوصی در جهت تحقق هدف عمومی (۵) مرتبط با جنگ باشد. در اساسنامه دیوان یوگوسلاوی سابق شکنجه هم می‌تواند به صورت جنایت جنگی باشد و هم به صورت جنایت علیه بشریت در این رأی گفته می‌شود جنایت جنگی در جنگ داخلی هم ممکن است رخ دهد و جنایت بشریت هم در زمان صلح ممکن است اتفاق بیفتد و هم در زمان جنگ.

¹ jus cogens

کنوانسیون ژنو هم مجازات انضباطی علیه زندانی را می‌پذیرد اما مجازات جسمانی را قبول ندارد و در کنوانسیون ژنو و پروتکل الحاقی شماره ۲ آمده است که باید برای اسیر غذا و لباس تهیه شود.

مبحث سوم دفاع مشروع در اسلام

گفتار اول: تفاوت میان جنگ و جهاد در دنیای اسلام

اسلام به خاطر توجهی که به مسأله جنگ حقوق جنگ داشته برتری آن در هر دوره‌ای قابل مشاهده و درک می‌باشد.

در دنیای اسلام عملیات خصمانه‌ای که امروزه با عنوان «جنگ در دنیا متداول است» جایی ندارد، و آنچه در اسلام مقامی دارد، جنگ مقدس یا «جهاد» است که دارای معنی خاص، با هدف‌هایی کاملاً متفاوت با جنگ است.^۱

این گونه جهاد به خاطر حمایت از دین خداوند صورت می‌پذیرد.

استاد احمد رشید در این باره معتقد است: «هدف حقیقی و علت غایی جهاد، صلح است؛ یعنی صلح قطعی بشریت که تحت تبعیت و سلطه قواعد آیینی یکتا پرست قرار گیرد».^۲

«خسرو، با آن همه گردنکشی‌اش چون از عبادت بن صامت» سفیر رسول خدا به تمسخر پرسید: چه انگیزه‌ای مسلمانان را به اندیشه نبرد با دستگاه امپراطوری او واداشته است؟ تکان خورد که پاسخ شنید: سپاه مسلمانان برای آزاد کردن ستمدیدگان آمده است، و این یعنی عدل مطلق پایان نیافتنی و هدف مطلق، پیوسته می‌تواند مردم را به حرکت در آورد و نیرو بخشد».^۳

گفتار دوم: انواع جنگ در اسلام

جنگ در اسلام انواعی دارد که عبارتند از ۱) جنگ داخلی در قلمرو کشور اسلامی ۲) جنگ ابتدایی یا جهاد دعوت ۳) جنگ تدافعی، جنگ آزادیبخش ۴) جنگ در میان کشورهای اسلامی^۴

الف) جنگ ابتدایی

۱. اسلام و حقوق بین الملل، تألیف محمدرضا ضیایی بیگدلی، [ویرایش ۲]. تهران: نشر گنج دانش، ۱۳۹۵، ص ۱۲۲.

۲. استاد احمد رشید، اسلام و حقوق بین الملل عمومی، ترجمه دکتر حسین سیدی، ص ۶۷.

۳. سید محمد باقر صدر، سرچشمه‌های قدرت در حکومت اسلامی، ترجمه اکبر ثبوت، ص ۸.

۴. اسلام و حقوق بین المللی، تألیف محمد رضا ضیایی بیگدلی، [ویرایش ۲]. تهران: نشر گنج دانش، ص ۱۲۵.

« اسلام هیچ گاه افراد را مورد تهاجم قرار نمی دهد تا خود را به اجبار بر آنان تحمیل نماید، بلکه تنها نظام های کفر و شرک را که نگهبانان ضوابط طبقاتی، عامل اصلی نابسامانیهای اقتصادی و اجتماعی و مانع آگاهی انسان ها هستند، مورد تهاجم قرار می دهد، تا همه مردم را از تأثیرات گمراه کننده ای که فطرت آنان را فاسد ساخته، آزادی را از آنان می گیرد، بر کنار سازد^۱».

بنابراین، اسلام اجازه می دهد که مسلمانان ولو اینکه سابقه عدوات و دشمنی هم با کفار (بویژه نظامهای کافر) نداشته باشند، به آنها یورش برده و برای از بین بردن کفر و شرک با آنان بجنگند.^۲

بنا به عقیده شیعه مبادرت به جنگ ابتدایی مستلزم وجود امام یا نایب خاص اوست. این نوع جنگ بر شخص بخصوصی واجب نیست، مگر امام یا نایب خاص ایشان بنا به مصالح و مقتضیاتی، از جمله کافی نبودن پیکار گران اسلام، شخص یا اشخاصی را به جنگ فراخواند.^۳

الف) جنگ ابتدایی

در اسلام، اعلان جنگ ابتدایی به دشمن مستلزم دعوت او به اسلام، همراه با تشویق و تبلیغ است. در صورت عدم پذیرش دعوت از سوی دشمن و تمایل به حفظ دین خود از سوی آنها، باید جزیه پرداخت نمایند.^۴

امیر المؤمنین علی بن ابیطالب (ع) در این باره می فرماید « پیامبر مرا روانه یمین کرده فرمود: ای علی، تا کسی را دعوت (به اسلام) نکرده ای، با او نجنگ! به خدا سوگند اگر خدا یک تن را به دست تو هدایت کند، بهتر از همه چیزهایی است که خورشید بر آن طلوع و غروب کند، و وظیفه توای علی دوست داشتن و سرپرستی اوست.»^۵

۱. سید قطب، سیمای جهاد اسلامی، فلسفه جهاد در اسلام، ترجمه سید محمد خضری، ص ۱۱۱.

۲. استاد مرتضی مطهری، « درباره صلح امام حسن»، روزنامه کیهان، شماره، ۱۱۶۲۰ مورخ ۱۶ / ۴ / ۶۱، به نقل از اصول کافی، ۱ / ۳۳۵ و تهذیب ۶ / ۱۴۱.

۳. شرایع الاسلام، ج ۱، ص ۱۰۹، جواهر الکلام، ج ۲۱، ص ۱۱؛ شرح تبصره، علامه حلی، زین العابدین ذوالمجدین، ج ۱، ص ۲۸۶.

۴. ضیائی بیگدلی، محمد رضا، ۱۳۲۱، اسلام و حقوق بین الملل / تألیف محمد رضا ضیائی بیگدلی [ویرایش ۳]، تهران: نشر گنج دانش، ۱۳۹۵.

۵. استاد مرتضی مطهری، درباره صلح امام حسن، پیشین، اصول کافی، پیشین، ج ۱، ص ۳۳۵.

ب) جنگ تدافعی

در حالیکه برخی از فقهای اسلامی، جنگ تدافعی را فاقد خصیصه جهاد دانسته، آن را اساساً جهاد نمی دانند.^۱ اکثر آنان حکم قتال با جهاد در اسلام را به حقیقت حکم به دفاع دانسته اند.^۲

جنگ تدافعی در اسلام، عملیات نظامی کشور اسلامی در مقابل تهاجم و تجاوز مسلحانه کشورهای غیر اسلامی است. این قاعده که «دفاع مشروع» نیز نامیده می شود، امروز در حقوق بین المللی نیز به رسمیت شناخته شده، زیرا حق هر کشوری است که برای محافظت در برابر متجاوز از خود دفاع کند.^۳

در اسلام هدف از جنگ تدافعی، دفع حمله و سرکوب پیمان شکنان و تجاوز بیگانه و بیرون راندن آنان از سرزمین های اشغالی و آزاد سازی آن مناطق و دفاع از جان و مال مسلمانان عقیده و مرام اسلامی است.

۱-ب) قرآن کریم و جنگ تدافعی

«و قاتلوا فی سبیل الله الذین یقاتلونکم...»: «... و در راه خدا قتال و یا جهاد (کنید با کسانی که با شما می جنگند...»^۴ بقره آیه ۱۹۰)

«و اقتلو هم حیث ثقتهم و اخرجوهم من حیث اخرجوکم...» «هر جا مشرکان را یافتید، بکشید و از شهر و دیارتان برانید؛ چنانکه آنان شما را از وطن خود آواره کردند...»^۵ (بقره، آیه ۱۹۱).

۲-ب) زمان پایان دفاع مشروع

آیه ۱۹۳ سوره بقره می گوید بجنگید تا زمانی که دیگر طاغوت باقی نماند و اگر کفار تسلیم شدند جنگ را ادامه ندهید یعنی لحظه پایان دفاع مشروع، لحظه ای است که کفار دست از اذیت و آزار مسلمانان بردارند این به معنای برقراری روابط دوستانه با کفار نمی باشد.

۱. از جمله صاحب جواهر، ج ۲۱، پیشین، ص ۱۵ و سید قطب سیمای جهاد اسلامی، فلسفه جهاد در اسلام، پیشین.

۲. محمود شهابی، ادوار فقه، تهران، دانشگاه تهران، ج ۱، ص ۱۹۷.

۳. ضیائی بیگدلی، محمدرضا، ۱۳۲۱، اسلام و حقوق بین الملل، تالیف محمد رضا ضیائی، بیگدلی [ویرایش ۳]. تهران: نشر گنج دانش، ۱۳۹۵.

۴. ترجمه زین العابدین رهنما. «این آیه وقتی نازل شد که اذیت و آزار قریش نسبت به مسلمانان به کمال خود رسیده بود و مسلمانان اجازه دفاع می خواستند.» (تفسیر رهنما ج ۱، صص ۱۸۲ و ۱۸۳).

۵. ترجمه الهی قمشه ای. «قریش، مسلمانان را از خانه هایشان و از مکه بیرون کردند و این آیه دستوری بود که باید با آنها جنگید و مقاومت کرد» (تفسیر رهنما، ج ۱، پیشین، ص ۱۸۳).

۳-ب) محدودیت‌های وارد بر استفاده از زور در دفاع مشروع:
علامه طباطبائی می‌فرماید: جنگ در اسلام تدافعی است تفاوت دفاع و حمله در ابعاد
توسل به خشونت است.

اولین محدودیت آن است که جنگ حالت تدافعی داشته باشد.
محدودیت دوم آن است که درجنگ اصل تناسب رعایت شود. که در آیه ۴۰ سوره غافر
بیان شده است و هم چنین در این آیه صحبت از عفو و سازش می‌باشد. در آیه ۴۱ سوره
شوری گفته شده که با ظالم همان کاری را انجام دهید که در حق شما انجام داده است و نه
بیشتر و اگر عفو کنید، بهتر است آیه ۶۱ سوره انفال می‌گوید: اگر دشمن پیشنهاد صلح داد
بپذیرید حتی اگر احتمال می‌دهید خدعه و نیرنگی در کار است به همین دلیل است که اسلام
دین صلح است چون قبول پیشنهاد صلح هر چند خدعه آمیز بر مسلمانان واجب است. و به
موجب آیه ۹۰ سوره نساء ادامه جنگ با طرفی که پیشنهاد صلح داده صحیح نیست آیه ۷ سوره
توبه و آیه ۱۹۴ سوره بقره می‌گویند اگر سوء نیت دشمن در پیشنهاد صلح به مرحله فعلی
(عملی) رسید آنگاه مسلمانان می‌توانند جهاد را ادامه بدهند.

علامه طباطبائی محدودیت‌های دفاع مشروع را اینگونه بر می‌شمارد (۱) جنگیدن به خاطر
خدا (۲) رعایت حرمت اماکن مقدس به خصوص مسجد الحرام (۳) رعایت حرمت ماههای
حرام (۴) رعایت اصل تناسب و عمل متقابل (۵) ادامه جنگ تا زمانیکه فساد وجود دارد.

مبحث چهارم

گفتار اول: دفاع مشروع و حقوق بین الملل

دفاع مشروع در حقوق بین‌الملل نخستین بار در قضیه کارولاین مورد شناسایی قرار گرفت
و به صورت عرفی وارد حقوق بین‌الملل شد. در این قضیه عناصر دفاع مشروع به صورت
دقیق تبیین گردید: ضرورت، فوریت، اصل نسبت و ابزار دیگری برای مقابله با حمله در اختیار
نبودن.

دفاع مشروع یکی از استثنائات توسل به زور (بند ۴ ماده ۲ منشور) در حقوق بین‌الملل
می‌باشد که در ماده ۵۱ منشور ملل متحد مورد شناسایی قرار گرفته است. استثنای دیگر توسل
به زور ماده ۴۲ منشور است که سازمان ملل متحد در اجرای یک تصمیم می‌تواند توسل به
زور شود.

توسل به دفاع مشروع نیاز به مجوز شورای امنیت ندارد. کشوری که درصدد انجام دفاع مشروع است باید شورای امنیت را بلافاصله از موضوع مطلع سازد. دیوان بین المللی دادگستری در قضیه نیکاراگوئه ۱۹۸۶ حق دفاع مشروع را شناسایی نموده است.

نظر بیشتر حقوقدانها بر آن است که دفاع مشروع باید به طور وسیع مورد تفسیر قرار گیرد به گونه‌ای که شامل دفاع مشروع پیشگیرانه نیز بشود. مستند این حقوقدانها معاهده منطقه‌ای آمریکای لاتین تحت عنوان کمک‌های آمریکایی ۱۹۴۵ است که در معاهده گفته شده دفاع مشروع باید به صورت موسع تفسیر شود. حمله‌ای که انجام نشده برای اینکه جزء دفاع مشروع باشد باید سه ویژگی داشته باشد. قطعی، قریب الوقوع و راه دیگری بجز راه نظامی برای مواجهه با آن وجود نداشته باشد.

گفتار دوم: معیارهای حمله به کشور حامی تروریستها یا گروه شبه نظامی تحت دفاع

مشروع

دیوان در قضیه نیکاراگوئه می‌گوید حمله نظامی ممکن است نه توسط ارتش رسمی کشور بلکه توسط گروه‌های شبه نظامی که از سوی کشور خاصی حمایت می‌شوند انجام گیرد. در دکترین حمله‌ای که توسط تروریستها و شبه نظامیان صورت گیرد حمله نظامی تلقی می‌شود و برای کشور موضوع حمله ایجاد حق دفاع مشروع می‌کند.

دفاع مشروع پیش دستانه یعنی حق دفاع داشتن به صرف اینکه حمله قطعی و قریب الوقوع در کار باشد. آمریکا برای خود چنین حقی قائل است.

امروزه حقوق بین الملل بر آن است که توسل به زور را تا جائیکه ممکن است منع نماید. بنابراین حیث دفاع مشروع پیش دستانه غیر قانونی می‌باشد. شناسایی این دفاع پیش دستانه منجر به هرج و مرج در جامعه بین المللی می‌شود. صلاحیت تشخیص رفتار مغایر صلح و امنیت بین الملل به موجب ماده ۳۹ منشور بر عهده شورای امنیت می‌باشد.

بر دفاع مشروع دو محدودیت طرد است: محدودیت زمانی و محدودیت در زور

در مورد محدودیت زمانی دفاع مشروع دو تئوری مطرح شده: (۱) دفاع مشروع حق موقت است (۲) دفاع مشروع حق ذاتی هر کشوری است. به موجب تئوری اول به محض اینکه شورای امنیت موضوع را در دستور کار خود قرار دهد حق دفاع مشروع کشور مورد حمله ملغی می‌شود به موجب تئوری دوم حتی اگر شورای امنیت وارد موضوع شده باشد، تا زمانیکه از نظر کشور مورد حمله تدابیر اتخاذ شده کافی نباشد، حق دفاع مشروع برای وی موجود است.

مبحث پنجم

قواعد فقهی و حق بر محیط زیست سالم

اسلام با نوع نگرش خود به محیط زیست اهمیت آن را نسبت به حیات آدمی متذکر می‌شود.

با تطبیق قواعد فقهی برای شناخت احکام شرعی نسبت به مسئله محیط زیست برای انسان‌ها مسئولیت برای نگهداری محیط زیست ایجاد می‌شود که از مرحله وجدان پا را فراتر گذشته و تکلیف برای انسانها ایجاد می‌کند.

با تبیین احکام شرعی محیط زیست ابعاد حقوقی، کیفری، دنیوی و اخروی آن مشخص می‌شود. و با وضع آن قواعد از تخریب و تجاوز محیط زیست جلوگیری می‌شود. قواعدی مثل قاعده ضمان قاعده لاضرر، قاعده اتلاف، قاعده تسبیت، قاعده عدالت، قاعده مصلحت، قاعده حرمت افساد در زمین و قاعده لزوم حفظ توازن در این جا لازم است که به یکی از این قواعد که در نهایت ایجاد تکلیف شرعی برای انسانها ایجاد می‌کند، اشاره‌ای داشته باشیم.

حرمت افساد در روی زمین

... «ولا تفسدوا فی الارض بعد اصلحها ذلکم خیر لکم ان کنتم مومنین»... «و در زمین پس از اصلاح آن فساد نکنید، این برای شما بهتر اگر مؤمنید»^۱. هر آنچه که باعث از بین رفتن طبیعت و آب و هوای کره زمین می‌شود مصداق فساد در روی زمین محسوب می‌شود.

از بین بردن جنگل‌ها و درخت‌ها و زمین خواری، ایجاد زباله‌های اتمی و هر عاملی که باعث آلودگی آنها می‌شود که در نتیجه آن موجودات آبی در معرض خطر نابودی قرار می‌گیرند، هم چنین پیشرفت صنعت به گونه‌ای که باعث ایجاد خسارت به محیط زیست شود و یا بکار بردن سلاحهای شیمیایی و سلاح‌های کشتار جمعی، همه اینها فساد در روی زمین محسوب می‌شود.

خداوند هر آنچه را که در نزد ما انسان هاست و در آسمانها و زمین یافت می‌شود به رسم امانت در اختیار ما گذاشته است و هر گونه ضرر و زیان وارده بر آنها از سوی انسان که باعث ایجاد خسارت شود، چه به صورت مستقیم و چه غیر مستقیم ضمانت ایجاد خواهد کرد.

^۱. سوره اعراف آیه ۸۵

بسیاری از تخریب‌های زیست محیطی در اثر عدم مصلحت‌گرایی و آینده‌نگری انسان به وجود می‌آید. قواعد فقهی تأکید زیادی بر جبران خسارت ناشی از اعمال انسان دارد. انسان هیچ‌گاه حق از بین بردن جانوران، گیاهان و اشیاء را ندارد و اگر آنها را پایمال کند باید مسئول و جوابگو باشد.

مبحث ششم

گفتار اول: مسئولیت بین‌المللی ناشی از خسارات زیست محیطی و

پارهای معاهدات بین‌المللی

از اوایل دهه ۱۹۷۰ به دنبال افزایش روزافزون فرایند نابودی محیط زیست و آگاهی بشر نسبت به نیاز خود به آن برای تداوم بقا و حیات، مسئله مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در قبال خسارات زیست محیطی مطرح گردید. عمده اصول حاکم بر مبحث مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها به علت خسارت زیست محیطی همان اصول سنتی حقوق بین‌المللی عمومی می‌باشد، که عمدتاً آن را به یک رژیم مسئولیت غیر کارآمد، در عرصه محیط زیست تبدیل نموده است.

البته وجود برخی ویژگی‌ها در موضوعات محیط زیستی نیز بر ضعف و ناتوانی رژیم مسئولیت در خصوص این موضوعات افزوده است به عنوان مثال، در میان خسارات زیست محیطی یکی از مهمترین موارد خسارت ناشی از آلودگی‌های مرز گذر می‌باشد. تعیین مسئولیت و میزان آن در این گونه آلودگی‌ها به دلیل وجود مسائلی هم چون منشاء آلودگی، میزان آلودگی و از همه مهمتر مسئله اختیارات و حقوق حاکمیتی کشور محل منشاء کارچندان ساده‌ای نیست.^۱ از حیث مبنا، ابتداءً جامعه بین‌المللی مسئولیت حراست از محیط زیست را از رهگذر حقوق بین‌الملل عرفی مستقر ساخت^۲

لیکن در دهه‌های اخیر از سوی مجامع بین‌المللی تلاش‌های زیادی برای گسترش حقوق قراردادی در این زمینه صورت گرفته است. از میان همه این تلاش‌ها، کوشش‌های برنامه محیط زیست سازمان ملل (UNEP) بسیار چشمگیر بوده است. در اسناد بین‌المللی زیادی به مسئله مسئولیت بین‌المللی ناشی از خسارات زیست محیطی توجه گردیده است، از آن

^۱ مقاله دکتر لیلا رئیسی: بررسی تحولات مسئولیت بین‌المللی ناشی از خسارات زیست محیطی

^۲ حقوق بین‌الملل، نوشته پروفیسور ربکا والاس، ترجمه دکتر سید قاسم زمانی و مهناز بهراملو

جمله در اعلامیه استکهلم^۱، اعلامیه ریو^۲، منشور حقوق و تکالیف اقتصادی کشورها و همین طور در تعدادی از معاهدات و پروتکل‌ها از آن جمله کنوانسیون بازل و پروتکل الحاقی آن^۳

گفتار دوم: گسترش مبنای مسئولیت مدنی

در حقوق بین المللی سنتی عمدتاً مسئولیت بین المللی مبتنی بر خطا بود. حقوق محیط زیست هم که در ابتدا عمدتاً از همان اصول و قواعد حقوق بین الملل سنتی تبعیت می نمود، مسئولیت بین المللی ناشی از خسارات زیست محیطی را فقط بر اساس نظریه خطا پذیرفته بود. لیکن به تدریج عدم کفایت و پاسخگویی این نظریه در عرصه مسائل محیط زیستی کاملاً آشکار گردید. چرا که بسیاری از زیان‌های محیط زیستی از قبال اعمالی ایجاد می گردند که اصولاً ممنوعه و متخلفانه نبوده و کشورها در انجام آنها با هیچگونه ممنوعیت از پیش تعیین شده‌ای روبرو نیستند.

و اگر تعیین مسئولیت فقط بر اساس انجام اعمالی که به نوعی توأم بانقض حقوق بین الملل می باشد امکان پذیر باشد، این گونه خسارات محیط زیستی باید بدون پاسخ و جبران خسارت باقی بماند. لذا دامنه مسئولیت بین المللی در حوزه حقوق محیط زیست گسترش یافته و علاوه بر اعمال ممنوعه اعمال غیر ممنوعه‌ای را هم که موجب ورود خسارت به محیط زیست می گردند را شامل گردیده است.

کمیسیون حقوق بین الملل این موضوع را از سال ۱۹۷۸ در دستور کار خود قرار داده و بیشتر فعالیت خود در مورد چنین مسئولیتی را بر حوزه زیان وارده به محیط زیست متمرکز ساخته است. در سال ۲۰۰۱ کمیسیون حقوق بین الملل در پنجاه و سومین نشست خود پیش نویس مواد راجع به جلوگیری از خسارت فرامرزی ناشی از فعالیت‌های خطرناک را تصویب نمود. این فعالیت‌ها که مواد اخیر در مورد آنها اعمال می شود آنهایی هستند که توسط حقوق بین الملل منع نشده‌اند اما امکان بروز خسارت محسوس فرامرزی در آنها نهفته است.

اصل بیست و یکم اعلامیه استهلکم نیز صراحتاً مسئولیت مبنی بر خطر را پذیرفته است. یکی از زمینه‌هایی که در آن نظریه مسئولیت مبتنی بر خطر استفاده شده است، مبحث آلودگی‌های مرز گذر می باشد.

۱. مسئولیت بین المللی دولت با توجه به حمله عراق، به ایران، نوشته بهرام مستقیمی، و مسعود طارم سری

۲. حقوق بین الملل محیط زیست، ترجمه دکتر سید فضل الله موسوی

۳. مقاله دکتر لیلا ر ئیسی: بررسی تحولات مسئولیت بین المللی ناشی از خسارات زیست محیطی

گفتار سوم: تلاش در جهت نهادینه کردن مسئولیت بین المللی ناشی از خسارات

زیست محیطی

یکی دیگر از تحولات در عرصه مسئولیت بین المللی ناشی از خسارات زیست محیطی تلاش برای نهادینه و قراردادی کردن این نوع مسئولیت بین المللی بوده است. قالب فرایندهای بکار گرفته شده در جهت نیل به این مقصود به صورت موافقتنامه - پروتکل بوده است. بخشی از سیاست محیط زیستی به منظور حفظ و نگهداری محیط زیست برای نسل‌های آینده طرح ریزی می‌گردد. که در اسناد زیست محیطی مورد توجه خاصی قرار گرفته است. اما مسائل و مشکلاتی در انعقاد این قبیل معاهدات وجود داشته است از جمله همراه بودن موضوعات محیط زیستی با ویژگی‌های سیاسی، علمی و فنی و دیگر عدم تمایل دولت‌ها به علت محدود شدن حاکمیتشان و اعراض آنها از تن دادن به یک رژیم مسئولیتی از پیش تعیین شده و اجباری است.

به همین علت در اکثر موارد از قواعد مربوط به مسئولیت بین المللی ناشی از خسارات زیست محیطی در قالب پروتکل‌های اختیاری مثل کنوانسیون بازل که در سال ۱۹۹۹ تدوین گردید، می‌توان نام برد.

یکی دیگر از مشکلات موجود بر سر راه انعقاد چنین معاهداتی مشکلات اقتصادی و تحمیل هزینه برای دولت‌ها می‌باشد.

یکی از تحولات مثبت در عرصه مسئولیت بین المللی توسعه دامنه این نوع مسئولیت‌ها به بخش خصوصی می‌باشد. به عنوان مثال در بحث مسئولیت ناشی از آلودگی‌های مرز گذر در حقوق بین الملل فعالیت‌های اشخاص خصوصی را نیز به دولت‌ها انتساب می‌دهد.

گفتار چهارم: تلاش برای پذیرش مسئولیت کیفری بین المللی برای خسارت زیست

محیطی

به عنوان مثال کنوانسیون بازل در سال ۱۹۹۳ نیز شورای امنیت طی قطعنامه شماره ۵۴۰ خود، آلوده شدن آب‌های خلیج فارس بر اثر حمله به نفتکش‌ها و کشتی‌ها در آب‌های این منطقه را عامل تهدید کننده صلح و امنیت بین المللی دانسته و آن را هم ردیف جرم تهدید و نقض صلح و امنیت بین المللی که موجب مسئولیت بین المللی کیفری است تلقی نمود.

گفتار پنجم: توسعه اقدامات پیشگیرانه به جای اقدامات جبرانی

یکی از تحولات مثبت که در عرصه مسئولیت بین المللی ناشی از خسارات زیست محیطی در سال‌های اخیر واقع گردیده است، توجه جامعه بین المللی به اقدامات پیشگیرانه است.

« به عقیده متفکران جدید حقوق بین الملل انجام اقدامات (تعهدات) شکلی و اجرایی از پیش، دولت‌ها را قادر می‌سازد تا از طریق یک نظام همکاری متقابل « اجتناب از منازعه» با مسأله آلودگی مرز گذر بر خورد نماید» که با مطالعه اصل بیستم اعلامیه استکهلم به آن پی می‌بریم.

گفتار ششم: تلاش در جهت گسترش ضمانت اجراها و توسعه آن به سیستم‌های

حقوقی ملی

در نهایت از مهمترین تحولاتی که در رژیم مسئولیت بین المللی ناشی از خسارات زیست محیطی واقع گردیده می‌توان از موارد زیر نام برد:

پذیرش مسئولیت مبتنی بر خطر، گسترش مسئولیت بخش خصوصی، پذیرش مسئولیت کیفری برای برخی از تخلفات زیست محیطی، گسترش ضمانت اجراها....

مبحث هفتم

خودکشی از منظر اسلام

الف) خودکشی از جمله گناهان کبیره محسوب می‌شود و کسی که مرتکب چنین عملی شده است فرصت توبه را از دست می‌دهد و خداوند او را در آتش جاوید جهنم قرار خواهد داد.

خودکشی مصداق کشتن انسانی است که جانش محترم است و کسی حق کشتن او را ندارد حتی اگر این شخص خود او باشد. خداوند مالک تمام جهان از جمله انسان‌ها می‌باشد و بدون اذن و اجازه او کسی حق انجام چنین عملی را نخواهد داشت.

خداوند در سوره نساء می‌فرماید: «وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ عُذْوَانًا وَظُلْمًا فَسَوْفَ نَصْلِيهِ نَارًا وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا»

« و هرکس این عمل را از روی تجاوز و ستم انجام دهد، به زودی او را در آتشی وارد خواهیم ساخت و این کار برای خدا آسان است.»^۱

خداوند در سوره نساء می‌فرماید:

« وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا وَ مَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ عَدْوَانًا وَ ظُلْمًا فَسَوْفَ نَصْلِيهِ نَارًا»

^۱. سوره نساء آیه ۳۰

« و خودکشی نکنید خداوند نسبت به شما مهربان است. و هرکس این عمل را از روی تجاوز و ستم انجام دهد، به زودی در آتش او را وارد خواهیم کرد»
خداوند در سوره نساء می‌فرماید:

« و من یقتل مومن متعمداً فجزاؤه جهنم خالداً فیها و غضب الله علیه و لعنه و اعدله عذاباً عظیماً »^۱

« و هرکس فرد با ایمانی را از روی عمد به قتل برساند. مجازات او دوزخ است؛ در حالیکه جاودانه در آن می‌ماند و خداوند بر او غضب می‌کند و او را از رحمتش دور می‌سازد و عذاب عظیمی برای او آماده است.»^۲
در سوره مائده آمده است:

«... مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادًا فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا...»
(... هرکس انسانی را بدون ارتکاب قتل یا فساد در روی زمین بکشد، چنان است که گویی همه انسان‌ها را کشته است...)»^۳

ب) خودکشی و روایات اسلامی

از پیامبر اسلام (ص) روایت شده است که:
« میان انسان‌های پیش از شما مردی جراحی برداشت و از شدت بی‌تابی کاردی برداشت و با آن دستش را قطع کرد و از شدت خونریزی مرد؛ سپس خداوند فرمود: بنده ام، در گرفتن جان خود بر من پیش گرفت... هر آینه بهشت را به او حرام کردم.»^۴
از امام باقر (ع) روایت شده است
«إِنَّ الْمُؤْمِنَ يَتَلَى بِكُلِّ بَلِيٍّ وَ يَمُوتُ بِكُلِّ مَيِّتَةٍ إِلَّا أَنَّهُ لَا يَقْتُلُ نَفْسَهُ»
«همانا ممکن است مؤمن به هر بلایی مبتلا شود و به هر (نوع) مرگی بمیرد اما هیچ گاه خود را نمی‌کشد.»

۱. سوره نساء آیه ۲۹ و ۳۰

۲. سوره نساء آیه ۹۳

۳. سوره مائده آیه ۳۲

۴. الترغیب و الترہیب، البطعۃ الثالثہ، داراحیاء التراث، بیروت ۱۳۸۸، ج ۳، ص ۳۰۱، ح ۴، در روایتی نقل شده که رسول خدا (ص) فرمود: «وَأَنَّ مَنْ قَتَلَ نَفْسَهُ بِشَيْءٍ عَذَبَ فِي النَّارِ وَأَنَّهُ لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ الْأَنْفُسُ مُسْلِمَةً» همانا کسی که به وسیله چیزی خودش را بکشد، در آتش دوزخ معذب می‌شود و در بهشت کسی جز مسلمان وارد نمی‌شود. از فحوای این روایت استفاده می‌شود که کسی که خودکشی می‌کند مسلمان نیست. صحیح مسلم بشرح النووی (م ۵۶۷۶) المجلدات ۱۸، الطبعه الثانيه، دارالکتب العربی، بیروت ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۱۱۸.

ابی ولاد می گوید از امام صادق (ع) شنیدم که فرمود:

«مَنْ قَتَلَ نَفْسَهُ مُتَعَمِّدًا فَهُوَ فِي نَارِ جَهَنَّمَ خَالِدًا فِيهَا».

«هرکسی که دانسته خود کشی کند پیوسته در دوزخ خواهد بود»^۱

از مجموع آیات در روایات در می یابیم که خودکشی از نظر اسلام جزو گناهان کبیره محسوب می شود و حرمت دارد.

مبحث هشتم

خودکشی در حقوق بین الملل

دولتها مکلفند حتی از جان فردی که آزادانه اقدام به خودکشی کرده، حمایت کامل کنند و کوتاهی در این زمینه می تواند نقض حق حیات فرد محسوب شود. در بند یکم ماده ۶ میثاق حقوق مدنی و سیاسی با بیان بسیار موسع، هم عموم افرادی دارد و هم اطلاق احوالی، بنابراین حیات همه افراد و در همه شرایط باید مورد حمایت قرار گیرد. اقدام به خودکشی نمی تواند به عنوان مستمسکی برای عدم حمایت از حیات فرد قرار گیرد. به دیگر سخن چنانکه در تحلیل مفهوم حق حیات گفته شد، حق مزبور حقی است با سه مکلف: خود فرد، دیگر افراد و دولت. اقدام خود فرد بر نقض این حق نمی تواند رافع مسئولیت دیگر افراد یا دولت در دفاع از حیات وی باشد.^۲

مبحث نهم

اسلام و حق بر درمان

از آنجا که اسلام دین کاملی می باشد بنابراین حقوق هرکس و هر چیز در آن مد نظر قرار داده شده است از جمله حقوق بیماران که برای آنها حقوق خاص و مزایایی قرار داده شده است. باید توجه داشت از جمله واجبات الهی حفظ حرمت و ارزش انسان است و رعایت شخصیت انسانی بیمار از حیث باورها، فرهنگ و اعتقادات و ضوابط اخلاقی عاملی بسیار مهم و اساسی در بهبود بیماری است. (مظفری، ۱۳۷۸، ص ۸)

^۱ شیخ ابی یعقوب کلینی، الفروع من الکافی، الطبعة الثالثة، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۷، ه ج ۷، ص ۴۵، باب من التجوز وصيته من البالغين، ح ۱؛ شیخ صدوق: من لایحضره الفقیه، الطبعة الثانية، جامعه، المدرسين، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۵۷۱، ج ۴۹۵۳.

^۲ قاری سید فاطمی، محمد، ۱۳۴۰، ۱- حقوق بشر در جهان معاصر، دفتر دوم، جستارهای تحلیلی در حقها و آزادیها، تهران، موسسه پژوهشی نگاه معاصر، چاپ چهارم، ۱۳۹۶، ص ۵۰.

حقوق بیماران از دیدگاه اسلام نشأت گرفته از اصول کلی اخلاق پزشکی در اسلام است.
(ملک نژاد، ۱۳۸۹، ص ۸)

جنبه‌های مختلف حقوق بیماران از دیدگاه اسلام:

الف) کرامت انسانی

انسان از یک کرامت ذاتی و شرافت ذاتی برخوردار است، خدا او را بر بسیاری از مخلوقات خویش برتری داده است. (مطهری، ۱۳۷۳، ص ۱۰)

حق کرامت یا حرمت داشتن اشخاص در جامعه همانند حق حیات از موارد بسیار مهم در زندگی اجتماعی است. انسان یک موجود اجتماعی است و هنگامی می‌تواند به رشد و تکامل مورد نظر خویش برسد که بتواند از مواهب و نعمات الهی اعم از مادی و معنوی، فردی و اجتماعی استفاده کند لذا برای ایجاد بستر مناسب جهت تکامل انسان در درجه نخست بایستی حرمت و احترام اجتماعی انسان که نیاز طبیعی و فطری اوست صیانت گردد و مورد تحقیر واقع نشود. انسانی که هتک حرمت شود و مورد انواع و اقسام توهین‌ها قرار گیرد فاقد شخصیت خواهد شد و دچار تزلزل و ناامیدی می‌گردد.

در مرحله بعد بایستی این امکان برای همه انسان‌ها فراهم شود که بتواند از امکانات و نعمات موجود در راستای نیل به تعالی و کمال مطلوب بهره گیرد. (صابر و شجاعی، ۱۳۸۹)

هر انسان کرامت والایی دارد و خداوند به هر انسان با هر ویژگی، ارزشی برابر تمامی انسان‌های دیگر داده است، و مبنای تصمیم‌گیری درباره جسم و جان انسان باید این کرامت انسانی باشد. (جوادی آملی، ۱۳۸۴، ص ۲۸۹-۲۸۵)

ب) بر قراری ارتباط مناسب با بیمار

لازمه مراقبت پزشکی موفقیت آمیز، همکاری مستمر بیماران و پزشکان است در روایات اسلامی به بیمار توصیه می‌شود که بیماری خود را از پزشک کتمان نکند چنانکه امام علی (ع) می‌فرماید:

«هرکس درد نهفته خویش را پنهان بدارد، طبیبش از درمان وی ناتوان می‌ماند» (محمد ری شهری، ۱۳۸۴، ص ۲۲)

به پزشکان نیز توصیه می‌شود که با بیماران خود رفتار مناسبی داشته باشند؛ در این زمینه حضرت علی (ع) می‌فرماید: «مثل طبیبی مهربان باش، همان طبیبی که بیمارش را با دواپی سودمند معالجه می‌کند». (مجلسی، ۱۴۰۴، ص ۵۳) در زمینه قوانین پزشکی، حضرت علی (ع)

می‌فرمایند: «هرکس به خدمات پزشکی می‌پردازد، باید تقوی خدا پیشه کند، نهایت تلاش را در دوران خدمتش بکند و به دیگران نیز بیاموزد» (محمدی و محمدی، ۱۳۸۷، ص ۲۵)

ج) رازداری

در حدیثی از امام صادق (ع) نقل شده است که ایشان می‌فرمایند: «مردم به دو خصلت بنیادین و سرنوشت ساز امر شده‌اند ولی آن دو را ضایع کردند و بدین جهت از اعتبار لازم برخوردار نیستند، یکی شکیبایی و مقاومت و دیگری کتمان اسرار مردم و رازداری است» (کلینی، ۱۳۸۲، ص ۲۲۲)

بر اساس اصول فقهی، دین اسلام افشای راز بیماران را خیانت در امانت داری می‌داند و جایز نمی‌شمارد و هم چنین در صورتیکه که افشای راز منجر به بروز صدماتی به بیمار شود، پزشک ضامن می‌باشد و باید خسارت وارد را تا حد امکان جبران نماید. (عمادی، ۱۳۸۸، ص ۲)

د) حریم خصوصی

خداوند در آیه ۱۲ سوره مبارکه حجرات می‌فرماید: «ای اهل ایمان، از بسیاری پندارها و ظن بد در حق یکدیگر بپرهیزید که برخی ظن و پندارها معصیت است و نیز هرگز از حال درون همدیگر تجسس نکنید و از خدا بترسید و توبه کنید که خدا بسیار توبه پذیر و مهربان است. (سوره حجرات آیه ۱۲)

از نبی اکرم (ص) در زمینه احترام، به حریم خصوصی، آموزه‌های متنوعی بیان شده است از جمله در زمینه ممنوعیت از تجسس در حریم خصوصی «از گمان و ظن بپرهیزید، چرا که گمان بد، سخن را به دروغ می‌کشاند، از تجسس و جستجو در امر دیگران پرهیز کنید» (مجلسی، ۱۴۰۳، ص ۱۹۵) بنابراین آموزه‌های اسلامی با به رسمیت شناختن حق خلوت برای انسانها (و به خصوص بیماران) کاملاً سازگار است. (اکرمی و باستانی، ۱۳۸۷، ص ۵۷)

ه) رضایت آگاهانه آزادی انتخاب:

از حضرت امام صادق (ع) نقل شده که فرمودند: «امیرمؤمنان (ع) فرمود: کسی که به پزشکی یا دامپزشکی اشتغال یافت باید از ولی اجازه بگیرد و گرنه او ضامن است». بهتر است پزشک ماهر، اگر می‌خواهد به عملی اقدام کند که احتمال می‌دهد برای مریض خطری در بر داشته باشد، از ولی مریض اگر کودک یا دیوانه باشد یا از خود مریض اگر بالغ و عاقل باشد برائت بگیرد. (حر عاملی، ۱۴۰۳، ص ۱۹۵)

از منظر اسلام، خود فرد اگر از صلاحیت و اهلیت کافی بر خوردار باشد، تصمیم گیرنده اصلی محسوب می‌شود. (زاهدی و لاریجانی، ۱۳۸۴، ص ۳)

و) توجه به معنویت و روحیه داران به بیمار

از جمله حقوق بیماران تقویت روحیه معنوی بیمار است. برقراری رابطه نزدیکتر با خدای متعال و توسل به اهل بیت (ع)، در سرعت بخشیدن به بهبودی مؤثر است.

اسلام به سلامتی و بیماری به عنوان ابزارهایی برای کسب معنویت توجه می‌کند. پیامبر فرمودند: «هیچ مرد و زن مؤمن و مسلمانی مریض نمی‌شود مگر این که خداوند به سبب آن بیماری، گناهان او را می‌بخشد». یکی دیگر از عواملی که به بیمار روحیه می‌دهد امیدوار ساختن او به زندگی است. از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است که فرمودند: «هر گاه بر بیمار وارد شدید، او را به (سلامت و) طول عمر امیدوار سازید.

هم چنین از برخی روایات استفاده می‌شود که دعا بر بالین بیمار به اجابت نزدیکتر است زیرا لطف و عنایت خاص خداوند به همراه دل‌های شکسته است و مؤمن بیمار از این فضیلت برخوردار می‌باشد. (زاهدی و لاریجانی، ۱۳۸۴، ص ۳)

ز) برخورد مطلوب با بیمار

در جامعه اسلامی، افراد نسبت به یکدیگر نباید و نمی‌توانند بی‌تفاوت باشند، و پایه و اساس زندگی بر محبت و رسیدگی به یکدیگر می‌باشد، به خصوص نسبت به سالمندان یا بیماران این تعهد و احسان باید صورت پذیرد. (مجلسی، ۱۴۰۴، م، ص ۲۷۴)

رسول گرامی اسلام می‌فرماید: «هرکس برادر مسلمانش را با سخن محبت آمیز احترام کند و گرفتاری اش را بر طرف سازد، تا زمانی که در حال انجام این کار نیک باشد، زیر سایه رحمت بی‌پایان خدا قرار دارد.» (کلینی، ۱۳۸۲، ص ۲۰۶)

ح) عدالت اجتماعی

عدالت اجتماعی از مقوله‌هایی است که در مبانی اسلامی و دینی بسیار مورد تأکید قرار گرفته است و منابع بسیاری از جمله قرآن کریم و نهج البلاغه توصیه‌های شفاهی رادر این زمینه داشته‌اند.

تأمین سلامت فردی و اجتماعی به عنوان یکی از مصادیق عدالت در جامعه به خودی خود ارزش والایی دارد به نحوی که در قرآن کریم و احادیث اسلامی تأکیدات و دستور العمل‌های بسیاری در مورد آن وجود دارد. (عشورین و میر شاه جعفری و فتحی، ۱۳۸۷، ص ۳۸)

اسلام به عدالت و درستکاری تأکید داشته و به شدت از افراد محروم حمایت می‌کند و از دیدگاه اسلام پسندیده نیست که فردی به واسطه مشکلات اقتصادی از خدمات یکسان تشخیصی و درمانی با دیگران برخوردار نباشند. (ملک نژاد، ۱۳۸۹، ص ۸)

خداوند در سوره الرحمن می‌فرماید: « زمین و آسمان‌ها به واسطه عدالت بپا داشته شده است»^۱ « بالعدل قامت السماوات و الارض » امام رضا (ع) می‌فرمایند: « به کار بستن عدل و دادگری و نیکو کاری، عامل پایداری نعمت هاست » (صدوق، ۱۳۷۸، ص ۲۴)

(ط) قصور پزشکی و ضمان پزشکی

قصور پزشکی عبارتست از تخلف از الزامات خاصی که در حرفه و شغل پزشکی به عهده او گذاشته است. بر اساس قانون مجازات اسلامی هر نوع عمل جراحی یا طبی مشروع که با رضایت شخص یا اولیاء یا سرپرستان یا نمایندگان قانونی آن و با رعایت موازین فنی و علمی و نظامات دولتی انجام شود جرم نیست. در موارد فوری (اورژانس‌ها) اخذ رضایت ضروری نخواهد بود. (قانون مجازات اسلامی (ماده ۵۹))

مسأله قصور پزشکی و ضمانت پزشکان به کرات در آیات و روایات مورد تأکید قرار گرفته است. از امام علی (ع) نقل شده که فرمودند:

« بر امام واجب است دانشمندان فاسد و پزشکان نادان را زندانی نمایند. »^۲ حر عاملی، ۱۴۰۳، ص ۲۲۱

از رسول خدا (ص) نیز روایت شده است که فرمودند: « کسی که بدون اطلاع کافی از علم طب، پزشک شود، ضامن است » (هندی، ۱۱۰۵، ص ۱۶)

مبحث دهم

حق بر سلامت در اسناد بین الملل حقوق بشر

در نظام بین الملل حقوق بشر حق بر سلامتی یکی از حق‌های بنیادین بشری شناخته شده است که با حق حیات پیوند خورده است و طرف دیگر پیوند آن حق بهداشت و تأمین اجتماعی می‌باشد.

این حق دارای جایگاهی ویژه در اسناد ملی و بین المللی می‌باشد.

گفتار اول: بررسی اسناد تصویب شده بین المللی

اسناد بین المللی، منطقه‌ای و ملی حقوق بشری، حق بر سلامتی را به عنوان یکی از حقوق بنیادین بشری به رسمیت شناخته‌اند. از جمله آنها می‌توان به ماده ۵۵ منشور سازمان ملل متحد، ماده ۲۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده ۱۲ میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

^۱. سوره الرحمن آیه ۷

و نظر کلی شماره ۱۴ کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی^۱ که این کمیته به عنوان ناظر بر اجرای مقررات میثاق در ارتباط با حق بر سلامت می‌باشد از دیگر موارد فعالیت کمیسیون حقوق بشر و شورای حقوق بشر و در نهایت سازمان بهداشت جهانی می‌باشد.

الف) ماده ۵۵ منشور سازمان ملل متحد (۱۹۴۵ میلادی)

در این ماده سازمان ملل موظف به ارتقای استانداردهای بالاتر زندگی و پیدا نمودن راهکارهای مناسب در جهت ارتقای حق بر سلامتی می‌باشد.

ب) ماده ۲۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر

در ماده ۲۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر^۲، صراحتاً از حق بر سلامتی ذکر نشده، اما نکته مورد توجه اینکه در این ماده مشخص شده است که هر کس حق دارد، که سطح زندگی او، سلامتی و رفاه خود و خانواده اش را از حیث خوراک و مسکن و مراقبت‌های طبی و خدمات لازم اجتماعی تأمین کند و هم چنین حق دارد که در مواقع بیکاری، بیماری، نقص اعضاء، بیوه‌گی، پیری در تمام موارد دیگری که به علل خارج از اراده انسان، وسایل امرار معاش او از بین رفته باشد، از شرایط آبرومندانه زندگی برخوردار شود.

۲) مادران و کودکان حق دارند که از کمک دولت و مراقبت مخصوصی بهره‌مند شوند کودکان چه بر اثر ازدواج و چه بدون ازدواج به دنیا آمده باشند، حق دارند که همه از یک نوع حمایت اجتماعی برخوردار شوند که وظیفه دولت حراست و حفاظت از چنین حقی در پرتو نظام اقتصادی و اجتماعی در جامعه می‌باشد.

ج) ماده ۱۲ میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

ماده ۱۲ میثاق حقوق اقتصادی اجتماعی و فرهنگی در زمینه حق بر سلامتی به طور شفاف سخن به میان آورده است.

(۱)

دولت‌های عضو میثاق حق هرکسی را به تمتع از بهترین حال سلامتی و روحی ممکن الحصول به رسمیت می‌شناسند.

^۱ The right to health

^۲ منشور سازمان ملل متحد، ماده ۵۵

تدابیری که کشورهای طرف این میثاق برای تأمین استیفای کامل این حق اتخاذ خواهند کرد، شامل اقدامات لازم برای تأمین امور ذیل خواهد بود.

(الف) تقلیل میزان مرده متولد شدن کودکان، مرگ و میر کودکان و رشد سالم آنان؛

(ب) بهبود بهداشت محیط و بهداشت صنعتی از جمیع جهات؛

(ج) پیشگیری و معالجه بیماریهای همه گیر، بومی، حرفه‌ای و سایر بیماری‌ها، همچنین مبارزه علیه این بیماری‌ها.

(د) ایجاد شرایط مناسب برای تأمین مراجع پزشکی و کمک‌های پزشکی برای عموم در صورت ابتلا به بیماری

(د) کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در ۱۱ مه ۲۰۰۰ تفسیر عمومی شماره ۱۴ را در زمینه حق بر بالا ترین سطح قابل وصول از سلامتی صادر نمود. هدف نظر کلی کمیته ارائه کمک و مساعدت به کشورهای عضو میثاق و اجرای آن و ایفای تعهدات و گزارش دهی آنها دانسته شده است. تفسیر عمومی کمیته از چند نکته مقدماتی و پنج بخش تشکیل شده است.

(۱) حق بر سلامتی، حق بشری بنیادی است و برای اعمال حق‌های بشری دیگر ضروری و اجتناب ناپذیر می‌باشد. هر انسانی حق دارد از بالاترین سطح قابل وصول سلامتی منجر به زندگی توأم با کرامت برخوردار شود.

(۲) حق بر سلامتی جایگاه ویژه‌ای در اسناد متعدد بین المللی دارد.

(۳) حق بر سلامتی پیوند نزدیک و تنگاتنگی با سایر حق‌های بشری مندرج در منشور حقوق بشر دارد و به تحقق آنها وابسته است. این حق‌های مرتبط با سلامتی شامل موارد زیر است: حق بر غذا، مسکن، شغل، آموزش و پرورش، کرامت انسانی، حیات، عدم تبعیض، برابری، ممنوعیت شکنجه، حریم خصوصی، دسترسی به اطلاعات و آزادی تشکل، اجتماعات و جابه‌جایی. این حق‌ها و سایر حق‌ها و آزادی‌ها به اجزای لاینفک حق بر سلامتی می‌پردازد.

(۴) حق بر سلامتی محدود بر حق بر مراقبت سلامتی نیست و عبارات صریح ماده ۱۲ میثاق حاکی از آن است که این حق در برگیرنده طیف وسیعی از اعمال اجتماعی - اقتصادی است که شرایطی را گسترش می‌دهد تا در آن مردم بتوانند زندگی سالمی داشته باشند. حق بر سلامتی دارای مؤلفه‌های اصلی نظیر غذا، تغذیه، مسکن، دسترسی به آب آشامیدنی سالم و قابل شرب، بهداشت و نظافت، شرایط امن و سالم شغلی و محیط زیست سالم است.

پنج بخش متن اصلی نظر کمیته عبارتند از:

۱. محتوی هنجاری ماده ۱۲ میثاق (بندهای ۲۹ - ۷).
 ۲. تعهدات دولت‌های عضو (بندای ۴۵ - ۳۰)
 ۳. نقض تعهدات ماده ۱۲ (بندهای ۵۲ - ۴۶).
 ۴. اجرای حق بر سلامتی در سطح ملی (بندهای ۶۲ - ۵۳)
 ۵. تعهدات بازیگران دیگر غیر از دولت‌های عضو (بندهای ۶۵ - ۶۳)
- به نظر کمیته چهار عنصر ضروری برای حق بر سلامتی که در تمام اشکال و سطوح آن جریان دارد، انجام می‌دهد این چهار عنصر عبارتند از: در اختیار بودن^۱، در دسترس بودن^۲، قابل پذیرش بودن^۳، و کیفیت^۴،^۵

ه) گزارش مخبر ویژه کمیسیون حقوق بشر

کمیسیون حقوق بشر^۶ در سال ۲۰۰۲ میلادی در زمینه دسترسی به داروها و حقوق بشر اشخاص دارای ناتوانی‌های جسمی طی قطعنامه به شماره ۳۱ / ۲۰۰۲^۷ اقدام به تعیین مخبر ویژه‌ای برای تهیه گزارش از حق همگان به بهره‌مندی از بالاترین استاندارد قابل وصول برای سلامتی جسمی و روانی بود.

در سال ۲۸ سپتامبر ۲۰۱۱ قطعنامه A/HRC /R ES/18/ 1 در شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد راجع به حق بر آب آشامیدنی آب سالم به عنوان یکی از مولفه‌های حق استاندارد مناسب زندگی تصویب گردید.^۸

و) سازمان بهداشت جهانی و راهبر جهانی سلامتی برای همه

سازمان بهداشت جهانی که در سال ۱۹۴۸ به عنوان اولین آژانس تخصصی ملل متحد تأسیس گردید (غفوری، ۱۳۸۹، ۲۶۵)

^۱.availability

^۲.accessibility

^۳. acceptability

^۴. quality

^۵ G.M.Mannetal,1994

^۶. به موجب قطعنامه ۲۵۱ / ۶۰ مورخه ۱۵ مارس ۲۰۰۶ مجمع عمومی سازمان ملل متحد به مأموریت کمیسیون بشر خاتمه

داده و به جای آن شورای حقوق بشر را تأسیس نمود

^۷ .HIGH CoMISSLONER For HuMAN RZGHTS UNITED NATION, The right of every one to the enjogment of the highest attainable standard of physical and mental health. Commission on Human Rights resolution 2002 / 3/ .

^۸ .www. un.org / waterforlifedecade / humanrihgt to water . shtml Visited on : 20/ 10/ 1391

سازمان بهداشت جهانی نقش مهمی در تهیه و پیش نویس مقررات مربوط به حق سلامتی و به ویژه ماده ۱۲ میثاق داشته است. در مقدمه اساسنامه این سازمان بهره مندی از بالاترین استاندارد قابل حصول سلامتی، یکی از حق‌های بنیادی هر انسانی شناخته شده است. (اساسنامه سازمان بهداشت جهانی)

راهبرد سازمان بهداشت جهانی چند خط مشی بنیادی را به عنوان مبنای خود شناسایی می‌کند که در میان آنها توزیع منصفانه منابع سلامتی میان کشورها، هماهنگ کردن توسعه سلامتی با توسعه اقتصادی و استفاده کامل و بهتر از منابع جهان برای ارتقای سلامتی و توسعه، اهمیت خاصی دارد.^۱

ز) سایر اسناد بین المللی

به عنوان مثال ماده ۵ بند ۵ کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض نژادی مصوب ۱۹۶۵ میلادی که دولت‌های عضو را متعهد می‌سازد تا حق هر فردی را نسبت به سلامتی عمومی، مراقبت پزشکی و خدمات تأمین اجتماعی را تضمین نمایند. همچنین مواد ۱۱ (۱) و (۲)، ۱۲، ۱۴ (۲) (ب) کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان (مصوب ۱۹۷۹) دولت‌های عضو را مکلف به تضمین دسترسی یکسان زنان و مردان به خدمات مراقبت سلامتی نموده است.

ح) جایگاه حق بر سلامت در اسناد منطقه‌ای حقوق بشری

کنوانسیون اروپایی جهت ارتقای حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین (۱۹۵۰)، ماده ۱۱ منشور اجتماعی اروپا مصوب ۱۹۶۱ (اصلاحی سال ۱۹۹۶)، ماده ۱۰ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر (۱۹۶۹) و پروتکل الحاقی کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر در حوزه حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ۱۹۸۸ میلادی و ماده ۱۶ منشور آفریقایی حقوق بشر مصوب ۱۹۸۱ به رسمیت شناخته شده است.

ط) تعهدات دولت‌ها در قبال حق بر سلامت

در اعلامیه جهانی حقوق بشر از حق هرکس نسبت به استاندارد از زندگی سخن می‌گوید که برای سلامتی و رفاه و خانواده اش کفایت کند. میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز از شناسایی حق همگان به بهره مندی از بالاترین سطح از سلامتی جسمی و روانی توسط دولت‌های عضو یاد می‌کند.

^۱. Eight General Programs of Work. 1987. P: 24.

گفتار دوم: ماهیت کلی تعهدات ناشی از میثاق

میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، معاهده‌ای است بین المللی و همچون سایر معاهدات بین المللی که طرف‌های آن به اجرای توأم با حسن نیت مفاد آن متعهد می‌باشند. (ضیایی بیگدلی، ۱۳۸۵، ص ۱۱۵)

تعهد کشورها در خصوص حقوق بشر شامل (۱) تعهد به احترام (۲) تعهد به حمایت (۳) تعهد به ایفا می‌باشد.

(۱) تعهد به احترام^۱:

در حقیقت بعد سلبی تعهدات حقوق بشری می‌باشد. اینکه دولت‌ها موانع و محدودیت برای ارتقا سلامت افراد ایجاد نکنند یا اینکه اگر موانع و محدودیت‌هایی در کار هست به آنها دامن نزنند.

(۲) تعهد به حمایت^۲

تعهد به حمایت از حقوق فرد در برابر تجاوز طرف‌های ثالث می‌باشد. که با تصویب قانون یا اتخاذ سایر اقدامات ایجاد می‌شود. به عنوان مثال اشخاص ثالث مانعی برای در اختیار بودن، در دسترس بودن، مقبول بودن و کیفیت تسهیلات کالاها و خدمات سلامتی نباشند.

(۳) تعهد به ایفا و اجرا^۳

تعهدات دولت‌ها برای ایفاء حق بر سلامت به معنای انجام اقدامات ضرورتی برای برآورده ساختن نیازهای افراد در خصوص سلامتی می‌باشد.

در نظر کلی شماره ۱۴ کمیته تعهد به ایفاء را در دو بند مورد بررسی قرار می‌دهد.

در بند ۳۶ مواردی از اقدامات زمینه ساز بهره مندی از حق بر سلامت بیان شده و در بند

۳۷ تعهد به ایفاء از ابعاد تسهیل، تأمین و ترویج مورد توجه قرار گرفته است.

دولت‌های عضو میثاق هم چنین متعهد هستند به طور مستقیم و در موارد غیر عادی و هنگامیکه افراد یا گروهی به دلایل خارج از کنترل خود قادر نیستند با ابزاری که در اختیار دارند، خود به تحقق حق مندرج در میثاق اقدام کنند، آنها را یاری کنند.

¹ .bligation to Respect

² .bligation to protect

³ .obligation to Fullfill

گفتار سوم: قلمرو تعهد دولتها

تعهدات دولتها در قبال حق بر سلامت مانند تعهدات آنها در برابر سایر حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، محدود به منابع و امکاناتی است که دارند. و دیگر اینکه تعهد دولتها به عنوان دولتهای عضو میثاق نسبت به همه انسانها به صورت تعهد به مساعدت و همکاری بین المللی و تعهد به احترام و تعهد به شناسایی ظهور پیدا می‌کند.

گفتار چهارم: مسئولیت بخش خصوصی و نهادهای غیر دولتی در قبال حق بر سلامت

در کنار دولت ها، آژانس های تخصصی سازمان ملل و بخش های خصوصی و سایرین مانند گزارشگران ویژه، متخصصان سلامتی در ارتقای حق بر سلامت دارای مسئولیت می باشند.^۱

شرکت های تجاری محصولات دارویی و تجهیزات پزشکی، به نوعی به طور خصوصی اجرای حق بر سلامت را بر عهده دارند که در انجام وظیفه شان در قبال نقض حقوق بشر دارای مسئولیت هستند ولی میزان این مسئولیت به مراتب پایین تر از مسئولیت دولت می باشد.

بخش دوم

افتراقات مصونیت از حق حیات در اسناد حقوق بشر و اسلام

مبحث اول: لواط و مساحقه در نگاه اسلام

دین اسلام برای کسانی که مرتب اعمالی مثل لواط، محاربه، ارتداد و بعضی از اقسام زنا شوند، مجازات اعدام را در نظر گرفته است. تمامی این موارد حمایت از کسی است که در جامعه از این گونه رفتارها دچار بزه شده است. در واقع حیات معنوی کسانی که تمایل ندارند اینگونه از حیات آنها به مخاطره بیفتد، مورد تجاوز قرار می گیرد و امنیت روح و روان آنها از بین می رود.

هم جنس گرایی به شیوه لواط و مساحقه از لحاظ اسلام جزو گناهان کبیره می باشد و از نظر فقهی عملی حرام محسوب می شود و مجازاتهای سنگینی برای آن وضع شده است.

اسلام رابطه هم جنس گرایی به این شیوه میان مردان و میان زنان را تحریم می کند و چنین رابطه ای را انحرافی و غیر طبیعی دانسته است. در قرآن آمده است « آیا از همه مخلوقات به مردان میل می کنید، و همسرانی را که خدا برای شما خلق نموده رها می کنید؟ به راستی که

¹ .E/ CN.4 / Sub . 2 / 2003 / 12 / Rev.2

مردم تجاوز گری هستید.» در این آیه مشخص شده است که لوط پیامبر از جانب خداوند مأمور شده بود تا مردم را از هم جنس گرایی نهی کند.

باز در قرآن در آیات دیگر به نهی از این مورد اشاره شده است.

« وَلَوْ طَا إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَتَأْتُونَ الْفَاحِشَةَ مَا سَبَقَكُمْ بِهَا مِنْ أَحَدٍ مِنَ الْعَالَمِينَ »

« ولوط را [به یاد آورید] هنگامیکه به قومش گفت: آیا آن کار بسیار زشت و قبیح را که هیچ کس از جهانیان در آن بر شما پیشی نگرفته است، مرتکب می‌شوید؟^۱ و به دنبال آیه بالا «إِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ شَهْوَةً مِّنْ دُونِ النِّسَاءِ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ مُّسْرِفُونَ». شما [بدون توجه به حقوق همسران و غافل از اینکه نعمت غریزه جنسی برای بقاء نسل است] از روی میل شدیدی که به آن [کار بسیار زشت] دارید به سوی مردان می‌آیید [نه فقط در این کار متجاوز از حدود انسانیت هستید] بلکه در امور دیگر هم گروهی زیاده طلب هستید.^۲ و باز در جای دیگری از قرآن خداوند می‌فرماید: کسانی که برای اقناع غریزه جنسی خود راهی غیر از ازدواج طلب کنند، تجاوز کردند.^۳

همجنس گرایی و ازدواج به این صورت هم در اسلام و هم در دیگر ادیان مردود و ممنوع اعلام شده است و این کار بر خلاف فطرت انسان است چرا که قوانین الهی همه بر اساس فطرت انسان وضع شده است و اگر انسان بر خلاف فطرت الهی خویش عمل کند مطمئناً نتیجه‌ای معکوس با خود به همراه دارد و عواقب سوء آن دامنگیر خودشان می‌شود. در روایتی از پیامبر اکرم آمده است که ایشان فرمودند: « هرکس با نوجوانی آمیزش جنسی کند، روز قیامت ناپاک وارد محشر می‌شود، آن چنان که تمام آب‌های جهان او را پاک نخواهند کرد و خداوند او را غضب می‌کند و از رحمت خویش دور می‌دارد و دوزخ را برای او آماده ساخته و چه بدجایگاهی است.» سپس فرمود: « هرگاه جنس مذکر با مذکر آمیزش کند، عرش خداوند به لرزه در می‌آید. »

امام صادق (ع) در بیان فلسفه حرمت لواط می‌فرماید:

« اگر آمیزش با پسران حلال بود، مردان از زنان بی‌نیاز می‌شدند و این موجب قطع نسل بشر می‌شد و مفساد زیاد اجتماعی و اخلاقی به بار می‌آورد.» و در حدیثی از امام رضا (ع) در فلسفه تحریم هم جنس گرایی آمده است: «فلسفه تحریم مردان بر مردان و زنان بر زنان این

۱. آیه ۸۰ سوره اعراف

۲. آیه ۸۱ سوره اعراف

۳. آیه ۷ سوره مومنون

است که این امر بر خلاف طبیعتی است که خداوند برای زن و مرد قرار داده است (و مخالفت با این ساختمان فطری و طبیعی، سبب انحراف روح و جسم انسان خواهد شد) و به خاطر این است که اگر مردان و زنان هم جنس گرا شوند نسل بشر قطع می‌گردد و تدبیر زندگی اجتماعی به فساد می‌گراید، و دنیا به ویرانی می‌کشد. »

مبحث دوم: مجازات هم جنس گرایی در اسلام

اسلام برای مجازات هایی مثل لواط حکم اعدام و برای مساحقه (تکرار سوم) حکم اعدام قرار داده است. کسی که لواط انجام داده ازدواج او با خواهر و مادر و دختر شخص مفعول حرام می‌باشد و این تحریم ابدی می‌باشد. قوانینی که برای اثبات زنا یا لواط قرار داده شده است به صورتی است که هدف از اسلام بیشتر برای جلوگیری از انجام چنین اعمالی می‌باشد تا اجرای مجازات و دیگر اینکه اثبات آن به خاطر این قدری مشکل به نظر می‌رسد که خداوند نخواست که قبح این عمل زشت در جامعه اسلامی از بین برود.

مبحث سوم: شرایط تحقق برای اجرای مجازات

عمل لواط باید به طریق شرعی اثبات شود یعنی اقرار چهار نفر شاهد عادل مرد (در صورت وجود شاهد زن ۴ شاهد زن و ۲ مرد کافی می‌باشد.) که حکم چنین اشخاصی قتل به صورت خراب کردن دیوار بر روی آنها یا سوزاندن یا از بلندی پرت کردن یا کشتن با شمشیر می‌باشد که سوزاندن فقط مختص عمل لواط می‌باشد.

مبحث چهارم:

هم جنس گرایی و ارتباط آن با کمیسیون ۲۰۱۸ ماده ۶ میثاق حقوق مدنی

سیاسی

کمیسیون ۲۰۱۸ ماده ۶ میثاق حقوق مدنی سیاسی که در مورد حق حیات می‌باشد. در بند ۲۳ خود یکی از مواردی که دولت‌ها باید به طور فوری و مؤثر از آنها حمایت به عمل آورند هم جنس گرایان می‌باشند.

در روم باستان و فرهنگ‌های ساکن قاره آمریکا و آفریقا ازدواج میان هم جنسان انجام می‌گرفته است و مدارک تاریخی دیگری از انجام چنین پیوندهایی در دیگر نقاط جهان از جمله مصر باستان در دست هستند. با گسترش آیین‌های ابراهیمی پذیرش رفتارهای هم جنس گرایانه رو به کاهش گذاشت و امکان برقراری ازدواج هم جنسان تا سده بیستم به فراموشی

سپرده شد.^۱ در قرن ۲۱ گسترش آزادی‌های اجتماعی در غرب و به دنبال در خواست گروه‌های مدافع حقوق دگرباشان برای گسترش حقوق تعریف شده برای دگرجنس‌گرایان با هم جنس‌گرایان باعث شد تا کشورها ی گوناگون اقدام به دادن حق ازدواج به این گروه‌ها باشند.

مبحث پنجم: مجازات سنگسار در قوانین اسلامی

در دین اسلام سنگسار (رجم) حد شرعی زنای محصنه می‌باشد که هم راجع به زن محصنه و هم در مورد مرد محصن اجرا می‌شود. برای اجرای این حکم دست کم باید ۱۰ شرط محقق شود. از جمله این شرایط شهادت چهار مرد عادل که زنا را دیده باشند.^۲

گفتار اول: شرح و تفسیر سوره مائده (آیه ۴۲) در مورد مجازات سنگسار

خداوند در سوره مائده آیه ۴۲ می‌فرماید:

« سَمْعُونَ لَكُذِبَ أَكُلُونَ لِّلْسِخَاتِ فَا نِ جَاءُوكَ فَاحْكُم بَيْنَهُمْ أَوْ أَعْرِضْ عَنْهُمْ وَ إِنْ تَعْرِضْ عَنْهُمْ فَلَنْ يَضُرَّوكَ شَيْئًا وَ إِنْ حَكَمْتَ فَاحْكُم بَيْنَهُم بِالْقِسْطِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ »
« آنان فوق العاده شنوای دروغ اند! با آنکه می‌دانند دروغ است [و بسیار خورنده مال حرام؛ پس اگر نزد تو آمدند میان آنان] در آنچه تو را داور قرار دادند[داوری کن، یا [اگر نحواستی داوری کنی] از آنان روی برتاب و اگر روی برتابی هرگز هیچ زیانی به تو نمی‌رسانند. و

اگر در میانشان داوری کردی به عدالت داوری کن؛ زیرا خداوند عدالت‌پیشگان را دوست دارد.

در مورد تفسیر آیه ۴۲ سوره مائده آمده است که بعضی از یهود که زنای محصنه کرده بودند، به امید نجات از کیفر سنگسار که در دین یهود آمده است، برای داوری نزد پیامبر آمدند غافل از اینکه حکم اسلام هم سنگسار کردن زنا کار است چون دیدند حکم اسلام نیز همان است، حاضر به پذیرش حکم پیامبر نشدند^۳

گفتار دوم: خطبه امام (علی) درباره سنگسار

در نهج البلاغه علی (ع) خطاب به خوارج می‌گوید:

^۱. ویکی پدیا (ازدواج هم جنس‌گرایان)

^۲. شهید اول، لمعه دمشقیه، ترجمه و تبیین علی‌شیروانی، ۱۳۷۷، جلد دوم، ص ۲۲۴، تا ص ۲۲۶

^۳. تفسیر سوره مائده (آیه ۴۲). پایگاه سخنرانی مذهبی (حجت الاسلام محسن قرائتی)

و شمشیرهایتان بر دوشتان قرار دارد، بر سالم و ناسالم فرود می‌آورید، و گناهکار و بی‌گناه را با هم مخلوط می‌کنید، و حال اینکه می‌دانید پیامبر، زناکار همسر دار را سنگسار می‌کرد. سپس بر جنازه اش نماز می‌خواند و و ارشش را به اهلش می‌سپرد و زناکار بی‌همسر را تازیانه می‌زد، آن گاه قسمت هر دو را از غنیمت می‌پرداخت و حق داشتند زنان مسلمان را به همسری بگیرند.^۱

گفتار سوم: فقه شیعه و سنگسار

در فقه شیعه محمد بن مکی (شهید اول) در لمعه آورده است، در اسلام سنگسار در صورت وقوع زنای محصنه اعمال می‌شود. یعنی وقتی که شخص زنا کننده دارای همسر دائمی باشد، به گونه‌ای که هر گاه بخواهد با همسر خود نزدیکی کند، مانعی در کار نباشد و با این حال تن به زنا داده باشد.^۲ نظر شهید ثانی آن است که برای مجازات شخص محصن بین عمل تازیانه و سنگسار جمع شود. (شهید ثانی، ج ۴، ۲۷۴ - ۲۷۳)

گفتار چهارم: شرایط تحقق سنگسار در فقه اسلامی

اسلام بهانه‌های مشروعی در مورد اجرا نکردن کامل این حکم قرار داده است.

۱) سقوط حکم با فرار شاهد

در موقع اجرای حکم اگر یکی از شهود از پرتاب سنگ خودداری کند و از محل بگریزد اجرای حکم سنگسار متوقف می‌شود.

۲) سقوط حکم با فرار زناکار بعد از اصابت اولین سنگ

در این باره روایاتی وجود دارد مثلاً به روایت امام صادق (ع) اشاره می‌شود. امام صادق (ع) در موردی کسی که در حال سنگسار از حفره فرار می‌کند، پرسیدم ایشان فرمود: «در صورتیکه یک سنگ به او اصابت کرده باشد، رهایش کنید، در غیر این صورت، اگر هنوز سنگی با او برخورد نکرده بود، او را برگردانید تا مقداری از آن عذاب را بچشد» (حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۸، ص ۴۱)

^۱. نهج البلاغه، سخنان علی بن ابیطالب، گردآوری توسط سید رضی خطبه ۱۲۷

^۲. شهید اول، لمعه دمشقیه، ترجمه و تبیین علی شیریانی، ۱۳۷۷، جلد دوم، ص ۲۲۴.

۳) سقوط حکم با انکار بعد از اقرار

امام صادق (ع) فرمود: « کسی که جرم مستوجب حد او با اقرار ثابت شود و بعد انکار کند، بر او حد جاری می‌کنم الا در مورد سنگسار که با انکار بعد از اقرار او، حد سنگسار لغو می‌شود. (حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۸، ص ۲۷)

۴) جواز عفو حاکم در صورت اثبات سنگسار با اقرار

امام هادی (ع)، در مورد مردی که حکم سنگسارش با اقرار ثابت شده بود فرمود: « همان گونه که امام به اذن خداوند اجازه دارد این موارد (حق الهی) را مجازات کند، این اجازه را نیز دارد که با اذن خداوند، بر گناهکار منت گذاشته، او را عفو کند این حکم بر اساس وعده الهی است که فرمود: «هذا عطاؤنا فامنن أو أمسک بغیر حساب» این است عطای ما و لذا به او گفتیم از این بخشش به هر که خواهی عطا کن و از هر که خواهی دریغ کن، که عطای ما بی حساب است (حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۸، ص ۴۱)

۵) قاعده الحدود تدرأ بالشبهات

قاعده معروف «الحدود تُدرأ بالشبهات» بیانگر آن است که هر جا شبهه‌ای در هر کدام از مراحل ثبوتی، اثباتی و اجرایی شود، مجازات حد لغو می‌شود.

۶) اسقاط حد در اثبات توبه قبل از شهادت شهود

محقق حلی در کتاب شرایع می‌گوید: «من تاب قبل قیام البینه، سقط عنه الحد ولو تاب بعد قیامها، لم یسقط، حداً کان او رجماً»^۱

۷) امکان اسقاط حد در صورت مرور زمان

ابن ابی عمیر از امام صادق (ع) سؤال می‌کند: مردی قبلاً مرتکب سرقت یا شرب خمر یا زنا شده است و جرم او بر کسی معلوم نیست و مجازات نشده تا اینکه شخص مذکور توبه کرده و عمل صالحی انجام داده است؛ حکمش چیست؟ حضرت می‌فرماید: «در صورتیکه عمل صالحی انجام داده باشد و امر پسندیده‌ای از او شناخته شود، مجازات بر او جاری نمی‌شود.» ابن ابی عمیر پرسید: اگر زمان کمی از این گناه گذشته باشد، باز هم مجازات نمی‌شود؟ حضرت فرمود: «اگر پنج ماه یا کمتر گذشته باشد و از او امر پسندیده‌ای ظاهر شده باشد، مجازات اجرا نمی‌شود»^۲.

۱. زین الدین بن علی بن احمد عاملی (شهید ثانی)، مسالک الفهم، ج ۱۴، ص ۳۵۸

۲. حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۸، ص ۳۷

۳. دیدگاه، اقتصاد و حقوق، بررسی حکم سنگسار از منظر فقه و حقوق بشر

مبحث ششم: افساد فی الارض

گفتار اول: تحلیل افساد فی الارض از دیدگاه آیات و روایات اسلامی

با تأمل در آیات و روایات در می‌یابیم که در قرآن مجید آیه «الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ»^۱ و یا «وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا»^۲

عملی که مستلزم مجازات می‌باشد عنوان خاص مجرمانه برای آن در نظر گرفته شده است. چنان که پیداست حکم مذکور در این آیه بر موضوع زانی و زانیه و سارق و سارقه مرتب گردیده است و هم چنین در روایات احکامی که برای مجرمین ذکر شده است به همین صورت می‌باشد، و در کلیه قوانین بشری وضع قانونگذاری به همین کیفیت می‌باشد و در جایی دیده نشده که قانونگذار بگوید مفسد را باید اعدام کرد بلکه می‌گوید قاتل را باید اعدام کرد چون مفسد است و یا باغی را باید اعدام کرد چون مفسد است.

بنابراین مفسد فی الارض خود موضوع حکم نیست بلکه به اصطلاح علمای حقوق واسطه و علت در ثبوت مجازات است. پس اینکه گفته می‌شود مفسد بما هو مفسد خود موضوع مجازات است وجه شرعی و قانونی ندارد بلکه می‌توان گفت نا معقول هم هست زیرا اگر مقصود از مفسد بما هو مفسد، مفهوم مفسد محمل اولی باشد قطعاً غلط است زیرا مفهوم بما هو مفهوم نمی‌تواند موضوع مجازات قرار گیرد.

و در هیچ موردی از فقه دیده نمی‌شوند که مفسد مستقلاً موضوع حکمی از احکام قرار گیرد و با توجه به اینکه مفسد فی نفسه نمی‌تواند خود موضوع مجازات قرار گیرد نیازی به تعریف آن هم نیست زیرا چیزی را لازم است تعریف کرد که از نظر شرعی و قانونی حکمی بر آن مترتب گردد و مفسد چنین نیست.

گفتار دوم: احکام مترتب بر محارب و مفسد

پس از انقلاب اسلامی کلمه محارب و مفسد را با یکدیگر بکار می‌برند. استفاده کلمه مفسد باعث نمی‌شود تا احکام محارب بر آن جاری شود و بیشتر به علت برداشت غلطی است که از آیه ۳۳ سوره مائده شده است خداوند در قرآن می‌فرماید:

«انما جزاء الذین یحاربون الله و رسول و یسمعون فی الارض فساداً أن یقتلوا و یصلبوا او تقطع ایدیهم و ارجلهم من خلاف او ینفوا فی الارض» صرف بکارگیری محاربه و افساد فی

۱. سوره مائده، آیه ۳

۲. سوره مائده، آیه ۳۸

الارض در این آیه به منزله مساوی دانستن حکم مرتبت بر آن نیست. عنوان مفسد فی الارض و اطلاق آن بر شخص نه مفهومی و نه به صورت مصداقی موضوع مجازات نمی تواند باشد. بر فرض هم اگر به اینصورت باشد پس محاربه در این آیه نمی گنجد. چون اگر محاربه را هم مطلق فرض کرده و قید را محاربه در نظر بگیریم جعل حکم برای مقید که خاص است ساقط می شود و هیچ مفسری نیز حکم مطلق و مقید را یکی فرض نمی کند و با توجه به اینکه شارع مقدس به حرمت دماء تأکید دارد. نمی توان از (یسعون فی الارض فساداً) تفسیر موسعی کرد.

گفتار سوم: تعریف چند تن از فقها راجع به محاربه

ج - ۱) امام خمینی (قدس سره) محارب را چنین تعریف کرده است. محارب هو کل من جرد سلاحه او جهزه لاخافة الناس و اراده الافساد فی الارض^۱ مراد از فساد فی الارض در آیه، مطلق فساد نیست بلکه متمم معنای محاربه است مثلاً اگر کسی تجرید سلاح نکرده اما مفسد باشد چنین حکمی درباره او جاری نیست. و باز هم در این زمینه می فرماید:

لا یثبت الحکم للطیع و هو المراقب للقوافل و نحوها لیخبر رفقاءه من قطاع الطريق و للردء و هو المعین للضبط الاموال^۲

یعنی کسانی که مترصد قافله هستند حکم محارب را ندارند و هم چنین کسانی که نگهداری اموال به محاربین کمک می کنند هم محارب نیستند.

ج - ۲) شیخ طوسی در مورد محارب چنین گفته است: و القتال علی اموال الناس بالمکرو الخدیعه و تزویر الکتب و شهادات الزور و ارسالات الکاذبه و غیر ذلک یجب علیه التادیب و العقاب و ان ما اخذ بذلک علی الکمال و ینبغی للسلطان ان یشهره بالعقوبه بکی یرتدع غیره عن فعل مثله فی مستقبل الاوقات^۳ کسانی که از روی حيله و مکر نوشتن ها و شهادت ها و نامه های دروغ و مانند اینها را جعل می کنند و اموال مردم را تصاحب می کنند باید تأدیب و مجازات شوند و غرامت کلیه اموالی که از مردم گرفته است بپردازد و مناسب است حاکم او را در شهر بگرداند تا درس عبرتی برای

۱. موسوی خمینی، سید روح الله، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۴۹۲

۲. موسوی خمینی، سید روح الله، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۴۹۲

۳. شیخ طوسی، محمد بن حسن، النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی، باب حد محارب ص ۷۲۱، چاپ سوم، دارالکتب العربیه

دیگران در آینده باشد. می‌بینیم که شیخ طوسی مجازاتی که برای حيله و تزویر به آن اشاره کرده تأدیب و تعزیر می‌باشد و حکم محارب را جاری بر آن شخص نداشته است. به طور کلی دیدگاه شیخ طوسی فقیه بزرگ شیعه درباره شخص محارب در عبارت زیر آمده است.

یحاربون الله و یحاربون رسولہ (ویسعون فی الارض فساداً) و هو اشهار السیف و اخافۃ السبیل^۱

کسانیکه با خدا و رسول او محاربه می‌کنند (سعی در فساد روی زمین دارند) آنها کسانی هستند که شمشیر می‌کشند و مردم را می‌ترسانند.

گفتار چهارم: بکارگیری اسلحه و حکم در نظر گرفته شده برای آن

آیت الله طباطبایی برای اینکه استفاده از اسلحه را از آیه استفاده کند می‌فرماید: فالمراد بالمحاربه علی ما هو الظاهر هو الا خلال بالامن العام انما یختل بايجاد الخوف العام و حلوله محله، ولا یكون یحسب الطبع و العاده الا با استعمال السلاح المهدد بالقتل طبعاً و لهذا و رد فیما ورد من السنه، تفسیر الفساد فی الارض بشهر السیف و نحوه^۲ یعنی مراد از محاربه و افساد در آیه بر حسب ظاهر اخلال در امنیت عمومی است و نا امنی عمومی از راه ایجاد ترس و وحشت عمومی صورت می‌گیرد و به همین جهت افساد و محاربه فی الارض در روایت به کشیدن اسلحه بر روی مردم تفسیر شده است.

مبحث هفتم) آدم ربایی و حکم در نظر گرفته شده برای آن

شیخ طوسی در این مورد می‌فرماید:

(و من سرق حراً فباعه و جب علیه القطع لانه من المفسدین فی الارض) (هرکس شخص آزادی را بدزد و او را بفروشد واجب است دستش را قطع کنند زیرا مفسد است و این نه به معنای آن است که آن شخص محارب است بلکه حکم سارق را دارد که دستش را قطع می‌کنند).^۳

گفتار پنجم: توبه لغو و حکم محارب در مورد آن

خداوند در سوره مائده در مورد کسی که قبل از دستگیری توبه می‌کند می‌فرماید:

۱. شیخ طوسی، محمد بن حسن، تفسیر تبیان، ج ۳، ص ۵۰۴، چاپ نجف اشرف

۲. طباطبایی، سید محمد حسین طباطبایی، المیزان، ج ۵، ص ۳۲۶، دار الکتب اسلامیة

۳. شیخ طوسی، محمد بن حسن، النهایة فی مجرد الفقه والفتاوی باب حد محارب، ص ۷۲۲، چاپ سوم، دار الکتب العربیة.

إلا الذين تابوا من قبل أن تُقَدَرُوا عليهم^۱
محاربی که قبل از دستگیری توبه کند حکم محارب در مورد وی جاری نیست.

مبحث هشتم

ارتداد از منظر اسلام

مسلمانان دین حق را بر اساس برهان عقلی قابل اثبات، دین اسلام می‌دانند. به همین علت هر مسلمانی به هر علتی از دین اسلام به کفر برگردد، چه می‌خواهد برگشت به دین مسیحیت باشد یا یهودیت یا سایر دین‌ها مرتد محسوب می‌شود. مورد ارتداد و احکامی که بر آن مترتب شده در دیگر ادیان مثل مسیحیت و یهودیت نیز وجود داشته است. ناگفته نماند که انتخاب کردن یک مذهب حق و صحیح و ارتداد از یک دین فسخ شده یک ارزش است که نزد همه ادیان ستودنی است.

گفتار اول: انواع ارتداد

در دین اسلام ارتداد به دو صورت می‌باشد و کسی که مرتد می‌شود یا مرتد فطری است یا مرتد ملی

۱- الف) مرتد ملی کسی است که از ابتدا به دین کفر بوده و سپس دین اسلام را انتخاب می‌کند و دو مرتبه به همان دین قبلی خود باز می‌گردد.

-۱

لف) مرتد فطری کسی است که از ابتدا مسلمان به دنیا آمده است و بدون پیشینه کافر شود. در فرهنگ اسلامی، از آن جهت که دین حقیقی و برگزیده نزد خدا اسلام است^۲. و هیچ دینی جز اسلام پذیرفته نمی‌شود.^۳ هرکس خدای متعال یا وحدانیت وی را انکار کند یا حیات پس از مرگ و معاد (و یا شریعت محمدی (ص) و نبوت آن حضرت باور نداشته باشد، کافر قلمداد می‌شود.^۴ البته جوهره همه ادیان الهی واحد است و آن دعوت به انقیاد و تسلیم شدن در برابر خداوند متعال و اطاعت از فرامین است و شاید معنای «ان» الدین عند الله الاسلام «آل عمران: ۱۹» همین امر باشد.

۱. سوره مائده آیه ۳۴

۲. «ان الدین عند الله الاسلام» (آل عمران / ۸۳)

۳. آل عمران: ۸۵ این در حالی است که در دو آیه پیش از آن خداوند متعال می‌فرماید: «آیا اهل کتاب دینی جز دین خداوندی می‌جویند...» (آل عمران / ۸۳)

۴. ابو علی الفضل بن الحسن الطبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار الاحیاء التراث العربی، ج ۲-۱، ص ۱۲۸.

گر چه به مقتضای تفاوت شرایط اجتماعی، شرایع نیز تفاوت می‌یابند، اما در هر عصری تنها یک شریعت بر حق است و سایر شرایع به دلیل تفاوت شرایطی قبلی یا وقوع تحریف نسخ شده است.^۱ حرمت نهادن اسلام برای شریعت‌های پیشین، مانند یهودیت و مسیحیت، صرفاً به دلیل تحمل و بردباری و تسامح عملی و تأیید همزیستی مسالمت آمیز است نه پذیرش حقانیت و اصالت کنونی آن‌ها^۲

گفتار دوم: عوامل تحقق ارتداد

۱- ب) انکار اصل دین:

مانند انکار وجود خداوند و حدانیت او «الکافر هو من انتحل غیر الاسلام»^۳

۲- ب) انکار یکی از احکام ضروری و بدیهی اسلام^۴

مانند انکار وجوب نماز یا حج یا...

۳- ب) انکار یکی از احکام قطعی ولی غیر ضروری اسلام^۵

مثلاً عدم اعتقاد به بطلان روزه مسافر (جز در موارد خاص)

گفتار سوم: مجازات جرم ارتداد

اگر «مرتد فطری» باشد، علاوه بر برخی از احکام مدنی مانند فسخ پیمان نکاح و جدایی از همسر بدون نیاز به طلاق و تقسیم اموال بین ورثه، به اعدام محکوم می‌شود و توبه اش، از جهت ظاهری، پذیرفته نمی‌شود، یعنی اگر با اعتقاد و باور قلبی توبه کند، خدای متعال می‌پذیرد و نماز و سایر عباداتش صحیح است، اما بر جریان حکم اعدامش تأثیر ندارد^۶. اما اگر مرتد ملی باشد احکام فوق بر وی مترتب می‌گردد جز آن که اگر توبه کند توبه وی پذیرفته می‌شود، حتی پیش از جریان هر گونه حکمی، نخست وی را به توبه و بازگشت به

۱. محمد رشید رضا، تفسیر المنار، مصر، دارالمنار، الطبعة الثالثة، ۱۳۷۵، ج ۶، ص ۴۱۶ - ۴۱۷.

۲. محمد تقی مصباح، پرسش‌ها و پاسخ‌ها (آزادی و پلورالیسم)، قسم، مؤسسه امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۴، ص ۳۸.

۳. ر. ک: کتب فقهی شیعه و سنی، باب نجاسات، از جمله شرایع الاسلام (مرحوم محقق)؛ تحریر الوسیله، ج ۱، (امام خمینی)، و المغنی (ابن قدامة المقدسی).

۴. ر. ک: کتب فقهی شیعه و سنی، باب نجاسات، از جمله شرایع الاسلام (مرحوم محقق)؛ تحریر الوسیله، ج ۱، (امام خمینی)، و المغنی (ابن قدامة المقدسی).

۵. الشیخ، محمد حسن نجفی، جواهر الکلام، بیروت، داراحیاء التراث العربی، الطبعة الثالثة، ج ۶، ص ۴۹.

۶. موسوی اردبیلی، فقه الحدود و التعزیرات، ص ۴۹۱، ص ۶۵۴، جواهر الکلام، جلد ۴۱، ص ۶۰۵.

اسلام دعوت می‌کنند و سه روز به وی مهلت می‌دهند تا تحقیق کند و با تأمل از انحراف بر گردد، اگر در این مدت توبه کرده آزاد می‌شود و گرنه به اعدام محکوم می‌گردد.^۱

زن مرتد، از هر نوع که باشد چه فطری و چه ملی، کشته نمی‌شود، بلکه او را به توبه فرا می‌خوانند، چنانچه توبه کرد، آزادش می‌کنند و گرنه در زندان باقی می‌ماند و هنگام نماز تازیانه می‌خورد و در تنگنای معیشتی قرار می‌گیرد تا توبه کند.^۲

موضوع ارتداد و آثار حقوقی آن در شریعت و حقوق اسلامی به اندازه‌ای روشن و بدیهی است که درباره اصل حکم کمترین تردیدی وجود ندارد و همه مذاهب آن را پذیرفته اند.^۳

گفتار چهارم: نظر چند تن از فقهای اسلام راجع به حکم ارتداد

۱-۵) ابن رشد از فقهای مشهور اهل سنت در قرن ششم می‌گوید:

هرکس از دین اسلام خارج شود، مرتد بوده، کشتن او واجب است و این مسأله مورد اتفاق فقها و علماست^۴

۲-۵) ابن قدامه (متوفی ۶۲۰ هـ ق)

ابن قدامه فقیه برجسته دیگر اهل سنت با بیان اجماع دانشمندان اسلامی بر حکم اعدام مرتد از رسول اکرم (ص) نقل می‌کند که آن حضرت فرمودند هرکس از مسلمانان دین خود را تغییر دهد او را بکشید. (ابن قدامه مقدسی، المغنی ج ۸، ص ۱۰۳)

گفتار پنجم: چند روایات از معصومین در زمینه حکم ارتداد

۱ - محمد بن مسلم از امام باقر (ع) در مورد مرتد پرسید، آن حضرت فرمودند:

هرکس از دین اسلام بر گردد و به شریعت (و آموزه‌های) حضرت محمد (ص) کفر بورزد بعد از آنکه مسلمانان بوده است، توبه او پذیرفته نمی‌شود و اعدام چنین شخصی واجب است و از همسرش جدا می‌گردد و اموال و دارایی او بین فرزندان و ورثه وی تقسیم می‌شود.^۵

۱. موسوی اردبیلی، فقه الحدود و التعزیرات، ص ۴۹۱ و ۶۵۴، جواهر الکلام محمد حسن النجفی، جلد ۴۱، ص ۶۰۵، ص ۶۱۲، ۶۱۳.

۲. تحریرالوسیله، روح الله الموسوی الخمینی، جلد ۲، ص ۶۲۴، جواهر الکلام، محمد حسن النجفی، جلد ۴۱، ص ۶۵ تا ۶۱۶.

۳. موسوی اردبیلی، فقه الحدود و التعزیرات، ۸۳۶، ابن قدامه المقدسی، المغنی، جلد ۱۰، ص ۷۶.

۴. ابن رشد الحفید، بدایة المجتهد و نهایة المقتصد، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، ج ۲، ص ۵۹۳.

۵. شیخ محمد بن الحسن الحر العاملی، وسائل الشیعه، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ج ۱۸، باب ۱، من ابواب حد المرتد، حدیث ۳.

دین مقدس اسلام، بنیان‌های اصلی ساختار فکری خود را برپایه خردمندی بشر نهاده است و همواره انسان‌ها را به بهره‌گیری از فروغ عقل و تعالی اندیشه و جدال فکری صحیح سفارش کرده است. از این رو، بزرگترین خیانت به بشر آن است که با فتنه‌انگیزی، فضای فکری جامعه را آلوده و اذهان عمومی را در تشخیص حق و باطل مشوش کرد. اعدام و مجازات مرتد در برابر جنگ روانی و تبلیغاتی علیه اسلام و مسلمانان، سدّی محکم به شمار می‌آید. دولت اسلامی، همانگونه که موظف است در صورت مسموم شدن آب شهر آفت زدایی کند و آب سالم برای مردم فراهم آورد، وظیفه دارد در صورت مسمومیت یا آلودگی فضای فکری جامعه و شیوع عقاید گمراه‌کننده، در جهت سالم سازی آن بکوشد.^۱

مبحث نهم

گفتار اول: دلیل حرمت زنا در اسلام

الف) خداوند متعال در قرآن کریم فرموده است:

« نزدیک زنا نشوید که کار بسیار زشت و راه بدی است » « ولا تقربوا الزّنی إنّهُ کان فحشه^۱ و ساء سبیلاً^۲ »

۲. هریک از زن و مرد زناکار را صد تازیانه بزنید و نباید رأفت (و محبت کاذب) نسبت به آن دو شما را از اجرای احکام الهی مانع شود اگر به خدا و روز جزا ایمان دارید » (الزّانیة و الزّانی فاجلدوا کل واحد منهما مائة جلدة و لا تاخذکم بهما رافة فی دین الله ان کنتم تومنون و بالیوم الاخر...^۳ »

ب) روایتی از پیامبر اکرم (ص)

امام صادق (ع) از رسول اکرم (ص) چنین نقل فرموده‌اند: در زنا پنج خصلت است: ۱) نور صورت را می‌برد. ۲) شخص را دچار فقر می‌کند. ۳) عمرش را کوتاه می‌کند. ۴) خداوند متعال بر آن عمل غضب می‌کند ۵) مرتکب عمل خود در آتش خواهد داشت و پناه می‌بریم به خدا از آتش جهنم

« قال النبی (ع) فی الزنا خمس خصال: یذهب بماء الوجه و یورث الفقر و ینقض العمر و یسخط الرحمن و یخلد فی النار، نعوذ بالله من النار » (وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۲۳۲)

۱. محمد تقی مصباح، هفته نامه پرتو، ۲ / ۱۰ / ۸۱

۲. آیه ۳۲ سوره اسراء

۳. سوره نور، آیه ۲

گفتار دوم: راههای اثبات زنا

(۱) اقرار بر زنا

یکی از راههای اثبات زنا اقرار مرتکب زنا می‌باشد. در صورتی اقرار می‌تواند موجب ثبوت زنا شود که اقرار کننده کامل (عقل و بالغ) مختار و آزاد باشد (یا اگر بنده است) مولایش او را تصدیق کند و اشاره کسی که لال است (در اقرار به زنا) کفایت می‌کند. اما حد زنا بر اقرار کننده ثابت نمی‌شود مگر آنکه چهار بار اقرار کند. بین فقهای شیعه دیده نشده که کسی قائل باشد به اینکه کمتر از چهار مرتبه اقرار به زنا در ثبوت حد کافی باشد. لازم به ذکر است که در اعتبار چهار مرتبه اقرار به زنا جهت ثبوت زنا فرقی بین زانی و زانیه نیست.^۱ اگر شخصی به ثبوت حد در ذمه اش اقرار کند، آن گاه توبه کند بنابر نظر مشهور فقهاء، امام در اقامه حد بر او و بخشودن او مخیر است خواه حدی که به آن اقرار کرده سنگسار باشد یا غیر آن. (جواهر الکلام، ج ۴۱، ص ۲۹۳)

(۲) شهادت بر زنا

یکی دیگر از راههای اثبات زنا گواهی بینه می‌باشد، اگر کسانی که شهادت به زنا کردن مرد یا زنی می‌دهند کمتر از حد نصاب باشند (که عبارتست از چهار مرد، یا سه مرد و دو زن و یا دو مرد و چهار زن) همه آنها به خاطر دروغی که بسته‌اند حد می‌خورند (شهید ثانی، ج ۴، ص ۲۶۹). اگر مجرم و گناهکار قبل از تمام شدن شهادت شهود توبه کند بدون هیچ اختلافی بین فقهاء حد اوساقت می‌شود. چه این که حدش سنگسار باشد و چه تازیانه (تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۴۱۶). اما بعد از قیام شهادت بر زنا، طبق فتوی مشهور، توبه تأثیری در سقوط حد مطلقاً (چه تازیانه و چه سنگسار) ندارد اما از جانب شیخ مفید و شیخ ابی الصلاح و سید ابی المکارم نقل شده که بعد از قیام بینه بر زنا امام بین اقامه حد و بین عفو مخیر است. (جواهر الکلام ج ۴۱، ص ۳۸)

گفتار سوم: مجازات زنا

هرگاه زنا با یکی از راههای یاد شده (اقرار، قیام بنیه) ثابت شده باشد، باید برزانی حد جاری شود و حد آن بر ۸ قسم می‌باشد:

(۱) کشتن که در چند مورد واجب است:

^۱ محمد محمدی گیلانی، حقوق کیفری در اسلام ص ۳۸، ص ۳۹

الف) در زنا با محارم نسبی مثل مادر دختر و خواهر، عمه، خاله، برادر زاده و خواهر زاده و مانند آنها.

ب) زنا با کافر ذمی، هرگاه با زن مسلمان چه اینکه زن خودش با میل و رغبت تن به زنا بدهد یا مرد ذمی او را مجبور به زنا کند.

ج) مردی که زن را مجبور به زنا با خودش کرده باشد. در این موارد سه گانه احصان معتبر نیست، یعنی خواه زانی محصن باشد یا نباشد حد او قتل است. (شهید ثانی، ج ۴، ص ۲۷۳، ۲۷۴)

۲) سنگسار

در مورد آن در مبحث هفتم به تفصیل شرح داده شد.

۳) تازیانه

حد مرد بالغ محصن صد تازیانه می‌باشد که با دختر بچه‌ای که به سن نه سال نرسیده یا زن دیوانه اگر چه بالغ باشد، زنا کرده است و نیز حد زنی است که پسر بچه نابالغ با او زنا کرده است و اگر مرد دیوانه و بالغ با او زنا کند حد کامل بر او جاری می‌شود. یعنی اگر زن محصن باشد ابتدا او را تازیانه می‌زنند سپس سنگسار می‌کنند. لازم به ذکر است به اتفاق فقها حد بر مرد و زن دیوانه واجب نیست. اما شیخ طوسی و شیخ مفید معتقدند که بر دیوانه همان حدی که بر عاقل است، ثابت می‌شود، چه سنگسار باشد چه تازیانه (شهید ثانی، ج ۴، ص ۲۸۵، ۲۸۶)

۳) تازیانه و تراشیدن سر و تبعید کردن

این عقوبت بر مردانی آزاد و غیر محصن واجب می‌شود اگر چه مالک فرج نباشد (منظور از مالک فرج، پسری است که ازدواج کرده اما دخول و نزدیکی نکرده است) ولی مجازات تراشیدن سر و تبعید برای زن نیست بلکه او را صد تازیانه می‌زنند و شیخ طوسی مدعی اجماع فقها بر این حکم می‌باشد. (شهید ثانی، ج ۴، ص ۲۸۸)

۴) پنجاه تازیانه

حد زن و مرد مملوکی است که بالغ و عاقل می‌باشد اگر چه ازدواج کرده باشد.

۵) حد مبعوض

حد مملوکی است که بخشی از وی آزاد شده است چنین کسی به اندازه‌ای که آزاد است حد آزاد و به اندازه‌ای که مملوک است حد مملوک بر او جاری می‌شود.

۶) ضغث:

تعدادی چوب و مانند آن است که به صورت دسته‌ای در آورده‌اند و آن را به دست گرفته و یکباره بر مجرم به گونه‌ای بزنند که بدنش را به درد آورد. ضغث حد زانی مریض است که تحمل خوردن تازیانه مکرر و پشت سر هم نداشته باشد و تعجیل در اجرای حد لازم باشد و مصلحتی در تأخیر آن نباشد.

۷) تازیانه و کیفر زائد بر آن.

تازیانه تعیین شده همراه با کیفر زاید بر آن کسی است که در شب و یا روزه ماه رمضان زنا کرده و یا در سایر زمان‌های شریف مثل روز جمعه و یا در مکان شریفی مثل مسجد زنا کرده باشد و یا آن که با زن مرده زنا کرده باشد، در مقدار زیادی بر طبق نظر حاکم عمل می‌شود در این حکم فرقی نیست میان آنکه علاوه بر تازیانه، سنگسار نیز ثابت باشد یا نباشد. (ر.ک، شهید ثانی، ج ۴، ص ۱-۲۹۰)

مبحث دهم: سقط جنین و اسناد بین المللی

از دیدگاه مذهبی و ارزشهای اخلاقی سقط جنین موضوعی چالش برانگیز است برای مثال کلیسای کاتولیک روم جنین را در وضعیت مساوی با انسان تولد یافته قرار می‌دهد و فقط هنگامیکه جان مادر در خطر است امکان سقط جنین فراهم می‌شود. اما در بعضی کشورهای پر جمعیت مثل هندیک روش مناسبی برای کنترل جمعیت و در کشورهای اروپایی شرقی مثل چکسلواکی، بلغار، آلمان شرقی، مجارستان، هلند و رومانی بعد از جنگ جهانی دوم^۱ به علت دستیابی به استقلال اقتصادی و با در نظر گرفتن زنان به عنوان نیروی کار با ایجاد تفکر سوسیالیسم و اعطای برابری قانون فراهم شد.^۲

حق جنین برای زندگی

بررسی معاهدات حقوق بشری هیچ مقرراتی را به صراحت در مورد حق زندگی جنین ندارد.^۳ واقعیتی که مطرح است این است که خیلی دولت‌ها مثل اتحاد جماهیر شوروی به طور معمول و سنتی حق زندگی جنین را شناسایی نکردند.^۱

¹ Scott, *Women in Eastern Europe*, in Sax ROLES AND SOCIAL POLICY, *supra* note 2, at 177; V. ToMslc, *TiHi STATUS OF WOMEN, FAMILY PLANNING AND POPULATION DYNAMICS, WORLD POPULATION CONTROL-RIGHTS AND RESTRICTIONS* 244 (1975). See also G. ZATUCHNI, J. SCIARRA & J. SPRIDRL, *PREGNANCY TERMINATION: PROCEDURES, SAFETY AND NEW DEVELOPMENTS* 416-25 (1979).

² Scott, *supra* note 3, at 179-80.

³ E.g., *The Universal Declaration on Human Rights*, *supra* note 7; U.N. CHARTER, *infra* note 62; International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights, G.A. Res. 2200A, 21 U.N. GAOR, Supp. (No. 16) 49, 50, U.N. Doc. A/6316 (1966); International Covenant on Civil and

بنابراین شناسایی ضمنی از چنین حقی یک تعهد الزام آور برای دولت هایی که چنین نوع از حقی را شناسایی کرده اند می باشد. در هر دو اعلامیه جهانی حقوق بشر^۲ و کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادیهای اساسی^۳ حاکی از آن است که هرکس حق زندگی دارد و اینکه هیچ کس نباید رفتار بی رحمانه، غیر انسانی و تحقیر آمیز داشته باشد، بنابراین عبارت هرکس و هیچ کس که آیا در مورد جنین نیز صدق می کند به عملکرد کشورهای عضو توافقنامه^۴ و هم چنین زبان توافق کلی^۵ و مشخص کردن اینکه آیا چنین تفسیری بوسیله کشورهای عضو در نظر گرفته شده است یا خیر، بستگی دارد. دولت اتریش استدلال کرد که ماده ۲ از کنوانسیون اروپایی در مورد اینکه حق زندگی و هرکس باید بوسیله قانون محافظت شود قابل اجرا برای زندگی تولد نیافته نیز هست^۶ دادگاه قانون اساسی اتریش به دلیل ایجاد یک استاندارد حداقل رایج و اینکه کمیسیون دادگاه حقوق بشر، هیچ سابقه ای در مورد این موضوع ندارد^۷ و بعضی دولت های عضو هم حق زندگی را برای موجوداتی که هنوز متولد نشده اند^۸ و همچنین معاهده صلح سن رژمن حاوی زبانی بود که بطور ضمنی عبارت « همه » را برای انسان های متولد شده محدود می کرد، با دولت مخالفت کرد. یک اعلامیه در مورد توسعه و پیشرفت اجتماعی و اعلامیه تهران هر دو می گویند: والدین یک حقوق انسانی بنیادی بصورت آزادانه و مسئولانه برای تعیین تعداد و فاصله فرزندانشان دارند.

کمیته شورای اروپا اقداماتی برای استفاده از سقط جنین به عنوان یک روش تنظیم خانواده در قطعنامه ۱۹۷۵ ایجاد کرد که در این قطعنامه گفته شده نیاز به سقط جنین باید کاهش یابد و اینکه سقط جنین باید تحت بهترین امکانات از شرایط پزشکی انجام شود بدون در نظر گرفتن وضعیت اقتصادی یا اجتماعی زنان و عمل سقط جنین غیر قانونی با خطرات مرتبط با آن باید حذف شود. در این قطعنامه اشاره شده، به رجحان روشهای ضد بارداری غیر معمول نسبت،

Political Rights, *supra* note 8; European Convention for the Protection of Human Rights and Fundamental Freedoms, *supra* note 9; and the American Convention on Human Rights, *supra* note 10. See also F.G. JACOBS, THE EUROPEAN CONVENTION ON HUMAN RIGHTS 221-22 (1975).

^۱ . H. HOLTER & H. HENRIKSEN, *supra* note 5, at 179-81; David, *Soviet Union, in ABORTION RESEARCH: INTERNATIONAL EXPERIENCE* 209 (H. David ed. 1974).

^۲ . The Universal Declaration of Human Rights, articles 3 and 5, *supra* note 7

^۳ . The European Convention for the Protection of Human Rights and Fundamental Freedoms, articles 1, 2, and 3, *supra* note 9.

^۴ . Statute of the International Court of Justice, Art. 38, [1947] P.C.I.J., ser.D, No. 1 at 46; Waldcock, *General Course on Public International Law*, [1962] 106 REcuEm DES CouRs 49-53 (Acad-mie de Droit International).

^۵ .

^۶ . *Id.*

^۷ . *Id.* at 234-35.

^۸ . *Id.* at 235

سقط جنین که دارای ریسک بالایی از خطر می‌باشد. قطعنامه کنترل تنظیم خانواده اروپایی موضوعات مختلفی از قبیل احترام و کرامت انسانی را که مرتبط با سقط جنین می‌شود، شناسایی کرد. هم چنین اختلاف نا مطلوب زنان با استطاعت مالی و زنان فقیر را که در مورد زنان فقیر منجر به سقط (backstreet) بوسیله متخصصان بی‌تجربه انجام می‌شود به طور ضمنی مورد شناسایی قرار دارد.

مبحث یازدهم سقط جنین و قوانین اسلامی

در قرآن در آیه ۳۲ از سوره مائده قتل به ناحق یک نفر را مساوی کشتن همه بشریت دانسته است. رسول گرامی اسلام (ص) فرمودند: «از نظر خداوند سرکش ترین بنده کسی است که خون بی‌گناهی را بریزد و دل انسان قاتل چنان واژگون می‌شود که دیگر کار خوب را خوب و کار بد را بد نمی‌داند و به کفر نزدیک می‌شود» (میزان الحکمه، ج ۹، ص ۲۹۲ - ۲۸۸) وقتی خداوند قاتل انسان معصومی که مستحق مردن نیست را این چنین تهدید می‌کند و در کمین او می‌نشیند تا انتقام بگیرد، باید تکلیف کشتن جنین روشن باشد جنینی که اولاً: هنوز هیچ گناهی مرتکب نشده است و خداوند درباره او و نوزادان بی‌گناه زنده به گور شده فرمود: «و اذا الموده سئلت، بأی ذنب قتلت» و هنگامیکه از نوزادان سؤال خواهد شد که به کدامین گناه کشته شدند^۱

ثانیاً: هیچ گونه ظلم و ستمی علیه قاتل خود مرتکب نشده اند. چنین نفسی از ناحیه کسی که هیچ گونه بدی از سوی او به قاتل نرسیده و بلکه از ثمره وجود خود اوست، فطرتاً بسیار منفور و غیر انسانی تر می‌باشد.

ثالثاً: جنایت علیه کسی صورت گرفته که به هیچ وجه قادر به دفاع از خود نبوده و مظلومانه کشته شده و از ناحیه کسی صورت گرفته که از او توقع محبت و عطف می‌رفته است. به همین دلیل در آیه ۳۳ اسراء مقتول مظلوم را خداوند (منصور) لقب داده که به معنای انتقام قطعی و حتمی می‌باشد.

در آیه ۹۶ سوره اعراف می‌فرماید: اگر مردم شهرها تقوی داشته باشند برکات آسمان و زمین را بر آنان نازل می‌کنیم و اگر گناه کنند دچار فقر و تنگدستی می‌شوند. (اصول کافی، ج ۳، ص ۳۷۶)

^۱. سوره تکویر، آیه ۸ و ۹

بنابراین کسی که تقوی لازم را نداشته باشد از او انتظار می‌رود که دست به جنایتی مثل سقط جنین بزند.

مبحث دوازدهم: تسری قوانین اسلامی به راهزنی دریائی

راهزنی دریائی شامل اقداماتی در دریا، مثل تجارت اموال قاچاق و ضرب و جرح، قتل، گروگان گیری و باج خواهی و ایجاد رعب و وحشت و برهم زدن امنیت دریاها می باشد که این موارد مصادیق جنایت بر علیه تمامیت جسمانی یا روحی یا مالی به صورت خصوصی یا به شکل عمومی می باشد.

خداوند در آیه ۳۳ سوره مائده می فرماید:

«انما جزاء الذین یحاربون الله و رسوله و یرسلون فی الارض فسادا ان یقتلوا و یصلبوا او تقطع ایدیهم و ارجلهم من خلف او ینفوا من الارض ذلک لهم خزی فی الدنیا و لهم فی الآخرة عذاب عظیم»

« کیفر آنها که با خدا و رسولش به جنگ بر می خیزند و اقدام به فساد در روی زمین می کنند (و با تهدید اسلحه، به جان و مال و ناموس مردم حمله می برند)، فقط این است که اعدام شوند یا به دار آویخته شوند یا (چهار انگشت از) دست (راست) و پای (چپ) آنها، به عکس یکدیگر، بریده شود، و یا از سرزمین خود تبعید گردند. این رسوایی آنها در دنیاست و در آخرت، مجازات عظیمی دارند.»

با توجه به این آیه خداوند در حقیقت اقدام به فساد در روی زمین را در حکم محاربه با خود و رسولش دانسته است.

صاحب جواهر محاربه را به این صورت بیان می کند. «المحارب کل من جرد سلاح لاختافة الناس فی بر او بحر لیلا او نهارا فی مصر وغیره»

در ایین جا لازم است که تعریفی از راهزنی داشته باشیم «راهزنی عبارت است از: گرفتن اموال مسافران و عابران در راهها و شوارع، ضمن غافلگیری و تهاجم مسلحانه (گلدوزیان ۷۷، ۱۳۹۳)

بنابراین می توان از منظر فقهی حکم محاربه را به راهزنی دریائی تسری داد، که علاوه بر شرایط کلی مربوط به سارقین، از جمله، عقل و بلوغ، اختیار، قصد، عدم اضطرار و.... به طور اخص هم با شرایطی هم چون مسلحانه بودن راهزنی دریائی؛ همراه بودن با قهر و غلبه و اعمال زور یا تهدید؛ همراه بودن با رعب و وحشت و ایجاد خوف و ترس بین خدمه و کار

کنان و مسافران احتمالی (سلب امنیت فرد)، و چهارم همراه بودن با برهم زدن امنیت دریا (سلب امنیت دریا) همسان می باشد.

مبحث سیزدهم: بررسی فقه اسلامی در جرم سیاسی بغی

در کنفرانس بین المللی حقوق جزا در سال ۱۹۳۵ (کپنهاگ) جرائمی که علیه تشکیلات و انجام وظایف مهم سیاسی کشور صورت می گیرد را در زمره جرائم سیاسی به حساب می آورند.

در کمیته عمومی مصوب ۲۰۱۸ حق حیات راجع به ماده ۶ میثاق حقوق مدنی و سیاسی، مجرمین سیاسی که مرتکب قتل نشده اند باید تحت محافظت قرار گیرند. در صورتیکه در قوانین اسلامی مجرمین سیاسی مصداق بارز آن شورش در برابر حاکم و حکومت اسلامی و خروج گروهی از مسلمانان بر امام عادل می باشد با وجود امری به نام توبه که در نهاد کیفری اسلام در جرائم خاصی پذیرفته شده است و یکی از عوامل رافع مسئولیت کیفری در نظر گرفته شده است، امکان پذیر می باشد این شورش که به آن بغی گفته می شود، از مصادیق جرم ساسی محسوب می شود. بین جرم سیاسی و عنوان بغی می توان ارتباط عموم و خصوص مطلق ایجاد کرد. در حکومت اسلامی در صورت توبه نکردن افراد باغی باید با آنها جنگید تا به اطاعت امام معصوم در آیند یا اینکه همانند کفار کشته شوند. این به معنای آن نیست که وجود امام شرط وجوب برای دفع طغیان باشد. بلکه انتخاب و تحصیل امام واجب است. چرا که خداوند در سوره حجرات آیه ۹ می فرماید:

و اگر دو گروه از مومنان با یکدیگر بجنگند، میان آنها صلح و آشتی بر قرار کنید، و اگر یکی از آن دو گروه بر دیگری تجاوز کند، بجنگید تا به حکم خدا باز گردد. پس اگر بازگشت میان آنها به عدالت و انصاف، صلح و آشتی بر قرار کنید؛ و همواره دادگری را پیشه سازید که خدا دادگران را دوست دارد. می بینیم که در آیه شریفه اسمی از امام نیست ولی هر جنگ و نزاعی در خارج بر وجود امام یا فرمانده ای متوقف است که جنگجویان را رهبری کند. در سلسله سندی از امام صادق (ع) نقل شده است: «قتل (کشتن) دو نوع است. یکی کفاره گناه و معصیت است؛ دیگری شهادت و کشتن در راه خداست. و جنگیدن نیز دو نوع است جنگیدن با کفار؛ و جنگیدن با گروه بغی، تا زمانیکه به اطاعت و فرمانبرداری بر گردند.» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۵، ص ۲۹).

حضرت علی (ع) در خطبه ۱۷۳ در خصوص ویژگی های رهبر اسلامی در زمان فتنه میفرماید: «ای مردم! سزاوارترین اشخاص به خلافت، آن کسی است که در تحقق حکومت

اسلامی نیرومندتر، و در آگاهی از فرمان خدا داناتر باشد، تا اگر آشوبگری به فتنه انگیزی برخیزد، به حق باز گردانده شود و اگر سر باز زد با او مبارزه شود.»

بنابراین فلسفه جهاد با بغات، دفاع از حکومت اسلامی است و همین که فردی عادل و آگاه به مسائل اسلام، در رأس حکومت باشد، خروج کننده بر او باغی شمرده می شود.

نتیجه

تمامی قوانینی که در اسلام وضع شده است، در جهت بهتر شدن و بالاتر رفتن کیفیت زندگی انسانهاست چرا که بر اساس فطرت بشری طرح ریزی شده است. انسان و فطرت او توسط خالق یکتایی آفرینش پیدا کرده است که با حکمت و تدبیر نسبت به هستی به تشریع قوانین پرداخته است. از جمله این قوانین صیانت از حق حیات می باشد که در دین اسلام از ابعاد مختلف آن به صورت کامل و جامع به آن توجه شده است. بنابراین در مقام اجرا باید حکومتی وجود داشته باشد که تضمینات لازم برای اعمال صحیح آن را فراهم کند. در مورد قصاص قاتل محقون الدم راهکارهای دیگری مثل بخشش یا گرفتن دیه توسط اولیای دم نیز وجود دارد. یا ارتکاب یکی از جرائم حدی که مستوجب مجازات اعدام می باشد، که آن هم تحت شرایط خاصی که تحقق آن برای انجام امر مجازات اعدام به راحتی میسر نمی شود، مقرر شده است. بی شک آورده های موجود در قوانین اسلام چه در ابعاد حقوق بشر و چه ابعاد مختلف دیگر بسیار درست تر و کاملتر نسبت به اسناد حقوق بشر که توسط انسانها بر مبنای عقاید سکولار و کمونیستی ایجاد شده است، می باشد. چنین قوانین کامل و بدون نقصی تلاش و عظم بسیار جدی را می طلبد که با وجود فشارهای بین المللی که در جهت بی رنگ کردن چنین قوانینی انجام می پذیرد جای پای خود را هم در دنیای اسلام و هم در مجامع بین المللی هر روز بیش از روز قبل مستحکمتر سازد.

منابع و مأخذ

ابن ابی فراس، ورام، مجموعه ورام، ج ۱، ص ۴۷، انتشارات مکتبه الفقیه، قم.
اشرف احمدی، قانون و دادگستری در شاهنشاهی ایران، (تهران، وزارت فرهنگ و هنر، ۱۳۵۴)، ص ۱۵۰.

تحریرالوسیله، روح الله الموسوی الخمینی، جلد ۲، ص ۶۲۴، جواهر الکلام، محمد حسن النجفی، جلد ۴۱، ص ۶۵ تا ۶۱۶

الترغیب و الترهیب، البطعۃ الثالثه، داراحیاء التراث، بیروت ۱۳۸۸، ج ۳، ص ۳۰۱، ح ۴، المجلدات ۱۸، الطبعه الثانيه، دارالکتب العربی، بیروت ۵۱۴۰۷، ج ۲، ص ۱۱۸.

تمیمی آمدی، عبد الواحد، غرر الحکم و دررالحکم، ص ۴۱.

تمیمی آمدی، عبد الواحد، غرر الحکم و در الکلم، ص ۵۱

جاوید صلاحی، کیفر شناسی، چاپ دوم، تهران، انتشارات دانشگاه ملی، ۱۳۵۴، ص ۸۱.

جوادی آملی، عبدا...، (۱۳۹۵)، فلسفه حقوق بشر.

حسینی تهرانی، سید محمد حسین؛ ولایت فقیه در حکومت اسلام، تهران، انتشارات مؤسسه ترجمه و نشر دوره علوم و معارف اسلامی، ۱۴۱۵ ق، چاپ اول، ج ۴، صص ۲۲۶-۲۲۵.

الحسینی الشیرازی، سید محمد، الفقه (موسوعه استدلالیه فی الفقه اسلامی) بیروت دار العلوم،

۱۴۰۹ ق، الطبعه الثانيه، ج ۴۷، ص ۱۹۷، منتظری، حسینعلی؛ مبانی فقهی حکومت اسلامی،

ترجمه و تقریر

حسینی، سید ابراهیم، (۱۳۸۲)، ارتداد در آئینه فلسفه حقوق اسلامی، مجله معرفت شماره ۶۹، خلیلی، محمد علی، طب الصادق، نصیر الدین امیر صادقی، انتشارات عطائی، ۱۳۷۰ ش، چاپ ۱۲، ص ۱۴۲.

دیدگاه اقتصاد و حقوق، بررسی حکم سنگسار از منظر فقه و حقوق بشر

زین الدین بن علی بن احمد عاملی (شهید ثانی)، مسالک الفهم، ج ۱۴، ص ۳۵۸

ژان پرادل، ترجمه علی حسین نجفی، ابرند آبادی، تاریخ اندیشه‌های کیفر، ترجمه علی حسین نجفی، ابر آبادی، ص ۵۹-۶۱.

ژان پرادل، تاریخ اندیشه ها کیفری، ترجمه علی حسین نجفی ابرند آبادی، چاپ اول، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۱، ص ۱۶

سخنرانی حجت الاسلام محسن قرائتی (بی تا) سوره بقره آیه ۱۷۹

سخنرانی حجت الاسلام محسن قرائتی (بی تا) تفسیر سوره اسرا - آیه ۳۳

سخنرانی حجت الاسلام محسن قرائتی (بی تا) تفسیر سوره مائده - آیه ۳۲

- سخنرانی حجت الاسلام محسن قرائتی (بی تا) سوره بقره آیه ۱۹۴
- سخنرانی حجت الاسلام قرائتی (بی تا) تفسیر سوره مائده آیه ۴۵
- سزار بکاریا، جرائم و مجازات ها، ترجمه محمد علی اردبیلی، چاپ ۴، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۰، ص ۸۰.
- سزار بکاریا، ترجمه محمد علی اردبیلی، چاپ ۴، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۰، ص ۷۱
- سید محمد قاری، سید فاطمی « حق حیات » مجله تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۳۳۲، ص ۱۵۴
- شمس ناتری، محمد ابراهیم، (۱۳۷۸)، بررسی تطبیق مجازات اعدام، مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی، پژوهشکده فقه و حقوق، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، مرکز انتشارات.
- شهید اول، لمعه دمشقیه، ترجمه و تبیین علی شیروانی، ۱۳۷۷، جلد دوم، ص ۲۲۴، تا ص ۲۲۶
- شیخ ابی یعقوب کلینی، الفروع من الکافی، الطبعة الثالثة، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۷، ه ج ۷، ص ۴۵، باب من التجوز وصيته من البالغين، ح ۱؛
- شیخ صدوق؛ من لایحضره الفقیه، الطبعة الثانية، جامعه، المدرسین، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۵۷۱، ج ۴۹۵۳.
- شیخ طوسی، محمد بن حسن، النهایة فی مجرد الفقه و الفتاوی، باب حد محارب ص ۷۲۱، چاپ سوم، دارالکتب العربیه
- شیخ طوسی، محمد بن حسن، تفسیر تبیان، ج ۳، ص ۵۰۴، چاپ نجف اشرف
- صبور اردوبادی، احمد، راه های مبارزه با سموم میکروبی روده ها (و غرب اسلام) ص ۲۱۴- ۲۱۸، دانشگاه آذر آبادگان، چاپ اول، ۱۳۵۴ ش.
- ضیائی بیگدلی، محمدرضا، ۱۳۲۱، اسلام و حقوق بین الملل، تالیف محمد رضا ضیائی، بیگدلی [ویرایش ۳] . تهران: نشر گنج دانش، ۱۳۹۵.
- ضیائی بیگدلی، محمد رضا، (۱۳۹۵)، اسلام و حقوق بین المللی، ویرایش ۳، نشر گنج دانش.
- علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، المکتبه الاسلامیه، ۱۳۸۹، ق ج، ۶۶، ص ۳۳۳، ح ۱۴
- علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، المکتبه الاسلامیه، ۱۳۸۹، ق ج، ۶۶، ص ۳۳۱، ح ۷
- علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، مؤسسه الوفاء، بیروت، ج ۶۶ ص ۳۳۶، ص ۲۹.
- فصلنامه فقه پزشکی، (۱۳۹۰)، شماره ۹
- فصلنامه فقه پزشکی، (۱۳۹۱)، شماره ۱۰
- فیض کاشانی، ملا حسن المحجبه البیضاء، ج ۵، ص ۱۵۱، تصحیح و تعلیق علی اکبر غفاری، نشر دفتر تبلیغات اسلامی چاپ چهارم، ۱۴۱۷ ق.

قاری سید فاطمی، محمد، ۱۳۴۰، حقوق بشر در جهان معاصر، دفتر دوم، جستارهای تحلیلی در
 حق‌ها و آزادیها، تهران، موسسه پژوهشی نگاه معاصر، چاپ چهارم، ۱۳۹۶، ص ۵۰
 قاری سید فاطمی، سید محمد، (۱۳۹۵)، در آمدی بر مباحث نظری، مفاهیم، مبانی، قلمرو و منابع،
 دفتر اول، نشر نگاه معاصر، چاپ چهارم.
 قاری سید فاطمی، سید محمد، (۱۳۹۶)، جستارهای تحلیلی از حق‌ها و آزادی‌ها، دفتر دوم نشر نگاه
 معاصر، چاپ چهارم

کتب فقهی شیعه و سنی، باب نجاسات، از جمله شرایع الاسلام (مرحوم محقق)
 کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، تصحیح تحقیق علی اکبر غفاری، موسسه دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۷ ق،
 ج ۶، ص ۲۶۹، حدیث ۹.
 کیال، مهنوش، (۱۳۹۴)، بررسی مجازات اعدام در اسناد جهانی و تطبیق این مجازات با قوانین
 ایران، تهران، مجد، چاپ اول.

کتب

مجتبوی، سید جلال الدین، علم اخلاق اسلامی (جامع السعادات)، ج ۳، ص ۱۳، انتشارات
 حکمت، چاپ چهارم، ۱۳۷۷، ش
 مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۶۳، ص ۳۳۷، ح ۳۳، موسسه الوفاء بیروت، لبنان، ۱۴۰۴ ق.
 محدث نوری، حسین، مستدرک الوسائل، ج ۵، ص ۱۱۹، ج سوم، موسسه آل البیت، قم، ۱۴۰۸ ق.
 محروقه جهانبخش اصل، « مجازات اعدام » پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تهران، ۱۳۵۹.
 محمد محمدی گیلانی، حقوق کیفری در اسلام ص ۳۸، ص ۳۹ بدون تاریخ
 محمد ابراهیم شمس ناتری، بررسی تطبیقی مجازات اعدام، چاپ اول، قم. مرکز انتشارات دفتر تبلیغات
 اسلامی، ۱۳۷۸، ص ۴۵.
 محمد ابراهیم شمس ناتری، بررسی تطبیقی مجازات اعدام، چاپ اول، قم. مرکز انتشارات دفتر تبلیغات
 اسلامی، ۱۳۷۸، ص ۴۹.
 محمد ابراهیم شمس ناتری، بررسی تطبیقی مجازات اعدام، چاپ اول، قم، مرکز انتشارات دفتر
 تبلیغات اسلامی ۱۳۷۸، ص ۷۸.
 محمد ابراهیم شمس، بررسی تطبیقی مجازات اعدام، چاپ اول، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات
 اسلامی ۱۳۷۸، ص ۴۷
 محمد تقی مصباح، پرسش‌ها و پاسخ‌ها (آزادی و پلورالیسم)، قسم، مؤسسه امام خمینی، ۱۳۷۹،
 ج ۴، ص ۳۸

محمد تقی مصباح، هفته نامه پرتو، ۲ / ۱۰ / ۸۱

- محمود صلواتی، تهران نشر سرایی، ۱۳۷۹، چاپ سوم ج ۳، صص ۵۷۷-۵۷۶.
- مصطفی العوجی، دروس فی العلم الجنائی، ج ۲ ص ۶۲۷. بدون تاریخ
- مکارم شیرازی، ناصر، پیام قرآن (حکومت اسلامی در قرآن مجید)، تهران: دارالمکتب الاسلامیه، ۱۳۷۷، ج ۱۰، صص ۴۱۹-۴۲۱.
- مکارم شیرازی، ناصر، (بی تا)، ترجمه گویا و شرح فشرده ای بر نهج البلاغه با ترجمه آشتیانی، محمد رضا و امامی، محمد جعفر، ج ۳، ص ۲۴۹، شماره ۱۰۸، انتشارات مطبوعاتی هدف، قم، چاپ اول.
- منتظری، حسینعلی؛ مبانی فقهی حکومت اسلامی، ترجمه و تقریر، محمود صلواتی، تهران نشر سرایی، ۱۳۷۹، چاپ سوم، ج ۳، ص ۵۷۳.
- منشور سازمان ملل متحد، ماده ۵۵
- موحد، محمد علی، (۱۳۸۱)، در هوای حق و عدالت از حقوق طبیعی تا حقوق بشر، تهران، نشر کارنامه.
- موسوی اردبیلی، فقه الحدود و التعزیرات، ص ۴۹۱، ص ۶۵۴، جواهر الکلام، جلد ۴۱، ص ۶۰۵، بدون تاریخ
- موسوی اردبیلی، فقه الحدود و التعزیرات، ۸۳۶، ابن قدامه المقدسی، المغنی، جلد ۱۰، ص ۷۶، بدون تاریخ
- موسوی خمینی، سید روح الله، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۴۹۲
- مهرداد رایجیان « جایگاه کیفر مرگ در جهان ». مجله پژوهش، حقوق و سیاست، سال ششم، شماره ۱۱، بهار و تابستان ۱۳۸۳، ص ۱۱۶.
- نراقی، ملاح احمد، معراج السعاده، ص ۳۱۳، انتشارات هجرت، چاپ پنجم، ۱۳۷۷ ش
- هاشمی، سید محمد، (۱۳۹۳)، حقوق بشر و آزادیهای اساسی، نشر میزان، چاپ سوم
- مقاله ها
- پرخوری، ویکی فقه، دانشنامه حوزوی
- کد خدایی، محمد رضا و باقر زاده، محمد رضا، (۱۳۹۰)، بررسی حکم سنگسار از منظر فقه و حقوق بشر، معرفت حقوقی، شماره ۲
- نرگسی، نرگس، ابعاد حقوق بیماران از منظر قرآن کریم و سنت اسلامی
- آیت الله مکارم شیرازی، مجله مکتب اسلام، شماره ۸، ص ۱۷، مقاله (احکام و فلسفه دیات در اسلام)، سال ۲۶.

Aaron E. Michel, (1981) 20 J. Fam.L.241 *Abortion and international law the status and possible Extension of women's Right to privacy* , HEIN ON LINE

Additional protocol to the American convention on Human Right to Abolish The Death penalty , OAsTs 73 , 29 ZLM 1997.

Adolf Hitler, *mein kampf* , Boston Houghton Mifflin , 1943 , P. 545

adopted on 23 March 2010, para. 7.2; Communication No. 1458/2006, *Gonzalez v Argentina*, Views adopted on 17 March 2001, para.9.4; Concluding Observations: Jamaica (2011), para. 16. Cf. *Calveiliand Ciglio v Italy*, ECtHR Judgment of 17 Jan. 2002, para. 51.

American convention on Human Rights , 1969 , 1/ 447 UNTs 123 , OASTS 36, art . 4

Antonie Rougier , *La theorie de L intervention d Humontite* , *Revue enerale de Doroit inter national public* 468 , 1910 , pp. 5 17 -518

Basic Principles on the Use of Force and Firearms by Law Enforcement Officials (1990), para. 9.

bligation to protect

Cf. *Barrios Family v. Venezuela*, Judgment of the I/A CHR of 24 Nov. 2011, para. 124.

Cf. Basic Principles on the Use of Force and Firearms by Law Enforcement Officials (1990), para. 14

Cf. *Campeanu v. Romania*, Judgment of the ECtHR of 17 July 2014, para. 131.

Cf. CESCR, Concluding Observations: DRC (2009), para. 19.

Cf. CESCR, General Comment 14 (2000), para. 25 (“attention and care for chronically and terminally ill persons, sparing them avoidable pain and enabling them to die with dignity”).

Cf. Committee on the Rights of the Child, General Comment No. 4 (2003) Adolescent health and development in the context of the Convention on the Rights of the Child (2003), para. 11.

Cf. Communication No. 210/1986, *Pratt and Morgan v Jamaica*, para. 15. Second Additional Protocol, preamble.

Cf. Communication No. 2425/2014 *Whelan v Ireland*, Views adopted on 17 March 2017, para. 7.12.

Cf. Communication No. 469/1991, *Ng v Canada*, Views adopted on 5 Nov, 1993, para. 16.4.

Cf. CRC, General Comment No, 10 (2007), para. 35, 39.

Cf. *Edwards v. UK*, ECtHR Judgment of 14 June 2002, para. 60.

Cf. *Egyptian Initiative for Personal Rights v Egypt*, Report of the ACHPR of 1 March 2011, para. 204.

Cf. General Comment 20, para. 5; *Gatt v. Malta*, judgement of the European Court of Human Rights of 27 July 2010, para. 29.

Cf. General Comment 35, para. 22.

Cf. General Comment No. 3 on the African Charter on Human and Peoples’ Rights: The Right to Life (Article 4)(2015), para. B12

Cf. General Comment No. 35, para. 58.

Cf. *González v. Mexico*, Judgment of the I/A CHR of 16 Nov. 2009, para. 236.

Cf. in the context of armed conflicts, the Montreux Document on pertinent international legal obligations and good practices for States related to operations of

- private military and security companies during armed conflict, ICRC/Swiss Federal Department of Foreign Affairs, 17 Sept. 2008
- Cf.* International Convention for the Protection of All Persons from Enforced Disappearance, art. 24
- Cf.* International Convention for the Protection of All Persons from Enforced Disappearance, art. 24.
- Cf.* Joint General Recommendation No. 31 of the Committee on the Elimination of Discrimination against Women and No. 18 of the Committee on the Rights of the Child (2014), para. 56
- Cf.* Kazingachire v Zimbabwe, Report of the ACHPR of 12 Oct. 2013, para. 118-120
- Cf.* Malawi Africa Association v Mauritania, Report of the ACHPR of 11 May 2000, para. 120
- Cf.* McCann v UK, Judgment of the ECtHR of 27 Sept. 1995, para. 150
- Cf.* NA v UK, Judgment of the ECtHR of 17 July 2008, para. 115.
- Cf.* Ogur v Turkey, Judgment of the ECtHR of 20 May 1999, para. 92.
- Cf.* Öneriyildiz v. Turkey, Judgment of the ECtHR of 30 Nov. 2004, para. 71.
- Cf.* Paris Agreement, preamble, 12 Dec. 2015, UN Doc. FCCC/CP/2015/L.9, Annex.
- Cf.* Pimentel v Brazil, Views of CEDAW of 6 Aug. 2011, para. 7.5; Nitecki v Poland, ECtHR admissibility decision of 21 March 2002; Calvelli and Ciglio v Italy, Judgment of the ECtHR of 17 Jan. 2002, para. 49.
- Cf.* Prosecutor v. Ruggiu, ICTR Trial Chamber Judgment of 1 June 2000, para. 22.CCPR/C/GC/3623
- Cf.* Protocol Additional to the Geneva Conventions of 12 August 1949, and relating to the Protection of Victims of International Armed Conflicts (Protocol I), 8 June 1977, art. 36.
- Cf.* Sawhoyamaya Indigenous Community v. Paraguay, Judgment of the I/A CHR of 29 March 2006, para. 155.
- Cf.* SERAC v Nigeria, Report of the ACHPR of 27 Oct. 2001, para. 67. See also paragraph 62 below.
- Cf.* SW v UK, Judgment of the European Court of Human Rights of 22 Nov. 1995, para. 36.
- Cf.* Tanrikulu v Turkey, Judgment of the ECtHR of 8 July 1999, para. 103.
- Cf.* Ximenes-Lopes v. Brazil, Judgment of the I/A CHR of 4 July 2006, para. 96.
- Cf.* Yakye Axa Indigenous Community v. Paraguay, I/A CHR judgment of 17 June 2005, para. 175.
- Cf.* Yakye Axa Indigenous Community v. Paraguay, Judgment of the I/A CHR of 17 June 2005, para. 167.-
- Code of Conduct for Law Enforcement Officials (General Assembly resolution 34/169 of 17 Dec. 1979), Commentary to Article 3
- Comm. No. 1447/2006, Amirov v Russian Federation, Views adopted on 2 April 2009, para. 11.4.
- Communication 1560/2007, Marcellana and Gumanoy v Philippines, Views adopted on 30 Oct. 2008, para. 7.4.
- Communication 845/1998, Kennedy v Trinidad and Tobago, Views adopted on 26 March 2002, para. 7.4.
- Communication No. 1043/2002, Chikunova v Uzbekistan, Views adopted on 16 March 2007, para. 7.6

Communication No. 1132/2002, *Chisanga v. Zambia*, Views adopted on 18 Oct. 2005, para. 7.4.

Communication No. 1132/2002, *Chisanga v. Zambia*, Views adopted on 18 Oct. 2005, para. 7.4; Communication 1421/2005, *Larranaga v. Philippines*, Views adopted on 24 July 2006, para. 7.2; Communication 1077/2002, *Carpo v Philippines*, adopted on 6 May 2002, para. 8.3.

Communication No. 1132/2002, *Chisanga v. Zambia*, Views adopted on 18 Oct. 2005, para. 7.5. CCPR/C/GC/3622

Communication No. 1132/2002, *Chisanga v. Zambia*, Views adopted on 18 Oct. 2005, para. 7.3.

Communication No. 1134/2002, *Gorji-Dinka v. Cameroon*, Views adopted on 14 March 2005, para. 5.1;

Communication No. 1225/2003, *Eshonov v. Uzbekistan*, Views adopted on 22 July 2010, para. 9.2;

Communication No. 1225/2003, *Eshonov v. Uzbekistan*, Views adopted on 22 July 2010, para. 9.10.

Communication No. 1275/2004, *Umetaliev v. Kyrgyzstan*, Views adopted on 30 Oct. 2008, para. 9.4; Communication No. 1828/2008, *Olmedo v. Paraguay*, Views adopted on 22 March 2012, para. 7.5.

Communication No. 1756/2008, *Zhumbaeva v. Kyrgyzstan*, Views adopted on 19 July 2011, para. 8.6; Communication No. 84/1981, *Barbato v Uruguay*, Views adopted on 21 Oct. 1982, para. 9.2.

Communication No. 1756/2008, *Zhumbaeva v. Kyrgyzstan*, Views adopted on 19 July 2011, para.

Communication No. 1782/2008, *Aboufaied v. Libya*, Views adopted on 21 March 2012, paras. 7.4, 7.6; Communication No. 440/1990, *El-Megreisi v. Libya*, Views adopted on 23 March 1994, para. 5.4. See also paragraph 41 above

Communication No. 1792/2008, *Dauphin v Canada*, Views adopted on 28 July 2009, para. 7.4.

Communication No. 1881/2009, *Shakeel v Canada*, Views adopted on 24 July 2013, para. 8.5.

Communication No. 1959/2010 *Warsame v Canada*, Views adopted on 21 July 2011, para. 8.3.

Communication No. 2000/2010, *Katwal v. Nepal*, Views adopted on 1 April 2015, para. 11.3.

Communication No. 2120/2011, *Kovalev v Belarus*, Views adopted on 29 Oct. 2012, para. 11.10.

Communication No. 2348/2014, *Toussaint v. Canada*, Views adopted on 24 July 2018, para. 11.3. See also Concluding Observations: Israel (2014), para. 12.

Communication No. 305/1988, *Van Alphen v. The Netherlands*, Views adopted on 23 July 1990, para. 5.8.

Communication No. 390/1990, *Luboto v Zambia*, Views adopted on 31 Oct. 1995, para. 7.2.

Communication No. 470/1991, *Kindler v. Canada*, Views adopted on 30 July 1993, para. 13.13.2.

Communication No. 470/1991, *Kindler v. Canada*, Views adopted on 30 July 1993, para. 15.3.

Communication No. 546/1993, *Burrell v. Jamaica*, Views adopted on 18 July 1996, para. 9.5.

Communication No. 563/93 *Arellana v Colombia*, Views adopted on 27 Oct. 1995, para. 8.2; Communication No. 1560/2007 *Marcellana and Gumanoy v Philippines*, Views adopted on 17 Nov. 2008, para. 7.2.

Communication No. 592/1994, *Johnson v Jamaica*, Views adopted on 25 Nov. 1998, para. 10.4.

Communication No. 706/1996, *G.T. V Australia*, Views adopted on 4 Nov. 1997, para. 8.4; Communication 692/1996, *A.R.J. v Australia*, Views adopted on 6 Feb. 1996, para. 6.12; Communication No. 2024/2011, *Israil v Kazakhstan*, Views adopted on 31 Oct. 2011, para. 9.5.

Communication No. 763/1997, *Lantsov v. Russian Federation*, Views adopted on 26 March 2002, para. 9.2.90 Cf. *Edwards v. UK*, ECtHR Judgment of 14 June 2002, para. 60.

Communication No. 775/1997, *Brown v Jamaica*, Views adopted on 11 May 1999, para. 6.13, 6.15.

Communication No. 806/1998, *Thompson v. Saint Vincent and the Grenadines*, Views adopted on 18 Oct. 2000, para. 8.2; Communication 845/1998, *Kennedy v Trinidad and Tobago*, Views adopted on 26 arch2002, para. 7.3

Communication No. 821/1998, *Chongwe v. Zambia*, Views adopted on 25 Nov. 2000, para. 5.2. Cf. *Ilhan v Turkey*, Judgment of the ECtHR of 27 June 2000, para. 75-76; *Rochela Massacre v Colombia*, I/A CHR Judgment of 11 May 2007, para. 127.

Communication No. 829/1998, *Judge v Canada*, Views adopted on 5 Aug. 2002, para. 10.6; Communication No. 1442/2005, *Yin Fong v Australia*, Views adopted on 23 Oct. 2009, para. 9.7.

Communication No. 829/1998, *Judge v Canada*, Views adopted on 5 Aug. 2002, para. 10.9.

Communication No. 84/1981, *Barbato v Uruguay*, Views adopted on 21 Oct. 1982, para. 9.2.

Communication No. R.11/45 *Suarez de Guerrero v. Colombia*, Views adopted on 31 March 1982, para. 15.

Communication No. R.11/45, *Suarez de Guerrero v. Colombia*, Views adopted on 31 March 1982, para. 13.2.

Communication No. R.11/45, *Suarez de Guerrero v. Colombia*, Views adopted on 31 March 1982, para. 13.2-13.3.

Communication No. 1436/2005, *Sathasivam v. Sri Lanka*, Views adopted on 8 July 2008, paragraph 6.4;

Communication No. 390/1990, *Luboto v Zambia*, Views adopted on 31 Oct. 1995, para. 7.2; Communication No. 2177/2012, *Johnson v Ghana*, Views adopted on 27 March 2014, para. 7.3.

communications No. 1447/2006, *Amirov v. Russian Federation*, Views adopted on 2 April 2009, para. 11.2. See also General Comment 31, para. 15, 18.

Concluding Observations: Angola (2013), para. 12; Concluding Observations: USA (2014), para. 10.

Concluding Observations: Angola (2013), para. 14.

Concluding Observations: Armenia (2012), para. 15.

Concluding Observations: Australia (2009), para. 21.

Concluding Observations: Bolivia (2013), para. 15.

Concluding Observations: Botswana (2008), para. 13.
 Concluding Observations: Bulgaria (2011).
 Concluding Observations: Cameroon (2010), para. 15.
 Concluding Observations: Central African Republic (2006), para. 12
 Concluding Observations: Chad (2009), para. 19.
 Concluding Observations: Chile (2013), para. 11
 Concluding Observations: Chile (2014), para. 15; Concluding Observations: Kazakhstan (2011), para. 11;
 Concluding Observations: Colombia (2010), para. 12
 Concluding Observations: Colombia (2010), para. 14.
 Concluding Observations: Democratic People's Republic of Korea (2001), para. 12.
 Concluding Observations: Democratic Republic of Korea (2001), para. 13.
 Concluding Observations: Democratic Republic of Korea (2001), para. 13.
 Concluding Observations: Ecuador (1998), para. 1.
 Concluding Observations: France (2008), para. 24.
 Concluding Observations: France (2015), para. 21.
 Concluding Observations: Guatemala (2001), para. 17.
 Concluding Observations: Guatemala (2001), para. 18
 Concluding Observations: Guatemala (2012), para. 16
 Concluding Observations: Honduras (2006), para. 9.
 Concluding Observations: India (1997), para. 15
 Concluding Observations: Iran (1993), para. 8.
 Concluding Observations: Iran (2011), para. 10.
 Concluding Observations: Iran (2011), para. 12
 Concluding Observations: Iraq (1997), para. 16.CCPR/C/GC/3621
 Concluding Observations: Israel (1998), para. 17. See also para. 23 below.
 Concluding Observations: Israel (2010), para. 12.
 Concluding Observations: Israel (2010), para. 9.CCPR/C/GC/3620
 Concluding Observations: Israel (2010), para. 9-10.
 Concluding Observations: Jamaica (2011), para. 9.
 Concluding Observations: Japan (2009), para. 16.
 Concluding Observations: Japan (2014), para. 13
 Concluding Observations: Japan (2014), para. 13. Cf. Communication 684/1996 R.S. v Trinidad and Tobago, Views adopted on 2 April 2002, para. 7.2.
 Concluding Observations: Kenya (2012), para. 11
 Concluding Observations: Kenya (2012), para. 12.
 Concluding Observations: Kenya (2012), para. 13.
 Concluding Observations: Kenya (2012), para. 9.
 Concluding Observations: Kyrgyzstan (2014), para. 13. See also para. 64 below.
 Concluding Observations: Libya (1998), para. 8; Concluding Observations: Iran (1993), para. 8; Concluding Observations: Sudan (1997), para. 8.
 Concluding Observations: Libya (2007), para. 24.
 Concluding Observations: Malawi (2014), para. 9; Concluding Observations: Pakistan (2017), para. 16
 Concluding Observations: Malta (2014), para. 17. Cf. United Nations Convention on the Law of the Sea, 10 Dec. 1982, art. 98, 18233 UNTS 3; International Convention for the Safety of Life at Sea, 1 November 1974, Ch. 5, Reg. 10, 1184 UNTS 278

Concluding Observations: Mauritania (2013), para. 13.
 Concluding Observations: Mauritania (2013), para. 21.
 Concluding Observations: Nepal (2014), para. 10; Concluding Observations: Liechtenstein (2004), para. 10.
 Concluding Observations: Netherlands (2001), para. 6.
 Concluding Observations: Netherlands (2009), para. 7.
 Concluding Observations: Paraguay (2013), para. 15. See also paragraph 53 below
 Concluding Observations: Philippines (2012), para. 14.
 Concluding Observations: Poland (2010), para. 12; Concluding Observations: DRC (2017), para. 22
 Concluding Observations: Poland (2016), para. 24; Concluding Observations: Colombia (2016), para. 21
 Concluding Observations: Romania (2017), para. 26.
 Concluding Observations: Serbia (2011), para. 21; Report of the Special Rapporteur on extrajudicial, summary or arbitrary executions, 10 April 2012, para. 105.
 Concluding Observations: Sri Lanka (2014), para. 10; Concluding Observations: San Marino (2015), para. 15; Concluding Observations: Argentina (2016), para. 12.
 Concluding Observations: Sweden (2002), para. 10
 Concluding Observations: Tajikistan (2013), para. 11; Concluding Observations: Estonia (2003), para. 13.-
 Concluding Observations: Tanzania (1998), para. 15
 Concluding Observations: Tanzania (2009), para. 15.
 Concluding Observations: Thailand (2005), para. 14.
 Concluding Observations: UK (2001), para. 37.
 Concluding Observations: UK (2015), para. 8.
 Concluding Observations: UK (2012), para. 11
 Concluding Observations: UN administration for Kosovo (2006), para. 14.
 Concluding Observations: US (2014), para. 8.
 Concluding Observations: USA (2014), para. 10.
 Concluding Observations: USA (2014), para. 9.
 Concluding Observations: Uzbekistan (2001), para. 19.
 Concluding Observations: Yemen (2005), para. 15.
 Convention for the protection of Human Rights and fundamental freedoms , 1950 , 213 UNTs 221 , art . 2
 convention on the Rights of the child, G.A.Res. 44 / 45 , 28 L1M 1448
 Convention on the Prohibition of the Development, Production and Stockpiling of Bacteriological(Biological) and Toxin Weapons and on their Destruction, 10 April 1972, 1015 UNTS 163; Convention on the Prohibition of the Development, Production, Stockpiling and Use of Chemical
 Convention on the Rights of Persons with Disabilities, article 10.
 Convention on the Rights of Persons with Disabilities, article 14.
 Convention on the Rights of Persons with Disabilities, article 5(3), 9
 Convention on the Rights of the Child, art. 3(1).
 Convention on the Rights of the Child, art. 3(2).
 Convention on the Rights of the Child, art. 6(2).
 Convention against Torture and other forms of Cruel, Inhuman and Degrading Treatment or punishment, G.A.Res 39/ 69.
 CRC, General Comment No, 10 (2007), para. 75.

D.B. Davis , Movement to Abolish Capital punishment in America, 1787- 1861 , 284 Annals of the American Academy of political and social science 124.

Declaration of the United Nations Conference on the Human Environment, 17 June 1972, para. 1 (preamble); Rio Declaration on Environment and Development, 14 June 1992, Principle 1; United Nations Framework Convention on Climate Change, 9 May 1992 preamble), 1771 UNTS 107.

Declaration on the Right and Responsibility of Individuals, Groups and Organs of Society to Promote and Protect Universally Recognized Human Rights and Fundamental Freedoms, 9 Dec. 1998, art. 12(2).

E.g., The Universal Declaration on Human Rights, supra note 7; U.N. CHARTER, infra note 62; International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights, G.A. Res. 2200A, 21 U.N. GAOR, Supp. (No. 16) 49, 50, U.N. Doc. A/6316 (1966); International Covenant on Civil and Political Rights, supra note 8; European Convention for the Protection of Human Rights and Fundamental Freedoms, supra note 9; and the American Convention on Human Rights, supra note 10. See also F.G. JACOBS, THE EUROPEAN CONVENTION ON HUMAN RIGHTS 222 (1975).

E/ CN.4 / Sub . 2 / 2003 / 12 / Rev.2

ECOSOC Safeguards Guaranteeing Protection of the Rights of Those Facing the Death Penalty, 25 May 1984, para. 1.

Eight General Programs of Work. 1987. P: 24.

G. A. RES . 217 A (111) , u. N. D.c A / 8 70/ The universal Declaration of Human Rights , 1948 , art . 3

GA Res.60/1, (World Summit Outcome) 16 Sept. 2005, para. 138-139

General Comment 14, para. 7. Cf. Legality of the Threat or Use of Nuclear Weapons, 1996 ICJ 226, 267.

General Comment 28, para. 10. See also e.g., Concluding Observations: Argentina (2010) para. 13; Concluding Observations: Jamaica (2011), para. 14; Concluding Observations: Madagascar (2007), para. 14.

General Comment 31, para. 15 and 18. See also Communication No. 1619/07, Pestano v Philippines, Views

General Comment 31, para. 18; Cf. Barrios Altos v. Peru, Judgment of the I/A CHR of 14 March 2001, para. 43.

General Comment 31, para. 8. Cf. Osman v UK, Judgment of the ECtHR of 28 Oct. 1998, para. 116

General comment 33, para. 19.

General Comment 35, para. 45.

General Comment 35, para. 9, 55.

General Comment 6, para.

General Comment 6, para. 1; Communication No. R.11/45, Suarez de Guerrero v. Colombia, Views adopted on 31 March 1982, para. 13.1; Communication No. 146/1983, Baboeram Adhin v Suriname, Views adopted on 4 April 1985, para. 14.3.

General Comment 6, para. 2.

General Comment 6, para. 3; Communication No. R.11/45, Suarez de Guerrero v. Colombia, Views adopted on 31 March 1982, para. 13.1.

General Comment 6, para. 5. Concluding Observations: Canada (1999), para 12.

General Comment 6, para. 5; Concluding Observations: DRC (2006), para. 14.

General Comment No. 14, para. 2.
 General Comment No. 24, para. 8.
 General Comment No. 29, para. 16.
 General Comment No. 29, paras. 7.
 General Comment No. 31, para. 10; Communication No. 12/52, Saldías de López v. Uruguay, Views adopted on 29 July 1981, paras. 12.13; Communication No. R.13/56, Celiberti e Casariego v. Uruguay, Views adopted on 29 July 1981, para. 10.11; Communication No. 623/1995 Omukovsky v. Georgia, Views adopted on 6 April 1998, para. 18.2
 General Comment No. 31, para. 10; Concluding Observations: United Kingdom (2008), para. 14.
 General Comment No. 31, para. 11; General Comment No. 29, para. 3.
 General Comment No. 31, para. 11; General Comment No. 29, para. 3, 12, 16
 General Comment No. 33, para. 4; Communication No. 241/1987, Birhashwiwa v. Zaire, Views adopted on 2 Nov. 1989, para. 12.5; Concluding observations: Maldives (2012), para. 26; Declaration on the Right and Responsibility of Individuals, Groups and Organs of Society to Promote and Protect Universally Recognized Human Rights and Fundamental Freedoms, 9 Dec. 1998, art. 9(4).
General Comment No. 36 (2018) on article 6 of the International Covenant on Civil and Political Rights, on the right to life. Human Rights Committee, 30 October 2018.
 General Convention of August 12, 1949 Relative to the Treatment of Prisoners of War, 1950, 75 UNTS 135.
 General Comment 14(23) U.N. Doc. P/40/40/CPR/C/SA.
 H. HOLTER & H. HENRIKSEN, supra note 5, at 179-81; David, Soviet Union, in ABORTION RESEARCH: INTERNATIONAL EXPERIENCE 209 (H. David ed. 1974).
 HIGH COMMISSIONER FOR HUMAN RIGHTS UNITED NATION, The right of every one to the enjoyment of the highest attainable standard of physical and mental health. Commission on Human Rights resolution 2002 / 3 / .
Id. at 234-35.
Id. at 235
 International Convention on the Elimination of all Forms of Racial Discrimination (1969) 66 UNTS 195, art. 5/A.
 International Covenant on Civil and Political Rights, 1966, 999 UNIS/ 7/ art. 6.
 Joint report of the Special Rapporteur on the rights to freedom of peaceful assembly and of association and the Special Rapporteur on extrajudicial, summary or arbitrary executions on the proper management of assemblies, 4 Feb. 2016, para 54. See also para. 14 below.
 Joint report of the Special Rapporteur on the rights to freedom of peaceful assembly and of association and the Special Rapporteur on extrajudicial, summary or arbitrary executions on the proper management of assemblies, 4 Feb. 2016, para 55; Basic Principles on the Use of Force and Firearms by Law Enforcement Officials (1990).
 magna charta, chapter 26.

- McGoldric K, D . The Hauman Rights committee , its Role in the Development of the International covenant of civil and political Rights , Clarendon press , Oxford , 1994 , pp. 328 , 362.
- Minnesota Protocol on the Investigation of Potentially Unlawful Death (2016)(published by OHCHR in 2017),para. 37.
- Minnesota Protocol on the Investigation of Potentially Unlawful Death (2016)(published by OHCHR in 2017),para. 35.
- Minnesota Protocol on the Investigation of Potentially Unlawful Death (2016)(published by OHCHR in 2017),para. 13; Cf. Ramsahai v The Netherlands, Judgment of the ECtHR of 15 May 2007, para. 53(requiring sufficient public scrutiny of inquiry proceedings).
- obligation to Fullfill
- Prerention of Discrimination
- Protocol No th convention for the protection of pHuman Right and fund amental freee dooms concerning the Abolition of thhe Death penalty , ets //4 , art2. univ ersal Islamic Decloration of Right s , 1982 , 4 EhRR 433.
- Raffael Grafalo, Criminology , Montclair, Patterson Smith , 1968 , pp . 104 , 105,376, 410 , cesar lombroso, crime , Its cause and Remedies , New york , Agatha press , 1967 , p. 527.
- Report of The International Law Comission on work of its forty- fifth
- Report of the Special Rapporteur on extrajudicial, summary or arbitrary executions, 23 May 2011, para. 60
- Report of the Special Rapporteur on extrajudicial, summary or arbitrary executions, 1 April 2014, para. 75.
- Report of the Special Rapporteur on extrajudicial, summary or arbitrary executions, 27 May 2009, para. 68. Communication No. 1756/2008, Zhumbaeva v. Kyrgyzstan, Views adopted on 19 July 2011, para. 8.6;
- Report of the Special Rapporteur on extrajudicial, summary or arbitrary executions, 8 March 2006, para. 41.
- Report of the Special Rapporteur on extrajudicial, summary or arbitrary executions, 1 April 2014, para. 81.
- Report of the Special Rapporteur on extrajudicial, summary or arbitrary executions, 28 May 2010, para. 93.
- Report of the Special Rapporteur on extrajudicial, summary or arbitrary executions, 2 May 2008, para. 67.Concluding Observations: Yemen (2012), para. 14.
- Report of the Special Rapporteur on extrajudicial, summary or arbitrary executions, 9 April 2013, para. 113-114.
- Report of the Special Rapporteur on violence against women, its causes and consequences, 23 May 2012, para.21.
- Report of the Working Group on Enforced or Involuntary Disappearances, 2 March 2012, para. 56, 59.
- Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts, art. 16, annex to General Assembly resolution 56/83of 12 December 2001. Cf. Application of the Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide (Bosnia and Herzegovina v. Serbia and Montenegro), 2007 I.C.J. Reports 43, 217.
- Ricardo Ulate , the death penalty some observations on latin America, United Nations Crime Prevention and criminal justice news letter 27 , 1986 , pp 12-13

Rio Declaration on Environment and Development, 14 June 1992, principles 1, 2, 11, 15, 17, 18. Cf. Convention on Access to Information, Public Participation in Decision-Making and Access to Justice in Environmental Matters, 25 June 1998.

Scott, *supra* note 3, at 179-80.

Scott, *Women in Eastern Europe*, in Sax ROLES AND SOCIAL POLICY, *supra* note 2, at 177; V. ToMslc, *TiHi STATUS OF WOMEN, FAMILY PLANNING AND POPULATION DYNAMICS, WORLD POPULATION CONTROL-RIGHTS AND RESTRICTIONS* 244 (1975). See also G. ZATUCHNI, J. SCIARRA & J. SPRIDRL, *PREGNANCY TERMINATION: PROCEDURES, SAFETY AND NEW DEVELOPMENTS* 416-25 (1979).

See also para. 64 below.

See also para. 7 above.

See also paragraph 17 above

See also paragraph 31 above. Cf. General Comment No. 31, para. 12

See also paragraph 35 above.

See Commentary to Article 1 of the Code of Conduct for Law Enforcement Officials, General Assembly resolution 34/169 of 17 December 1979

See Communication No. 1862/2009, *Peiris v Sri Lanka*, Views adopted on 26 Oct. 2011, para. 7.2.

See Communication No. 2324/2013, *Mellet v. Ireland*, Views adopted on 31 March 2016, para. 7.4-7.8; *Concluding Observations: Ireland* (2014), para. 9

See *Concluding Observations: Guatemala* (2012), para. 16; General Comment 31, para. 15.

See e.g., Comm. No. 2017/2010, *Burdyko v Belarus*, Views adopted on 15 July 2015, para. 8.6.

See e.g., Communication 1556/2007 *Novakovic v Serbia*, Views adopted on 21 Oct. 2010, para. 7.3; *Concluding Observations: Russia* (2009), para. 14.

See e.g., Communication No. 1917/2009, *Prutina v. Bosnia and Herzegovina*, Views adopted on 28 March 2013, para. 9.6.

See e.g., Communication No. 470/ 1991, *Kindler v. Canada*, Views adopted on 30 July 1993, para. 14.3; *Report of Special Rapporteur on extrajudicial, summary or arbitrary executions*, 9 Aug. 2012, para. 35.

See e.g., Communication No. 992/2001, *Saker v. Algeria*, Views adopted on 15 March 2006, para. 9.2;

See e.g., *Concluding Observations: Panama* (2008), para. 9; *Concluding Observations: FYROM* (2015), para. 11. See also WHO Guidelines on Safe Abortions World Health Organization, *Safe Abortion: Technical and Policy Guidance for Health Systems* (2nd ed., 2012) 96-97.

See e.g., See e.g., Communication No. 2259/2013, *El Boathi v. Algeria*, Views adopted on 17 March 2017, para. 7.5.

See General Comment No. 17, para. 1; General Comment No. 32, paras. 42-44; Communication 1917/2009, *Prutina v. Bosnia and Herzegovina*, Views adopted on 28 March 2013, para. 9.8; *Concluding Observations: Benin* (2015), para. 19.

See Minnesota Protocol on the Investigation of Potentially Unlawful Death (2016) (published by OHCHR in 2017), para. 10.

See Minnesota Protocol on the Investigation of Potentially Unlawful Death (2016) (published by OHCHR in 2017), para. 25; *Kawas-Fernández v. Honduras*, Judgment of the I/A CHR of 3 April 2009 para. 102.

See paragraph 22 above; Concluding Observations: USA (2014), para. 9.
 See paragraph 27-28 above; Minnesota Protocol on the Investigation of Potentially Unlawful Death(2016)(published by OHCHR in 2017), para. 20-22.
 See Prosecutor v Furundzija, ICTY Appeals Chamber Judgment of 21 July 2000, para. 189
 See Treaty on the Non-Proliferation of Nuclear Weapons, 1 July 1968, 729 UNTS 161; Comprehensive Test Ban Treaty, 10 Sept. 1996, Treaty on the Prohibition of Nuclear Weapons, 7 July 2017 (not yet in force);
 Statute of the International Court of Justice, Art. 38, [1947] P.C.I.J., ser.D, No. 1 at 46; Waldcock, *General Course on Public International Law*, [1962] 106 REcuEm DES CouRs 49-53 (Académie de Droit International).
 The American Declaration on the Rights and Duties of man , OAS Doc. OEA/ Ser. L. / u/ , 104 , 1948, art .1
 The European Convention for the Protection of Human Rights and Fundamental Freedoms, articles 1, 2, and 3, *supra* note 9.
 The Universal Declaration of Human Rights, articles 3 and 5, *supra* note 7
 The Vienna Convention on Consular Relations, 24 April, 1963, art. 36(1)(b), 500 U.N.T.S. 95. See also The Right to Information on Consular Assistance in The Framework of The Guarantees of the Due Process of Law' I/A CHR Advisory Opinion of 1 Oct. 1999, para. 137
 Universal Declaration of Human Rights, preamble.
 Weapons and on their Destruction, 3 Sept 1992, 1974 UNTS 45.

سایت

www. un.org / waterforlifedecade / humanrihgt to water . shtml Visited on : 20/ 10/ 1391.
<http://sokhanrani.iranseda.ir/DetailsAlbum/?VALID=TRUE&g=867>
<http://wikifeqh.ir>
<http://wikifeqh.ir>
<https://fa.wikipedia.org/wiki>

Abstract

Human rights are two- way word that on one hand is related to morality and on the other to rights when we speak of justice and equality and solidarity we speak of morality and, when it comes to identifying the right and exercising the right and the mechanisms necessary to ensure it, we have spoken aspect of right of the human rights. If we consider human rights as an over – allocation the concepts like right to life , the prohibition of torture, the right to petition , the right to vote and the right to freedom of expression will be cleared. These types of right are some times called rights - powers of right - freedom the rights of freedoms, is also called Political rights and civil rights it discussed of the mechanisms for exercising the right that we need that ultimately put human rights in the paradox of transcendent values and political standards, that to get rid of this paradox we should find common denominator for each of them in the Islamic system , we find solutions that guide us to this because of that kind of recognition that Islamic system in this regard has seems unique, comprehensive and full because the type of identification in the Islamic system has been done correctly. In the Islamic system, the method of identification has been done correctly and based on human nature so the research question will be like this :

how is the explanation of the right to life in international human rights and Islamic document?

What are the ways and means of protecting the right to life in islam?

What are the mechanisms for protecting the right to life in international human right instrument?

What are the commonalities and differences in the protection of the right to life in the system of the international human rights and islam?

Keywords: Life Protection, Human Rights, The system international Human Rights, The system of Islam



Shahid Ashrafi Esfahani University
Faculty of Administrative Sciences and Economic
Department of Management

M.Sc. Thesis

**Analysis Of Protection Of The Right To Life In
International Human Rights Law And Islam**

Supervisor
Dr. Masoud Raie

Advisor
Dr. Amir Maghmi

By
Zohreh Hejazifard

October 2019